

بدان؛ و سنجش بُعد فراسوی عالم، نامتناهی است، همچون سنجش زمانها پیش از عالم که نامتناهی می‌باشد؛ فلذا تناهی در مکان و عدم تناهی در خلاء، که هم از مقوله ترکیب جدلی «ضدین» است، خود از مسائل فرضیه «نسبیت» (یعنی نسبیت فضائی) می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

### [زمان]

8. §. زمان ذات بی‌اصل «مدّت» (= کشیدگی / درازیده) فضای نامتناهی، جوهر ازلی «گذرنده» (رونده) واجب به وجود که پایدار به خود باشد، همان «سرمد» (= بی‌آغاز و انجام) و «دهر» که امتداد «فضای» عدم‌ناپذیر در افق عقل است.<sup>(۲)</sup> مدت و دهر و زمان (به معنا) از یک جوهر است (این هر سه) همان ترتیب سه ساحت (وعاء) «سرمد و دهر و زمان» باشد که سه امتداد (طیف) وجودی عالم‌اند.<sup>(۳)</sup> اما همان‌طور که «مکان» بر دو قسم مطلق و مضاف است، زمان نیز بر دو قسم «مطلق» و «محصور» باشد: زمان مطلق همانا «سرمد» و مدّت ابدی یا «دهر» مدید و قدیم نامتناهی باشد (– زروان اکران) و زمان محصور / مضاف / محدود و متناهی (– زروان کرانک) امتداد فضا و مقدار حرکات فلک یا سنجیده به «گذران» خور و ماه و ستارگان است.<sup>(۴)</sup>

9. §. زمان محصور متناهی همانا زمان حادث (حدوثی) یا آفرینش و پیدایش عالم – که در قلب زمان مطلق نامتناهی قدیم (قدومی) ازل می‌زید – هم از زمان بیکرانه سرمدی فراجسته و بُرش یافته (که «مدّت» آن به‌گونه نمادین معبر از زمان بروج فلکی است) همانا بُرّه و دوره و آغازیده و مبدأ تاریخگذاری باشد.<sup>(۵)</sup> چون وجود شیء حاکی از تقدّم و تأخّر است (که هم با زمان «دیرینه‌تر و نویدتر» شناخته می‌آید) حدوث منسوب به زمان شمارای کرانمند باشد؛ و بعضی زمان بیکران (سنجش‌ناپذیر) سرمدی را از برای حرکت دایره‌سان دانند (که متحرک ناچار بدان بازسته) و همچنان خواهد بود تا گذارش به زمان کرانمند (= مضاف محصور) افتد.<sup>(۶)</sup>

10. §. به‌طور کلی (برای درک «حرکت / حدوث دهری / زمانی» حکیم‌رازی) باید

۱. ۷، ۲، ب.

۲. ۷، ۲، ب. / ۵، الف. / ب. / ج. / و.

۳. ۷، ۵.

۴. ۷، ۲، ب. / ۵، الف. / ب.

۵. ۷، ۲، ب. / ۵، ب. / ه. / و.

۶. ۷، ۲، ب. / ۵، الف. / ج. / و.

دانست «سرمد» عبارت است از نسبت ثابت به ثابت، که همان ازلی به ابدی باشد؛ و «دهر» عبارت است از نسبت ثابت به متغیر، که ابدی به زمان باشد؛ و «زمان» عبارت است از نسبت متغیر به متغیر، که حادث به حرکت باشد. (و از حیث مابعد طبیعی) سرمد یا «نا-زمان» (بیزمانی) ساحت وجودی صرف مطلق، که به تعبیر دینی همان «خدا» ست (زروان خدای ایرانی) و «جهان برین» در ظرف سرمد است. دهر یا «فرا-زمان» (فرازمانی) ساحت واسط بین سرمد (زمان مطلق) و زمان کرانمند (محصور) است، دهر «در» سرمد و محاط بدان و «با» زمان و محیط بدان، جوهر سرمدی در افق عقل بی آغاز و انجام (عدم‌ناپذیر) و اکنون پیوسته‌ای است، امتداد وجود ذاتی / الهی و همان باطن زمان که ازل و ابد بدان اتحاد یابند؛ دهر و «خلاء» در نهاد خرده‌ها بدون استدلال پایدارند، این دو به منزله وعاء (ظرف) وجود به تصور عقلی آیند (و به قول رازی) این همان دهر (زروان خدای) است که عالم را بدان پتیاره (اهریمن) گرفتار کرد. زمان، ساحت طبیعی همه موجودات زمانی، که سیلان متغیرات در آن باشد، قلمرو عالم مشهود است.<sup>(۱)</sup>

### [نفس]

11 §. نفس وجودی واحد و جوهری مجرد است، دیرینه و زنده که علت حیات بدن‌هاست، پیش از «تن» ها وجود داشته و پایدار به تن نیست؛ نفس مبدأ حیات و موجد حرکت، همان مصدر روح‌های سماوی و بشری است. نفس زنده و کنشگر اما «نادان» باشد، که هم به نادانی و پتیارگی بر هیولئی آویخته - یعنی - پیوسته با ماده است؛ نفس چیزی مجردی (جوهر مفارق) از هیولئی نیست، بل مفهوم آن مجرد باشد که هم مکمل «اندامگان» زنده جنباست. علت حیاتی نفس و افعال متکثر یا «صورت» ها که از هیولئی پدید آید، همانا به طریق ایجابی صدور یابند (مانند نور که از خورشید فائض شود) ولیکن نادان باشد. برهان دیرینگی نفس هم مبنی بر پیوستگی آن با ماده است، که اگر نوپدید بودی ماده دیگری حاجت داشتی.<sup>(۲)</sup>

12 §. نفس (حسب نظر افلاطون) بر سه قسم است: ناطقه الهی، غضبی حیوانی، نامی شهوانی؛ ولی (از نظر رازی) نفس کلی ملهم به حکمت نباشد، چه آن نفوس روحانی

۱. ۷، ۵، الف. ب. ز.

۲. ۷، ۲، ج. ۶.

(= مینوی) گوهرهای نورانی بسیط‌اند، که از هیولای آذرین عالم علوی نشأت یافته‌اند (– طباع تامّ / فروهران) ولیکن نفس کلّی نظر به آویزش آن به نادانی با هیولی، همانا خود «ظلمت» حیوانی صادر اهریمنی است که جهل صفت ذاتی اوست. نفس حیوانی که صورت هیولانی (ناسوتی) آن عنصر «آب» زمینی است (که از آن «حیات» خیزد) معنای غیرهیولانی (لاهوئی) آن «آز» (هوئی) اهریمنی است که از آن به شیطان یا دیو تعبیر کرده‌اند. این همان پتیاره گردنگیر جهان است که از آن گریز و گزیری نباشد: همستاری «نفس» (– اهریمن نادان) با «باری» (– اورمزد خردمند) که مبین ضدّین عالم وجود است، همیاری آن دو نیز در آفرینش جهان (چنان‌که رازی می‌گوید) مبین ترکیب جدلی (– تمازج) ضدّین وجود می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

13 §. اشتیاق نفس کلّی به هیولی و فرودش بدان، آویزش و آمیزش با آن (از بهر لذّت‌جویی) خود برهان قاطع فلسفی در حدوث عالم است. پتیاره (Antithesis) گیتی در وجود نفس سرشته و نهادینه شده، جنبش‌های نفسانی بر اثر اجتماع و افتراق اجزاء لا یتجزّی (= ذرات هیولی) طبیعی است، در حیوان نیروهای نفس تابع مزاج بدن می‌باشد؛ فلذا نفس ناطقه که خود «آمیغ» ضدّین (نیک و بد) است، هم به وسیله «مغز» (که ابزار نطق و فکر است) گویا باشد.<sup>(۲)</sup> پس آنگاه که تمامی جوهر نفس از جوهر هیولی جدا شود، نفس به عالم خویش باز رسد؛ ماده و روح (چنان‌که گذشت) با هم قدمت استوائی دارند، به عبارت دیگر روح وجه زنده ماده است (روح هم مادی است) و رازی می‌افزاید که «نفس‌های بدکرداران دیو شوند».<sup>(۳)</sup>

### [باری]

14 §. باری (= پروردگار) گوهر «خرد و دانایی» است، که گذشت صورت لاهوتی آن آذر (– فروغ) کیهانی باشد؛ و همان «عقل» تامّ الحکمة که نور اثیری فائض از وی (همچون پرتو خورشید) صفت معناشناخت اورمزدی است؛ وی برخلاف «نفس» اهریمنی مصدر حیات هرگز با هیولی نیاویزد و نیامیزد، لیکن ضمن همستاری با نفس در امر خلقت عالم و آدم با وی همیاری کند.<sup>(۴)</sup> «باری» خالق خیر و «نفس» خالق شرّ است

۱. ۷. ۲. ج. ۳ / ۶ / الف.

۲. ۷. ۲. ج. ۶ / ب.

۳. ۷. ۲. ج. ۳ / ۷ / ۸ (ج).

۴. ۷. ۲. ج. ۶ / الف.

(- دو نیم‌رخ روشن و تاریک زروان) هم از ترکیب تعاملی آن دو طبعهای چهارگانه در ازل پدید آمده‌اند؛ و حسب تمازج جدلی (- همنهادی) یا همیاری و هماهنگی این دو همستار جاودانه در امر آفرینش، همانا حیات با منشأ اهریمنی - یعنی - نفس در وجود انسان، خود بهری هم از «نور» ایزدی - یعنی - عقل بیافته است؛ از اینروست که او را طُرفه معجون‌ی از «دیو و فرشته» وصف کرده‌اند، آمیغ این دو همان جزء عقلانی نفس یا جزء نفسانی عقل باشد.<sup>(۱)</sup>

## II. پیدایش جهان

0 §. چنان‌که گذشت (I) رازی فقط «پنج دیرینه» (ماده، مکان، زمان، نفس، خدا) را ثابت کرده (14-§1) عالم وجود را «نوپدید» (= حادث) می‌داند، که متکلمان ادیان از این معنا به لفظ «مخلوق» (= آفریده) تعبیر کنند؛ و چون مخلوق خود مسبوق یا معلول به فعل «خلق» (= آفرینش) است، پس وجود «خالق» قدیم (= دیرینه) لازم می‌آید، که از نظر رازی همان «باری» تعالی (- عقل کلی) یا «خدا» ست.<sup>(۲)</sup> اما سبب نوپیدگی این‌که «نفس» خواست در این جهان سرشتی نماید (نهادینه شود) ولی پتیاره‌ای که بدان دریوسته (- یعنی «اهریمن») سبب شد که «باری» (- اورمزد) او را در پدید کردن این جهان یاری کند (12-§ و 14-§) پس این جهان به همیاری (- تعامل / تمازج) «باری» و «نفس» (یزدان و اهرمن) پدید گشت.<sup>(۳)</sup> تقدیر ذهنی در خصوص قَدَم (= دیرینگی) یا حدوث (= نوپیدگی) را «تقدیر عقلی» هم گویند، دیرینه‌های پنجگانه رازی حسب وجود ذاتی آنها، همانا به وجه استوائی (= یکسان) تقدیر عقلی شده‌اند.<sup>(۴)</sup>

15 §. فرایند حدوث که در نزد رازی به موجب «حرکت دهری» است، با مفهوم رویداد ازلی (Big-bang) کیهان برابر است، که همان انفکاک وجودی از ذات سرمدی باشد؛ چنان‌که عالم بر اثر انحلال و ترکیب یا تمازج «منفی» (هیولی-نفس) و «مثبت» (اثیر-باری) در بوتۀ ازلی «خَلَاء» (فضا) و در بستر ابدی دهر (- زمان مطلق) به «طبع» صورت گرفته است.<sup>(۵)</sup> حدوث دهری یا فرازمانی جهان مسبوق به «عدم ذاتی» - یعنی -

۱. ۷، ۲، ۳ / ۶، الف.

۲. ۷، ۴.

۳. ۷، ۴.

۴. ۷، ۴.

۵. ۷، ۴، ۵، ج.

تصوّر «قدم عقلی» باشد؛ و ساحت دهر - چنان‌که گذشت (8 §) از نظر وجودشناسی ایستاست، که همان مرتبه «سکون» می‌باشد؛ زیرا جسم بر دو وجه قدیم باشد: یکی آن‌که در ازل متحرک بوده [ارسطو] و دوم این‌که در ازل ساکن بوده، سپس متحرک شده [رازی] و حرکت دهری هم از «سکون» سرمدی، بسا به گونه‌های «گذار» (کنارش) یا جهشی - تپشی و یا «گردبادی» تواند بود.<sup>(۱)</sup>

16 §. حادث نیز بر دو گونه است: یکی «با» دهر، و دیگر «در» زمان؛ و چون مقوله زمان مطلق در نزد رازی از نوع «قدم ذاتی» سرمدی (حسب تقدّم عقلی) بیان گردیده، پس حدوث لزوماً از حیث منطقی همانا از نوع «حدوث دهری» باشد. حدوث در زمان مطلق بدون تکمّم و امتداد زمانی رخ می‌دهد، که در پایگاه دهر «وجود» پس از عدم غیرمتکّم زمانی حدوث ذاتی می‌یابد. حدوث ذاتی را بر اثر انفکاک وجودی، رازی به «خیزش ماهی از آب» تشبیه کرده، چنان‌که نوپیدی حسب تأخر انفکاک از دیرینه هم حدوث زمانی باشد. اما هستی‌های سه‌گانه که معقول‌اند: (۱) وجود «در» زمان که آغاز و انجام دارد، (۲) وجود «با» زمان که همان دهر است (فراگیر بر زمان و سپهر) ...، (۳) وجود ثابتی که فراگیر بر دهر است (اکران زروان برین) که همان «سرمد» باشد.<sup>(۲)</sup>

17 §. بدین سان، وجود فضای کلی بی‌نهایت (سه‌بعدی) پیرامون عالم، همان ساحت (وعاء) دهر یا سرمد است؛ بنیان عالم با پنج قدیم در ازل (- ساحت دهر) ساکن بوده، سپس هم در ازل (به حرکت ذاتی) حرکت یافته؛ اجسام به ذات قدیم‌اند، که در صفات یا «ترکیب» محدث باشند. زمان که از مقارنه با حرکات عاری است، همان دهر و ازل و سرمد باشد که از یک جوهرند؛ سرمد (زمان مابعد طبیعی) همان زمان مطلق (= زروان بی‌کران) که چون قدیم است لابد نامتناهی است، قدم آنهم ذاتی سرمدی (به تقدیر و تقدّم عقلی) باشد. «دهر» جوهر سرمدی در افق عقل است، که امتداد وجود ذات سرمد است، وجودش در یک کلّ همزمان قرار گرفته است. اما زمان محصور (= زروان کرانمند) همانا زمان طبیعی (فیزیکی) چونان «درنگی» (تأخر) در زمان مطلق و یا در فضای «دهر» جاری (= رونده و گذرنده) است، وجودش در امتداد و کشش زمانی (دهر) گسترده باشد، همان زمان فرآیند حدوث عالم متناهی است.

18 §. فضا همان «خلاء» - یعنی - مکان مطلق همبر با زمان مطلق (دهر) و همانا دهر و

۱. ۷/۴، ۵/۴، ۷/۱۰، ۳-۱۱-۴. ۲. ۷/۴، ۵/۴، ج.

خلاء همچون «وعاء» (ظرف) وجود به تصوّر عقلی آیند. امر عالم (- حدوث) با گذر «جوهر» زمان به طور غیرمتکّم (جهشی یا گذاری) بر دامنه زمان مطلق (- سرمد) سپری شده، که همان حرکت دهری می‌باشد؛ و حرکت گذاری حدوث عالم به «طبع» با مدّت متناهی، انفکاک وجودی بر حسب تأخّر انفکاک از قدیم ذاتی است (- حدوث زمانی) که در این صورت «حدوث ذاتی» از روی طبع بوده، نه خواست (-ازاده ازلی) و خلقت عالم با همیاری ضدّین قدیمین - یعنی «باری» (یزدان) و «نفس» (اهریمن) صورت گرفته است. به بیان دیگر، حدوث با تأخّر انفکاک (وجودی) از تقدّم ذاتی (سرمد) واقع شده، چه آن که «دهر» در مفهوم تقدّم زمانی بر عالم گذشته (= «مدّت» نموده/ کشیدگی کرده) که آغاز پیدایش جهان باشد. بُرهان تکوین عالم از نظر «ذره‌گرایی» هم به طریق اجتماع و افتراق ذرات، پس حدوث از اینرو «مداوم» (- عالم در سیوررت) و معاد نیز همان انحلال یا افتراق پیوسته اجزاء لا یتجزّی است.<sup>(۱)</sup>

19 §. حسب نگرش اتمی امر عالم مبنی بر «حدوث» است، پیدایش جهان (Cosmogony) بیان سیر تاریخی افتراق پیوسته‌ای است، که طیّ آن اجزاء عالم از یکدیگر جدا می‌شود. نیروی جفاگر و جداگر تخمه‌های گوناگون آفرینش (که در نامتناهی به «اجزاء» متناهی تقسیم‌پذیراند) در «طبع» عالم و به موجب تمازج ضدّین (ترکیب و انحلال) در اجزاء لا یتجزّی است.<sup>(۲)</sup> چون اجسام مادی محسوس مرکب از اتم‌ها باشند، پس ضروری است که جهان در «زمان» پیدایش یافته باشد؛ اتم‌ها که بر حسب نسبت‌های مختلف با اجزاء خلائی آمیخته‌اند، پنج عنصر (مذکور) را پدید آوردند. همه کیفیات (مذکور) عناصر با کمیتی از ماده تعیین می‌شوند، چنان‌که با اجزاء خلائی موجود در آنها سنجیده آیند: عناصر سنگین (- خاک و - آب) میل حرکت به مرکز زمین دارند، در حالی که عناصر سبک (- هوا و - آتش) - که در آنها اجزاء خلائی چیره‌اند - سوی بالا حرکت کنند؛ عنصر سنگین که در آن تعادل بین ماده و اجزاء خلاء برقرار باشد، حرکت دایره‌سان دارد.<sup>(۳)</sup>

20 §. علّت حدوث عالم در نزد رازی «علّت محدّثه» است، وی مطلقاً به «علت غائی» ارسطویی (که ناظر به امر مابعد طبیعی است) اعتقاد نداشته (آنرا قویاً ردّ کرده) و

۱. ۷، ۵، ج (17-18).

۲. ۴، الف. IV.

۳. IV، ۴، د.

حدوث ذاتی هم چون به «طبع» بوده (نه «خواست» الهی) همانا به طریق ایجابی (نه «صدور» فیضی) تفسیرپذیر است. پس نظر به ازلی بودن ماده (قدم هیولئی) «خلق از عدم» محال، ابداع و صنّع «مجزاً» از هیولئی و خلاء و زمان هم باطل است.<sup>(۱)</sup> انکار اصل علیّت (- غائیت) با نظریه اتمی ملازمت دارد، زیرا که در جهان ذرات اصل تصادف و «بخت» دخیل باشد؛ و از اینرو اولاً علت کون هم از برای حرکت اجزاء عالم همان وجه منفی خلقت (- پتیاره اهریمنی / Antithesis) که رازی از آن به «برهان نفس» تعبیر کرده، ثانیاً آن حرکت ذاتی «رهایشی» (اتفاقی) هم خودبخودی یا «خودانگیزش» آغازی هستی باشد؛ بدین سان، پیدایش جهان از روی «بخت» و تصادف رخ داده، که همانا موافق با اصول ذره‌گرایی در حکمت طبیعی است.<sup>(۲)</sup> مسأله «صنّع مدام» (نوپدیدگی و فرسکرداری پیوسته زروانی جهان) هم برحسب نگرش جدلی (دیالکتیک) طبیعی-فلسفی است، موضوع ربط حادث به قدیم (برهان تطبیق مکان متناهی با زمان نامتناهی) هم از مسائل «نسبیت» است.<sup>(۳)</sup>

### III. ساختارگیتی

§ 0. حکمت طبیعی رازی ناظر به «ماده» و «معنا»، همانا به طبیعت‌شناسی و گیتی‌شناسی در فلسفه «مادی» بسی نزدیکتر است، تا به حکمت اولئی که این را «مابعد طبیعی» (= متافیزیک) هم گویند.<sup>(۴)</sup> چهار مقوله علم طبیعی (جسم، مکان، زمان، حرکت) که در جزو قدامی خمسه رازی بیان شده (\$1-\$11) خود در مرز میان علم و فلسفه قرار دارند که آراء وی درباره آنها مبین اصول گیتی‌شناسی اوست.<sup>(۵)</sup> علم طبیعی که رازی بیان نموده (چنان‌که گذشت) این است که جسم از حیث طبیعت، دارای اجزاء «خرد» است که استحاله (کون و فساد) در آنها حسب تمازج - یعنی اجتماع و افتراق اجزاء (= ذرات) باشد؛ به دیگر سخن، جسم طبیعی همانا ترکیبی از اجزاء موجود بالفعل متناهی تقسیم‌ناپذیر (ترکیب اجزای هیولئی با خلاء) است.<sup>(۶)</sup> کل وجود نامتناهی است که قسمتی از آن پُر از اتم‌ها و قسمتی «خلاء» است، تعداد زیادی از ذرات با اشکال

1. IV، 1/1، V، 1/1، الف. 2/1، 4/5، ج.  
2. IV، 4/4، ج. 5/5، 7/4، د.  
3. V، 4/5، و.  
4. IV، 5/5، الف.  
5. IV، 6/5، و.  
6. IV، 5/5، و.

مختلف در خلاء نامتناهی حرکت می‌کنند؛ توده‌ای بی‌کران که «بذر» (= تخمه / ذره) های تمام عوالم در آن با یکدیگر آمیخته‌اند، همانا «مَلَاء» نام می‌باشد که ازلی و پایدار به خود است.<sup>(۱)</sup>

21 §. عناصر ساختارگیتی (= جهان مادی) چنان‌که گذشت (3 §) مماثل با قدماءِ خمسة (I) پنج‌تاست: «آتش، باد، خاک، آب، سپهر»، که هر یک از آنها آمیغ جسم‌های خُرد (= ذرات) با جوهر خلاء به نسبت‌های مختلف باشد؛ صورت هر یک از آنها به ترکیبی مختصّ بدان از هیولای اولیّ تکوین یافته است، که تجزیه در آنها راه نیابد مگر به طریق اجتماع و تفرّق، ترکیب آنها هم با خلاء برحسب نوع پدیدآمده از آنها باشد؛ از اینرو کیفیات (- خواصّ و صفات) عناصر چون «سبکی و گرانی، نرمی و سختی»، ناظر به نسبت خلاء در ترکیب آنها با هیولای است. خاک و آب که از عنصرهای «گران» اند، به سوی مرکز زمین می‌گیرند؛ حال آن‌که هوا و آتش که از عنصرهای «سبک» اند (- جوهر خلاء در آنها چیره است) به سوی بالاگرایش دارند. عناصر اربع را اصطلاحاً «بسایط» (= غیرمرکّب) هم گویند، اما «مرکّبات» خود بر دو گونه است: (۱) تامّ، که «موالید» (= جماد، نبات، حیوان) نامند؛ (۲) ناقص، که «آثار علویّه» (= کائنات جوّ / هوایات) خوانند.<sup>(۲)</sup>

22 §. اما عنصر پنجم یا «سپهر» (= فلک) که «اثير / Ether» (اثر) باشد، چنان‌که گذشت (4 §) همان «آذر» (Adhar) اوستایی است، که همین عنصر فلکی (Celestial Element) با لفظ «اثير / Ether» و معنای خود (- اثير) از حوزه علم و فلسفه ایران به سراسر جهان انتشار یافته است؛ آمیزه‌ای میانه از هیولای و خلاء باشد، هم از گوهر «آتش» (= نار) با بهری بیشتر از عنصر «هوا»، که بر روی هم «پرتو / فروز / فروغ» (= نور) گویند. حرکت ویژه آن دایره‌سان باشد، که این امر گردش اجرام سماوی را توجیه می‌کند؛ هم چنین بخش مینوی آسمان همان فلک «اثير» باشد، که گفته‌اند جایگاه «فروهران» (= مُثُل افلاطونی) است؛ ولی همین عنصر «آذر» زردشتی (رازی) و «آتش» هراکلیتی (رازی) خاستگاه پرتوهای کیهانی، رهنمون به نگره «پلاسمای» عالم در فیزیک معاصر است.<sup>(۳)</sup>

۱. IV، ۴، الف.

۲. IV، ۵، ب. / و.

۳. IV، ۵، ب. / و. / ی.



23 §. صورت‌های ماده (هیولن) در نگره رازی، برخلاف نظر ارسطویی که مبنی بر «اتصال» است (فلذا وجود «خلاء» را ضروری نمی‌داند و تبدیل‌پذیری عناصر را به یکدیگر ممکن می‌شمارد) همانا برحسب تئوری اتمی‌اش مبنی بر «انفصال» صورت‌هاست (که وجود «خلاء» را ضروری می‌داند و تبدیل‌پذیری عناصر را غیرممکن می‌سازد) و این نگرش چنان‌که گذشت (7 §) حاصل دانش شیمی (کیمیای) رازی، همانا مؤسس بر تجارب آزمایشگاهی و رهنمون به نظریه «حرکت مولکولی» معاصر است.<sup>(۱)</sup> از اینرو آنچه در فیزیک ارسطویی «انقلاب عنصری» (= استحاله یا «تغییر» اجسام) نام یافته، در نزد رازی همانا «ترکیب» یا تمایز عنصری به صورت «انحلال» (= گشودگی) و مصادیق کیمیایی آن همان «مزاج» (= آمیغ و ترکیب) مواد شیمیایی باشد؛ یعنی هر چه تلاقی اتمها و مولکولها در یک محیط بیشتر باشد (- فضای باز) امکان ترکیب آنها بیشتر است؛ و این همان موضوع «طیف عنصری» (به تعبیر ماست) که طی آن کیفیات متضاد، حسب منطق جدلی (دیالکتیک) رازی، با یکدیگر اینهمانی - یعنی - تجزیه همان ترکیب است.<sup>(۲)</sup>

24 §. اما مرکبات فلکی که مراد اجرام سماوی باشد، هم از جزوهای هیولن است (با عنصر «اثير») که پیشتر گذشت (22 §) و آن ترکیبی متفاوت است، فلک را هم نه سوی میانه عالم و نه سوی حاشیت آن حرکت باشد. طلوع و غروب خورشید و ستارگان در نزد رازی به سبب حرکت زمین نیست، بل بر اثر حرکت فلک و آسمان است (- عنوان رساله‌اش) که همین موضوع سکون «زمین» در متن نگره کهن «زمین مرکزی» حسب مبانی هیئت بطلمیوسی مطرح باشد؛ رأی رازی به عنوان فیلسوف طبیعی، مبنی بر «سکون» زمین و امتناع حرکت وضعی یا انتقالی آن است.<sup>(۳)</sup> اما «کروی» بودن زمین که مردم پیرامون آن باشند (- عنوان رساله‌اش) و این که در میانه فلک جای گرفته، چنان‌که آن فلک را دو قطب باشد که به گرد آن دو همی چرخد. درباره انتقال کره زمین از میانه آسمان به جهتی، لازم آید که زمین به آسمان در جهت حاشیت آن برسد، مگر این‌که آسمان را نیز حرکتی به سوی آن جهت برابر با حرکت زمین باشد؛ و به طور کلی، حرکت زمین و سکون آن، نظر به لزوم میانه‌بودنش در هر دو حال، خود امری واحد است که همان رأی بطلمیوس باشد.<sup>(۴)</sup>

۱. III، ۷، ج. IV، ۵، ج.

۲. IV، ۵، ج. و.

۳. III، ۷، ب.

۴. III، ۷، ب. / IV، ۳، ه.

25 §. «حرکت» دارای مبدأ طبیعی است، که این با نگره ارسطویی «طبیعت مبدأ حرکت است» ماهیة متفاوت است؛ چه حرکت در نزد ارسطو (که اهم تقاض رازی بر آن است) واقعیت مشخصه طبیعت است (و طبیعت خود اصل حرکت می‌باشد، نسبت به «جوهر» وجود ندارد (حرکت جوهری ممتنع است) و سکون هم تقرّر در مکان طبیعی باشد؛ از اینرو حرکت کلاً خود به مفهوم تغییر مکان است، به عبارت دیگر حالت تغییر از قابلیت (بالقوه) ماده به «صورت» فعلیت آن (– طبیعت) حرکت باشد.<sup>(۱)</sup> لیکن برخلاف آن از نظر رازی «جرم طبیعی را از حرکت طبیعی چاره نیست، حرکت، ذاتی طبیعت است؛ جسم به طور ذاتی دارای محرک طبیعی است؛ حرکت دانستن است، اما دیدنی نباشد؛ و این که حرکت ذاتی طبیعت و اشیاء باشد، هم بدان معناست که از سه مقوله مزبور «جوهر» نیز حرکت دارد (– حرکت جوهری) و این امر برحسب تمازج ضدین (ترکیب و انحلال) در اجزاء لا یتجزئی است.<sup>(۲)</sup>

26 §. رازی گوید که افزون بر دو قسم حرکت (طبیعی، قسری) یک حرکت سوم هم بوده باشد، که آن را حرکت «فلتی» (= رهایشی) نامیده است؛ ولی این نوع حرکت در معنا همان حرکت خودبخودی (– خودجنبا) است<sup>(۳)</sup>، که هم از روی «بخت» یا حرکت اتفاقی و این خود برهان حرکت دهری است (15 § و 20 §). زیرا بخت که همان علت اتفاقی است، حرکت اتفاقی هم فقط به موجودیت شیء که از حیث کمیت تجزیه‌ناپذیر باشد (– ذره) تعلق می‌گیرد. صفات «تجزیه‌ناپذیر» و «نامتناهی» (اتمها) در وهله اول به چیزی که تغییر می‌کند تعلق دارند: (الف). تغییر در شیء تجزیه‌پذیر (متصل) کمی است، یا تغییر کمی در شیء (متصل) رخ می‌دهد؛ (ب). تغییر در شیء تجزیه‌ناپذیر (منفصل) کیفی است، یا تغییر کیفی در شیء تجزیه‌ناپذیر (– اتمها) رخ می‌دهد.<sup>(۴)</sup> باید در قبال «حرکت ازلی» ارسطو افزود که، رازی حرکت و اجتماع (اتمها) را ازلی نمی‌داند، بل سکون و افتراق را (15 §) قدیم می‌شمارد.<sup>(۵)</sup>

27 §. کون (= بودش) و فساد (= تباهی) از نگاه ذریگیری همانا اجتماع و افتراق اتمهاست، استحاله (= دگرگشت) نظر به اجزاء لا یتجزئی همانا ترکیب‌پذیری

۱. III، ۳، ۷، ب. IV، ۵، ه.

۲. IV، ۵، ز، ۲۷.

۱. IV، ۵، ه.

۲. IV، ۵، ه.

۳. IV، ۵، ه.

آنهاست.<sup>(۱)</sup> زیرا جوهر سراسر متصل (گونه پیوسته ماده) معتقد مشائیان [ارسطو] به طریق استحاله «کون و فساد» پذیرد، ولی گوهر سراسر منفصل (گونه گسسته ماده) معتقد ذره‌گرایان [رازی] - یعنی - اجزاء لا یتجزئ نظر به وجود خلاء در میان آنها «استحاله» پذیرد، بلکه بودش و تباهی آنها هم به طریق «اجتماع و افتراق» ذرات است.<sup>(۲)</sup> بنابراین، رازی استحاله را در مفهوم ترکیب اتمی همان «تمازج» داند، که در معنا تفرق اجزاء شیء در اجزاء غیر است. اصل «ترکیب» یا تمازج (- استحاله) که هم رازی آنرا «انحلال» می‌داند، چنین تقریر شده است که جرم مادی را قوت یا «فعل» طبیعی غیرمستفادی، جز انحلال ذاتی بدون فتور آن نباشد.<sup>(۳)</sup> همین خود از اصول «دیالکتیک» طبیعی است (- تبدیل کمی به کیفی) که نگره تکاملی (Evolutionary) او هم بر این پایه می‌باشد. رازی مقولات «کمون و ظهور» مشائی را نیز - که ناظر به اصل «غایت» در عالم و طبیعت است - مطلقاً قبول ندارد.<sup>(۴)</sup>

28 §. رکن اساسی گیتی‌شناسی و جهان‌بینی مادی رازی، ردّ و رفض قاطعانه «علت غائی» ارسطویی در ذات طبیعی است (این‌که طبیعت، غایت است، و چیزی است که برای آن چیز است، و هم از برای آن تغییر رخ می‌دهد). انکار رازی - علت غائی را - که مبنی بر ذره‌گرایی و تکوین «تصادفی» اجزاء عالم است، هم از اسباب تحوّل علم طبیعی در عصر جدید بود؛ چه با نفی غایت در طبیعت (نگره ارسطو) موضوع «تضمّن مقصود» یا مسأله «کمون و ظهور» (= امکان و فعلیت) یکسره باطل می‌گردد.<sup>(۵)</sup> رازی با نقض علت غائی ارسطویی (مشائی) در طبیعت، هرگونه فعل الاهی (- خلق و صنع) را از آن نفی کرده، خداینداری طبیعت و تشبیه «باری» به بناء و نجار را باطل می‌سازد. از اینرو چنان‌که گذشت (27 §) رازی در فرایند تکوین و صیرورت، اعتقادی به جنبش «پیوسته» با محرک اول (قوت) یا «فعل» طبیعی غیرمستفاد از طبیعت ندارد، جز انحلال و ترکیب بی‌آغاز و بی‌انجام ناپیوسته، که این نگره خود ناظر به پیدایی جهان حسب تصادف و «بخت» - یعنی - راجع به اصول جهان‌شناسی «اتمی» می‌باشد.<sup>(۶)</sup>

29 §. هم‌چنین رازی با انکار تأویل باطنی طبیعت، و طرد تمثیل رمزی هم به موجب روشی کاملاً عینی و تجربی، توانست ظهور علم جدید «شیمی» را ممکن سازد. همین

۱. IV، ۵، و.

۲. IV، ۵، و.

۳. IV، ۵، الف.

۴. IV، ۵، ج.

۵. IV، ۵، و.

۶. IV، ۵، و.

تجارب عینی و مشاهدات را نیز در پزشکی کار بسته، چه موضوع دو دانش طبیعی و طب یکی است (محمول آن دو متفاوت است). رازی قصد «تقلید» مصنوعی در مواد طبیعی را نداشته، هم‌چنین معتقد به دخالت «خداوند» در فرایند محصولات مصنوعی نبوده است.<sup>(۱)</sup> رازی قائل به تقدّم روح بر ماده نبوده، طبیعت را مولود نفس یا روح نمی‌دانسته، روح «مجزّد» از تن یا «نفس» مفارق از هیولی را قائل نیست؛ مسأله «معاد» در نزد وی (هم به مانند خیام) مبنی بر «رجعت» ذرات مادی است<sup>(۲)</sup>؛ برای لذات و آلام هم علت طبیعی قائل است، چنان‌که در تبیین لذت به آسودگی، این دو را کیفیتی حاصل از تغییرات کمی عارض بر طبیعت در انسان (– خروج از طبیعت و رجوع بدان) دانسته است.<sup>(۳)</sup> در خصوص نفس و چگونگی روح و افعال متکثر از آن (۷، ۶، ۵) تنها می‌توان راجع به مسأله حلول و تناسخ گفت که، مراد رازی صرفاً «مسخ» (دگرسازی روحی) بوده است.<sup>(۴)</sup>

30 §. رازی، نگره «تک‌عنصری» یا جوهر «تک‌نهاد» هستی را (در قول جالینوس) رد کرده، هم از اینرو که طبیعت جوهر ازلی نیست – یعنی – چنان‌که گروهی پندارند – طبیعت خدا نیست.<sup>(۵)</sup> رازی که در حکمت طبیعی پیرو حکیم ایرانشهری (سده ۳ هـ) بوده<sup>(۶)</sup>، نگرش تکاملی و زمین‌شناسی را هم بایستی از او گرفته باشد (که اسم کتابش «مسائل طبیعت» بوده است). رازی مرکز زمین را، برخلاف امروز، سرد می‌دانست؛ و در نورشناسی (علم مناظر / ابصار) با ابن‌هیثم بصری (سده ۴–۵) هم‌رای است.<sup>(۷)</sup> رازی که اعتقادی به مبدع و صانع برای عالم نداشت، از برای انسان «خالق» حکیم و متقن (به غیراتفاق) قائل بود<sup>(۸)</sup>، که مقصود وی قطعاً همان بهر خلاق «عقل» (از پرتو «باری» تعالی) در وجود انسان باشد، یعنی همان روح نورانی / نفس عقلانی که در «تنه مغز» آدمی وجود دارد. سخن آخر این‌که اندیشه رازی در موضوع «تکامل» انواع طبیعی (Transformism) همانا جدلی (دیالکتیکی) و استکمال هم حسب مکتب ذره‌گرایی مبنی بر «تدریج» یا مرور از مراحل معین تکاملی (مشابه عین نگرش داروینی) است.<sup>(۹)</sup>

۱. II / ۲، IV / ۱، ۲.

۲. VI، ۳.

۳. IV، ۱.

۴. VI، ۷، ب.

۵. IV، ۵، و. / ۷، ۵، ی. / ۷، ۲۳–۵ (ی).

۶. I، ۲، ب.

۷. IV، ۳، ۵، ز.

۸. IV، ۳، الف.

۹. IV، ۵، و.

## ۲. شناخت‌شناسی

(شرح ۳۰ بند)

### [پنج دیرینه]

۰. خاستگاه نگره «قَدَمایِ خمسه» را فلاسفه یونانی پیش از سقراط یاد کرده‌اند، که مراد اغلب انبازقلس (امپدوکلس) و به ویژه دموکریتوس آبدرایی باشد، همان که آراء طبیعی خود را از مغان ایران به ویژه «استانس» مسمغان (رازی) ساکن در مصر برگرفته است.<sup>(۱)</sup> آنگاه حکیم زردشت پیامبر ایرانی را یاد کرده‌اند، سپس حکمای حرّانی و نوفیثاغوری و نوافلاطونی را هم گفته‌اند، که اصل آراء همه اینها در آخرین تحلیل به همان مغان ماد باستان می‌رسد.<sup>(۲)</sup> پنج دیرینه (و اصولاً عدد «پنج» منشأ هندوایرانی (آریایی) دارد، چنان که همین نگره مماثل با عناصر خمسه رازی، موافق با پنج آخشییج در آموزه مکاتب هندی است.<sup>(۳)</sup> مکاتب و مذاهب ایرانی به یکسان مقولات پنجگانه را در نظر داشته‌اند، چنان‌که ریشه این اندیشه هم در آیین‌های زروانی-زردشتی و به ویژه مانوی، و در حکمت نوریه و فهلویه و خسرویه باستان و هم در مبانی حکمت اشراق (سهروردی) می‌باشد<sup>(۴)</sup>؛ ولیکن رازی مقولات خمسه را مستقیم از «مانویت» گرفته، که هم از طرف استادش حکیم ایرانشهری ابراز گردیده است.<sup>(۵)</sup> مقولات خمسه معتزلیان و شیعیان (امامی) نیز در تماثل با آن مانوی یا - به طور کلی - ایرانی است، لیکن باز باید گفت که قدماء خمسه رازی صرفنظر از مشابهت با همه آنها، چندان مستقل و منسجم و از حیث فلسفی نظام‌یافته است، که هم اگر به قولی مذهب قدیم «مستور» بوده، همانا وی فرشکردار و آشکارگر و نوآورش باشد.<sup>(۶)</sup>

۲، ۷، ۲

۲، ۷، ۵، III، ۴

۳-۱، ۷، ۲، ۷، ۶

III، ۲، ج. ۷، ۲

III، ۵، ۷، ۲

I، ۲، ۷، ۲

- (۱). قائلان به اصالت و قدم «وجود» ماده را «اصحاب هیولنی» گفته‌اند (– هیلوژوئیت) که در اصطلاح معاصر «ماتریالیست / Materialist» (مادی‌گرا / گیتی‌گرای) فلسفی باشند؛ رازی هم به مثبت یک فیلسوف مادی (– هیلوژوئیت) به قدمت «هیولنی» (= ماده) اعتقاد داشته است.<sup>(۱)</sup>
- (۲). رازی هم به مانند استادش حکیم ایرانشهری از زمره اصحاب هیولنی (= ماتریالیست) از آنرو به قدم هیولنی قائل بودند، که ماده اولیه عالم را آفریده و مخلوق نمی‌شمردند و بل آنرا ازلی و ابدی می‌دانستند. قول به قدم هیولنی، در واقع ناظر به امتناع «صنعت» در طینت است، یعنی صنوع و صانع و خلق و ابداع ممتنع باشد.<sup>(۲)</sup>
- (۳). هیولنی مطلق به عنوان ماده المواد عالم، ماهیت جوهری آن در نگره آریایی (هندو ایرانی) همانا «آذر» (آگنی / آتش) است، که همچون صدف فضائی گوهر «آب» را هم در دل خود دارد. تبار «اورمزد» (عقل) از گوهر «آذر» است، و نهاد «اهریمن» (نفس) از عنصر «آب» می‌باشد.<sup>(۳)</sup>
- (۴). آذر (آتش) در نگاه مزدایی عنصر ناسوتی اهورامزداست، که گوهر لاهوتی آن «آشه» (حق) است؛ رایشن جهان (= نظم عالم) هم به واسطه «آزته» (– قانون کیهانی) است، که همانا «عدل» مجسم کلمه حق (– آشه) و همو خداست (در نگره زردشتی) و هم او (در نگره زروانی) تبار از «اسر-روشنی» (= نور ازلی) دارد – یعنی – خود مجلای زروان اکران می‌باشد؛ پس «آذر» و «آشه» خود ماده و معنای نور ازلی – یعنی – خدای برین زمان و همان «نور مطلق» است. این نگره «آتش کیهانی» را هراکلیت افسوسی به تصریح خود، از مغان زردشتی ایران ستانده که بنیاد فلسفه اوست.<sup>(۴)</sup> اما «گیتی» یا عالم عین و مظاهر مادی حیات، مرادف با «اهریمن» بدکردار، مشابه با هیولای اولیه خلقت، چهره سیاه و نیمرخ تاریک جمال ازلی (زروان) و همان مفهوم «منفی» یا برابر نهاد (Antithesis) در ماتریالیسم «دیالکتیک» فلسفی است، که فریدریک هگل از آن به عنوان «نیروی شگرف مفهوم منفی» سخن گفته است.<sup>(۵)</sup>
- (۵). «وای» اوستایی در مفهوم مکان مطلق (= خلاء فضائی) معبر از «بی‌کرانگی»

۱. III، ۶، د. / V، ۲، الف.

۲. III، ۵، الف. / V، ۲، الف.

۳. V، ۵، ی.

۴. V، ۵، ی.

۵. V، ۳.

(= عدم تناهی) همچون اکران زروان (= زمان بیکران) می‌باشد.<sup>(۱)</sup> «وای» (= فضا) که همان تهیگان (= خلاء) است، صفت آن «اپارکر» پهلوی هم به معنای «تقدیر» باشد، وای گوهری است که با «خواست» اورمزد (= اراده‌الاهی) همساز نیست؛ از اینرو بر طبق دینکرد (و متون زروانی) این گیتی از بنیاد با بخت (= بریه) به کار اندرست، مینوگ از بنیاد با کنش اداره شود...».<sup>(۲)</sup> اما برهان وجود خلاء همان است که (۷، ۶، ۷، ۶، ۲، ب) بشرح آمده است.

۶. خلاء در آراء طبیعی رازی همان «تهیگی» (توهیکی) در نگره زروانی است، یعنی همان «وای» (۵) یا گشادگی میان بُن‌های نور و ظلمت یا «مکان» آمیزش (= در مرز کرانمندی) آن دو، که «هستی» هر چیز حسب جامندی در آن (= تهیگان) می‌باشد. نگره «تهیگان» (خلاء) هم از اندیشه‌های مغانی تبیین شده (در دامدات نسک اوستایی بوده) که آمیزش اجزاء هستی (دومینوک / دونیرو) بدو باشد.<sup>(۳)</sup>

۷. بستگی (تکائف) و گشادگی (تخلخل) دو گونه وجودی ماده است، حالت اتصال (بستگی) در مفهوم «نامتناهی» (آنچه تا بی‌نهایت قسمت‌پذیر باشد) و حالت انفصال (گشادگی) در مفهوم «متناهی» (آنچه تا نهایت قسمت‌ناپذیر باشد) و این نگره ذره‌گرایی درباره «جزوهای نامتجزی»، خلاف نگره ارسطویی (= اتصال) اجزاء شیء متجزی است؛ چه این نگره مبنی بر اتصال صورت‌های ماده (هیولی) که ضرورتی بر وجود خلاء نمی‌بیند، قائل به تبدیل‌پذیری عناصر به یکدیگر است؛ ولی نگره رازی مبنی بر انفصال صورت‌های ماده (هیولی) که وجود «خلاء» را ضروری می‌داند و تبدیل‌پذیری عناصر را به یکدیگر غیرممکن می‌شمارد، خود رهنمون به حالت و حرکت مولکولی در ذرات است.<sup>(۴)</sup>

۸. زمان مطلق / دهر / ازل همان مفاهیم «زروان» (زمان) ایرانی است، که در فلسفه یونانی هم از مغان ایرانی گرفته شده است. به طور کلی مباحث «زمان» یکسره ایرانی است، و این مقوله راجع به «زروان» (خدای زمان) خود بسیار مشهور است.<sup>(۵)</sup> مقولات زمان مطلق و زمان نسبی (مضاف) در نزد رازی، آشکارا متأثر از مفاهیم «زروان» ایرانی در کلام فلسفی باشد، که او هم به مانند نیوتون آن را جوهری مستقل دانسته است.<sup>(۶)</sup>

۱. ۷، ۲، ب. / ۷، ۱۹-۵ (و، ح).

۲. ۷، ۵، د.

۳. ۷، ۲، ب. / ۵، ه.

۴. ۷، ۵، ح.

۵. ۷، ۵، ج.

۶. ۷، ۵، الف. / ۷، ۵، ز، ۱۶.

۹. خدای زمان (- زروان) که وجه بیکران آن (- دهر) طی حدوث عالم، زمان کرانمند یا زروان درنگ خدای از او امتداد وجود یافته (و این در متون زردشتی با اورمزد، در متون مانوی با اهریمن، و در متون زروانی با دو همزاد اینهمانی می‌یابد) همانا خود معبر از «بخت» و «پرگ» می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

۱۰. زمان مطلق (مدت / دهر / سرمد) که قدیم‌بودگی‌اش ثابت است، همان زروان اکران (= زمان بی‌کران) ایرانی همانا «خدای» برین (مینوی) باشد. زمان محصور که همان «کرانک زروان» ایرانی است، به وصف دیگر زمان «دیرنگ خدای» (گیتیایی) باشد، که در قلب زمان مطلق (بی‌کران) می‌زید، اصلاً امتداد آن به حرکت‌گذاری دهری است.<sup>(۲)</sup> نظر به مطرح بودن سه گونه زمان در نزد اندیشمندان ایران باستان، ریشه‌ها و بنیان معرفتی حدوث دهری هم در نگره‌های گیتی‌شناخت زروانی مغان فرزانه ماد باستان است.<sup>(۳)</sup>

۱۱. نفس در معنای روح عالم که مبدأ حیات و موجد حرکت است، همان نگره معروف «گوشورون» (= روان جاندار) زردشت سپیتمان ایرانی است؛ همچون علت کون و حرکت و حیات عالم (- درگاتاها) مطرح شده، مانی نیز در نظام دینی خویش از آن به عنوان «روح حیات» یاد کرده، ظاهراً همان «روح کل» در فلسفه هگل باشد که از زردشت برگرفته است. مکتب هندی «وای ششیکه» (= کثرت‌گرایی) نیز که اصولاً یک نظام فلسفی ثنوی است، اصل «نفس» و «ذره» (هیولی) را قدیم و ابدی می‌داند که این نگره هم از مشترکات هندو ایرانی (آریایی) می‌باشد.<sup>(۴)</sup>

۱۲. پتیاره نفس به تعبیر زروانی - مانوی‌اش همان «اهریمن» است، یکی از پنج قدیم رازی که همان کارکرد اهریمن / ابلیس را داراست؛ همین خودبرابر با دیو سیاه «آز» (هوئی) در مانویت، بر ضد «خرد» (عقل / باری) دیرینه دیگر عمل می‌کند. رازی که این مقوله «نفس» (اهریمن) را از مانی برگرفته، گاه به تصریح یا تلویح «گیتی» را آفریده او داند، هم این‌که اهریمن (- پتیاره) خود در صورت عالم متجسم باشد.<sup>(۵)</sup>

۱۳. منبع نگره پتیاره نفس اهریمنی بوندهشن (= بنیاد آفرینش) همان دامدات نسک

۱. ۷، ۵، ح.

۲. ۷، ۵، ب.

۳. ۷، ۵، ج.

۴. ۷، ۲، ب. / ۳ / ۶.

۵. III، ۵، ب. / ۷، ۲، ب. / ۶. د.



اوستایی مغانی و مادی بوده، که دفترگیتی‌شناسی ایرانی (سده ۶ ق.م) و مورد اقتباس یونانیان هم شده است. به هر تقدیر، در نگره مانوی نفس / روح ظلمانی یا مادی (هیولانی) همان روح / نفس نوری (- نور سیاه) در تن آدمی با هیولنی آویخته، شرور نفسانی و اخلاقی از آن صدور یافته (- پتیاره اهریمنی) و تنها «عقل» اهورایی نفس جاندار را می‌آموزد و به صلاح می‌آرد.<sup>(۱)</sup>

۱۴). باری (- عقل) دیرینه دیگر همستار با نفس (- اهریمن) که بنیاد دوگرایی فلسفی رازی را، هم به لحاظ منطق جدلی (- دیالکتیک) در مقولات «بر نهاد» (Thesis) و «برابر نهاد» (Antithesis) نمایش می‌دهند: «عقل» از خرد زروان، و نفس از هوی (آز) او پدید آمده؛ عقل صفت معناشناخت اورمزدی، جهل صفت ذاتی اهریمنی است.<sup>(۲)</sup> رازی، منشأ حیات را ظاهراً در ستاره «مشتري» (= هرمزد) می‌دانسته، که این همان نگره باستانی زروانی است (از ستاره هرمزد آفریدگان را زندگی همی رسد، و از ستاره کیوان آفریدگان را مرگ همی آید) و این امر راجع است به این‌که رازی «باری» (اورمزد / عقل) را مفیض روح و نور پاک می‌دانسته است. همین اعتقاد دقیقاً موافق با نگرش دینکردی است، که تخمه‌های حیات و عناصر طبیعی با همیاری «باری» (- اورمزد) - که ستاره هرمزد (- مشتري) در آسمان نمودگار اوست، بر اثر تمازج هیولنی اولی با جوهر نفس (- اهریمن) در سپهر «وای» (خلاء) زروان درنگ خدای (- دهر) - که ستاره کیوان (- زحل) نمودگار کیهانی اوست - پدید گشت.<sup>(۳)</sup>

### [پیدایش جهان]

۰). براهین حدوث عالم که رازی اقامه کرده، مهم‌ترین و سختانه‌ترین نقائص وی بر ارسطوست، که هم در ردّ نظریه «حرکت ابدی» او یا «قدم عالم» است.<sup>(۴)</sup> انکار فیزیک ارسطو خود همانا موجب اعتلاء و ارتقای علم طبیعی و دیگر دانش‌های تجربی گردید، اما مهم‌تر به لحاظ فلسفی این‌که هم متافیزیسم ملازم با آن نفی می‌شود.<sup>(۵)</sup> تقریر حدوث عالم حکیم رازی که یکسره گیتی‌گرایی و منطبق بر اصول علم اثباتی است، هم‌چنین

۲. ۷، ۲، ج. ۳ / ۵، ۳ / ۶ / ۶.

۴. ۷، ۴.

۱. ۷، ۲، ج.

۳. ۷، ۵، ط.

۵. III، ۶، د.

دیگر مطالب فلسفی و گیتی‌شناسی وی که در کتاب «علم‌الاهی» نوشته، امروزه خود جزو نظریات «فیزیکوشیمی» و مسائل طبیعت عالم مورد بحث است.<sup>(۱)</sup>

۱۵). حدوث عالم در نظر رازی همانا حدوث دهری بوده، که ظاهراً مبتنی بر یا مشابه با نگره فیض و صدور می‌باشد (ولیکن صحیح همانا ایجابی بوده باشد) و دیگر نگره «حدوث» رازی که منبعث و متأثر از اندیشه‌های کهن آریایی و مغانی (زروانی) است، خود بیانگر فرگشت و نوشدگی (- فرشکرداری) و پویایی پیوسته جهان و باشندگان در اوست، که در برابر «ایستا» نگره‌ی چاره‌ناپذیر فلسفه یونانی قرار دارد.<sup>(۲)</sup>

سبب حدوث عالم را توجه نفس به هیولنی دانسته‌اند، که منشأ شرور و آفات و فساد است؛ و آن (حسب تعبیر مانوی) همان پتیاره اهریمنی یا ابلیس باشد، که همستار با عقل - یعنی - اورمزد و همیارش در خلقت عالم است.<sup>(۳)</sup> اما گرتنه و بیرنگ آفرینش جهان حسب نگره زروانی موافق با جهان‌شناسی مانوی - مزدایی بر حسب بوندهشن و دینکرد و زات‌اسپریم، این‌که جهان عینی و محسوس «مادی» است؛ آفرینش جهان پایدار به خود (- خوشتافاک) باشد، که نتیجه تمازج (Synthesis) همستاران طبع نیک چیزها (Thesis) و پتیارگی ستیزنده (Antithesis) است. خاستگاه جهان هستی از آفرینش دادار (زروان) باشد، که با یک زورافزار [تلنگر نخستین / bigbang] برپا شد؛ پس نخست «هستی» عینی (- عالم) به دست دادار (زروان) پدید آمد [- یعنی: عالم از «قدیم» حدوث یا صدور یافت] و تشکل آن متناسب با خود هستی خویش پیش رفت، پس آنگاه چهار زایاک (= عنصر) بُن‌های چهارگانه‌اند... (الخ). در گیتی‌شناسی رازی همین نگره‌ها و گفتمان‌های دیرینگی (= قدم) هیولنی و زمان (= زروان / دادار = خالق)، نوپیدی (= حدوث) عالم...، خلق تصادفی یا بختی (- زورافزاری / تلنگر نخستین) بدون قصد قبلی و «اراده» ازلی فاعل مختار و جز اینها مستفاد است.<sup>(۴)</sup> باید گفت «آفرینش زروانی» (مغان) یا حدوث دهری (ملاصدرا) که همین «حرکت دهری» رازی است، همانا به مفهوم «حرکت جوهری» هم باشد؛ و این موضوع «حدوث / حرکت دهری (جوهری) در نزد حکیم میرداماد، بی‌چون و چرا هم از سرچشمه حکیم رازی تراوش کرده، که سپس به شاگردش ملاصدرای «اصالت وجودی» رسیده است.<sup>(۵)</sup>

۱. IV، ۲ / ۲، ۴.

۲. IV، ۲.

۳. IV، ۲، ج.

۴. IV، ۱ / ۵، ۷.

۵. III، ۶، ج / IV، ۲ / ۵، ۷، ج.

۱۶). بر طبق بوندهشن هم از زمان درنگ خدای (کرانمند) «ناگذرایی» (ثبات) و پایداری آفریده شده؛ و از ناگذرایی (سکون) «ناآسایی» (= جنب و جوش) پیداگشت؛ و از «ناآسایی» هم مینوی «بی‌گردشی» (= عدم تغییر) پدید آمد که آفرینش مادی بدان باشد. یعنی حسب این نگره آضداد از دل هم بیرون آمده‌اند، زمان از بی‌زمانی و تناهی از نامتناهی پدید آمده و پیوسته بدان است؛ حادث از قدیم زاده شد و ادامه همان باشد، تغییر از ثبات و حرکت از سکون و گیتی از مینو فراجسته‌اند.<sup>(۱)</sup>

۱۷). بر طبق دینکرد (که منشأ نظر حکیم رازی است) بنیاد فرایندهای خلق عالم، همانا حرکت «گذاری» ذاتی و قانونمند زمان است (- این قانون زمان است که از بیکرانی بنیادی به پاره کرانمندی / بُرهه محصور خلق و ایجاد به طریق حرکت گذاری باشد) و این همان نگره «حرکت دهری» (قول رازی) است، زیرا حدوث به طور «ذاتی» و به صورت «جدا شدن» وجود (- انفکاک تأخری) حادث از قدیم باشد.<sup>(۲)</sup> این فقره در بیان خاستگاه کهن ایرانی و مغانی «حدوث عالم» بس مغتنم است، حکیم ارسطو هم چنان‌که به شرح آمده (V، ۷، ۱۷-۵، ج) حرکت گذاری را تقریر کرده است. در نگره زروانی که سپهر خود «تنه زروان» یا کالبد دهر می‌باشد، حدوث عالم مادی در تصوّر عقلی چنین است که «زروان» قدیم (= زمان بیکران) خود در «تن» گیتی کرانمند (محدث) تجسم یا تحقق وجودی یافته، یعنی در همان سپهری که تن زروان کرانمند (زمان-فضا) است، نظم حاکم هم بر این آفرینش همان «داتستان» کیهانی یا قانون طبیعت است.<sup>(۳)</sup>

۱۸). حدوث عالم به تقریر رازی همانا موضوع همیاری دو اصل قدیم (باری و نفس) در خلقت عالم، آمیختگی / آمیزش آن دو هم از مقوله «تمازج» در جریان حدوث، و بال (= پتیارگی) اهریمن بر عالم یا آویختن نفس به هیولای و جز اینهاست، که انگار دارد متن بوندهشن ایرانی را بازگو می‌کند.<sup>(۴)</sup> اما تقریر مانوی این قضیه چنین است که هیولای اولی (- اهرمن) در ظهور کلی خود همانا نگره «منفی» خلقت می‌باشد، از اینرو سیمای برجسته‌ای در مفهوم خدای اول و فائق در الاهیات زروانی است. بنابراین نگره مانوی صورت جسمانی عالم بر روی هم خلقت اهریمن است، اهریمن خود در صورت عالم متجسم باشد؛ اجزاء عالم اصغر (- انسان) و عالم اکبر (- کیهان) هم متناظرند؛ تأکید

۲. V، ۵، و.

۴. V، ۵، و.

۱. V، ۵، و.

۳. V، ۵، و.

می‌رود که (در نزد مانویان) «جهان تنکرد اهریمن است، صورت جسمانی وجود همانا آفریده اهریمن باشد».<sup>(۱)</sup> درباره مفهوم «دهر» (ارسطویی) و تقدّم و تأخّر زمانی به نزد وی، سخن به شرح گفته شد (V، ۷/۱۵، ۵-ب، ۱۶، ۵-ج) ولی باز باید افزود که ستیزش رازی با ارسطو در موضوع حرکت (که طبیعت را مبدأ آن می‌داند) بر پایه نگره نوینی است که موجب تحوّل علم طبیعی گردید.<sup>(۲)</sup>

(۱۹). نظر به قدّم استوائی پنج دیرینه (در نزد رازی) همیاری «نفس» و «باری» در آفرینش جهان، خود با ذات سرمدی (= ازل / دهر / زروان) یا زمان مطلق همبری دارد که هم از روی «بخت» باشد. تخمه‌های نخستین یکان‌های آغازین وجود باشند، چنان‌که جهان از ذرات مادی تقسیم‌ناپذیر بی‌شماری تکوین یافته، بدان‌سان که ذرات هر آنچه «هست» را پدید می‌آورند و در درون هر چیزی که «نیست» (- خلاء) حرکت می‌کنند. همه پدیدارهای جهان از تعامل و تصادف و از اجتماع و افتراق اتمهای مختلف حادث می‌گردد، بدین‌سان کثرت عددی در اندیشه با کثرت مادی تمانل پیدا کرده است.<sup>(۳)</sup> در نگره زروانی حسب صادرهای همزاد و همستار (اورمزد و اهریمن) چنان است که إزاده الاهی (اورمزد) به خلق، و إزاده الاهی (اهریمن) به هدم، مقرون با سیر سرنوشت یا همان «تقدیر» دگرناپذیری است، که نزد خدای برین جهان «زروان» بی‌کران هم از ازل معین بوده است.<sup>(۴)</sup> بنابراین، خلق از عدم و صانع جدای از دیرینه‌های پنجگانه ممتنع، خالق مقدّم بر امر خلقت (= محرک اول) هم ناممکن باشد. هم‌چنین قاعده معروف «فیض و صدور» نوافلاطونی، در نزد رازی ممتنع است - مگر این‌که همان را به قاعده «ایجاب و ضرور» تفسیر کرد.<sup>(۵)</sup>

(۲۰). بدین‌سان، پیدایش جهان حسب گرایش فلسفی رازی، هم از منظر مادگیری طبیعی (اصحاب هیولی) و هم از موضع زروانگیری (اصحاب دهر) خود از روی «طبع» یا اتفاق و «بخت» بوده، نه با اراده الاهی یا فاعل مختار و حسب صنع و ابداع که مکرر شد.<sup>(۶)</sup> اما در موضوع ربط حادث به قدیم و حدوث زمانی، برهان تطبیق مکان متناهی (- متغیر) با زمان نامتناهی (- ثابت) مطرح است، که همین از مسائل «نسیبیت» در مکان

۲. IV، ۵، ۵.

۴. V، ۵، ح.

۶. V، ۵، ح.

۱. V، ۳.

۳. IV، ۴، الف. / V، ۴.

۵. III، ۷، ۵. / V، ۲، ۴.

و زمان یا خلاء و فضا است؛ رازی این امر را حسب جوهر «گذرنده» زمان (غیرمتکمم) به طریق حرکت «گذاری» بیان کرده است.<sup>(۱)</sup> مسأله «نسبیت» زمانی در نزد اینشتاین، حول محور «نسبت» همزمانی چیز ثابت (-عالم وجود) به چیز متحرک (-زمان «مدت») می‌باشد؛ ولی همان «ثابت» مزبور را در دستگاه مختصات کیهانی نیز بایستی «نسبی» در نظر گرفت (چون خود در «وعاء» یا مجموعه دیگری «متحرک» است) تا هم تصویری از زمان دهری (طبی حرکت گذاری) در نزد رازی و زمان فضائی (طبی حرکت انتقالی) در نزد اینشتاین حاصل نمود. در ضمن، باید گفت که نسبیت «همزمانی» در نزد اینشتاین، همان مفهوم «معیت» زمانی در نزد فلاسفه ایرانی است.<sup>(۲)</sup> ما وجود مفهوم یا مسأله «نسبیت» را در نزد حکیم ارسطو، طی تعلیق خود بر این قضیه (V، 7، 5/18، و 5-1) تحقیق کرده‌ایم؛ ولی تا آنجا که آگاهی یافته‌ایم اشتراک مبانی نظری مسأله «نسبیت» همزمانی در حکمت طبیعی - دهری حکیم رازی، با فرضیه عمومی مشهور آلبرت اینشتاین (که این مسأله در حکمت نجومی ابوریحان بیرونی نیز مورد بحث شده) ظاهراً همان مبحث «معیت» زمانی موضوع حرکت دهری (جوهری) در نزد فلاسفه ایرانی مانند میرداماد و ملاصدرا می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

### [ساختارگیتی]

۰. سرچشمه نگرش طبیعی و طبی رازی عمدتاً نظریات حکمای باستان (-مغان ماد) ایران است، که متن مدون ایشان همان *دامدات نسک* اوستایی (در طبیعیات) بوده است.<sup>(۴)</sup> رازی اگرچه در علم طبیعی به فلاسفه پیش از سقراط استناد می‌کند، هم از جهت آن‌که عموماً با مشائیان و خصوصاً با ارسطو در این باب می‌ستیزد؛ لیکن نظریه اتمیستی او شباهت معین با آن دموکریتوس دارد، که دانسته است در مکتب وی علم طبیعت (= فیزیک) به صورت علم حرکت (= مکانیک) درآمده است.<sup>(۵)</sup> رازی نگره دموکریتوس را با سنن ایرانی مادگیری همبر ساخته، در مورد ذره‌گرایی به ماده ماقبل موجود (خلقت) اعتقاد داشته، که خود از اتمهای جداگانه دارای «بُعد» تشکیل شده

۱. V، 5، و.

۲. V، 5، و.

۳. III، 7، ه.

۴. IV، 4، 5/5، و.

۵. IV، 4، 5/7، 26/7، 6 (+...).

است.<sup>(۱)</sup> هم‌چنین شباهت ذره‌گرایی رازی با مکتب «وای‌ششیکه» هندی، ناظر به عناصر خمسه در تمائل با قدماء خمسه هم مبتنی بر اصالت کثرت است.<sup>(۲)</sup> از طرف دیگر همانندی شگفت‌انگیز فیزیک «نیوتون» با نگرش طبیعی رازی، گذشته از پیشتازی و پیشوایی وی در علم طبیعی عصر جدید، همانا پایه بر تبیین طبیعی از ساختار عالم مکانیستی‌تر از آن ارسطو، حتی از فرضیه‌های دموکریتوس و اپیکوروس هم بسامان‌تر و ساده‌تر است.<sup>(۳)</sup>

(۲). نگرش ذره‌ای حکیمان ایران باستان بایستی در زمینه دانش‌های ایشانی پی‌جویی شود (همان‌طور که ذریگری حکیم رازی در کیمیا و شیمی او ریشه دارد) و چنان‌که دموکریتوس در کتاب «فیزیکای» خود اصول علمی «طبیعت غالب» را از حکیم اُستانس (مغ بزرگ) به نقل آورده، چنین نماید که نگرش ذره‌ای ایرانی با نگره «بذر» (تخمه)‌های آفرینش همانند و همسنج و از یک مأخذ (ـ دامتات نسک) بوده باشد، این‌که عنصرها آمیزه‌ای از «تخمه» به نسبت‌های مختلف بوده است. به‌طور کلی، نظام ذره‌گرایی ایرانی مبنی بر اصل «آتش» است، بوندهشن در شرح آفرینش مادی از «آتش-تخمه» در ساختار آسمانی، آنگاه از «آب-تخمه» در ساختار زمینی یاد کرده، حسب اوستا تخمه‌های عناصر آب و خاک و گیاه و جانور به اجرام سماوی منسوب باشد. نگره مانوی میان «اجزاء» نور و «تخمه»‌ها پیوندی قائل است، این‌که تخمه‌ها همان اجزاء آتش «پنئوما» هستند؛ و آنها همچون گونه‌ای آتشین از ماده «گوهر» مطمح نظر شده، که همانا ذرات بنیادین ایرانی بوده باشند؛ نفس / روح هم یک بازدم آتشین، یا همانا جان آتشین دم باشد.<sup>(۴)</sup> بر طبق دینکرد همانا جهان مادی از آغاز با فعلهای اهرمن آمیخته شد، چندان‌که آنها در همه‌گونه‌ها رخنه یافت؛ پس چهار طبع (کیفیت) نخستین مادی با چهار عنصر (ـ زهکان) به نسبت‌های معین خود علّت و حیات و فعل هستند. بُن «آتش» همانا و اییک آتخش (= آتش فضائی) است، بُن «آب» همانا بومیک زره (= دریای خاکی) است؛ سرشت آتش به «وای» (هوا) برآید، گرایش آب به «بوم» (خاک) باشد. جسم مادی از نیرودهی ساختار تنانی آمیخته از آن چهار مایه (آتش، هوا، آب و خاک) نیرو یافته، این چهار عنصر به نسبت‌های معتدل با یکدیگر سامان‌یابی تن است (قانون

۱. III. ۶. ب. / IV. ۴. د.

۲. III. ۲. الف.

۳. IV. ۴. د.

۴. IV. ۴. ب.

طبیعت همانا تناسب عناصر باشد) وحدت آلی از ترکیب آنها به حاصل آید، حرکت (= جنبش) هم از ذات آنها پدیدار است.<sup>(۱)</sup> عناصر چهارگانه مزبور یا اصول اشیاء که همه چیز ناشی از اجتماع آنها با اختلاف مقادیر و یا افتراق آنهاست، همانا موضوع «تجمّع و تفرّق» در نزد هراکلیت افسوسی ضمن نظریه مشهور «آتش» کیهانی بیان شده؛ می‌توان گفت که رازی جامع بین حکمتین هراکلیت و دموکریت - یعنی نگره آتش در چیستی هیولن (V، ۵، ی) و نگره ذرات در چبودی آن (IV، ۴، د) بوده است.<sup>(۲)</sup> اما عناصر در نزد رازی - چنانکه مکرر گذشت - پنج تا (بنا به نگره مانوی) و مماثل با قدماى خمسّه او که یک اصل مشترک هندو ایرانی دارد، چنانکه نظر مکتب هندی (پیشگفته) هم مبتنی بر ذره‌گرایی با مقولات خمسّه باشد، گویی رازی از نگره اتمی هندی (- پارامانو) آگاهی داشته است.<sup>(۳)</sup>

۲۲. در نگره ایرانی (مغانی) گوهر «آتش» آسمانی / آذر (که تبار «اورمزد» از اوست) بُنمایه ساختار کیهان یا جهان مهین، و گوهر «آب» زمینی (که تبار «اهریمن» از اوست) بُنمایه ساختار انسان یا جهان کهین به شمار آمده، در نگره زروانی «حیات» آمیغ آتش و آب است.<sup>(۴)</sup> عنصر آتش در حکمت طبیعی و جهان‌بینی فلسفی رازی، همانا شالوده گیتی‌شناسی همگانه مذاهب ایرانی است، که هم در مقوله «نار» و «نور» بیان گردیده است؛ چنانکه عنصر آسمانی «آذر» (آتش کیهانی) را در مفهوم لاهوتی «آشّه / آرته» (نظم عالم) جوهر قدیم دانسته‌اند، که هم صورت ناسوتی آن «نور» و «نار» است. نسبت برونوی طبیعت و وحدت درونی آن نیز در نگره بنیادین «آتش» جاودان و «نظم» کیهان، به نزد حکیم هراکلیت همان «لوگوس» است که وی این نگره را از مغان ایران گرفته؛ معرفت توحیدی در نزد وی همان اندیشه گوهر یگانه «آتش» است، که جهان و هر چه در اوست از تبدل آن وجود «زنده» پدید آمده، هیچ صانع و خالق علیحده‌ای (از خدایان) در امر آفرینش آن دخالت نداشته است. موضوع آتش «بالا» (پرتو) و «پایین» (اخگر) و فراگشت آنها همان مضمون اجتماع و افتراق ذرات در نزد اتمیست‌ها به نظر می‌رسد.<sup>(۵)</sup>

۲۳. رازی را به سبب آنکه دانش «کیمیایی» کهن را به علم «شیمی» دگرگون کرده،

۱. IV، ۵، ز، ۶.

۲. III، ۲، الف. / IV، ۴، الف.

۳. IV، ۴، ب. / IV، ۴، د. / ۵، ب. / ز، ۴، ۷، ۲۲-۵ (ی).

۴. IV، ۵، ب. / V، ۵، ی.

۵. III، ۲، الف. / ۷.

پدر شیمی جهان دانسته‌اند که قبلاً این لقب از آن لاوازیه فرانسوی بود (II، IV/۲، ۲). دانش‌کیمیایی رازی هم خود منشأ نظریه اتمی اوست، برعکس کیمیای جابری (که مبتنی بر تعابیر «باطنی» و مابعد طبیعی از مواد طبیعی است) شیمی رازی مؤسس بر تجارب آزمایشگاهی بود که رهنمون به نظریه معاصرانه حرکت مولکولی است. اما سرچشمه دیگری برای علم کیمیای رازی، همانا بازمانده علوم ایرانیان قدیم بوده؛ از جمله مکتب طبیعی «مغان» که در وجود آستانس مسمغان رازی (همشهری باستانی‌اش) فیلسوف عصر هخامنشی تجسم یافته، کسی که فلاسفه مصر و یهود و یونان به ویژه دموکریتوس در نگره «طبیعت غالب» و ذره‌گرایی از وی تأثر یافته است.<sup>(۱)</sup> رازی صناعت کیمیا را به درستی همبر با شناخت ماده اولیه دانسته، روش‌شناسی وی (تدابیر) با نظریات طبیعی و فلسفی او رابطه مستقیم دارد (که با مکتب هرمسی و جابری بکلی متفاوت است) و هم از طریق تبیین طبیعی فرایندهای کیمیایی، توانست آن‌را به «علم شیمی» امروزین متحول سازد. در این خصوص موضوع معرفت‌شناختی مفتاحی (حسب ذره‌گرایی رازی) این‌که عناصر غیرقابل تبدیل به یکدیگرند، برخلاف نظر مشائی (ارسطو) که نظر به ماده متصل عناصر بهم تبدیل‌پذیر باشند؛ و هم از این‌رو که شیمی رازی «اتمی» است، گویند بر نگره روبرت بویل تقدّم دارد، که هم با نظریات علمای جدید بسیار نزدیک است.<sup>(۲)</sup> توضیح این‌که آنچه (مثلاً) ارسطو در نظریه «حرکت صعودی» ماده (گاز آتش) مبنی بر تحول عنصری بیان داشته، در نظر رازی ذره‌گرای مبنی بر تحول اتمی آمیزش جوهر خلاء با اجزاء لا یتجزی (= ذرات) است. چون در نگره طبیعی (اتمی) رازی که استحاله اجسام یا «تغییر» (انقلاب) ارسطویی، همانا «ترکیب» یا تمازج به صورت «انحلال» می‌باشد (که کاملترین ترکیب‌ها در شیمی جدید است) فرایندهای شیمیایی در واقع حسب اطلاعات علمی معاصرانه، خود بر اثر حرکت مولکولی باشد که همین وقوع طیف عنصری (پیشگفته) را توجیه یا توضیح می‌کند. در ضمن، معلوم می‌دارد «نظام» طبیعی رازی چنان منسجم و متشکل از اجزاء دقیق (مفاهیم و مقولات) ساختاری است، که در برخورد سیستمی با آن هر جزئی از این دستگاه کارکردی «یگانه» دارد.<sup>(۳)</sup>

۲. II، IV/۲، ۲.

۱. III، ۷، ج. IV، ۲.

۳. IV، ۵، د. و.



۲۴). مجموعه اجزاء (ذرات) متحرک به حرکت گردبادی است، که اجزاء گران‌تر در مرکز و اجزاء سبک‌تر به سوی خلاء خارج گرد می‌آید (انفصال اجرام نامتناهی مستلزم خلاء است) و از نخستین اجتماع ذرات به شکل کروی پدیدار می‌شود. عالم تنها به طریق تصادف از آنها در وجود آمده، که همچون «نقطه» ریاضی بخش‌ناپذیرند، دارای «وضع» اند و آنها به خود متحرک‌اند.<sup>(۱)</sup>

۲۵). رازی از اینرو اصل اساسی «فیزیک» ارسطو را (که طبیعت آغاز حرکت و سکون است) رد کرده، که در این صورت «طبیعت» همان خدای می‌بود و این همان پایه «متافیزیک» است.<sup>(۲)</sup> اما این‌که رازی «جسم» را در ذات خود حاوی مبدأ حرکت می‌داند (که کتابی هم در این موضوع داشته) یک چنین نگره‌ای منتج از دانش طبیعی اوست، که گویند همین اندیشه نوین رازی همانند نگره لایب‌نیتس در سده هفدهم می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

۲۶). چنان‌که گذشت در نزد ارسطو طبیعت آغاز حرکت و سکون است، و نظر به پیوستگی ماده طبیعی و شرط آن (هم در نزد وی) همین اصل با نفی حرکت جوهری خود مقدمه کبری، در برهان از برای قدم عالم و اثبات محرک اول باشد. از اینرو مهم‌ترین نقائص رازی بر آراء ارسطو، هم اقامه برهان و جدل علیه اصل مزبور است، که گویند این نقض با نظر درباره «حرکت ذاتی جسم»، از برای علم طبیعی ثمربخش بوده (گذشته از همانندی با اندیشه لایب‌نیتس) فیزیک رازی شباهت عجیبی با آراء طبیعی نیوتون دارد، البته عیب رازی تنها «ریاضی» نکردن آن باشد.<sup>(۴)</sup>

۲۷). رازی استحاله را حسب تعریف ارسطو و «کون و فساد» را به مفهوم انقلاب عنصری قبول نداشت، تعاریف مقبول وی چنان‌که گذشت مبتنی بر اصول جدل (دیالکتیک) طبیعت است؛ و اصل اساسی اش همانا مقوله «ترکیب» (تمازج) باشد، که آنرا «انحلال» (= تجزیه) بدون فتور هم می‌نامد؛ و این خود موافق با اصل دیالکتیک هگلی «همنهاد» (Synthesis) است، که ضدین (ترکیب و تجزیه) در این مقوله اجتماع می‌کنند، پس بر اثر آن فرایند «شدن» (صیوررت) تحقق می‌یابد؛ همین نگره خود ریشه در ژرفای دین و آیین، دانش و بینش فرزنانگان ایران باستان دارد.<sup>(۵)</sup> تفسیر طبیعی اصل

۱. IV، ۴، الف.

۲. IV، ۱، V، ۷، ۱۴، ۵، الف.

۳. IV، ۱.

۴. III، ۷، ۵، IV، ۵، ز، ۱۹-۲۲.

۵. II، ۳، IV، ۵، ز (+)، V، ۲۸، ۳.

جدلی مزبور هم به قول رازی این‌که «تغیّر حسب تغییر کمّی (اندک و بسیار) بر اثر گشادگی و پیوستگی است (در ذرات) که تبدّل کیفی رخ می‌دهد»؛ و هم بر این پایه است که فرضیه «غلط طبیعت» را در نزد ارسطو ردّ نموده، پدیده‌های از این دست را (نظر به آن‌که طبیعت مؤکّل به حفظ انواع است) خروج ماده از اعتدال قدر بیان داشته است، که هم با اصل مقبول «تبدّل کمّ به کیف» وی تبیین می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

(۲۸). مکرّر گذشت که در فیزیک تجربی رازی نظر به تقدّم هیولنی بر صورت، جایی از برای علّت «غائی» در طبیعت (نگرش ارسطویی) یا محرک اول (ارسطو) و صانع مبدع (متکلمان) وجود ندارد؛ چه این‌که اجسام بدون قصد و غرض قبلی و بی‌هیچگونه مداخله‌ای از خارج (یعنی بدون تدبیر و تقدیر الاهی) در حرکت دائمی جبری اند؛ علّت حرکت در آنها هم «اتفاقی» و از مقوله خودانگیزش باشد، چنان‌که حالات و کیفیات آنها هم پیوسته در تغییر و تحوّل طبیعی است.<sup>(۲)</sup> از این‌رو رازی با نفی علل غائی که سائق به امور مابعد طبیعی می‌شود، در حقیقت «متافیزیک» فلسفی را هم یکسره ردّ و ابطال نموده است و هم گذشت که تحوّل علم طبیعی با پیدایی نظریات «مکانیستی» عصر جدید، از جمله با طرد علل غائی ارسطویی تحقق یافت که رازی پیش‌تاز آن بود. بد نیست این نکته هم افزوده شود که متفکران شیعی ایران، عوض علّت غائی در نگره «کلام» همانا قاعده «لطف» را نهاده‌اند، که البته از حیث مفهوم و معناشناسی با مقوله علّت تفاوت دارد.<sup>(۳)</sup>

(۲۹). هم در زمینه انتفای کلی مابعد طبیعی است که رازی برحسب آزمون‌گری‌اش در همه رشته‌های علمی، تمام امور «خفیه» و بیانات رمزی کیمیایی را در باب پدیده‌های طبیعی تحت مطالعه شیمی خود طرد و رفض نموده است. رازی قائل به تأویل باطنی از برای ظواهر طبیعی (مثل کیمیای جابری) نبوده، شیمی رازی یک علم کاملاً اثباتی است؛ در حالی که کیمیای کهن را علم انبیاء می‌دانستند، رازی هم با نقض نگره «نبوت» ایشان، توانست آن‌را به یک علم تجربی و تحصّلی بدل کند؛ و نیز یکی از دلایل مخالفت وی با اسماعیلیه باطنی، هم این است که طبیعت را مولود نفس یا روح می‌دانند.<sup>(۴)</sup>

(۳۰). نظریه تکامل طبیعی برحسب فیزیک ارضی در نزد فلاسفه قدیم، هم به لحاظ

۲. III، ج ۶، ص ۵۰۷، ح.

۴. IV، ج ۱، ص ۲.

۱. IV، ص ۵، و.

۳. IV، ص ۵، الف. / VII، ص ۱۲/۷، ۴. / VI، ص ۳.

کَلّ عالم در مورد سپهر زیر ماه و با عنصر خاک (زمین) ملازمت دارد. چنین نماید که نگره تکاملی در نزد رازی به استادش حکیم ایرانشهری (با کتاب «مسائل طبیعت») برمی‌گردد<sup>(۱)</sup>، و به هر حال مفاد نظریه «تطور» تدریجی رازی، هم در مباحث «گشودگی و پژمردگی» (= انحلال و ذبول) اجسام و حسب «استحاله» (= ترکیب) و تمازج پیوسته است؛ و چنان‌که گذشت (۲۷) کون و فساد خود نظر به اجزاء لا یتجزی (= ذرات) ترکیب‌پذیری آنهاست، که هم معبر از مجتمع و متفرق شدن آنها باشد. پس تغییر بر اثر اختلاف گونه‌های ترکیب‌هاست، یعنی حسب تغییر کمی (اندک و بسیار) و بر اثر تخلخل یا گشادگی باشد که کیفیات پدید می‌آید.<sup>(۲)</sup>

---

۱. I، ۲، ب. / IV، ۵، ب.

۲. IV، ۵، و.

### ۳. کارمان‌شناسی (۱۰ بند مدنی)

0 §. حکیم رازی پزشک و طبیعت‌شناس و شیمی‌دان، بزرگترین پزشک بالینی در دنیای اسلام و قرون وسطا (در اروپا) بود؛ وی نظریه جالینوسی را با معلومات وسیع خویش و حکمت بقراطی توأم ساخت، معلومات شیمیایی خود را در طب بکار برد، او را نیای استادان شیمی دانسته‌اند، کتاب *الحاوی* او نیز یک دائرةالمعارف طبی عظیم است. اما در حکمت طبیعی و فلسفه مادی، او را برجسته‌ترین متفکر یونانی مآب دانسته‌اند، که بشریت طی / ۱۹۰۰ سال پس از ارسطو به خود دیده است.<sup>(۱)</sup>

1 §. «ری» زادگاه رازی ماندگاه اصلی مغان ماد ایران، مرکز ترویج دینی و هم «قبة» جهانی ایران پس از «بابل» بود، که تمام موارث دینی و علمی بدان برخوردارگاه فرهنگی غربی و شرقی انتقال یافت.<sup>(۲)</sup> گذشته از کیش زروانی مغان ماد که دین حکیمان هم گفته‌اند، سایر مذاهب ایرانی پیش از اسلام در آنجا فعال بودند؛ پس آنگاه اصحاب فرق و نحله‌های اسلامی در شهر ری، چندان منازعات و تعصبات شدید می‌داشتند، که رازی را ناگزیر از نوشتن «نقض ادیان» علیه ایشان کرده است. به ویژه آن‌که ناحیت ری پایگاه مرکزی دعوت اسماعیلیه در منطقه جبال بود، دعوت اسماعیلی در خراسان هم از ری و از طرف داعیان آنجا صورت می‌گرفت؛ پس اهمّ مناظرات کلامی و عقیدتی حکیم ری، ناچار هم با سران و بزرگان آن مذهب واقع شده است.<sup>(۳)</sup>

2 §. عصر رازی دوره بازگشت (نوزایی) فرهنگ ایران باستان در زمینه تمدن اسلامی، مقارن با فروپاشی خلافت عباسی در ایرانزمین (سده‌های ۳ تا ۵ ه. ق.) بر اثر رستاخیز عناصر ایرانی بود.<sup>(۴)</sup> رازی به عنوان نماینده خردگرایی عصر خویش، یادآور جنبش

۱. III، ۷، ه.

۲. I، ۱، ب. / ج.

۳. I، ۱، ب.

۴. I، ۱، الف.

روشننگری در اروپای سده هیجدهم است، مبین تصور پیشرفت علمی و تنها شخصیت مستقلی به شمار می‌رود، که بر ستیغ انسان‌گرایی ایرانی و دانش و خردورزی ایستاده است.<sup>(۱)</sup> رازی اعتقاد به علم شهود (- وحی) نداشت، بل معتقد به معرفت تجربی یا علم حصولی می‌بود.<sup>(۲)</sup> وی با نفی هرگونه متافیزیسیم و رد علت غایی در طبیعت، مسأله مبدأ و معاد را هم بر طبق اصول حکمت طبیعی توضیح می‌نمود.<sup>(۳)</sup>

3 §. مضمون «عقل» به نزد رازی در مفهوم نامخدای ایرانی «مزدا» (= حکیم دانا و بخرد) نهفته، که همان بهر نورانی مودوع و محبوس در تن آدمی است؛ و بیانیه «فضیلت عقل» رازی در بیان چگونگی آن و رساله «میزان عقل» در بیان بهره‌وری از آن، یادآور روش کاربرد خرد به نزد حکیم «دکارت» فرانسوی است.<sup>(۴)</sup> رازی (در فرق بین خواص و عوام) این‌که برتری آدمی بر «چاربایان» همان بهره عقلی اوست، انسان بخرد مردمی‌اند که بر طبع حیوانی چیره گشته؛ مردم دانا کسانی‌اند که از گوهر عقل الهی بهره یافته‌اند، و مردم نادان را همانا نفس هیولانی بر وجودشان غالب باشد. مراد از نفس هیولانی قسم اخس آن باشد (- هوی) که افلاطون از آن به «نفس بهیمی» تعبیر کرده، در قبال «نفس ناطقه» که هم خردمندان و فرزندان از آن بهره‌مندند؛ یعنی همان گروه ویزگان از مردم که به گفته رازی «فلسفه» آموخته و جهان خویش بشناخته، پس هم‌اینان از گوهر خدایی خرد بهره یافته‌اند.<sup>(۵)</sup> رازی جبر طبیعی یا علمی را باور داشت، و همان‌طور که خلقت عالم را برحسب اتفاق و خودانگیزی می‌دانست، اراده ازل و فاعل مختار را هم بر نمی‌تابید. محمل و مناط «اختیار» آدمی در نزد رازی، تنها «خرد» اورمزدی و «فلسفه» دانایی در برابر «جبر» اهریمنی یا «تقدیر» کور نادانی است.<sup>(۶)</sup>

4 §. وجود در نزد رازی جز به شخص انسان معتبر نباشد، بل تصور می‌رود که وجود یکسره از بهر اوست، چندان‌که جز انسان چیزی هست نباشد.<sup>(۷)</sup> مضمون «انسان کامل» در نزد رازی، همان است که آدمی خود (نه خدا) محور و مرکز وجود قرار می‌گیرد؛ و همین اندیشه انسان‌گرایی نیز یادآور جنبش روشننگری اروپای سده هیجدهم باشد، هم

۱. VI، ۶، د.

۳. VI، ۳.

۵. VI، ۴، ب.

۷. III، ۷، د.

۲. I، ۲، ج.

۴. VII، ۶، ج. / VI، ۲، ۷.

۶. VI، ۳.

آن روندی که (بیشتر گذشت) به معنای تصوّر پیشرفت علمی است.<sup>(۱)</sup> انسان‌گرایی رازی خود ناشی از فلسفه علمی اوست، دانشمندان غربی او را مشعل‌افروز خردگرایی و انسان‌مداری وصف نموده‌اند؛ از آنرو که برای «عقل» انسانی در همه امور و احوال، چندان فضیلت قائل شده که آدمی را از هر راهنمای دیگری - که ادیان در وجود انبیاء عظام (ع) متصوّر می‌دانند - بی‌نیاز می‌سازد؛ بدین‌سان (گویند که) رازی انسان را برابر با خدا نهاده است.<sup>(۲)</sup>

§ 5. اعتقاد رازی به جدایی دین از فلسفه (۴/VI) در برابر جماعت (معتزله) که می‌کوشیدند اصول دین را بر مبانی فلسفی منطبق سازند، رازی این امر را امکان‌ناپذیر می‌دانست؛ و برخلاف پیروان ارسطو در عالم اسلام، تصوّر نمی‌کرد که بتوان بین فلسفه و دین سازش ایجاد کرد. یکی از جهات ناسازگاری فلسفه با دین در نزد رازی، همانا همبافتگی و درهمشدگی اصول نظری دیانت با قواعد عملی «شریعت» می‌بود.<sup>(۳)</sup> رازی (و به پیروی از او هم) پیش از ابو‌حامد غزالی (در تهافت) ارسطوستیزی کرده‌اند، مقصود این‌که گذشته از معلوم بودن وضع فلسفه دهری یا طبیعی و مادی «مستقل از دین» آنان در نزد حجة الاسلام غزالی و امثال او، موضع ایشان هم کاملاً روشن بوده است که به لحاظ اصول نظری و فکری خود، هرگز به عنوان «اتحاد دین و فلسفه» در صدد اخلال و اضمحلال کار «دین» برنیامده‌اند؛ اگر هم با دین و پیامبران مخالف بوده‌اند - که اصولاً نمی‌توانسته‌اند موافق هم باشند -، باری، ابدأً از برای امحای «شریعت» عربی اقدام عملی ننموده، مانند فرقه اسماعیلیه تشکیلات سیاسی - نظامی جهت براندازی «خلافت» عربی درست نکرده‌اند.<sup>(۴)</sup> بر روی هم، ایستار دین‌گریزی رازی اولاً ناظر به مسلک و مشی خردگرایانه فلسفی اوست؛ ثانیاً دین‌ستیزی یا پیامبرستیزی رازی (چنان‌که گذشت) بیشتر از جنبه عملی دیانت‌ها - یعنی - «شرایع» و حکومت مذهبی است.<sup>(۵)</sup> اگر اصولی و به طریق منطقی و با برخورد سیستمی، سیرت فلسفی رازی تحت مذاقه قرار گیرد؛ انکار مسأله کلامی «خلق و ابداع» از آن‌روست، که با قبول آن بایستی «خالق» علیحده و مجرد و مقدم بر خلق را هم پذیرفت؛ و این امر خود مستمسک قبول

۱. I، ۱، الف، III، ۷، د.

۳. VI، ۴، الف.

۵. VI، ۵.

۲. III، ۷، د.

۴. VI، ۴، الف.

«نبوت» هم - که گویند از طرف اوست - می‌باشد؛ پس آنگاه قبول «شرایع» که حاکم به امر ولایت یا «خلافت» و «امامت» است ضروری می‌نماید، که در این فرایند منطقی «عقل» فلسفی ایشان هیچ سهم و نقشی ندارد، آدمیان محکوم یا مجبور به اطاعت از اوامر و نواهی متولیان مذاهب و شرایع‌اند؛ ابدأ «اختیار» ی نباشد (پس من به چه کار در جهان آمده‌ام؟) و از این‌رو، رازی با نفی مسأله «خلق» و به تبع آن «نبوت» از بیخ منکر حکومت اصحاب شرایع و متولیان آن شده؛ بدین ترتیب برای «عقل» انسانی که «محکوم علیه» قرار نگیرد، عزت و شرف و کرامت سزاوار ستایشی قائل شده؛ هم از این‌روست که گفته‌اند وی انسان را برابر با خدا نهاده است.<sup>(۱)</sup> بنابراین، پیامبرستیزی او از این‌روست که عقل را بر وحی برتری می‌نهاد؛ پس او در شرایط آن زمان به عنوان یک فیلسوف ایرانی، اما سقراط‌وار اعلام کرد که عقل انسانی خود راهنمای بزرگ در زندگی اجتماعی، و افزاری سترگ در امور نفسانی است (همچون «رنه دکارت» سده ۱۷ م) که آدمی بدان از هر راهنمای انسانی دیگر تحت عنوان «پیامبر» بی‌نیاز می‌گردد، همانا خرد جاودان اهورایی آدمی را خودبسندگی باشد.<sup>(۲)</sup> قول آبروی هم شایان نقل است که اگر کندی (فیلسوف) عرب رسالت پیغمبر عربی را قبول کرد، رازی که یک ایرانی نمونه‌وار بود، فکر نمی‌کرد که باید یک چنین تعهد قبلی داشته باشد (عقل و وحی / ۳۸).

§ 6. به طور کلی، چنین نماید یا می‌توان چنین نتیجه گرفت که دین‌ستیزی یا پیامبرستیزی محمد زکریای رازی، بسا هم واکنشی در برابر متفکران اسماعیلی کوشا در آمیزش فلسفه با دین، عقل با وحی، خردنمایی «دین» و عامی‌سازی «فلسفه»، التقاط‌گری و اختلاط‌بازی این دو بوده است، که به ویژه اسماعیلیان از وجود «نبی» مذهبی بدل از «عقل» فلسفی، حسب مقاصد صرفاً سیاسی خویش یکسره سوء استفاده کرده؛ رازی به ناچار بایستی حسب قواعد جدلی (قواعد بازی) اصل «نبوت» ایشان را هدف گیرد و با آن درستیزد، تا حریم «عقل» فلسفی و اصالت فکری آن مصون از تعرض و محفوظ از تصرف غیر بماند.<sup>(۳)</sup> کتابهای دین‌گریزی رازی هم از آن‌روست، که سازش میان فلسفه و دین را - چنان‌که شعار سران فرقه اسماعیلیه بوده - ممکن نمی‌دانسته است؛ و نظر به مشی و فکر حکیمانه‌اش «عقل» فلسفی را بر «وحی» نبوی برتری نهاده است. فلسفه

.۱ .VI، ۵.

.۲ .VI، ۲.

.۳ .VI، ۵.

رازی همان «دین» باستانی ایران است، منهای «شریعت» و بدون «نبوت» نقلی (که نیز گفته‌اند نفی خدای سامی هم بوده) و به جای آن «قوانین» یونانی را به حکم عقل پذیرفته است. در بیان رهایی انسان از عالم ظلمانی هم، فقط با «فلسفه» آموزی نه مطلقاً با «دین» گروی، تأکید می‌نماید هرکس که کوشید خود به نگرش و پژوهش پرداخت، همانا به حقیقت راه یافت؛ زیرا جانها از تیرگی این جهان پاک نگردد، و از این جهان به آن جهان فراز نرود، مگر با نگرش در فلسفه که باید آن را آموخت.<sup>(۱)</sup> نیز به گفته پینس: رد و ابطال دین توسط حکیم رازی، یکی از نقدها و شکوک و ردود منظم وی در امر تحکیم مبانی فلسفه است... رازی دنبال نگره سیاست مدنی را گرفت که در نزد افلاطون می‌بود، نظری که به موجب آن جامعه برحسب «تقسیم کار» اجتماعی پدید آمده است.<sup>(۲)</sup> متکلمان اسماعیلی که عقل را در برابر امامان فاطمی (مصر) محکوم علیه می‌دانستند، تحمل گفته رازی درباره عقل را - که هرگز محکوم نباشد - نداشتند؛ چون مقدماتی که «نبوت» بر آن استوار است تقریباً همان مقدماتی است که «امامت» بر آن مبتنی است، آنان به دفاع از مسأله نبوت ظاهراً و مسأله امامت باطناً پرداختند، زیرا آنان «عقل» را در برابر «تعلیم امام» محکوم می‌دانستند.<sup>(۳)</sup> خلاصه آن‌که: پیامبرستیزی وی صرفاً در متن منازعات اصولی با «اسماعیلیه» مطرح است.<sup>(۴)</sup>

§ 7. روان‌شناسی اخلاقی به نزد رازی همان «طب روحانی» وی (در برابر «طب جسدانی» اش) مبتنی بر اقناع با حجت‌ها و برهان‌ها در تعدیل افعال نفس‌های سه‌گانه انسانی است.<sup>(۵)</sup> در واقع آموزه خودآگاهی آدمی نسبت به امور نفسانی خویش، حکمت عملی و تهذیب اخلاق که با مهار «هوی» تحقق یابد، اصل اساسی هم در این امر «اعتدال» است که صحت بدن پایدار شود.<sup>(۶)</sup> جهان‌شناسی رازی که طی آن پیوند روح با ماده ملحوظ نظر شده، همانا منشأ «الم» مورد توجه می‌باشد و اساس «بدینی» وی، همان شر است که گوید در جهان ما بر «خیر» چیره باشد. از این‌رو در سیرت فلسفی‌گویی فراخوان به یک آموزه زاهدانه اخلاقی است، قول به اعتدال هم حسب روش سقراطی او را همچون یک «فیلسوف» اخلاقی فرامی‌نماید.<sup>(۷)</sup> هم‌چنین رازی در

۱. VI، ۴، ج.

۲. VI، ۵.

۳. VI، ۷، الف.

۴. VI، ۱.

۵. VI، ۵.

۶. III، ۷، د.

۷. VI، ۷، ب.



علم‌الاهی خویش، سقراط را پیشوای خودش دانسته؛ کتاب‌های سیرت فلسفی و طب روحانی اش نیز، متضمن اخلاق نظری هم به شیوه سقراطی است.<sup>(۱)</sup>

§ 8. رازی این نگره مانوی را داشته است که نفس (هوی) یعنی پتیاره عالم، منشأ فساد و شرور و رذایل و قبايح اخلاق است<sup>(۲)</sup>؛ فلذا در وصایای اخلاق عملی (VI / ۷/ب) پیوسته در سرکوبی و لگام‌زنی بر آن تأکید نموده است.<sup>(۳)</sup> راجع به مسأله «لذت و الم» هم که از نظر رازی در مقوله آسودگی از رنج و آلودگی بدان می‌گنجد، تمام توجه وی به «لذت علمی» و درک فلسفی از برای آدمی است. وی با وجوب رعایت اصل «اعتدال» در همه احوال، زندگی زاهدانه و کناره‌گیری از اجتماع را هم نپذیرفته، درمان هوی و خطای نفس را اشتغال به امور مفید و اکتساب علم و معرفت دانسته است. رازی برخلاف فلاسفه برج عاج‌نشین، حکیمی بسیار خلیق و مردمی و طیبی بس خدوم، یکی از نمونه‌های والای «انسان کامل» بوده است.<sup>(۴)</sup>

§ 9. مدینه مورد نظر رازی اجمالاً جامعه‌ای است که زیربنای اقتصادی آن مؤسس بر تولید زراعی (روستا) و صناعات تولیدی (شهر) و همین شیوه «معیشتی» (اقتصادی) حسب نیاز یا «رفع حوائج» همانا مبتنی بر «تقسیم کار» اجتماعی لازم است، که این همان نگره افلاطونی درباره ساختار جامعه مدنی می‌باشد. نظم و بقای اجتماعی هم ناشی از تعاضد و تعاون بین افراد و تعامل اصناف مدینه است، حافظ نظم و ضامن آن هم «قوانین» بشری است (– نوامیس) که خردمندان به حکم ضرورت و با سلوک عقل وضع کنند. انسان مدنی به طبع و اجتماعی در شرایط «تمدن» (– شهرآسایی) همانا در امر سیاسی استقلال دارد و ذی‌اقتدار است، نظر به حکومت «عقل» که حکیمان و خردمندان سیاستمدار برقرار می‌کنند، مردمان دیگر حاجتی به راهبر یا پیغمبر و امام و شریعتمدار نخواهند داشت.<sup>(۵)</sup> رازی از حیث اعتقاد راسخ به شرف کار و صنعت و پیشه و هنرها، چندین رساله و کتاب در باب صناعات مدنی و ردّ بر تحریم مکاسب نوشته است.<sup>(۶)</sup>

§ 10. باری، جامعه «مدنی» آرمانی حکیم رازی، حسب مدلول و بتا به مفهوم کلمه همانا یک «خردشهر» (= مدینه عاقله) همچون یک دولت‌شهر آرمانی یونانی، که رئیس

۱. III، ۳.

۲. V، ۶، د.

۳. V، ۶، الف. VI، ۷.

۴. VI، ۷، الف – د.

۵. VI، ۶، د.

۶. I، ۲، ج. VI، ۶، د.

سیاستمدار و قانونگذار آن «فیلسوف» خردمند و حکیم دادگر است. «مدینه فاضله» (= دانا شهر / بهین شهر) فارابی هم متأثر از «خردشهر» رازی - هرچند کمابیش آرمانی و «خیالی» است، باز حکومت عُمَّلاء مقرون با نوامیس انبیاء در آن تقرّر می‌یابد.<sup>(۱)</sup> حکیم رازی در واقع با نفی «اتحاد دین و فلسفه»، در خصوص نگرهٔ سیاسی هم «اتحاد دین و سیاست» را بر نمی‌تابد و باطل می‌داند. رازی از آن‌رو به سیاست مدنی «یونان» باور داشته، که آیین شهریاری «ایران» را هم - چون با دین همزاد و پیوسته بوده - مردود می‌شمارد. چه آیین فرّمداری که همبر و هنباز با هرگونه دین و «شریعت» الاهی باشد، از نگاه خردگرایی و نظریهٔ حکومت عقل‌انسانی فیلسوف ری بیهوده و باطل است. بدین‌سان، رازی در آغاز عصر نوزایی فرهنگی ایران در دوران اسلامی، منادی وحید «جدایی فلسفه از دین» و یگانه نگره‌پرداز پیشاهنگ «جدایی دین از سیاست» یا استقلال «دولت» از خلافت سنی، و مبشّر «قوانین» مدنی به جای «شرایع» مذهبی بوده است.<sup>(۲)</sup> در باب قبول «سیاست مدنی» یونان دقیقاً وی با حکیم عمر خیام ستجش‌پذیر است که قواعد یونانی را لازم شمرده، از آن‌رو که احکام شرایع الاهی را برای ترتیب و تدبیر امور نظام اقتصادی-اجتماعی (مدنی) نوع انسان صواب و صحیح نمی‌دانستند.<sup>(۳)</sup> حرف آخر آن‌که گرایش سیاسی رازی به مذهب «امامی» بوده، البته به شرط آن‌که «امام» با اجماع عام گزیده شود.<sup>(۴)</sup>

۱. VI، ۶، د.

۲. VI، ۶، ج.

۳. VI، ۶، د.

۴. VI، ۶، هـ.

## مستدرکات کتاب

### (I)

– ۱/ ۵ (ص): ریچارد والترز که فلاسفه حقیقی را همان مترجمان مسیحی دو سده نخستین پس از اسلام می‌داند، ما یک پله بالاتر، مترجمان مسیحی سده چهارم (محفل بغداد/ محفل رازی) را هم فلاسفه حقیقی می‌دانیم؛ چه متفکران بعد از فارابی یعنی – به اصطلاح فلاسفه نوافلاطونی و اسماعیلی مذهب (اخوان الصفا و اصحاب ابن سینا) که مسائل فلسفی را با مقالات اهل کلام درآمیختند، اینان به مفهوم اخص کلمه «فیلسوف» نبودند و ما هم آنان را فلاسفه حقیقی نمی‌دانیم. اما خیال استاد والترز (نوافلاطونی‌گرا) و همفکران او راحت باشد، که این نظر ابداً به معنای یونانی مآبی یا مسیحی دوستی ما نیست؛ چه برعکس، ایشان متفکران اسماعیلی نوافلاطونی را هم «فیلسوف» می‌دانند که ما نمی‌دانیم.

– ۲/ د/ I (ص): پاول کراوس در شرح حال حکیم رازی (م ۳۱۳ ه. ق.) با استناد به قول هجویری، از روابط وی با عارف مشهور «حلاج» بیضاوی (م ۳۰۹ ه. ق.) سخن گفته است.<sup>(۱)</sup> که اینک عین عبارت هجویری چنین است: «پندارند که حسین منصور حلاج، حسن بن منصور حلاج است، آن ملحد بغدادی که استاد محمد زکریا بوده است، و رفیق ابوسعید قرمطی، این حسین که ما را در امر وی خلاف است، فارسی بوده است از بیضاورد».<sup>(۲)</sup> ما هم به دلایل معین و قرائن واضح، یک چنین رابطه‌ای را بین حکیم رازی و حلاج بیضاوی در بغداد قویاً ممکن می‌دانیم؛ مشروط بر این که کلمه «استاد» را نیز، چنان که در مورد حکیم ایرانشهری استاد رازی بکار رفته، هم به معنای «مقتدا و مقدم» تلقی کنیم.<sup>(۳)</sup>

1. *First Encyclopaedia of Islam*, vol. VI, p. 1134

۲. کشف المحجوب، طبع ژوکوفسکی، ص ۱۹۰.

۳. فیلسوف ری (دکتر محقق)، ص ۲۰۹/ بیست گفتار (همو)، ص ۳۱۱.

– ۲/د/II (ص): در نسخهٔ یگانه‌ای از کتابی در توحید معتزلی (– حوزة قاضی عبدالجبار اسدآبادی/ متوفی ۴۱۵ ه.ق.) که ویراستار آن دانشمند مصری دکتر محمد عبدالهادی ابوزیاده، احتمال می‌دهد کتاب «دیوان الاصول» تألیف ابورشید سعیدبن محمد نیشابوری باشد (ن ۱ س ۵ ه.ق.) از جمله شامل بر مطالبی است در ردّ بر فائلان به قدم اجسام، و نقض بر محمدبن زکریای رازی در انکار صانع، به ویژه نظریهٔ خاص و معروف او در «لذت»، بیان مفصلی در اثبات تناهی آنچه از افعال و حرکات گذشته (– یعنی عالم ازلی نیست) و جز اینها که این همه بدین تفصیل در کتب معتزله بی سابقه است؛ ظاهراً اشاره به عقاید رازی در این کتاب بایستی مقدّم بر اشارت در آثار ناصر خسرو بوده باشد.<sup>(۱)</sup>

– ۲/د/III (ص): ابوزکریاء یحیی بن عدی به نحوی از دانش رازی برخوردار شده است، حتی برخی از دانشمندان تصریح کرده‌اند که او طبّ و منطق را نزد رازی خوانده است.<sup>(۲)</sup>

– ۲/د/III (ص): گفتگوی میان ابن ندیم و ابوالخیربن خمار دربارهٔ ظهور فلسفه در مجلس «عیسی بن علی» رمانی صورت گرفت؛ مطلبی که در الفهرست به او اختصاص یافته نسبتاً مختصر است، ابن ندیم می‌گوید که عیسی بن علی در عصر خود در منطق و علوم اوایل یگانه بود؛ و اثری از او دربارهٔ زبان فارسی نام می‌برد (– کتاب فی اللغه الفارسیه) و نیز گوید «سیدنا» ابوالقاسم عیسی بن علی؛ و قولی بدین مضمون نقل می‌کند که سلام بن ابرش از قدامای مترجمان و معاصر با برمکیان، الطبیعه/ سماع طبیعی (ارسطو) را از فارسی (پهلوی) به عربی ترجمه کرده است. علاقهٔ وی به دانش ایرانیان و زبان فارسی، او را از دیگر شاگردان یحیی بن عدی جدا می‌کرد.<sup>(۳)</sup>

## (II)

– ۴/الف (ص): از جملهٔ «ردّ» های دیگر رازی که یاد نشد: (۱). ردّ بر احکام نجوم، (۲). ردّ بر تحریم مکاسب.<sup>(۴)</sup>

۱. رش: گفتار علی رضا ذکاوتی (در) کتاب فرهنگ (نشریهٔ مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی)، بهار و

پاییز ۱۳۶۸، ص ۵۳۳–۵۴۰. ۲. فیلسوف ری، ص ۲۳.

۳. احیای فرهنگی در عهد آل بویه (ج. کرم)، ص ۱۹۷.

۴. فیلسوف ری، ص ۲۳.

– ۴/ج (ص): هم از جمله «رد» ها بر رازی نقائض ناصر خسرو اسماعیلی است، که شباهت تمامی به رساله پهلوی ضد مانوی «شکندگمانیک و بیچار» می برد: «ما از خدای تعالی توفیق خواهیم بر تألیف کتابی اندر ردّ مذهب محمد زکریا، و جملگی اقوال آن اندر آن جمع کنیم بعد از آنکه مر کتب او را که اندر این معنی کردست، چندباره نسخه کرده ایم و ترجمه کرده به تفاریق مر بنیادهای مذهب او را به ردهای عقلی ویران همی کنیم، اندر مصنفات خویش، والله خیر موفق و معین.»<sup>(۱)</sup>

## (III)

– ۷/الف (ص): پینس در باب تأثر رازی از افلاطون گوید که، وی به چند عبارت اظهار کرده است که فلسفه ارسطو را نمی پذیرد، ولی خود را پیرو افلاطون می داند. این افلاطون احتمالاً در وهله اول بازگرد به یک تفسیر یونانی مآب از «تیمائوس» (Timaeus) است؛ چه رازی در شکوک بر جالینوس به دو رذیه پزشک یونانی بر نظریات مبتنی بر آموزه تیمائوس اشاره می کند، که راجع به خلقت اجسام طبیعی فارغ از اشکال هندسی است؛ در این خصوص رازی حجّت‌هایی از برای خصوصیت‌های ذره‌گرایی خویش بیان می کند. باید گفت که چندین مفهوم طبیعی رازی به آثار فلسفی تازی نبشته و ستایشنامه‌ای افلاطون نسبت یافته‌اند؛ و از طرف دیگر، همسان‌گیری رازی نظریه سیاسی افلاطون را در قبال ارسطو، از آنروست که فلاسفه به اصطلاح اسلامی، با وسعت قابل ملاحظه‌ای از وی اخذ و اقتباس کرده‌اند. در ضمن، رازی طی گفتاوردی عقیده مکتب (PROCLUS in *Timaeum*, III, 37.) «Platonist Attikos» را به عنوان یک اصل افلاطونی فرامی نماید.<sup>(۲)</sup>

## (IV)

– ۲. (ص): کتابشناسی توصیفی آثار کیمیایی رازی را فؤاد سزگین (طبعاً بسی کاملتر از بروکلیمان) در اثر معروف خویش بدست داده، شامل ذکر تحقیقات «روسکا، گاربرس، کریموف، شیبانی» و جز اینان؛ آثار موجود و مطبوع از او «سرّ الاسرار، کتاب الاسرار، المدخل التعليمی، الشواهد، شرف الصناعه، التدبیر، الاثبات، الاکسیر، الحجر،

۱. زاد المسافرین، ص ۱۰۳.

2. *Dictionary of Scientific Biography*, vol. 11, p. 324.

الخواص، المفید، الخمائر، القانون، المعادن» و جز اینها که بعضاً بدو منسوب‌اند (رش: تاریخ التراث العربی، ج ۴، ترجمه

الدکتور عبدالله حجازی، چاپ ۲، قم، مرعشی، ۱۴۱۲ ه.ق.، ص ۴۰۰-۴۱۶). ۳. (ص): هم‌چنین سزگین کتابهای طبیعی: الحجر، المعادن، و به ویژه کتاب الخواص رازی را یاد کرده، که طی آن به کتاب الفلاحه (اپولونیوس تیانی / بلیناس) استشهد شده است (همان، ص ۴۷۴-۴۷۵).

– ۴/ج (ص): شهرستانی یک باب «ذره‌گرایی» در نزد متکلمان به عنوان مسأله اثبات «جوهر فرد» (= ذره) مفرد ساخته، که اختلاف نظر میان ایشان و فلاسفه را در مسائل و دلایل بیان نموده است؛ از جمله تجزّی جسم به طریق عینی و ذهنی (نامتناهی و متناهی) که هم ملازم با مسأله اتصال و انفصال در هیولی و صورت می‌باشد؛ شهرستانی نامتجزّی بودن جسم را حسب انفصال به طریق توهم (– ذهنی) که به اجزای نامتناهی نمی‌فرجامد خلاف عقل می‌داند، ظاهراً شبهه در این قضایا راجع به چگونگی «خلاء» و تعریف آن در نزد ایشان است.<sup>(۱)</sup>

– ۴/د (ص): در مسأله ارتباط کیمیای رازی با نگره اتمی دموکریتوس، اولاً ابن جلجل اندلسی از نوشته‌های وی در این خصوص یاد کرده، که ترجمه‌های سربانی و عربی آنها وجود داشته است<sup>(۲)</sup>؛ ثانیاً در جزو نوشته‌های جابر بن حیان صوفی «مصححات» کیمیای دموکریت (افلاطون) یاد شده، که علمای یونانی آنرا در شکل مکالمات بین سینسیوس و دیوسکوروس شرح کرده‌اند؛ و نیز دموکریت به عنوان طبیب اثر پزشکی هم داشته، حتی یک رساله «فلاحت» هم به او نسبت یافته است.<sup>(۳)</sup>

– ۴/د (ص): درباره «تیمائوس» افلاطون از باب ذره‌گرایی که پیشتر گذشت (III/۷/الف) گویند که در شرق نیز بازار این اثر همان‌قدر گرم بود که در غرب، به ویژه، چنان‌که پاول کراوس (رسائل جابر بن حیان) نشان داده، بخش بزرگی از علم کیمیای مسلمانها هم از این رساله الهام گرفته است؛ چنان‌که به عنوان مثال نظریه تبدیل فلزات «جابر بن حیان» یکسره بر آتم‌باوری ریاضی تیمائوس استوار است. کیمیایگران بر آن بودند

۱. رش: نهاية الاقدام فی علم الکلام. طبع گیوم، ص ۵۰۵-۵۱۳.

۲. طبقات الاطباء. ترجمه سید محمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۹۴.

3. Steinschneider, (49), (50).

تا چگالی فلزات را حساب کنند، و این گرایش بر پایه نگرش‌هایی است که آشکارا از اثر افلاطون الهام می‌گرفت؛ و البته بی‌هیچ نتیجه‌ای اما گناه از ایشان نبود، هم‌چنان‌که امروز دریافته‌اند «ایده» خوب بوده است.<sup>(۱)</sup>

۵. (ص): در خصوص کتاب «القوانين الطبيعية في الحكمة الفلسفية» رازی (اوپسال/ ۳۴۰، تورنبرگ / ۲۲۸) که من به اتفاق استاد ایرج افشار نتوانستیم نشانی از آن بیابیم، سزگین می‌گوید بسیار محتمل است به خطا آن‌را به رازی نسبت داده باشند.<sup>(۲)</sup>

۵ / و (ص): رازی به حق شرح جالینوس و فور فوریوس را بر نگره ارسطو درباره علّت غائی یا تضمّن مقصود در طبیعت ردّ می‌کند، این‌که ارسطو آن‌را هم به مثابت روح تلقّی نموده است.<sup>(۳)</sup>

## (V)

۳. (ص): ابن‌دیسان / بردیسان (۱۵۴-۲۲۲ م) فیلسوف کُرد حرّانی، به پیروی از فلاسفه یونان ثنویت ایرانی «خیر و شرّ» را به صورت «تن # روان» یا «جسم و جان» (فیزیک و متافیزیک) بیان نموده؛ وی از ثالث آریایی کهن (برنهاد + برابرنهاد ← همنهاد) یا «نور + ظلمت ← گیتی» تعبیر مذهبی جدیدی (روان / پدر زندگی + تن / مادر زندگی ← فرزند / مسیح) نموده است، که مانویان به جای کلمه «مسیح» (لوگوس) «انسان قدیم» گفته‌اند.<sup>(۴)</sup>

۴. (ص): در مسأله حادث که از آن به وجود صانع نتیجه گرفته‌اند، سیدمرتضی رازی گوید: «بدان‌که بنای مذهب فلاسفه بر یک اصل است از انکار صانع و قدم عالم، و چون درست شود که عالم محدث (= نوپدید) است، لابد که وی را محدثی (= پدیدگر) باید که همان صانع باشد...»<sup>(۵)</sup>

۵ / ح (ص): چنین نماید که نظام منسجم فکری-فلسفی «زروانیه» در دوران اسلامی،

۱. گفتار «الکساندر کوبیره» (ترجمه داریوش آشوری)، معارف، دوره ۱۱، ش ۱ و ۲ / فروردین-آبان ۱۳۷۳.

۲. تاریخ التراث العربی، ج ۴، ص ۴۱۵.

3. *Islamic Philosophy* ... (Ess. Pre. to R. Walzer), pp. 38-39.

۴. رش: گفتار دکتر علی‌نقی منزوی (در) مجموعه سخن‌رانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی (دانشگاه

ملی ایران)، ج ۳، ۱۳۵۶، ص ۳۶۵-۳۷۵.

۵. تبصرة العوام، طبع اقبال، ص ۱۲.

فقط در عرفان نظری و تصوّف علمی تبلور و تجسّم یافته است؛ صورت عامیانه زروان‌گرایی همانا در اعتقادات جاری «بخت‌گرایی» (Fatalism) از جمله در رباعیات خیامی نموده می‌آید. چه در عهد ساسانی بر اثر تعدّیات دینانی و تحت تأثیر افکار جدید، «خوش‌بینی» بنیان دین زردشتی پژمرده و گسیخته شد، میل به زهد و اعتقاد به «جبر» و گرایش به قضا و قدر فزونی گرفت؛ و گواه بر آن «تاریک‌اندیشی» یا «تیره‌بینی» است، که بر سراسر عرفان و حکمت ایران اسلامی سایه افکنده است.<sup>(۱)</sup>

– ۵/ ی (ص): کتاب مناظره یا تحقیق خلاف میان ابوزکریاء یحیی بن عدی (شاگرد رازی) و ابواسحاق ابراهیم بن بکوس، جزو آثار ابوالخیر خمّار مسیحی (شاگرد یحیی) یاد شده، که در مسأله صورت «آتش» برخلاف نظر ابوسلیمان منطقی می‌باشد که آنرا در صورتهای اسطقسات می‌دانسته است.<sup>(۲)</sup>

– ۶/ الف (ص): در باب رابطه بین حکیم رازی و حلاج بیضاوی به مستدرک پیشین (I/۲/۲/I) رجوع شود.

#### (VI)

– ۳. (ص): به گفته افلاطون منشأ ضرورت در خود عناصر نیست، بلکه طبیعت مجهول و مبهم و یا خود در ماده غیرمتعینی است که حامل آنهاست.<sup>(۳)</sup>

– ۴... (ص): درباره تأثرات اسماعیلیه از مذهب زردشتی، چنان‌که در آراء ابویعقوب سجستانی و ابوحاتم رازی دیده می‌شود؛ هم‌چنین در مسأله اختلاف دیرین اسماعیلیه با مانویان، نیز درباره پیوندهای اخوان الصفا با اسماعیلیان (به لحاظ عقیدتی) به مطالعات «شین نوموتو» رجوع شود.<sup>(۴)</sup>

– ۴... (ص): در گزارش ابوحیان توحیدی پیرامون «دین و فلسفه» که نظر استادش ابوسلیمان منطقی سجستانی را بیان می‌کند (– این‌که فلسفه از جنس شریعت نیست، شریعت هم از فنّ فلسفه بدور است، میان آن دو تفاوت از زمین تا آسمان باشد) از جمله می‌افزاید که ابوسلیمان گفته است اصحاب شرایع خودشان فراخوان به فلسفه شده،

۱. فهرست ماقبل الفهرست (پ. اذکائی)، ص ۱۱۷.

۲. تاریخ علوم عقلی (دکتر صفا)، ص ۲۸۱. ۳. تاریخ فلسفه (امیل برهیه)، ص ۱۸۱.

۴. کتاب الاصلاح (ابوحاتم)، طبع مینوچهر، محقق، مقدمه، ص ۴۵–۴۷.



دستور داده‌اند که آن‌را از یونانیان اقتباس کنند؛ پس گوید که وزیر از این سخن ابوسلیمان در شگفت شد، و آن‌را حمل بر خوار شمردن و خشم گرفتن بر شرایع دانست؛ در حالی که ابوسلیمان مردی مشهور به منطقی و از پیروان یحیی بن عدی نصرانی (شاگرد رازی) بوده، بر او کتابهای یونان و تفسیر دقایق کتب ایشان را به نهایت بیان خوانده است؛ پس گوید که فلسفه حق است، لیکن شریعت را چیزی نباشد... (الخ). هم چنین ابوحیان گوید که ابوسلیمان منطقی شریعت را از فلسفه جدا می‌دانست، آنگاه بر آمیزش میان آن دو انگیخته شد که این کار به تناقض‌آوری شباهت دارد. پس ابوغانم طیب که یکی از اصحاب ابوبکر محمدبن زکریای رازی فیلسوف بود از ری به بغداد آمد، با ابوسلیمان در باب این تناقض به مناظره پرداخت و او را چنان در تنگنای بحث انداخت، که ناچار از انکار قول خود گردید.<sup>(۱)</sup>

۴- الف (ص): عبدالرحمان بدوی که خلاصه نظر ابوسلیمان منطقی را در باب دین و فلسفه آورده، می‌گوید تلاش عظیم در وفاق بین فلسفه و دین را جماعت اخوان الصفا نمودند؛ هم آنان که طی دهه‌های بین ۳۳۰ و ۳۷۰ ه.ق. در رسائل پنجاه‌گانه‌شان بدین امر قیام کردند. ابوسلیمان گوید چگونه اخوان الصفا بر خود روا داشتند، که حقایق فلسفه را بر طریق شریعت گرد آورند؟ در حالی که (۱) دین یک چیز است و فلسفه چیزی دیگر است، چون که دین پایدار به وحی است، و فلسفه بر عقل استوار است؛ (۲) شریعت به هیچ چیز فلسفه مانند منطوق و طب و ریاضیات و کیمیا و موسیقی نیازی ندارد؛ (۳) دین پرسش «چرا و چون» یا «ای کاش و اگر» روا نمی‌داند، زیرا که قائم به تقریر مطلق است، پس هرگز جای اعتراض یا چون و چرا و تشکیک نباشد.<sup>(۲)</sup>

۴- (ص): بعضی از اصحاب علم‌گویی به تظاهر و تقیه، قائل به عدم تعارض میان دین و فلسفه شده‌اند، مانند ابوریحان بیرونی که ما از ایستار وی سر در نیاوردیم (ص ۱۰۹ و ۲۲۷) در حالی که به قول دکتر حسین معصومی (همدانی) وقتی مسأله رابطه میان علم و دین، میان توضیح علمی و توضیح کلامی، به صورت توسل به «خدای رخنه‌پوش» مطرح شود، بازنده از قبل معلوم است؛ چه، چیزی که امروز توضیح علمی ندارد، فردا توضیح علمی پیدا می‌کند؛ و «خداوند»ی که کارش پوشاندن رخنه‌های طبیعت است، هر روز ناچار می‌شود که چند گام دیگر عقب‌نشینی کند.<sup>(۳)</sup>

۱. الامناع والموانسة، ج ۲، ص ۱۷-۱۸ و ۲۳.

۲. صوان الحکمه (ابوسلیمان)، مقدمه، ص ۴۳ و ۴۵.

۳. گفتار در خرد جاودان (جشن‌نامه استاد آشتیانی)، ص ۶۶۰.

۴/ الف (ص): اشعار در طعن و نقض حکمت یونانی (که بسیار است) از جمله می توان بدین نمونه ها بسنده کرد:

«حکیم عقل کز یونان زمین است      اگرچه بر همه بالانشین است  
به هر جا شرع بر مسند نشیند      کسش جز در برون در نبیند»

(وحشی).

«مر از منصب تحقیق انبیاست نصیب      چه آب جویم از جوی خشک یونانی  
دل در سخن محمدی بند      ای پور علی زبوع علی چند»

(خاقانی).

«چندچند از حکمت یونانیان      حکمت ایمانیان را هم بخوان»

(بهای).

«تو نفس علم شو از نقش علم دست بشوی

که نفس علم قدیم است و نقش او فانی»

(قآنی).

۴... (ص): پهلوان میدان اتحاد دین و فلسفه (وحی و عقل) ابوالحسن عامری نیشابوری که گزارش و گفتاوردهای رسای بسا از وی فرانمودیم، در خصوص عدم تعارض دین با فلسفه هم در پی استادش ابوزید بلخی پیرو ابواسحاق کندی بود؛ وی در جایی «انسان مدنی به طبع» را در برابر «انسان دینی به طبع آورده» (که به راستی یک رده بندی بسیار نگرش پذیر است) و «ادب» را هم بر دو قسم «ادب حقیقه (- اخلاق) و ادب شریعه (- مذهب) یاد کرده است. عقل در نزد عامری اصالت الاهی دارد، و آن خلیفه خداوند در این جهان است. راه گشودن سختی ها و حل معضلات و رفع موانع و کشف حقایق با اوست. اگر چنین تکیه گاهی در میان نبود، یأس و ناامیدی جان زنده دلان را می خورد؛ و تاریکی جهل جهان اندیشه و علم و فلسفه را می بلعید، کارویژه عقل تولید علم و حکمت است». (۱) اکنون با این نگرش و ستایش عامری درباره «عقل» (که سخنان حکیم رازی را در این مورد به یاد می آرد) باید گفت که آن بیچاره بدبخت ذلیل و خائف مرعوب در تأیید خلافت «سنی» عربی (مذهب مختار سلطه حاکم) طی کتاب مناقب اسلام خود اختیار «عقل» را در نزد معتزله ایرانی طعن کرده، شیعه امامی را هم

۱. رسائل عامری، ص ۱۹۴ و ۵۲۱/ احیای فرهنگی (کریم)، ص ۳۲۰ و ۴۲۴.

به سبب اتخاذ «عقل و اجتهاد» در اصول فقه خویش طعن و نقض و به «جهل» منسوب نموده، نیز قول به «امام معصوم» را در نزد شیعیان (اثنی عشری) طعن و تسخر کرده است.<sup>(۱)</sup> آقای ابوالفضل شکوری مقاله‌ای درباره‌ی اندیشه‌ی سیاسی ابوالحسن عامری نوشته که (حسب عنوان‌های موضوعی: عقل، نبوت، پیامبران حکیم، تغلب و امامت، حکومت دینی، ...) کاشف از تناقض‌گویی‌های آن به اصطلاح فیلسوف نیشابور است.<sup>(۲)</sup> آن موجود فکری ذیحیاتین مبعوض که بر نگره «قدماء خمسۀ» حکیم رازی نقض آورده (که البته این اشکالی ندارد) ولی او را «فیلسوف» ندانسته (اعلام / ۲۳-۲۴) مثل خلفش ابن سینای بی‌آزم اسماعیلی، در کمال وقاحت و بی‌حیایی اولاً در رساله «النسک العقلمی» هم از فیلسوف ری تأسی نموده و از وی برگرفته، ثانیاً در نگره بقای نفوس حسب فضیلت عقلی (قول رازی) و ثالثاً در مسأله لذات و شهوات مطرح در «الامد علی الابد» عیناً به لفظ و معنا مطلب را از «طب روحانی» رازی برگرفته (برگرفته آن است) و نیز در کتاب «فی المعالم الالهیه» چنین نماید که متأخذ از کتاب «علم الاهی» حکیم رازی است، حتی در رساله علمی «ابصار» همان نگره رازی را آورده که بعدها ابن هیثم نیز آن را مطرح نموده است.<sup>(۳)</sup>

۴- ج (ص): در اشاره به احوال اهل مدرسه در قرون وسطی، امیل برهیه گوید در بعضی از احیان فکر عقلی، گویی چنان خسته و مانده است، که از اثبات اعتبار خاص خود تن می‌زند، و در برابر مذاهبی که مدعی وصول به حقیقت از طریق شهود و احساس و الهام‌اند سپر می‌اندازد؛ مثلاً بعد از دوره‌ای که مذهب اصالت عقل در قرن هجدهم اعتبار داشت، و اصحاب آن اعتماد کامل به احکام عقل داشتند، دوره‌ای پیش آمد که توجه به انفعالات و احساسات و تمایلات (رومانتیسیم) و سعی در برآوردن و کامیاب ساختن آنها به حد افراط گرایید؛ تناوب این دو دوره را شاید بتوان یکی از قوانین کلی تاریخ فکر بشر بشمار آورد.<sup>(۴)</sup>

۵- (ص): هم در باب برتری عقل به نزد رازی (که آنرا در فهم مسائل الاهی یگانه

۱. الاعلام بمناب الاسلام، ص ۱۱۶/۲۱۸-۱۱۷/۲۱۹ و ۱۱۸/۲۲۰-۱۱۹/۲۲۱.

۲. نامه آیین پژوهش، ش ۵۳ / آذرودی ۱۳۷۷، ص ۲-۱۲.

۳. رش: رسائل ابوالحسن عامری (خلیفات)، ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۷۲، ۳۰۰، ۳۳۲، ۴۸۴، ۴۸۵ و

۴. تاریخ فلسفه، ترجمه دکتر داوودی، ص ۴۲.

مرجع می‌داند) چون یقین دارد که می‌توان توسط عقل نسبت به مسائل الهی و اخلاقی معرفت کامل یافت، نبوت هم که بیشتر از این دو امر قیام نمی‌کند، دیگر موجبی برای بعثت انبیاء و ارشاد خلق پیدا نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

۵- (ص): سیدمرتضی رازی ضمن بیان ارسال رُسل، یکبار از «زکری» (؟) [یعنی «زکریای» رازی] نقل کند که گوید: «پنج چیز قدیم است: صانع و روح و مکان و زمان و هوا (و) گویند علم بر افعال خدای تعالی جایز نبود، چنان‌که بر معقولات وی جایز نبود...».<sup>(۲)</sup>

۶- (ص): در خصوص چگونگی فلسفه و دین در دنیای اسلام، چکیده سخنان استاد هانری کوربن هم خالی از فایده نیست: «در مسیحیت فلسفه بود که مبارزه بر ضد پیشوایی و قیادت دینی را برانگیخت؛ پس همان سلاح که پیشوای دینی فراهم آورده بود (یعنی فلسفه را مجاز شمرده بود) علیه خود او تغییر جهت داد و بر ضد خود او بکار افتاد. اما در مقابل، آنچه روحانیت اسلام را راهنمایی کرد تا از قید تعبد به جزمیات ستمگرانه نجات یابد، و از انقیاد به الفاظ و ظاهر شریعت رها گردد، چیزی از قبیل سیاست مکتب ابن‌رشد نبود؛ بلکه همان طریق «تأویل» بود که به طور کلی باید به وسیله آن، همه پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها را در مذهب باطنی اسلام تجزیه و تحلیل کرد، تا بتوان موضع و حد نظایر آنرا در غرب معین ساخت. ابن‌رشد می‌گفت که ای مردم! من نمی‌گویم دانشی که آنرا علم الهی می‌نامید غلط است، بلکه می‌گویم که دانش من دانش بشری است. می‌توان گفت که این سخن، آینه تمام‌نمای ابن‌رشد است، و موضع این حکیم در آنجاست که: بشریت نو در رنسانس شکفته و پدیدار گردید، و از آنجا سر بیرون کرد و قد کشید».<sup>(۳)</sup> خلاصه قول این است که با جدایی فلسفه از دستگاه مسیحیت، سلاحی بر ضد آن پرداخته آمد و بالید؛ ولی فلسفه در اسلام «نبوی» یا تأویلی و باطنی شد، به صورت حکمت الهیه درآمد که دین را پایدار ساخت.

۶/ب (ص): رساله «ایون» (Ion) افلاطون که ابن‌ندیم آنرا به صورت «اوتن» نوشته<sup>(۴)</sup>، کوتاه‌ترین رسالات وی درباره هنر روایت اشعار است. رساله پروتاغوراس

۱. گفتار حسین واعظزاده اراکی (در فرهنگ ایرانزمین، ج ۲ (۱۳۳۳)، ص ۲۵۷.

۲. تبصرة العوام، طبع اقبال، ص ۷۲.

۳. تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه مبشری، ص ۳۰۹.

۴. افلاطون فی الاسلام (بدوی)، ص ۱۱.

افلاطون هم در این خصوص است، که مردمان در هر هنر و فنی دانش و فضایل آنها را می‌آموزند؛ ولی در سیاست که اساس آن عدالت و عفت است فضیلتی نمی‌شناسند، هیچ به آموختن فن و علم آن اهمیت نمی‌دهند؛ و هر کس به خود اجازه می‌دهد در فن سیاست، بدون آن‌که دانش آن را آموخته باشد اظهار نظر کند.<sup>(۱)</sup>

– ۶/ب (ص): درباره استبدادی بودن ایران و دموکراسی یونان، امیل برهیه گوید که نمونه‌هایی از سیر انحطاطی جامعه را نیز می‌توان از تاریخ بدست آورد، مثلاً می‌توان دید که چگونه آزادی در یکی از کشورهای پادشاهی [ایران] به ستم‌پیشگی و خودکامگی تغییر یافته؛ و برعکس، در حکومت عامه آتن به خودسری و لگام‌گسیختگی رسیده است. بدین ترتیب دو تأسیس اجتماعی در مقابل یکدیگر جای می‌گیرند، که یکی حکومت مستبده و دیگری حکومت عامه است؛ و این دو قسم حکومت منشأ سایر اقسام آن بشمار می‌رود، هر کدام به تنهایی زشت و بی‌اندام است، لیکن امتزاج آنها به نسبت مطلوب سازمانی نیکو و زیبا پدید می‌آورد.<sup>(۲)</sup>

– ۶/ج (ص): درباره اندیشه سیاسی یونانی و ایران‌شهری بهترین نوشته، هم از حکیم نیشابوری (ایران‌شهری) ابوالحسن عامری پیشگفته (۴/VI) در کتاب «السعادة والاسعاد فی السیره الانسانیه» (طبع مجتبی مینوی، ویسبادن، ۱۳۳۶) است، که با تأثر از کتابهای سیاسی استادش ابوزید بلخی به خوبی از عهده برآمده؛ و بهترین جستار هم به ویژه در باب اندیشه سیاسی ایرانی (ایران‌شهری) در نزد عامری، همان گفتار ابوالفضل شکوری (پیشگفته) است<sup>(۳)</sup>؛ و حاجت به تذکار نباشد که حکیم رازی با نگره سیاست ایران‌شهری، نظر به «توأم» بودن آن با حکومت دینی یا شریعت مذهبی یکسره مخالف است.

– ۶/ه (ص): در باب گرایش امامی حکیم رازی یا – به عکس – گرایش شیعیان امامی به رازی، پاول کراوس گوید که در محافل شیعه (امامیه) این عقیده وجود دارد که آموزه‌های وی ژرف‌ترین تأثیر را بر نگره‌های شیعی نهاده است؛ چنان‌که ابواسحاق ابراهیم‌بن نوبخت در مهم‌ترین کتاب کلام شیعی «الیاقوت» خود، نظریه «لطف» را از رازی گرفته است (مطلبی که) متکلمان اسماعیلی با آن مخالف بودند.<sup>(۴)</sup>

۱. پنج رساله، ترجمه دکتر صنایعی، ص ۱۱۷ –

۲. تاریخ فلسفه، ص ۲۰۸.

۳. نامه آیین پژوهش، ش ۵۳ / آذر – دی ۱۳۷۷، ص ۲–۱۲.

4. *First Encyclopaedia of Islam* (1936), vol. VI, p. 1134.

– ۷/ الف (ص): سقراط (م ۳۹۹ ه.ق.) پیشوای اخلاقی رازی، از رجال سیاست برشمار نمی‌رفته، اما رفتار وی نمونه پای‌بندی به علایق مدنی و پیروی از قوانین کشور بوده، سرانجام هم به احترام همان قوانین تن به زندان و حکم مرگ داد. رساله «آین» (Ion) پیشگفته از افلاطون (۶/ ب) همان دفاعیه سقراط است؛ و سیرت فیلسوف را هم افلاطون از جمله در رساله «فیدن» چنین تعریف نموده: کسی است که از شوائب جسمانی منزّه و تنها به روان خود زنده مانده است، و چون در زندگی این جهان تن او از روان جداست پروایی از مرگ ندارد. در رساله «تئتس» کسی را فیلسوف شمرده است که در مناسبات خود با مردمان غیر لایق و ناتوان است، در جامعه بشری مقامی را حائز نمود و منشأ تأثیری در مدینه نیست. اما در رساله «جمهوری» گوید که فرمانروای مدینه هموست، و در رساله «نومیس» او را همچون آمر به معروف و ناهی از منکر وصف می‌کند. در اوصاف پیاپی از شأن فیلسوف، دو امر به ظاهر متناقض وجود دارد: یکی آن‌که فیلسوف باید از این جهان بگریزد، دیگر آن‌که باید در برپایی مدینه فاضله بکوشد. از یک سوی دانشمندی روی‌گردان از جهان است، از طرف دیگر حکیم عادل سائسی است که به وضع قوانین مدینه می‌پردازد. فیلسوف از یک طرف واضع قواعد قاطع در منطق عقل است، از سوی دیگر باید روح او از فرشته عشق الهام پذیرد. علم و عرفان، فلسفه و سیاست، اموری است که معمولاً آنها را مستقل و مجزا از یکدیگر می‌دانند؛ چنان‌که پس از افلاطون جز در نزد بعضی از مجددان بزرگ سده نوزدهم با هم انضمام و اتحاد نپذیرفته است.<sup>(۱)</sup>

– ۷/ ب (ص): ارسطو خطاب به اسکندر گفته است که عقل در سر تدبیر، و همان صلاح نفس و آینه عیبهاست، که ناشایسته‌ها بدان خوار گردد و دوست‌داشتنی‌ها بدان گرامی شود، و همان سر همه ستودنی‌ها و بن سرفرازی‌هاست.<sup>(۲)</sup>

## (VII)

– ۱۲–۱۴ (ص): دوگرایی فلسفی رازی مبنی بر قبول اصل ضدین در جهان‌شناسی است، که همان «دو بن» هستی در نگرش ایرانی – یعنی – مبادی خیر و شر یا نور و

۱. تاریخ فلسفه (برهیه)، ص ۱۲۸، ۱۴۵–۱۴۶.

۲. کتاب السیاسه فی تدبیر الریاسه، ص ۷۵.

ظلمت، در تعبیر دینی اش همان «اورمزد» و «اهریمن» زروانی - مزدایی - مانوی باشد؛ رازی در جزو دیرینه‌های پنجگانه‌اش، این دو بُن را به عنوان «باری» و «نفس» واجب به وجود آورده؛ حکیمان یونان هم این نگره ضدین جدلی (دیالکتیک) را منسوب به مغان ماد باستان، نیز مقوله مرکب آن دو (- میانجی / هم نهاد) را یکسره از حکمت زروانی - زردشتی برگرفته‌اند؛ و چنان‌که ارسطو هم گفته است «ضدین» مزبور وحدت عددی ندارند؛ پس آنگاه این دو بُن در نظام منطق جدلی (دیالکتیک) هگلی - مارکسی تحت مقولات مشهور «بر نهاد» و «برابرنهاد» کارکرد گسترده فلسفی یافته‌اند.<sup>(۱)</sup>

- ۱۵ (ص): خلقت عالم اصولاً با همیاری و هم‌امیزی ضدین قدیمین، در واقع «حدوث دهری» بوده باشد.<sup>(۲)</sup>

- ۰- ۲۱ (ص): نگره ذره‌گرایی (- اتمیسم) در نزد مغان حکیم ایران، به عنوان فرضیه «بذر» (= تخمه) های نخستین و بنیادی مطرح بوده، که در دامدات نسک (مفقود) اوستایی تبیین شده است.<sup>(۳)</sup> نمایندگان برجسته دو مکتب اساسی «گیتی‌گرایی» (ماتریالیسم) زروانی و «مینوگرایی» (ایده‌آلیسم) زردشتی ایران، در میان حکمای یونان باستان به ترتیب هراکلیت افسوسی و افلاطون آتنی توانند بود. اما مبانی مینوگرایی (- ایده‌آلیسم) فلسفی و گیتی‌گرایی (- ماتریالیسم) فلسفی در ایران باستان، بر همان دو مبدأ «خیر و شر» یا «نور و ظلمت» استوار است؛ چندان‌که «مینو» (آسمان روحانی) در وضع تعلق به اهورامزدا، و «گیتی» (جهان مادی) مختص به اهریمن بوده باشد.<sup>(۴)</sup>

- ۲۷ (ص): چنان‌که گذشت واضح منطق جدلی (دیالکتیک) مغان اندیشمند ماد باستان بودند، که یونانیان مقولات ضدین و مرکب آن نظام منطقی را هم از ایشان گرفتند؛ و اما مقوله هم‌نهاد ایشان همانا «مهر» (میشه) میانجی (intermediate) بین «اورمزد» و «اهریمن» همان وضع مرکب در منطق جدلی ارسطو و در نگره هوشمندانه افلاطون هم «ترکیب» همان تضاد است. اما در نظام مانوی هم‌نهاد میان نور و ظلمت همانا «حیات» تبیین گردیده، که در هر حال رازی و حکیمان دهری و عارفان اشراقی ایران دوره اسلامی نیز، اصول منطق جدلی را یکراست از فرادادهای نیاکانی - یعنی - از

۱. III، ۰۱ / ۰۳، ۰۷ / ۰۳-۹، ۰۷ / ۰۳-۲۰، ۰۵ (ز).

۲. III، ۰۱.

۳. III، ۰۵، ۰۷.

۴. III، ۰۵، الف.

سرچشمه‌های فرهنگ ملی-میهنی خویش و از متون زروانی-مانوی-زردشتی برگرفته‌اند؛ چنان‌که در نظام فکری-فلسفی و جهان‌بینی حکیم رازی، مقولهٔ همنهاد با اصطلاح تمازج به مفهوم هم‌امیزی و همیاری ماده و نفس، برهان حدوث عالم و صیوروت در طبیعت و اصل حرکت است؛ و همین آمیزشگاه میان نور و ظلمت یا بین عرصات شعور و ماده، خود میراث تفکر ایرانی و حسب مکتب زروانی همان نگرش مغانی کهن می‌باشد. حاجت به تکرار نیست که اصل «تمازج» (synthesis) رازی عیناً همان میانجی (Mediation) یا «همنهاد» مشهور هگل و مارکس، در روش جدلی فلسفه‌های‌شان است.<sup>(۱)</sup>

۲۸- (ص): چنان‌که پیشتر گذشت (VI/۶/هـ) متکلمان شیعی امامی قاعدهٔ «لطف» را از حکیم رازی گرفته‌اند (نیز پیش از آن گذشت که رازی این گفتمان را در قبال علت «غائی» ارسطو تقریر کرده است) و این معنا قانون وجوب لطف بر خداوند، حسب تعبیری (که ما چندان با آن موافق نیستیم) از فروع قاعدهٔ فلسفی «الواحد لا یصدر منه الا الواحد» است، که بیانی دیگر از قاعدهٔ لزوم سنخیت میان علت و معلول می‌باشد؛ و همین از قواعد فلسفهٔ ثنوی ایران پیش از اسلام بوده، که آنها را بر روی هم «قانون صدور» نامیده‌اند (به عقیدهٔ ما صحیح همانا «قانون ایجاب» باشد) و به هر حال تفاوتی که میان کاربرد قاعدهٔ لطف در نزد دوگانه‌گرایان پیش از اسلام، با کاربرد آن در نزد موحدان پس از اسلام وجود داشته، تنها در این است که «وجوب لطف از خدا» همانا به صورت «وجوب فلسفهٔ یونان» بیان شده است. از قاعدهٔ سنخیت میان علت و معلول هم نتیجه می‌گیرند که از یزدان جز «لطف و مهر و عدل» نباید، و از اهریمن جز «قهر و کین و ظلم» نزاید. قانون مزبور همیشه مورد استناد ثنویان و به ویژه مانویان در دوران اسلامی هم بوده است.<sup>(۲)</sup>

۱. III، ۵، ب. ۷، ۳، ۵، ه. ز.

۲. گفتار دکتر علی‌نقی سنزوی (در) مجموعه سخنرانیها... ج ۳، ص ۳۷۵.



# نمایگان

۱. کتابنامه

(فهرست منابع و مراجع کتاب).

۲. نامنامه

(اعلام اشخاص و امکنه و نسبتها).

۳. واژه‌نامه

(موضوعات و مصطلحات و کتب).

## ۱. کتابنامه

(فهرست منابع و مراجع کتاب).

### الف). فارسی و عربی

- آربری، آرتور.
- عقل و وحی در اسلام، ترجمه حسن جوادى، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- آملی، اولیاءالله.
- تاریخ رویان، تهران، ۱۳۲۴.
- ابن ابی اصیبه، موفق‌الدین.
- عیون الأنباء فی طبقات الاطباء، طبع الدكتور نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵.
- ابن ابی الحدید، عزالدین.
- شرح نهج البلاغه، طبع محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۹-۱۹۶۴.
- ابن اثیر، عزالدین.
- الکامل فی التاریخ، بیروت، ۱۳۸۵-۸۶ هـ. ق.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن.
- تاریخ طبرستان، طبع عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰.
- ابن جلجل، اندلسی.
- طبقات الاطباء والحکماء، ترجمه و تعلیقات سیدمحمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ابن جوزی، ابوالفرج.
- تلبیس ابلیس، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- ابن حزم اندلسی.
- الفصل فی الملل والأهواء والنحل، القاهره، ۱۳۱۷-۲۰ هـ. ق.

- ابن خلدون، عبدالرحمان.  
مقدمه تاریخ، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۵۲–۵۳ ه. ش.
- ابن خلکان، شمس‌الدین.  
وفیات الاعیان، طبع محمد محیی‌الدین عبدالحمید، القاهرة، ۱۳۶۷ ه. ق.
- ابن ربیع طبری، علی.  
فردوس الحکمه، طبع دکتر محمد زبیر الصدیقی، برلین، ۱۹۲۸.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله.  
الاشارات و التنبیها، بیروت، مؤسسة النعمان، ۱۴۱۳ ه. ق. / الشفاء (طبیعیات و الاهیات)، طبع الدكتور ابراهیم مدکور، القاهرة، ۱۳۸۰ ه. ق.
- ابن شادی همدانی.  
مجمالتواریح و القصص، طبع ملک الشعراء بهار، تهران، ۱۳۱۸.
- ابن العبری، ابوالفرج.  
تاریخ مختصر الدول، بیروت، ۱۹۵۸ م.
- ابن عنبیه داوودی.  
عمدة الطالب، طبع آل الطالقانی، نجف، ۱۳۸۰ ه. ق.
- ابن فریغون.  
حدود العالم، طبع دکتر منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ابن فقیه همدانی.  
مختصر البلدان، طبع دخویه، لیدن، ۱۸۸۵ م.
- ابن القفطی، جمال‌الدین.  
تاریخ الحکماء، طبع ژولیوس لیپرت، لایپزیگ، ۱۹۰۳ م.
- ابن مسکویه رازی.  
رسالتان فی اللذات و الآلام و النفس و العقل، القاهرة، ۱۴۲۱ ه. / ۲۰۰۱ م.
- ابن منظور، جمال‌الدین.  
لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ابن ندیم، ابوالفرج.  
الفهرست، طبع تجدّد، تهران، ۱۳۵۰ ش.

- ابن واضح یعقوبی.  
تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران، ۱۳۵۶.
- ابوسهل مسیحی (م ۴۰۳ ه.ق).  
کتاب المائة فی الطب، حقه و قدم له: فلوریان سناغوستان، ج ۲، دمشق، المعهد  
الفرنسی، ۲۰۰۰ م.
- ابوالمعالی بلخی (فقیه)  
بیان الادیان، طبع شفر، پاریس، ۱۸۸۵ / طبع دانش پژوه، تهران، ۱۳۷۶.
- اذکائی، پرویز.  
گفتار (در ماهنامه چیستا، سال ۳ (۱۳۶۴)، سال ۵ (۱۳۶۶)، سال ۸ (۱۳۶۹)،  
سال ۱۱ (۱۳۷۲)؛ فرمانروایان گمنام، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار یزدی، ۱۳۶۷؛  
رسالة «قبة الارض ایرانی» (کتاب) فرهنگ، ش ۲ و ۳ / بهار و پاییز ۱۳۶۷ (ص  
۱۲۵-۱۵۱)؛ گفتار «شیخ مفید و حکمت طبیعی» (در) المقالات والرسالات، قم، ۱۴۱۳ ق  
(ش ۴۹)؛ گفتار «رابطه نقلی و عقلی در فقه» (در) مجموعه کنگره شیخ انصاری، قم،  
۱۳۷۳؛ درگزین تا کاشان، تهران، ۱۳۷۲، تاریخنگاران ایران، تهران، ۱۳۷۳؛ ابوریحان  
بیرونی، تهران، ۱۳۷۴؛ باباطاهرنامه، ۱۳۷۵؛ فهرست ماقبل الفهرست، مشهد، آستان  
قدس، ج ۱، (۱۳۷۵)، ج ۲ (۱۳۷۸)؛ گفتار «خاستگاه ایرانی کلمه حق» (در) خرد  
جاودان، ۱۳۷۷؛ گفتارها (در) فصلنامه ایران شناخت، ش ۹ (تابستان ۱۳۷۷)، ش ۱۰  
(پاییز ۱۳۷۷)، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۷۷)؛ گفتار «استانس مسمغان» (در) ماهنامه دانش و  
مردم، ش ۴ (تیرماه ۱۳۷۹) و؛ همدان نامه (بیست گفتار درباره مادستان)، ۱۳۸۰.
- ارانی، (دکتر) تقی.  
آثار و مقالات، تهران، ۱۳۵۷.
- ارسطو.  
کتاب السیاسه (فی تدبیر الریاسه)، طبع عبدالرحمان بدوی، قاهره، ۱۹۵۴. / الطبیعه  
(ارسطو طالیس)، ترجمه: اسحاق بن حنین، مع شروح: ابن السمع (و) ابن عدی (و) متی بن  
یونس (و) ابی الفرج بن الطیب، طبع عبدالرحمان بدوی؛ القاهره، الدار القومیه، الجزء  
الاول، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م، الجزء الثاني، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م. // طبیعیات (physica)،  
ترجمه دکتر مهدی فرشاد؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- اسکندر، آلبرت زکی.  
گفتار (در) مجلّة المشرق، بیروت، ۱۹۶۰.
- اشپولر، برتولد.  
تاریخ ایران، ج ۱، ترجمه دکتر جواد فلاطوری، تهران، ۱۳۴۹؛ ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، ۱۳۶۹.
- اشترک، م.  
گفتار (در) دائرةالمعارف الاسلامیه، ج ۹، قاهره (ص ۲۹۲-۲۹۵).
- اصطخری، ابواسحاق.  
مسالك و ممالك، ترجمه (کهن)، طبع ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۷. / ترجمه تستری، همو، تهران، ۱۳۷۳.
- افلاطون.  
دوره آثار افلاطون (۶ ج)، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷ ش.
- افنان، سهیل.  
واژه‌نامه فلسفی، چاپ ۲، تهران، ۱۳۶۲.
- اقبال آشتیانی، عباس.  
خاندان نوبختی، تهران، ۱۳۱۱. / مجموعه مقالات، تدوین دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۶۹.
- اقبال لاهوری، محمد.  
سیر فلسفه در ایران، ترجمه دکتر امیرحسین آریانپور، تهران، ۱۳۴۷.
- الکک، ویکتور.  
تأثیر صابثان حرّان در تمدن اسلامی، بیروت، ۱۹۷۱.
- الگود، سیریل.  
تاریخ پزشکی ایران، ترجمه دکتر باهر فرقانی، تهران، ۱۳۵۶.
- اینشتاین، آلبرت.  
نسبیت (نظریه خصوصی و عمومی)، ترجمه غلامرضا عسجدی، تهران، ۱۳۶۱.
- بارتولد، و.  
جغرافیای تاریخ ایران، ترجمه حمزه سردادور، چاپ ۲، تهران، ۱۳۵۸. // ترجمه

- همايون صنعتی‌زاده، تهران، موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۷؛ خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، ۱۳۵۸.
- باقر، طه.
- تاریخ الحضارات القديمه، بغداد، ۱۹۵۱ م / ۱۳۷۰ ق.
- بدوی، عبدالرحمان.
- الاصول اليونانيه، قاهره، ۱۹۵۴ م. / افلاطون فی الاسلام (نصوص)، تهران، مک‌گیل، ۱۳۵۳ ش. / الافلاطونية المحدثه... (نصوص حَقَّقها و قَدَّم لها)، الكويت، ۱۹۷۷. / التراث اليوناني في الحضارة الاسلاميه (دراسات لكبار المستشرقين)، ط ۲، القاهرة، ۱۹۶۵؛ گفتار (در) تاريخ فلسفه در اسلام (م. م. شريف)، ج ۱، تهران، ۱۳۶۲.
- برنال، جان.
- علم در تاريخ، ج ۱، ترجمه کامران فانی، تهران، ۱۳۵۴.
- برهيه (بريه)، اميل.
- تاريخ فلسفه (در دوره يونانی)، ترجمه دکتر علی مراد داوودی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- بروکلمان، کارل.
- تاريخ الادب العربي (نقله الى العربية)، ج ۴، قاهره، ۱۳۷۵.
- بغدادی، عبدالقاهر.
- الفرق بين الفرق، بيروت، ۱۳۹۳ هـ. ق.
- بلخی (ابوزيد) — مطهر مقدسی.
- البدء والتاريخ، طبع کلمان هوار، پاریس، ۱۸۹۹-۱۹۱۹.
- بلعمی، ابوعلی.
- تاريخ بلعمی، طبع بهار — گنابادی، تهران، ۱۳۴۱.
- بنونیست، امیل.
- دين ایرانی، ترجمه بهمن سرکاراتی، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰.
- بهار، مهرداد.
- اساطير ایران، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲.
- بیرونی، ابوریحان.
- الأثار الباقیه، طبع زاخانو، لیسزیگ، ۱۸۷۸ م / طبع اذکائی، تهران، ۱۳۸۰ ش؛

استخراج الأوتار فی الدائرہ، طبع ابوالقاسم قربانی، تهران، ۱۳۵۵؛ الأستله والأجوبه، طبع سید حسین نصر (و) مهدی محقق، تهران، ۱۳۵۲؛ أفراد المقال فی امر الظلال (ترجمه انگلیسی) ای. اس. کندی، حلب، ۱۹۷۶؛ تحديد نهايات الاماکن، طبع بولجاکوف - ابراهیم احمد، القاهرة، ۱۹۶۲ / ترجمه (فارسی) احمد آرام، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش؛ تحقیق ماللهند، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م؛ التفهیم، طبع جلال الدین همایی، تهران، ۱۳۱۸ / ۱۳۵۲؛ الجماهر فی الجواهر، طبع یوسف الهادی، تهران، ۱۳۷۴؛ الصيدنه فی الطب، طبع دکتر زریاب خوبی، تهران، ۱۳۷۰؛ فهرست کتابهای رازی (و) المشاطه للفهرست (غضنفر تبریزی)، طبع دکتر مهدی محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶؛ القانون المسعودی (ج ۳)، حیدرآباد الدکن، ۱۳۷۳ / ۱۹۵۴ م - ۱۳۷۵ / ۱۹۵۶ م.

- پورد اوود، ابراهیم (گزارنده).

گاتها (زردشت)، بمبئی، ۱۹۲۷ / یادداشت های گاتها، تهران، ۱۳۳۶؛ ویسپرد، تهران، ۱۳۴۳؛ سینا (ج ۱ و ۲)، تهران، ۱۳۳۷ / ۱۳۴۰.

- پیشس، س.

مذهب الذره عندالمسلمین و علاقته بمذاهب اليونان و الهنود (و معه فلسفه محمدبن زکریا الرازی)، نقله محمد عبدالهادی ابوزید، القاهرة، ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م؛ گفتار «اصالت علم اسلامی» (ترجمه بهناز هاشمی پور) معارف، ش ۴۰ (۱۳۷۶ ش).

- تفضلی، احمد (گزارنده).

مینوی خرد، تهران، ۱۳۵۴؛ شهرستانهای ایران (در شهرهای ایران) (کیانی، ج ۳، تهران، ۱۳۶۸).

- تقی زاده، سیدحسن.

بیست مقاله، تهران، ۱۳۴۱؛ مانی و دین او (احمد افشار شیرازی)، تهران، ۱۳۳۵.

- توحیدی، ابو حیان.

الامتاع والمؤانسه (ج ۳)، طبع احمد امین و احمد الزین، بیروت، دارالحیة؛ مثالب الوزیرین، طبع ابراهیم الکیلانی، دمشق، ۱۹۶۱؛ المقابسات، طبع محمد توفیق حسین، بغداد، ۱۹۷۰. / رسالة الحیة، القاهرة، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۱ م.

- جالینوس.  
 جوامع کتاب طیماوس (فی العلم الطبیعی)، طبع پاول کراوس، لندن، ۱۹۵۱.  
 – جفری، آرتور.  
 واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۲.
- حائری، عبدالحسین.  
 فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۲، تهران، ۱۳۷۴.
- خازنی، عبدالرحمان.  
 میزان الحکمة، حیدرآباد الدکن، ۱۳۵۹ هـ.ق. // ترجمه فارسی (سده ۵۸) طبع  
 مدرس رضوی، تهران، ۱۳۴۶ ش.  
 – خوارزمی، ابو عبدالله.  
 مفاتیح العلوم، طبع فان فلوتن، لیدن، ۱۸۹۵.  
 – خوانساری، محمد.  
 فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران، ۱۳۵۶ ش.  
 – خیاط معتزلی.  
 کتاب الانتصار (والرد علی ابن الراوندی)، بیروت، المطبعة الکاتولیکیه، ۱۹۵۷.
- دانش پژوه، محمدتقی.  
 فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱)، ۱۳۴۸.  
 – داوری اردکانی، رضا.  
 فارابی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴.  
 – دفتری، فرهاد.  
 تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه، ۱۳۷۵.  
 – دوستخواه، جلیل (گزارنده).  
 اوستا (زردشتی)، ج ۲، تهران، مروارید، ۱۳۷۰.  
 – دیاکونوف، ا. م.  
 تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۴۵.



- دی بور، ت. ج.  
تاریخ الفلسفه فی الاسلام (نقله الی العربیة) الدكتور محمد عبدالهادی ابوزید، ط ۴،  
القاهره، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۷ م.  
- ذکاوتی، علیرضا.  
عمر خیام نیشابوری، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸؛ گفتار (در) کتاب فرهنگ، ۱۳۶۸،  
(در) خرد جاودان، ۱۳۷۷.
- رازی، ابوحاتم (اسماعیلی).  
أعلام النبوة، طبع صلاح الصاوی (و) غلامرضا اعوانی، تهران، انجمن فلسفه،  
۱۳۵۶؛ کتاب الاصلاح، طبع حسن مینوچهر (و) مهدی محقق، تهران، ۱۳۷۷.  
- رازی، سیدمرتضی.  
تبصرة العوام، طبع عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۳.  
- رازی، فخرالدین.  
مناظرات، طبع فتح الله خلیف، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۶۶. / المباحث المشرقیه،  
طبع محمد المعتصم بالله البغدادی، ۲ ج، بیروت، ۱۹۹۸ م. / کتاب المحصل، و بذیله:  
تلخیص المحصل للطوسی؛ طبع عبدالرؤف سعد، القاهره، ۱۳۲۲ هـ.  
- رازی، محمدبن زکریاء.  
رسائل فلسفیه (مضاف الیه قطعاً من کتبه المفقوده)، طبع پاول کراوس، القاهره،  
۱۹۳۹؛ السیره الفلسفیه، طبع کراوس، ترجمه عباس اقبال، طبع دکتر مهدی محقق، تهران  
(چاپ ۲)، ۱۳۷۱؛ الشکوک علی جالینوس، طبع دکتر محقق، تهران، ۱۳۷۲؛ کتاب  
الأسرار، ترجمه و تعلیق دکتر حسنعلی شیبانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ / المدخل  
التعلیمی، طبع دکتر شیبانی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶. / الطب الروحانی، طبع دکتر محقق،  
تهران، ۱۳۷۸؛ ترجمه پرویز اذکائی، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۱.
- رازی، نجم الدین.  
مرصاد العباد، طبع دکتر محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۵۲.  
- راسل، برتراند.  
تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری (ج ۱)، تهران، ۱۳۴۰.

- رافعی، امام‌الدین.  
التدوین فی اخبار قزوین، طبع (ثانوی) عزیزالله عطاردی، تهران، ۱۳۷۶.
- رشید یاسمی  
کرد و پیوستگی نژادی، تهران، ۱۳۱۶.
- زامباور، ادوارد.  
معجم الانساب والاسرات الحاکمه، القاہرہ، ۱۹۵۱.
- زرکلی، خیرالدین.  
الاعلام، چاپ ۸، بیروت، ۱۹۸۹.
- سارتون، جورج.  
تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۴۶. / مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه  
غلامحسین صدری افشار، ج ۱، تهران، ۱۳۵۳.
- سامی النشار، علی.  
نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، ج ۱، القاہرہ، ۱۹۶۵ م.
- ستیس، و.  
فلسفه هگل، ترجمه دکتر حمید عنایت، چاپ ۶، تهران، ۱۳۷۰.
- سجستانی، ابوسلیمان منطقی.  
صوان الحکمة (و ثلاث رسائل)، طبع عبدالرحمان بدوی، طهران، ۱۳۷۴.
- سزگین، فؤاد.  
تاریخ التراث العربی (المجلد الاول)، ترجمه عبدالله حجازی، (اعادة الطبع)، قم،  
مرعشی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- سلیم، عبدالامیر.  
گفتار (در) یادنامه ناصر خسرو، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵.
- شریف، م. محمد (ویراستار).  
تاریخ فلسفه در اسلام (گفتار «رازی»)، ترجمه دکتر نصرالله پورجوادی (ج ۱)،  
تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.

- شكورى، ابوالفضل.  
گفتار (در آيينه پژوهش، ش ۵۳ / آذرودى ۱۳۷۷ (ص ۲-۱۲).  
- شهرزورى، شمس الدين  
نزهة الارواح، حيدرآباد دكن، ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م.  
- شهرستانى، عبدالكريم.  
نهاية الاقدام فى علم الكلام، طبع آلفرد گيوم، القاهرة، مكتبة الثقافة / الملل والنحل،  
طبع بدران، القاهرة، ۱۹۵۶.  
- شيخ (لاهورى)، محمد سعيد.  
مطالعات تطبيقى در فلسفه اسلامى، ترجمه مصطفى محقق داماد، تهران، خوارزمى،  
۱۳۶۹.  
- شيخ مفيد، ابن المعلم.  
المصنفات، ج ۶، قم، ۱۴۱۳ هـ. ق.  
- شيرازى، قطب الدين.  
درة التاج، طبع سيد محمد مشكوة، چاپ ۳، تهران، ۱۳۶۹.  
- صفا، ذبيح الله.  
تاريخ علوم عقلى در تمدن اسلامى، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.  
- طبرى، احسان.  
برخى بررسى ها درباره جنبش هاى اجتماعى در ايران، برلين، ۱۳۴۸ / تهران، آلفا،  
۱۳۵۸.  
- طبرى، محمد بن جرير.  
تاريخ الرسل والملوك، ليدن، ۱۸۷۹-۱۸۹۰.  
- طوسى همدانى.  
عجائب المخلوقات، طبع دكتور ستوده، تهران، ۱۳۴۵.  
- عامرى، ابوالحسن.  
الاعلام بمناقب الاسلام، طبع و ترجمه دكتور شريعتى - دكتور منوچهرى، تهران، مركز

نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷؛ الامد علی الابد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶؛ رسائل، طبع سحبان خلیفات، ترجمه مهدی تدین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵؛ السعادة والاسعاد، طبع مجتبی مینوی، و بسپادن، ۱۳۳۶.

- عبدالجلیل قزوینی.

النقض (علی) بعض فضائح الروافض، طبع محدث آرموی، تهران، ۱۳۳۱ ش.  
- علوی، سیداحمد.

شرح القبسات، طبع حامد ناجی، تهران، ۱۳۷۶.

- عمری، نجم‌الدین.

المجدی، طبع دکتر احمد دامغانی، قم، مرعشی، ۱۴۰۹ ق.  
- عنایت، حمید.

تفکر نوین سیاسی اسلام، تهران، ۱۳۶۵.

- عیسی بک، احمد.

تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه نورالله کسائی، تهران، ۱۳۷۱.

- عین القضاة همدانی.

مصنفات (تمهیدات، زبدة الحقائق، شکوی الغریب)، طبع عقیف عسیران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱-۴۲؛ نامه‌ها، طبع علینقی منزوی (۳ ج)، تهران، ۱۳۴۸ / ۱۳۷۷.

- فارابی، ابونصر.

الجمع بین رائی الحکیمین، قاهره؛ رسالته فی الخلاء، طبع نجاتی لوغال و آیدین صایلی، دانشگاه آنکارا، ۱۹۵۰.

- فان اس، ژوزف.

مقدمه بر بیست گفتار (دکتر مهدی محقق) و گفتار (ترجمه ناصر گذشته)، خرد جاودان، تهران، ۱۳۷۷.

- فرای، ریچارد.

میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، ۱۳۴۴.

- فرنیغ دادگی.

بندھشن، گزارش مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹.

- فولکیه، پول.  
 هذه هي الديالكتيكية، ترجمة تيسير شيخ الارض، بيروت، ۱۹۵۹.
- قاضی صاعد اندلسی.  
 التعريف بطبقات الامم، طبع غلامرضا جمشیدنژاد، تهران، ۱۳۷۶.
- قریب، بدرالزمان.  
 فرهنگ سعیدی (فارسی-انگلیسی)، تهران، فرهنگان، ۱۳۷۴ / گفتار (در) یاد بهار، تهران، ۱۳۷۶.
- قزوینی، محمد.  
 یادداشت‌ها، طبع ایرج افشار، ج ۶، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- کراوس، پاول.  
 جابربن حیان (رسائل)، ۲ ج، القاهرة، ۱۹۴۲-۱۹۴۳.
- کرمانی، حمیدالدین.  
 الاقوال الذهبیه، طبع صلاح الصاوی (و) غلامرضا اعوانی، تهران، انجمن فلسفه، ۱۳۵۶.
- کرمر، جوئل. ل.  
 احیای فرهنگی در عهد آل بویه (انسان‌گرایی در عصر رنسانس، اسلامی)، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۵. / فلسفه در عصر رنسانس اسلامی (ابوسلیمان سجستانی و مجلس او)، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.
- کریستن سن، آرتور.  
 ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۴۵؛ مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۵۷.
- کریمان، حسین.  
 ری باستان (۲ ج)، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۶-۱۳۴۹.
- کسروی، سیداحمد.  
 شهریاران گمنام، تهران، ۱۳۳۵؛ کاروند، به کوشش یحیی ذکاء، تهران، ۱۳۵۲.

- کوربن، هانری.  
تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، تهران، ۱۳۵۲ / گفتار (ترجمه فاطمه ولیانی)، خرد جاودان، ۱۳۷۷.
- کویره، الکساندر.  
گفتار (ترجمه داریوش آشوری)، معارف، سال ۱۱، ش ۱ و ۲ / فروردین — آبان ۱۳۷۳.
- لین پول، استانلی.  
طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۲ ش.
- مجیدزاده، یوسف.  
تاریخ و تمدن بین‌النهرین، تهران، ۱۳۷۶.
- محقق، مهدی.  
فیلسوف ری، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹ / بیست گفتار، تهران، مک گیل، ۱۳۵۵ / گفتار (در) خورشیدسواران، ۱۳۷۱؛ (در) خرد جاودان، ۱۳۷۷. / الدراسة التحلیلیه لکتاب الطب الروحانی، (باللغة العربیة و الفارسیة و الانجلیزیة)، طهران، ۱۳۷۸.
- المحلی — السیوطی.  
تفسیر الجلالین، مصر، چاپ بولاق.
- مسعودی، ابوالحسن.  
التنبیه والاشراف، طبع دخویه، لیدن، ۱۸۹۴؛ مروج الذهب، طبع شارل پلا، بیروت، ۱۹۶۵-۱۹۷۴.
- المصری، احمد بن یوسف.  
کتاب العهود الیونانیة (فی) الاصول الیونانیة، طبع عبدالرحمان بدوی، القاهرة، ۱۹۵۴.
- معصومی همدانی، حسین (ویراستار).  
زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی، ج ۱، تهران، ۱۳۶۵. / گفتار (در) معارف، سال ۳ (۱۳۶۵) و خرد جاودان، ۱۳۷۷.

- معین، محمد.  
حواشی برهان قاطع، تهران، ۱۳۳۰-۱۳۳۵؛ مزدیسنا و ادب فارسی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- مقدسی بیاری.  
احسن التقاسیم، طبع دخویه، لیدن، ۱۹۰۶.
- منزوی، علینقی.  
گفتارها (در) مجموعه سخن‌رانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، ۱۳۵۶، ج ۳ (ص ۳۵۶-۳۷۵)، در دانشنامه ایران و اسلام، طهران، جزوه ۹، ۱۳۵۷ (ص ۱۳۳-۳۳)، در سخنواره (یادنامه دکتر خانلری)، تهران، توس، ۱۳۷۶؛ (در) ارجنامه ایرج (افشار)، تهران، توس، ۱۳۷۷.
- میرداماد، استرآبادی.  
القبسات، طبع دکتر مهدی محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- مینوی، مجتبی.  
نقد حال، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱.
- ناصر خسرو قبادیانی  
جامع الحکمتین، طبع هنری کربن (و) دکتر معین، تهران، چاپ ۲، طهوری، ۱۳۶۳ / خوان الاخوان، القاهرة، ۱۳۵۹ ه.ق. / زاد المسافرین، طبع محمد بذل الرحمان، برلین، کاویانی، ۱۳۴۱ ه.ق. / وجه دین، طبع دکتر ارانی، برلین، ۱۳۴۳ ه.ق.
- نجفی، محمدعلی (و) مهیار خلیلی  
اندیشمند و انسان، تهران، ۱۳۵۲.
- نجم آبادی، محمود.  
مؤلفات و مصنفات رازی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ / تاریخ طب در ایران، ج ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- نصر، سیدحسین.  
علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۵۰ / معارف اسلامی (در جهان معاصر)، تهران، ۱۳۵۳ / نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.

- نظامی عروضی.  
چهار مقاله، طبع قزوینی – معین، تهران، ۱۳۳۳.  
– نولدکه، تئودور.  
تاریخ ایرانیان و عربها، ترجمه دکتر زریاب خویی، تهران، ۱۳۵۸.  
– نوموتو، شین  
مقدمه بر کتاب الاصلاح (ابوحاتم رازی)، تهران، ۱۳۷۷.  
– نیبرگ، ساموئل.  
دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، ۱۳۵۹.  
– نیکیتین، واسیلی.  
کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران، ۱۳۶۶.  
  
– واعظ‌زاده (حکیم الهی)، حسین.  
گفتار (در) فرهنگ ایران‌زمین، دفتر دوم، تهران، ۱۳۳۳.  
– ولفسن، ه.  
فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۶۸.  
  
– هدایت، صادق.  
نوشته‌های پراکنده، تهران، ۱۳۳۴.  
– همایی، جلال‌الدین.  
غزالی‌نامه، تهران، ۱۳۴۲.  
– یاقوت حموی.  
معجم الادباء، مصر، دارالمأمون، ۱۹۳۷ / معجم البلدان، طبع ووستنفلد، ج ۲،  
لیپزیگ، ۱۸۶۷.

## ب). زبانهای اروپایی

- Anklesaria, B. (tr.)  
*Pahlavi Vendidad*, Bombay, 1949.  
– Arberry, A.  
*The Spiritual Physicks of Rhazes*, London, 1950. / *Revelation and Reason in Islam*,  
London, 1952.



- 
- **Asmussen, Jes. p.**  
*Manichaeen Literature*, New York, 1975./ *XUĀSTVĀNIFT* (Studies in Manichaeism), Copenhagen, 1965.
  
  - **Badi, A. M**  
*L'idée de la méthode des sciences*, lausanne, 1953 (t. 1).
  - **Bailey, H.**  
*Zoroastrian Problems...*, Oxford, 1943/ 1971.
  - **Biruni, A.**  
*INDIA*, ed, tr., & notes by E. Sachau, 2 v., London, 1889/ India, 1964.
  - **Boyce, M.**  
*A reader in Manichaeism...*, ACTA IRANICA, (9), 1975.
  - **Brandon, S.**  
*History, Time and Deity*, Manchester University, 1965.
  - **Brinkman, C.**  
*A Political History of Post-Kassite Babylonia*, Rome, 1968.
  - **Brockelmann, C.**  
*Geschichte der Arabischen Litteratur*, 1937 (GI, SI).
  - **Browne, E. G.**  
*Arabian Medicine* (Lectures delivered in 1919 and 1920), Cambridge, 1921.
  
  - **Carnoy, A.**  
*Iranian Mythology*, New York, 1964.
  - **Casartelli, L.**  
*Philosophy of the Mazdayasnian Religion*, Bombay, 1889.
  - **Chroust, A-H.**  
*ARISTOTLE*, vol. II, London, 1973.
  - **Corbin, H.**  
*Histoire de la philosophie Islamique*, Paris, 1964.
  - **Crowther, J.**  
*Francis Bacon*, London, 1960.

- **De Boer, T. J.**  
*Geschicht der Philosophie im Islam*, Stuttgart, 1901/ 1921.// *The History of Philosophy in Islam*, tr. by E. R. Jones, London, 1903/ 1933.
  
- **Elgood, C.**  
*A Medical History of Persian and the Eastern Caliphate*, Cambridge, 1951.
- **Engels, F.**  
*Anti-Dühring*, Moscow, Progress, 1975/ *Dialectics of Nature*, Moscow, 1976. / *Ludwig feuerbach (and the end of Classical German Philosophy)*, Moscow, 1968.
- **Eskandar, A. Z.**  
*A Study of ar-Rāzi's medical writings*, Oxford, 1959. / *A Catalogue of Arabic Manuscripts on medicine...*, in the WELLCOME hist. med. Lib., London, 1967.
  
- **Frye, R.**  
*OPERA MINORA*, Shiraz, 1976.
  
- **Gaudefroy-Demombynes, M.**  
*REVUE DE L'histoire des Religions*, (124), 1941.
- **Geiger, W. (ed.)**  
*Grundriss der Iranischen Philologie*, (b. I, ob. 2), Strassburg, 1895-1901.
- **Gershevitch, I. (ed.)**  
*The Cambridge History of IRAN*, vol. 2, Cambridge, 1985.
- **Goodman, L. E.**  
(art. in) *Encyclopaedia of Islam*, 2ed., VIII (474-477).
  
- **Heidel, A.**  
*The Babylonian Genesis*, London, 1963.
- **Henning, W. B.**  
*Selected Papers (vol. II)*, ACTA IRANICA (15), 1977.
- **Herodoti-**  
*Historiae*, tr. by A. Godley, 1966. / *The Persian Wars*, tr. by Rawlinson, 1942.

- **Herzfeld, E.**  
*IRAN in the Ancient East*, Oxford, 1941.
- **Horn, P.**  
*Grundriss der Neu-Persischen etymologie*, Strassburg, 1893.
  
- **Isidore of Charax.**  
*Parthian Stations*, tr. & co. by W. H. Schoff, Chicago, 1889.
  
- **Jackson, A. V. W.**  
*Researches in Manichaeism*, New York, 1932.
- **Justi, F.**  
*IRANishes Namenbuch*, Hildesheim, 1963.
  
- **Kent, R.**  
*Old Persian*, New Haven, 1953.
- **Kessler, K.**  
*MANI* (forschungen uber die Manichäisch religion), Berlin, 1889.
- **Klima, O.**  
*Manis Zeit und Leben*, Prag, 1962.
- **Kraus, P.**  
*Raziana* (I) *ORIENTALIA*, N. S., t. 5, 1935, II./ *Epitre de Bērūni* Contenant répertoire des ouvrages de M. b. Z. ar-Raīzi, Paris, 1936./ *OPERA PHILOSOPHICA* (fragmentaque quae supersunt), I, Cahire, 1939./... and S. Pines (art. in) *First Encyclopaedia of Islam* (1913–1936), Brill, 1987, vol. VI, pp. 1134–1136.
  
- **Langée, F. A.**  
*Geschichte des Materialismus und kritik Seiner bedeutung in der Gegenwart*, 1865.
- **Lewy, H.**  
(art. in) *A Locust's Leg*, 1962.
  
- **Marquart, J.**  
*ĒRĀNŠĀHR*, Berlin, 1901./ *Wehrot und Arang*, Leiden, 1938.

- **Mehdi, M.**  
(art. in) *Bulletin d'Études Orientales*, Damas, tome XLVIII, 1996, pp. 145-153.
- **Meyerhof, Max.**  
(art. in) *ISIS*, 23, 1935; The Philosophy of the Physician al-Rāfī, (in) *Islamic Culture* (15), 1941, pp. 45-58.
- **Minorsky, V.**  
(art. in) *First Ency. of Islam*, vol. III (F. 452-3), vol. V, p. 398, vol. VI, pp. 1105-1108.
  
- **Nasr, S.H.**  
*Islamic Studies*, pp. 87-89, 91-92. / *Science and Civilization in Islam*, pp. 196-207, 268-278. / *Islamic Science*, London, 1976. / *An annotated bibliography of Islamic Science*, vol. 1, Tehran, 1975.
- **Nawwabi, Y. M.**  
*A bibliography of IRAN*, vol. VI (religion, Philosophy & science), Tehran, 1984 (pp. 784-792).
- **Nöldeke, Th.**  
*Geschichte der Perser und Araber...*, Leiden, 1879/ 1973.
  
- **Olmstead, A. T.**  
*History of the Persian Empire*, Chicago, 1948.
- **Oppenheim, Leo.**  
*Ancient Mesopotamia*, Chicago, 1964.
  
- **Pedersen, J.**  
(art. in) *A Locust's Leg*, 1962.
- **Pines, S.**  
*Beiträge Zur Islamischen Atomenlehre*, Berlin, 1939. / (art. in) *Int. Cong. on the Hist. of Science*, VII, 1953. / (and in) *Dictionary of Scientific Biography*, New York, vol. 11 (1980), pp. 323-326.
  
- **Ranking, G. A.**  
The Life and works of Rhazes, *Int. Cong. Med.* (XVII, 1913), London, 1914.

- **Rosenthal, F.**  
*The classical heritage in Islam*, London, 1975./ (art. in) *A. Locust's Leg*, 1962.
- **Rosenthal—Yudin.**  
*A Dictionary of Philosophy*, Moscow, 1967.
- **Ruska, J.**  
(in) *ISIS*, 5, 1923./ *Archivio di storia della Scienza*, 1924, 5./ *Der ISLAM*, 22, 1935./ *Quellen U. Studien Z. Gesch. d. Natur W. U. Med.*, 4, 1935, 6, 1937.
  
- **Saggs, H.**  
*The Greatness that was Babylon*, London, 1962.
- **Sanjana, (ed. & tr.)**  
*The Dinkard*, Bombay (1–19 vols).
- **Sarton, G.**  
*Introduction to the history of sciences*, Baltimore, 1927. (vol. I).
- **Schaeder, H. H.**  
(art. in) *Zeitschrift der Deutschen Mor-genländischen Gesellschaft*, 59 (228 ff).
- **Schwarz, P.**  
*IRAN im mittelalter*, Hildesheim, 1969.
- **Sezgin, F.**  
*Zeitschrift für Geschichte der Arabisch–Islamischen Wissenschaften*, B. 1, 1984.
- **Soucek, P.**  
(art. in) *The Scholar and the Saint...* (ed.) P. J. Chelkowski, New York, 1975.
- **Steinschneider, M.**  
*Die Arabischen übersetzungen aus dem Griechischen*, GRAZ, 1960.
- **Strabo.**  
*The Geography*, tr. by H. C. Hamilton, London, vol. I, 1854, vol. II, 1856.
- **Subbarayappa, B.**  
(art. in) *Silver Jubilee Souvenire*, 1970.
  
- **Tomaschek, W.**  
*Zur historischen topographie von Persian*, 1883/ 1972.

- Ullmann, M.  
*Die Medizin im Islam*, Berlin, 1970.
- Walker, P.  
(art. in) *Routledge Encyclopadia of PHILOSOPHY*, 1998, vol. 8, pp. 110-112.
- Walzer, R. (ed. & tr.)  
*Galen on Medical Experience*, Oxford University, 1944. / *Greek into Arabic* (Essays on Islamic Philosophy), Oxford, 1963.
- Widengren, Geo.  
*Hochgottglaube im alten Iran*, Uppsala, 1938. / *Mesopotamian Elements in Manichaeism*, Uppsala, 1946. / *Mani and Manichaeism*, London, 1965. / *Die Religionen Irans*, Stuttgart, 1965. // *Les...* (tr. in French by) L. Jospin, Paris, 1968.
- Windischmann, Fr.  
*Zoroastrische Studien*, Berlin, 1868.
- Yarshater, E. (ed.)  
*The Cambridge history of Iran*, vol. 3.
- Zaehner, R.  
*Zurvan, a Zoroastrian dilemma*, rep. New York, 1972.

### ج). مجموعه مقالات

- تراث الانسانيه (وزارة الثقافة بمصر)، القاهرة، المجلد الثالث.
- خرد جاودان (جشن نامه استاد آشتیانی) ویرایش علی اصغر محمدخانی - حسن سیدعرب، تهران، فرزان، ۱۳۷۷.
- خورشیدسواران (مجموعه مقالات) ویرایش محمود امامی نائینی، تهران، ۱۳۷۱.
- دانشنامه ایران و اسلام (ویرایش احسان یارشاطر)، طهران، جزوه ۸، ۱۳۵۷.
- دائرة المعارف الاسلامیة الكبرى (ج ۳)، طهران، ۱۳۷۷ ش / ۱۹۹۸ م.
- المهرجان لابن سینا (انجمن آثار ملی)، تهران، ۱۳۳۵ ش.
- یادنامه بیرونی (شورای عالی فرهنگ و هنر)، تهران، ۱۳۵۳.

- 
- *Al-Bīrūnī Commemoration Volume* (Iran Society), Calcutta, 1951.
  - *A Locust's Leg* (Studies in honour of S. H. Taqizadeh), London, 1962.
  - *A Volume of Oriental Studies* (Pre. to. E. G. Browne), Cambridge, 1922/  
Amsterdam, 1973.
  - *Biruni Symposium* (ed. Yarshater), Iran Center Columbia University, 1976.
  - *Bulletin d'Études Orientales* (Ins. Fra. Damas), tome XLVIII, 1996.
  - *IRAN Society Silver Jubilee Souvenir*, Calcutta, 1970.
  - *Islamic philosophy and the classical Tradition* (Ess. Pre. to R. Walzer), 1979.
  - *The Commemoration Volume of Biruni Int. Con. in Tehran* (H. C. C. A.), 1976.
  - *W. B. Henning Memorial Volume*, 1970.

## ۲. نامنامه

(اعلام اشخاص و امکانه و نسبتها).

آستیاگ بن کیاکسار مادی: ۱۹، ۳۲، ۲۰۸.	آ	آبه (آوه): ۱۰.
آسیا: ۴، ۴۲، (صغیر: ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۰۸، ۲۱۹)،		آتن: ۲۱۷، ۶۴۳، ۶۹۶، ۸۲۷.
۲۶۴		آدم: ۳۹۲، ۴۳۱ (+ حوا)، ۵۱۵، ۵۴۷ (+ حوا)،
آسموسن، ز-پتر: ۲۰۹، ۲۱۰، ۶۱۶.		۵۶۲، ۵۷۸، ۵۸۹، ۶۸۱.
آشور- آشوری: ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷-۳۱، ۲۰۵،		آذران: ۲۷.
۲۱۹-۲۲۱، ۲۲۹، ۵۲۲.		آذرباد ماراسپندان، موبد: ۵۶۲، ۶۳۸.
آشیل: ۲۶۴.		آذربایجان: ۱۰، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۳۹.
آغاذیمون: ۲۲۲، ۲۷۹، ۴۰۷، ۶۵۹.		۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۲-۵۴، ۵۷، ۵۸، ۹۱-۹۳.
آقاخان محلاتی: ۴۸.		۲۲۲، ۲۲۹، ۴۹۳.
آکسادی / آکدی: ۱۶، ۲۰۵، ۲۱۱، ۴۴۲، ۶۲۰،		آذرفرنگ، موبد: ۳۶۷.
۷۴۶		آرام، احمد: ۱۳۰.
آکسفرد: ۸۵، ۱۲۵.		آرامی: ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۱۷۸، ۲۲۵، ۲۲۸، ۴۶۷.
آل اسحاق عبادی ۸۸.		۶۲۰.
آل بویه ← بویان.		آربری، آرتوز: ۱۱۴، ۱۱۴، ۱۲۴، ۶۱۱، ۶۴۱، ۶۵۶.
آل عراق: ۶.		۶۸۶، ۷۴۱، ۷۶۲، ۸۱۳.
آلمان: ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۵۲.		آرتمیس (آناهیتا): ۱۸۳.
آمستردام: ۱۲۲.		آریا- آریایی (← هندوایرانی): ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴.
آمودریا ← جیحون.		۲۷، ۲۹-۳۴، ۶۰، ۱۸۵، ۲۰۶، ۳۰۶، ۳۲۷.
آموغ (- شهر): ۲۰.		۳۲۸، ۳۳۱، ۳۹۸-۹، ۴۳۶، ۴۴۸، ۴۸۶، ۴۹۰.
آمونیس (دروغین): ۱۰۳، ۳۰۱، ۶۳۰، ۶۸۱.		۴۹۴، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۲۸-۵۳۱، ۵۳۶، ۵۴۶.
آناطولی: ۲۱۹.		۵۷۲، ۶۷۶، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۲۱.
آناکساگوراس / انکساگورس کلازومنی:		آزوناس، حکیم: ۳۵.
۱۸۷-۱۸۹، ۱۹۲، ۲۳۸، ۲۵۱، ۳۰۱-۳۰۴.		آزی دهاک: ۵۴۶.
۳۰۷-۳۰۹، ۳۱۵، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۵۹، ۳۷۰.		



- ۷۴۹، ۷۳۴  
 ابن ابی الحدید: ۲۱۶، ۲۶۷، ۵۵۱.  
 ابن ابی الساج: ۴۵، ۴۶، ۵۲، ۵۷-۵۹، ۹۲، ۹۳، ۲۸۷.  
 ابن ابی صادق (طیب): ۱۶۶.  
 ابن اثیر: ۵۰، ۶۳، ۷۱۹.  
 ابن اخی زرقان مسمعی (معتزلی): ۱۶۳، ۴۱۲.  
 ابن بابویه (شیخ صدوق): ۹، ۳۸۸، ۶۷۲، ۶۸۰، ۷۳۱، ۷۶۲.  
 ابن باجه: ۷۲.  
 ابن تمار رازی، ابوبکر حسین دهری: ۹۷، ۱۶۶، ۷۴۲، ۲۹۷.  
 ابن تیمیّه: ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۲۵، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۲۳، ۴۳۶، ۶۳۴، ۶۳۵.  
 ابن الجراح، ابوالحسن علی بن عیسیٰ بغدادی (وزیر): ۵۴، ۷۸، ۱۰۳، ۱۰۵.  
 ابن جلجل اندلسی: ۸۲۰.  
 ابن الجوزی، ابوالفرج حنبلی: ۲۶۶، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۶۰، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۴۳.  
 ابن حزم اندلسی: ۹۶، ۱۶۶، ۲۰۴، ۲۱۰، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۹۰، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۴۴، ۴۶۱، ۴۷۰، ۵۴۴، ۵۶۹-۵۷۱، ۶۵۲، ۶۵۶.  
 ابن خلّاد، ابوعلی معتزلی: ۹۷، ۱۶۵، ۳۹۰، ۶۷۲.  
 ابن خلدون مغربی: ۳، ۴، ۶۳، ۳۱۰.  
 ابن خلکان: ۱۱۸، ۱۱۹.  
 ابن دیسان (برديسان): ۶۳۳، ۸۲۱.  
 ابن راوندی (زندیق): ۱۴، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۶۸، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۶، ۳۱۳، ۵۱۴، ۵۵۸، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۵-۶۴۸، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۴، ۶۷۹، ۷۲۴، ۷۳۰، ۷۳۷.  
 ابن ربیع طبری: ۷۲-۷۴، ۸۲، ۱۶۲، ۲۷۹، ۳۷۶، ۵۸۰، ۵۷۷، ۵۳۱، ۵۰۶، ۴۳۵، ۴۲۷، ۴۲۶.  
 آناکسیمندرس / اناگزیماندر ملطی: ۱۸۲، ۱۸۹، ۳۲۹، ۳۵۹، ۳۶۸، ۴۹۸، ۵۳۰.  
 آناکسیمنس: ۱۸۲، ۱۸۹، ۳۶۸، ۵۳۰.  
 آنتیستن کلی: ۷۵۵.  
 آووگادرو: ۳۳۸.  
 آهنگران (دماوند): ۲۸، ۳۸.  
 آیسخولوس: ۷۲۸.  
 آیلرس، ویلهلم: ۲۵.
- الف**
- ابراهیم بن ثابت حرانی: ۲۳۰.  
 ابراهیم بن حسین (صلوک): ۵۹.  
 ابراهیم بن زهرون صابی: ۲۳۰.  
 ابراهیم بن هلال صابی: ۲۳۰.  
 ابراهیم خلیل (نبی): ۲۲۰-۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۸.  
 ابراهیم الصلت: ۱۰۳.  
 ایرشهر (نیشابور): ۳۹، ۷۹.  
 ایرقلس / پروکلس ← برقلس.  
 ابلیس (اهریمن): ۴۰۰ (القَدیم)، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۳۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۸۶، ۵۱۴، ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۸، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۵۹، ۶۶۰، ۷۹۸، ۸۰۰.  
 اهر: ۴۵، ۴۶، ۵۷.  
 ایورد: ۳۵.
- (ابن)**
- ابن ابی اصیبه: ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۸۳-۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۸، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸-۱۲۱، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۷-۲۹۱، ۳۲۳، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۵۶، ۴۵۹، ۶۷۱، ۶۸۸، ۷۱۳، ۷۲۸، ۷۳۳.

- ۷۲۳، ۵۸۸، ۵۷۴  
ابن رشد اندلسی: ۷۲، ۳۶۲، ۳۸۳، ۵۳۳، ۷۰۴، ۶۲۸
- ۸۲۶، ۷۶۳  
ابن رضوان مصری: ۹۶، ۱۰۷، ۱۶۶، ۱۹۶، ۳۹۰
- ۶۷۰، ۶۷۱  
ابن زرعه، ابوعلی مسیحی منطقی: ۱۴، ۱۰۱، ۱۰۳
- ۱۱۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰  
ابن زهر اندلسی: ۱۵۵، ۱۶۷، ۵۹۸
- ۷۶۳  
ابن زیله: ۷۶۳
- ۷۶۵  
ابن سرايون: ۷۶۵
- ۵۹۸، ۲۸۹، ۱۶۷  
ابن سُرخ نیشابوری: ۵۹۸، ۲۸۹، ۱۶۷
- ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۳  
ابن السمع، ابوعلی مسیحی: ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۰
- ۵۷۴  
ابن سینا: ۵، ۷، ۶۵، ۷۲، ۸۳، ۹۱، ۱۱۵، ۱۲۰
- ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۸۴  
ابن مسکویه رازی: ۵، ۱۰۴، ۱۰۸-۱۱۱، ۲۵۱
- ۴۵۴، ۴۵۹، ۴۸۴، ۴۳۶، ۵۳۶، ۵۵۹، ۶۱۶  
ابن مقفع پارسی: ۱۴، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۰۹، ۲۴۸
- ۷۰۳، ۳۹۱  
ابن المهدی: ۶۰
- ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۸  
ابن میمون (قرطبی) اسرائیلی: ۵۸، ۹۶، ۱۴۰، ۱۶۲
- ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۴، ۵۰۱، ۵۲۰  
ابن ندیم: ۴۸، ۶۹، ۷۴، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۸-۱۰۳
- ۵۲۵، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۹۵، ۵۹۷  
ابن ناعمه ← عبدالملک: ۳۷۴، ۳۹۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۵۶۳، ۶۵۷
- ۶۰۳، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۴۱، ۶۸۶، ۶۸۷  
ابن ندیم: ۴۸، ۶۹، ۷۴، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۸-۱۰۳
- ۷۱۰، ۷۲۹، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۶۲-۷۶۷، ۸۱۷  
ابن شادى همدانی: ۲۷
- ۸۲۵، ۸۲۶  
ابن الشمخ، حسن بن سهل: ۱۶۸
- ۱۱۸  
ابن شیران: ۱۱۸
- ۱۰۳، ۷۶۳  
ابن طیب جاثلیق، ابو الفرج نصرانی (همدانی): ۱۰۳
- ۷۶۳، ۷۶۴  
ابن همدان، ابو الفرج قمی: ۷۱۷
- ۴۱۰، ۳۹۰، ۲۹۹، ۱۶۶، ۹۶  
ابن هیثم بصری: ۹۶، ۱۶۶، ۲۹۹، ۳۹۰، ۴۱۰
- ۶۷۰، ۷۵۳، ۷۹۴، ۸۲۵  
ابن طفیل: ۷۲
- ۷۵۰، ۲۸۳، ۱۹۹، ۱۱۸، ۱۱۲  
ابن العری: ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۹۹، ۲۸۳، ۷۵۰
- ۱۴  
ابن یعیس: ۱۴

- ابوالحسن احمد بن حسن ماذرائی: ۴۴، ۹۰.  
 ابوالحسن بدیهی (فیلسوف): ۱۱۱.  
 ابوالحسن طبری ← طبری.  
 ابوالحسن کرخی: ۸۹.  
 ابو حفص حدّاد: ۶۴۷.  
 ابو حیان توحیدی: ۱۳، ۴۹، ۷۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۹-۱۱۳، ۴۶۷، ۴۷۳، ۴۷۹، ۴۸۴، ۶۱۳، ۶۲۵-۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۵، ۷۱۷، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۳، ۸۲۲، ۸۲۳.  
 ابوالخیر خَمّار مسیحی: ۱۴، ۱۰۴، ۱۰۷-۱۱۱، ۱۱۸، ۶۰۱، ۷۵۶، ۸۱۸، ۸۲۲.  
 ابوالدرداء: ۶۷۴.  
 ابودکّف خزرجی (شاعر): ۱۱۳.  
 ابودکّف عجلی (امیر): ۴۳، ۵۴، ۶۲.  
 ابو ذوفیر (هرمسی): ۲۸۰.  
 ابورشید سعید بن محمّد نیشابوری: ۸۱۸.  
 ابوروح صابی: ۱۰۳.  
 ابوزید، محمّد عبدالهادی: ۱۲۲، ۱۲۳، ۴۷۸، ۸۱۸.  
 ابوزید بلخی: ۷، ۱۰، ۱۳، ۷۰، ۷۲، ۷۴-۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۹۶، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۸، ۳۳۳، ۳۶۵، ۳۸۵، ۳۹۹، ۶۲۵-۶۲۷، ۶۳۴، ۶۵۸، ۶۶۴، ۷۴۹، ۸۲۴، ۸۲۷.  
 ابوسعید آبی (آوه‌ای): ۴۵، ۵۶.  
 ابوسعید زاهد‌العلما: ۶۸.  
 ابوسعید (جنّابی) قرمطی: ۸۱۷.  
 ابوسفیان اموی: ۶۷۴.  
 ابوسلیمان (سجستانی) مطلق: ۱۴، ۶۵، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۶، ۲۵۷، ۶۲۶، ۶۳۲، ۶۴۱، ۷۱۷، ۸۲۲، ۸۲۳.  
 ابوسهل مسیحی: ۴۵۲، ۷۶۵.  
 ابوطاهر (جنّابی) قرمطی: ۱۰، ۵۷، ۹۲.  
 ابوالطیب حرّانی: ۲۳۰.
- ابو اسحاق ابراهیم بن بکوس: ۸۲۲.  
 ابواسحاق نصیبی (معتزلی): ۱۶۵، ۳۹۰، ۶۷۲.  
 ابواسحاق هلال صابی: ۲۳۰.  
 ابوالبرکات بغدادی: ۱۹۳، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۱۴، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۶۸.  
 ابویشر، متّی بن یونس دیرقنائی: ۱۲، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۳۲۲، ۳۷۱.  
 ابوبکر اخوینی: ۹۸.  
 ابوبکر خلیفه: ۷۰۹.  
 ابوبکر قومی (فیلسوف): ۱۰۹، ۱۱۱.  
 ابوجعفر خازن: ۷۵.  
 ابوجعفر (کبیر) داعی اسماعیلی: ۵۱، ۵۵، ۹۱.  
 ابوجهل: ۶۴۵.  
 ابوحاتم رازی (اسماعیلی): ۱۰، ۱۱، ۵۰-۵۳، ۵۸، ۶۱، ۸۵، ۸۶، ۹۱-۹۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۷، ۱۸۴، ۱۸۷-۱۹۰، ۲۰۴، ۲۴۰، ۲۵۹، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۹۰، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۶۸، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۳، ۵۰۲، ۵۱۱، ۵۵۰، ۵۹۸، ۶۰۳، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۰، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۴-۶۶۹، ۶۶۹، ۶۷۹-۶۸۶، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۲۶، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۶۲، ۷۶۹، ۷۷۰، ۸۲۲.  
 ابوحازم قاضی: ۸۹، ۲۹۶.  
 ابوحامد غزالی: ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۶۲، ۲۴۵، ۳۶۵، ۳۸۳، ۳۸۹، ۴۱۳، ۴۵۳، ۵۶۰، ۶-۷، ۶۳۵-۶۳۷، ۶۴۵، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۹، ۶۷۹، ۷۶۳، ۸۱۲.

- ابوعبدالله بریدی: ۹۹.  
 ابوعبید جوزجانی: ۶۳۳.  
 ابوالعلاء معری: ۵۵۸، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۷۴، ۶۷۵، ۷۲۰، ۷۲۷، ۷۵۴.  
 ابوعلی ابن سعید: ۱۰۵.  
 ابوعلی جبائی (معتزلی): ۶۴۷، ۷۳۲.  
 ابوعلی کاتب همدانی: ۵۰.  
 ابوعلی مرزوقی اصفهانی: ۹۶، ۲۶۷، ۳۷۱، ۳۹۰، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۷۰، ۵۴۱.  
 ابوعمر بصری: ۳۱۲.  
 ابوعیسی وراق (مانوی): ۱۴، ۱۰۴، ۱۳۶، ۱۶۸، ۲۱۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۳۶۲، ۳۵۹، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۵، ۷۳.  
 ابوغانم طیب رازی: ۸۲۳، ۹۹.  
 ابوالفضائل مشاط: ۶۶۳.  
 ابوالقاسم دلفی (امیر): ۵۴، ۵۵، ۲۸۷.  
 ابوالقاسم کعبی (معتزلی) ← کعبی.  
 ابوالقاسم مقانعی: ۹۸.  
 ابولهب: ۶۴۵.  
 ابومحمد عروضی: ۱۱۱.  
 ابومسلم خراسانی: ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۸، ۲۲۵، ۷۰۵.  
 ابوالمعالی جوینی: ۳۵۹.  
 ابوالمعالی علوی (فقیه بلخی): ۷۲، ۸۰، ۵۲۵، ۶۲۴، ۶۶۳.  
 ابومعشر بلخی (منجم): ۷۳.  
 ابوالمعین نسفی: ۷۲۴.  
 ابونصر احمد بن اسماعیل سامانی: ۷، ۴۵-۴۶، ۵۱، ۵۶، ۵۹، ۷۰، ۸۵، ۸۸-۸۹، ۷۴۱.  
 ابونصر (منصور) عراق: ۲۰۹، ۳۹۱، ۶۵۶.  
 ابوهاشم جبائی (معتزلی): ۳۱۲، ۷۵.  
 ابوالهذیل علاف (معتزلی): ۳۱۲، ۴۶۲.  
 ابویعقوب سجستانی (اسماعیلی) ← سجستانی.  
 اپامیه / امامه: ۲۳.  
 ابروین دینار (دماوندی): ۳۷.  
 ایفانوس: ۲۲۷.  
 اییکور: ۱۲۶، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۸، ۲۰۰، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۹، ۳۴۲، ۳۸۲، ۵۲۱، ۶۱۷، ۷۴۹، ۸۰۴، ۷۵۰.  
 اتحاد شوروی: ۱۲۹.  
 ائافرو دیطس رومی: ۱۰۴.  
 احمد بن اسماعیل (سامانی) ← ابونصر احمد.  
 احمد حسن مادرانی ← ابوالحسن.  
 احمد بن خلف الحلاج: ۵۱، ۹۱.  
 احمد بن دلف (قزوینی): ۵۵.  
 احمد بن سهل مروزی (امیر): ۷۴، ۷۸.  
 احمد بن عبدالعزیز عجلی (امیر): ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۰، ۵۱.  
 احمد بن علی صلحوک مروودی (امیر): ۱۰، ۴۶، ۴۷، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۹۲.  
 احنف بن قیس: ۴۰.  
 اخوان الصفا: ۱۳، ۱۴، ۴۹، ۵۰، ۹۱، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۹۷، ۲۴۰، ۴۱۳، ۵۹۴، ۶۲۰، ۶۳۰-۶۳۳، ۶۴۱، ۶۸۰، ۶۸۶، ۷۱۲، ۷۵۳، ۸۱۷، ۸۲۲، ۸۲۳.  
 اخولخول (معبد): ۲۲۰.  
 اداد نیراری (سوم) آشوری: ۲۲۰.  
 ادريس (نبی): ۲۳۱، ۲۸۵، ۶۵۹.  
 ادسا (رها): ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۵.  
 ادکوتگن ترکی: ۴۳، ۴۴.  
 اذکائی، پرویز: ۷۴۱، ۷۵۳.  
 ارانی، (دکتر) تقی: ۲۶۷، ۴۳۱، ۵۴۴، ۵۷۸، ۷۴۵.  
 ارتشتاران: ۵۱۸.  
 اردشیر بابکان (ساسانی): ۲۹، ۳۶، ۷۰۴.

- اردشیر (یکم) هخامنشی: ۲۲۲، ۴۴۰.  
 اردان (هبله رود): ۲۳.  
 اُردُن: ۲۲۶، ۲۳۱.  
 اردوان (ارتابانوس) اشکانی: ۲۲۸، ۳۳.  
 ارسطو - ارسطوئی: ۷۵، ۷۷، ۸۲، ۸۸، ۹۷.  
 ۱۰۳-۱۱۰، ۱۳۶-۱۴۱، ۱۴۵-۱۴۷، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۶۳-۱۶۶، ۱۶۷-۱۷۰، ۱۷۷، ۱۸۰-۱۸۳، ۱۸۸-۲۰۱، ۲۱۴-۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۰-۲۳۴، ۲۳۶-۲۳۸، ۲۴۰-۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۴-۲۵۷، ۲۶۱-۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱-۲۷۵، ۲۸۲، ۲۹۵، ۳۰۰-۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸-۳۱۱، ۳۱۴-۳۱۸، ۳۲۹، ۳۲۲-۳۲۷، ۳۸۱-۳۹۱، ۳۹۵، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۹-۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۴-۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۳-۴۵۸، ۴۶۳، ۴۶۷-۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۱-۴۸۴، ۴۸۷-۴۹۱، ۴۹۷-۵۰۲، ۵۰۵-۵۰۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۲-۵۴۵، ۵۵۳، ۵۶۰، ۵۶۶-۵۷۴، ۵۸۷-۵۹۴، ۵۹۷-۶۰۱، ۶۰۷، ۶۲۲-۶۲۴، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۷۰، ۶۸۷، ۶۹۸-۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۱۴، ۷۱۹، ۷۳۱، ۷۳۸-۷۴۰، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۶۳، ۷۶۶-۷۷۱، ۷۸۲، ۷۸۷-۷۹۳، ۷۹۷-۸۱۲، ۸۱۸-۸۲۱، ۸۲۸-۸۳۰.  
 ارشکیه (- شهر): ۳۶.  
 ارشمیدس: ۲۹۱، ۲۹۲.  
 ارفکشد مادی: ۲۲.  
 ارماتیل زابی: ۲۶-۳۱، ۳۹.  
 ارمنی - ارمنستان: ۱۶، ۴۳، ۵۷، ۷۹، ۴۶۷.  
 ارنبویه: ۱۹، ۴۱.  
 اروپا - اروپائی: ۶، ۱۲-۱۴، ۶۲-۶۵، ۱۲۰-۱۲۷، ۱۲۴-۱۲۰، ۱۲۷، ۱۴۳-۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۷۸، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱-۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۸۶، ۳۰۰-۳۰۳، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۸، ۴۱۳، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۷، ۴۹۷، ۵۰۶، ۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۳-۷۲۶، ۷۲۸، ۷۵۴، ۷۵۵، ۸۱۰، ۸۱۱.  
 آریش (- دیو): ۵۱۲.  
 اریگش (الحریش): ۱۹.  
 ازنیک کلیبی (ارمنی): ۲۰۷.  
 اساتگن ترکی: ۴۳.  
 اسپارت: ۶۹۳.  
 اسپانیا: ۸، ۶۹۳.  
 اسپینوزا: ۱۱۶، ۲۶۲، ۲۶۴، ۷۵۵.  
 استانبول: ۱۵۹.  
 اُستانس مسمغان (حکیم): ۳۵، ۱۴۷، ۱۷۷-۷۸، ۱۸۳، ۲۷۹، ۳۰۷، ۴۴۰، ۷۹۵، ۸۰۴، ۸۰۶-۸۰۶.  
 استخر: ۸۴، ۱۷۹.  
 استرابون: ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۳۹.  
 استراتون لامپسائی: ۳۲۶، ۳۴۱.  
 استرن: ۴۷، ۴۸، ۴۰۲.  
 استوناوند (- دژ): ۲۱، ۲۷، ۳۴، ۳۸.  
 اسحاق بن ابراهیم (- امیر): ۴۳.  
 اسحاق بن حنین عبادی: ۸۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۴، ۱۳۹، ۴۵۴، ۵۹۵.  
 اسره دون آشوری: ۲۳.  
 اسطاط / اسطوس (هرمسی): ۱۰۳، ۲۷۹.  
 اسفارین شیرویه دیلمی: ۱۰، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۶۲، ۹۲.  
 اسفراینی، ابوالعباس: ۵۰.  
 اسقلیادس / اسقلیبوس: ۱۳۹، ۲۰۱.  
 اسکندر، آلبرت زکی: ۶۹، ۱۲۵، ۷۶۴.  
 اسکندر افرودیسی: ۱۰۳، ۱۸۹، ۲۰۱، ۳۹۰، ۴۵۱.

- ۴۵۲، ۴۷۲، ۵۷۴.
- اسکندر مقدونی: ۲۳، ۳۶، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۲۱، ۵۸۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۴۹، ۷۷۱، ۸۲۸.
- اسکندر هرمسی: ۲۷۹.
- اسکندریه: ۲۱۷، ۳۹۱، ۴۴۹.
- اسکوریا (کتابخانه): ۳۲۳.
- اسماعیل بن احمد سامانی (امیر): ۷، ۴۵، ۵۶.
- اسماعیل بن جعفر الصادق (ع): ۴۸.
- اسماعیلی - اسماعیلیان: ۷، ۹-۱۱، ۱۴، ۳۴، ۴۷-۵۳، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۷۵، ۷۸، ۸۲، ۹۱-۹۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۶۴-۱۶۷، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۳۹-۲۴۱، ۲۵۷-۲۵۹، ۲۷۴، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۴۰، ۳۴۴، ۴۴۷، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۲، ۵۵۸-۵۶۱، ۵۷۱، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۲۸-۶۳۷، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۵۲-۶۵۶، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۷-۶۸۷، ۷۱۰-۷۱۳، ۷۲۰، ۷۲۹-۷۳۷، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۶۳، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۲-۸۱۴، ۸۱۷، ۸۲۲، ۸۲۷.
- اشتاینشاید، موریس: ۴۹، ۱۰۲.
- اشعری - اشعریان: ۹، ۹۰ (قم)، ۲۳۸، ۳۱۳، ۶۱۲، ۶۶۱.
- اشعیاء (نبی): ۶۸۳.
- اشکانی - اشکانیان: ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۶۰، ۲۰۸، ۲۲۸.
- اصطخری: ۱۸.
- اصحاب اشخاص: ۲۳۱.
- اصحاب الأوزار (= وزیران): ۶۳.
- اصحاب حبله: ۱۳۹، ۱۴۵.
- اصحاب تجارب: ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵.
- اصحاب دهر - دهریان: ۶۳۰.
- اصحاب صحو: ۶۳۰.
- اصحاب قیاس: ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۰۰.
- اصحاب کهف: ۵۷۵.
- اصحاب لذت - لذت گرایان.
- اصحاب نور: ۲۰۵.
- اصحاب هیاکل: ۲۲۱، ۲۳۱.
- اصحاب هیولی (گیتی گرایی / مادگیری / ماتریالیست ها): ۱۲۹، ۲۰۷، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۱۵، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۴۸، ۴۶۰-۴۶۴، ۴۷۴، ۴۷۸، ۵۱۶، ۵۳۴، ۵۷۸، ۶۳۰، ۷۹۶، ۸۰۲.
- اصطفی حرّانی: ۲۳۰.
- اصفهان: ۷، ۱۵، ۳۵-۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۵۰-۵۲، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۶۷، ۹۱، ۲۷۹، ۷-۷، ۷۶۵.
- أعوانی، (دکتر) غلامرضا: ۹۴، ۲۶۴، ۲۶۴، ۵۴۴، ۷۵۴.
- افراسیاب: ۲۷.
- افرایم سوری (مسیحی): ۵۶۲، ۶۱۶.
- افریقا: ۴، ۵۰.
- إفسوس (- شهر): ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۹.
- افشار، ایرج: ۸۲۱.
- افشین (آسروشنی): ۴۳.
- افغانستان: ۱۸.
- افلاطون - افلاطونی: ۴۹، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۷-۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸-۱۹۵، ۱۹۸-۲۰۱، ۲۰۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۴، ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۰۳-۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۲-۳۱۸، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷-۳۴۰، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۷۷، ۳۸۲-۳۸۶، ۳۹۱، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۷-۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۲۷-۴۳۰، ۴۳۶-۴۴۱، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۲-۴۶۸، ۴۷۲-۴۷۴، ۴۸۶-۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۹-۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۶، ۵۳۱-۵۳۵، ۵۳۹-۵۴۵، ۵۴۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۴-۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۷.

۱۸۷-۱۸۹، ۱۹۳، ۲۳۹، ۲۵۱، ۳۰۱، ۳۰۴	۵۸۸، ۵۹۳، ۵۹۹، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۲۲، ۶۲۴
۳۰۷، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۵۶	۶۳۱، ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۹، ۶۶۵، ۶۷۴
۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۹۸، ۴۲۶	۶۷۵، ۶۷۹، ۶۹۲-۷۰۳، ۷۱۴، ۷۱۷-۷۱۹
۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۲۷	۷۲۴، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۸-۷۶۱، ۷۶۷، ۷۷۵
۵۳۱، ۵۳۳، ۵۶۵، ۵۸۰، ۵۸۴، ۷۹۵	۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۰، ۸۱۱، ۸۱۴، ۸۱۵
امریکا: ۶۷۸	۸۱۹-۸۲۲، ۸۲۶-۸۲۹
امقیدورس (المپیدورس): ۱۰۳، ۱۰۴	افلوپتین / پلوتین ← فلوپتین
امویان (بنی امیه): ۴۰، ۲۲۵، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۵	اقبال آشتیانی، عباس: ۸۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱
امیر ظلمت (= شیطان): ۲۱۵، ۵۵۲، ← اهریمن	۲۷۶، ۶۰۲، ۷۲۰
امین آباد (ری): ۶۷	اقبال لاهوری، محمد: ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۴۸، ۶۲۱
امین، خلیفه: ۴۱، ۴۲	۶۲۲، ۷۱۲
انابو المصری: ۱۶۳، ۱۹۴، ۳۹۰	اقرطن: ۱۰۲
انبیاء ← پیامبران	اقلیدس: ۲۶۵، ۲۹۹، ۶۴۹، ۶۶۵
اندربیا (هرمسی): ۲۸۰	اگوستین هیویی: ۲۱۵
اندلس: ۱۳، ۷۲	البرز: ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۵-۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۹-۴۱
انطاکیه: ۱۱، ۱۹۷، ۲۱۷، ۲۲۵	۶۱
انطوس (هرمسی): ۲۷۹	الگود، سیریل: ۱۲۴، ۲۴۸
انگلز، فریدریک: ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۴۳، ۲۴۴	المپیدورس / امقیدورس: ۱۰۳
۲۵۷، ۲۶۷، ۴۱۳، ۴۴۲، ۵۰۹، ۵۷۵، ۵۷۸	الموت: ۴۶، ۵۲
انگلستان: ۱۴۶، ۲۴۹	التابی: ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۲، ۱۹۹، ۳۰۲
انلیل (- خدای ماه): ۲۲۳	الیاس / الیوس (- حکیم): ۲۲۴، ۵۹۵
اوپسالا (سوئد): ۳۲۴، ۳۸۵، ۸۲۱	الیاس (- نبی): ۲۲۲
اودموس رودسی: ۴۹۰	آمارد / مردی (- تیره): ۳۵
اورارتو: ۲۹، ۳۰	امامان (ائمه) - امامی (امامیه): ۹، ۱۴، ۴۴، ۴۸، ۶۶
اورامی (هورامان): ۳۰، ۳۱	۷۴، ۷۵، ۲۴۳، ۲۵۹، ۳۱۲، ۳۸۸، ۴۷۵، ۵۵۹
اورفا / الرها: ۱۰۰، ۲۱۹	۵۶۰، ۶۰۷، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۹-۶۸۲، ۶۸۸
اورمزد (هورامزدا) - اورمزدی: ۱۵۲، ۱۵۴، ۲۰۵	۷۱۰، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۳۰-۷۳۷، ۸۱۴
۲۰۶، ۲۱۵، ۲۲۳، ۳۴۴، ۳۵۸، ۳۷۳، ۳۸۸	۸۱۶، ۸۲۷، ۸۲۵، ۸۳۰
۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۳۱	امام زمان: ۴۴، ۴۸
۴۳۴-۴۴۱، ۴۴۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۰-۴۹۷	امام سجاد: ۶۳۸
۵۰۶-۵۱۹، ۵۲۳-۵۳۵، ۵۳۸، ۵۴۵، ۵۴۶	امام صادق: ۲۸۰، ۶۳۸
۵۵۱-۵۵۳، ۵۵۶، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۸۴، ۵۹۴	امیدوکلس (انباذقلس) اگریگتیمی: ۱۵۴، ۱۷۹

- ۶۰۶، ۶۱۷، ۶۲۲، ۶۶۸، ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶. ایران - ایرانی (به فهرست نیامد).  
 ۷۹۶-۸۰۲، ۸۰۵، ۸۱۱، ۸۲۹. ایرانشهر (نیشابور): ۷۹، ۶۲۰.  
 اورمیّه: ۲۹-۳۱.  
 اوزیریس: ۴۸۷، ۵۲۲.  
 اوسیوس (مورخ): ۲۲۷.  
 اولمستد، ا. ت: ۶۲۱.  
 اولیاء (آبدال): ۶۸۲.  
 اومان ماندا: ۳۱، ۳۲.  
 اویگدور، آبراهام بن سولومون (یهودی): ۱۲۰.  
 اهریمن - اهریمنی: ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۳، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۳، ۳۸۸، ۴۰۰-۴۰۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۴-۴۴۴، ۴۵۵-۴۵۸، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴-۴۹۷، ۵۰۶-۵۱۹، ۵۲۳-۵۲۴، ۵۲۸، ۵۴۵-۵۵۲، ۵۵۶، ۵۶۱-۵۶۳، ۵۶۶، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۸۴، ۶۰۶، ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۲۹، ۶۶۸، ۶۷۳، ۷۴۷، ۷۸۱، ۷۸۶-۷۸۶، ۷۸۹، ۷۹۶، ۷۹۸-۸۰۴، ۸۱۱، ۸۲۹.  
 اهل اعتزال ← معتزله.  
 اهل بیوتات: ۵.  
 اهل تعطیل: ۲۵۸، ۴۷۸، ۶۵۸.  
 اهل توحید: ۴۵۹ (← معتزله).  
 اهل حدیث: ۶.  
 اهل حق: ۲۶، ۴۴۱.  
 اهلخسای / الکسای (المسیح): ۲۲۶-۲۲۹.  
 اهل ذمه: ۱۱-۱۳.  
 اهل طبایع ← طبایعیان.  
 اهل العقل: ۵۵۹ (← خردگرایان).  
 اهل کتاب: ۲۱۸، ۲۳۱.  
 اهواز: ۹۹، ۲۱۹، ۲۲۷.  
 ایتالیا: ۱۳، ۲۳۶.  
 ایران - ایرانی (به فهرست نیامد).  
 ایرانشهر (نیشابور): ۷۹، ۶۲۰.  
 ایرانشهری، ابوالعبّاس محمد نیشابوری: ۷۲.  
 ۷۹-۸۲، ۱۲۹، ۲۰۷، ۲۴۳، ۳۱۵، ۳۵۷، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۱، ۴۶۰-۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۵، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۶۱، ۶۲۴، ۶۳۱، ۶۶۳، ۷۹۴-۷۹۶، ۸۰۹، ۸۱۷.  
 ایرانویج: ۵۲۸.  
 ایرج: ۱۹ (قلعه)، ۲۸، ۳۲، ۳۶ (← قلعه).  
 ایزوتسو، توشیهیکو: ۴۸۰.  
 ایزدور خاراکسی: ۲۳، ۳۵.  
 ایزیس (مصری): ۱۷۷.  
 ایلیای نصیبینی: ۴۵۱.  
 ایندرا (هندی): ۵۱۸، ۵۲۸.  
 اینشتاین، آلبرت: ۲۶۳، ۴۶۶، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۸۱، ۸۰۳.  
 ایوانک (ایوان کی): ۲۳.  
 ائوروپوس (ری): ۲۳.  
 ایونی - ایونیا: ۱۵۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹ (← آناطولی)، ۱۸۰، ۱۸۱ (← مکتب)، ۱۸۲، ۲۱۹، ۳۰۲، ۵۳۱، ۵۸۴، ۷۱۷.  
**ب**  
 باباحرّانی: ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵.  
 باباطاهر همدانی: ۶۱۸، ۶۴۱، ۶۴۲، ۷۵۴.  
 بابک خرّمی: ۴۳، ۴۸.  
 بابل - بابلی: ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۴۲، ۸۷، ۸۹، ۱۷۶، ۱۷۹-۱۸۳، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۰-۲۲۹، ۳۲۷، ۳۲۸، ۴۰۸، ۴۳۹، ۴۸۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۲۷-۵۳۱، ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۸۵.



- ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۱، ۳۵۰، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۰۲، ۵۰۵، ۶۳۱، ۶۸۱، ۸۱۹.
- برقی، ابو جعفر احمد بن محمد قمی: ۹۰-۹۱.
- برلین: ۱۲۲.
- برمکیان: ۳۷، ۱۴۶، ۸۱۸.
- برنال، جان: ۶۹۳.
- بزنّی، سید حسن (هندی): ۴۶۶.
- بروجرد: ۵۱.
- بروزان / بلوچان: ۳۹.
- بروکر: ۱۸۰، ۱۸۱.
- بروکلمان، کارل: ۴۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۸۱۹.
- برهیه (بریه)، امیل: ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۶۲، ۵۳۰، ۵۷۷، ۶۲۲، ۶۹۴، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۲۳.
- ۸۲۷، ۸۲۵.
- بریتانیا (- موزه): ۶۰۲.
- بریتوس: ۴۸۷.
- بزرگمهر بختگان (حکیم): ۲۰۹، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۴۱، ۶۳۸.
- بصره - بصری: ۹، ۶۵، ۷۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۶.
- ۳۱۳، ۳۸۹، ۷۰۷.
- بطایح (بصره): ۲۲۷.
- بطروس (هرمسی): ۲۷۹.
- بطلمیوس قلوذی: ۲۳، ۷۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ۷۹۱.
- بغازکوی (ترکیه): ۲۲۰.
- بغداد: ۹-۱۲، ۱۴، ۳۸-۴۴، ۵۰، ۵۴-۵۷، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۳، ۸۸-۹۰، ۹۶، ۹۹-۱۰۱، ۱۰۶-۱۱۲، ۱۳۱، ۱۶۳-۱۶۵، ۲۱۹، ۲۵۳، ۳۸۵، ۳۸۹، ۶۰۳، ۶۷۱، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۳۵، ۷۴۰، ۷۶۱، ۸۱۷، ۸۲۳.
- بغدادی، عبدالقاهر: ۵۰.
- بقراط (هیوکرات): ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۸.
- ۸۱۰، ۷۴۶، ۷۰۵، ۵۸۸.
- باخمان، پیتر: ۵۹۶.
- بارتولد، ولادیمیر: ۶۵، ۷۰۷، ۷۰۹.
- بارتولومی (- سن): ۷۱۳.
- باری، ای: ۲۱۹.
- باطان (اکیاتان): ۳۹.
- باقلانی، قاضی ابوبکر: ۳۱۳.
- باو / باوندی: ۲۷، ۳۸.
- بایدز، جی: ۲۱۹.
- بایزید بسطامی: ۶۶۲، ۷۲۶.
- بتانی، ابو عبدالله صابی: ۱۳، ۲۳۰.
- بحرین: ۱۰، ۴۸، ۵۷، ۹۲، ۹۵.
- بخارا: ۶، ۷، ۱۹، ۵۶، ۶۹، ۷۰، ۷۸، ۸۵، ۸۸، ۷۶۶.
- بختنصر بابلی: ۲۲، ۲۲۲، ۲۲۳.
- بختیشوع اهوازی: ۱۳۹، ۱۴۴.
- بدره ای، فریدون: ۴۷.
- بدوی، عبدالرحمان: ۷۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۵، ۳۹۰، ۴۰۵، ۶۰۹، ۶۵۱، ۶۸۷، ۸۲۳.
- بدیع همدانی، امیر مهدی: ۱۹۵.
- براندون، اس. جی: ۴۸۷.
- براون، ادوارد: ۱۲۱.
- براهمه (برهمنان) - برهمنی: ۱۸۴-۱۸۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۶۵، ۳۸۴، ۳۹۹، ۴۳۰، ۴۳۲.
- ۴۸۵-۴۸۷، ۴۷۲، ۵۷۷، ۶۱۸، ۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۱، ۶۶۲-۶۷۰، ۶۷۰، ۷۰۹، ۷۲۶.
- برج طغرل (ری): ۳۹.
- بردیسان ← ابن دیسان.
- برزویه پزشک: ۱۳۶، ۲۰۹، ۲۴۸.
- برسیکا: ۱۲۰.
- برقرود (قم): ۹۰.
- برقلس / ابرقلس / پروکلوس (دهری): ۱۴، ۱۵۲.

- بهرام چوین: ۷، ۳۶، ۳۷.  
 بهمنیار (حکیم): ۲۳۷، ۴۵۹، ۴۸۳، ۵۳۶.  
 بیبلوس: ۴۸۷.  
 بی‌بی شهربانو (-کوه): ۴۱.  
 بیت رازقای: ۳۹، ۷۲.  
 بیت المقدس: ۷۶، ۲۲۲.  
 بیدکنه (ری): ۲۵.  
 بیرونی، ابوریحان: ۵، ۲۴، ۲۸، ۳۱، ۳۹، ۶۳-۶۵،  
 ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۹-۸۲، ۹۷-۹۹، ۱۱۰-۱۲۲،  
 ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۹-۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۵،  
 ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۸،  
 ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲-۲۲۶،  
 ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۵، ۲۵۲-۲۶۳، ۲۷۶، ۲۸۲،  
 ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۰-۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷،  
 ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۴۵،  
 ۳۴۹، ۳۵۴-۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۶، ۳۸۳،  
 ۳۸۶-۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۱۲، ۴۲۶،  
 ۴۳۰، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۶۴-۴۶۶، ۴۷۲،  
 ۴۷۸، ۴۸۴-۴۸۶، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۵،  
 ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۶۹، ۵۹۳-۶۰۱، ۶۱۸،  
 ۶۲۴-۶۳۷، ۶۴۰-۶۴۸، ۶۵۶، ۶۶۴، ۶۷۶،  
 ۶۸۴، ۶۸۸، ۷۱۵-۷۱۷، ۷۲۸، ۷۳۳، ۷۴۲،  
 ۷۴۹، ۷۵۸-۷۶۳، ۷۷۱، ۷۷۱-۸۰۳، ۸۲۳.  
 بیزانس: ۱۲، ۷۲، ۸۳، ۷۰۳.  
 بیکن، راجر: ۱۴۶.  
 بیکن، فرانسیس: ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۴۶، ۲۴۵، ۲۶۱،  
 ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۸۴، ۷۲۷، ۷۲۸.  
 بیلان بن اصبهان: ۱۵.  
 بیلوس (هرمسی): ۲۷۹.  
 بیلی، هارولد: ۳۳۲.  
 بین‌النهرین ← میانرودان.  
 بیهقی، ظهیرالدین: ۲۵۷، ۷۶۶.
- ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۷-۱۹۹، ۲۰۱، ۲۵۰، ۲۶۱،  
 ۲۷۱-۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۹،  
 ۳۱۴-۳۱۸، ۳۲۵-۳۲۸، ۳۳۲، ۳۸۲، ۵۹۴،  
 ۵۹۵، ۶۴۹، ۶۶۵، ۷۲۳، ۸۱۰.  
 بلاد فهله: ۳۶.  
 بلاش (یکم) اشکانی: ۳۶.  
 بلاشان / پلیسان (ولاشان): ۳۶، ۳۹.  
 بلال حبشی: ۶۷۴.  
 بلاخس (هرمسی): ۲۸۰.  
 بلخ - بلخی: ۷۵-۷۹، ۹۶، ۹۷، ۲۰۳، ۲۷۹.  
 بلعمی، ابوالفضل: ۷.  
 بلغارها: ۴۶.  
 بلمظفرین معرف: ۱۱۸.  
 بلهران بل اوصور (آشوری): ۲۲۰.  
 بلیناس (ابولونیوس) تیانی: ۲۷۹، ۸۲۰.  
 بنوالساج: ۱۰، ۵۳.  
 بنونیست، امیل: ۲۰۸، ۲۱۹.  
 بنی اسرائیل: ۶۷۳.  
 بنیامین (-قبیله): ۲۲۰.  
 بنی‌امیه ← امویان.  
 بودا - بودائی (گری): ۱۸۵، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۳۱،  
 ۲۵۲، ۵۲۰، ۵۶۹، ۵۸۸.  
 بوزانی، الکساندر: ۴۴۱.  
 بوسه: ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۲۸.  
 بوکاجیو: ۷۵۶.  
 بولوس مندئی: ۱۷۸.  
 بویس، ماری: ۲۱۹، ۴۰۶، ۴۳۱.  
 بویل، روبرت: ۲۵۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۸۰۶.  
 بوین، هارولد: ۵۴.  
 بسویان: ۶، ۸، ۴۱، ۶۰-۶۷، ۹۹، ۱۱۱، ۱۱۲،  
 ۱۲۶، ۶۲۸، ۷۰۸-۷۰۶، ۷۳۷.  
 بوئین‌زهر: ۱۷، ۳۹.

۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۹، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۵۲، ۵۰۵،  
۵۴۴، ۵۷۲، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۶۵، ۶۸۸، ۷۱۹،  
۸۱۴، ۸۱۹.

## ت

تازیان ( ← عرب): ۳۱، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۶۲، ۶۵،  
۱۶۱.  
تپه میل (ری): ۲۴، ۸۴.  
تخت جمشید: ۴۸۹.  
تخت کیکاوس: ۲۵.  
ترکان: ۶۰، ۶۶، ۱۴۰، ۲۹۰ (— بلاد)، ۴۹۶.  
ترکستان — ترکیه: ۲۱۹، ۲۲۰، ۶۵۱.  
تقی زاده، سیدحسن: ۳۳، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۶،  
۳۹۱.  
تکریت: ۱۰۰.  
تنسر، موید: ۷۰۳، ۷۰۴.  
توینگن (آلمان): ۱۲۰.  
تورفانی: ۵۴۷، ۵۸۶.  
تورنبرگ (آلمان): ۸۲۱.  
تهرآن: ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۳۹، ۵۱، ۱۰۰، ۱۰۵،  
۱۲۸—۱۳۱.  
تیامات (= اهریمن بابلی): ۲۱۳، ۲۲۹، ۴۰۸، ۴۳۹،  
۵۰۷، ۵۰۸، ۵۲۷ (آب شور)، ۵۲۹، ۵۳۰،  
۵۶۲.  
تیسفون: ۶۳.  
تیگلات پیلسر (سوم) آشوری: ۲۲۰.  
تیلی، فرانک: ۱۹۱.  
توپمپوس خیوسی: ۴۹۰.  
تودروس: ۵۹۵.  
تودور ابوقرّه (اسقف) ملکائی: ۱۰۸.  
تودور بارکونای: ۲۲۷، ۳۳۳، ۴۰۲.  
توفرست (تاو فرسطس): ۱۶۰، ۱۶۱، ۵۲۴، ۵۲۶.

## پ

پاپ‌ها: ۷۱۳.  
پاتگ همدانی پدرمانی: ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۲۷.  
پارت (ها) — پارتی: ۱۶، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۶۰، ۶۳،  
۱۷۸، ۲۰۶، ۲۱۹، ۲۲۹.  
پارمنیدس الثآیی: ۱۸۲، ۳۱۲، ۴۳۴، ۴۹۱.  
پارون فیثاغوری: ۳۷۳.  
پاریس: ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۴.  
پاول پارسی (منطقی): ۱۳۶.  
پتازونی: ۲۱۹.  
پتیشخوار / پدشخوارگر: ۱۸، ۲۷، ۳۹.  
پدرسن، جونز: ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۷.  
پرتسل، اوتو: ۱۲۳، ۱۹۸، ۳۰۶.  
پرتسیلوسکی: ۲۱۹.  
پروکلس ← برقلس.  
پلاتونوبولیس (= افلاتون شهر): ۷۰۰.  
پلوتارخ / فلوطرخس: ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۷۹، ۱۸۴،  
۱۸۹، ۲۰۰، ۳۱۲، ۳۲۴، ۳۸۲، ۴۳۹، ۵۰۱.  
پلینی (مورخ): ۱۷۹، ۴۳۹.  
پورجوادی، نصرالله: ۵۸۸.  
پوریوتکیشان: ۱۷۶، ۲۰۵.  
پوتسوس: ۱۷۹.  
پهلوی: ۲۶ (— شهرها)، ۷۰۵ (— سلسله).  
پیامبران: ۵۵۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۱۸، ۶۲۳، ۶۲۶،  
۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۷—۶۴۷، ۶۵۲—۶۵۸، ۶۸۸،  
۷۰۶، ۷۰۹، ۷۲۷، ۷۳۰، ۷۶۶، ۷۷۳، ۷۷۴.  
۸۱۲، ۸۲۴، ۸۲۶.  
پینس، سلیمان: ۸۴، ۱۲۳، ۱۴۵—۱۴۷، ۱۵۴،  
۱۵۷، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۵،  
۱۹۸، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۴۴، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷،  
۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵،  
۳۰۶، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۵۳.

جبال: ۶، ۹، ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۶، ۳۷، ۳۹،  
 ۴۲-۴۵، ۴۸-۵۵، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۳، ۹۱، ۹۲،  
 ۹۵، ۲۱۹، ۲۷۹، ۶۰۳، ۶۵۱، ۶۸۰، ۷۶۲، ۷۶۳،  
 ۷۶۵، ۸۱۰.

جبریان (← جبر و اختیار): ۶۱۲.  
 جبرئیل: ۵۶۱، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۱.  
 جرارد کرمونایی: ۱۲۰، ۴۷۲.  
 جرجان ← گرگان.  
 جرجانی، سیداسماعیل: ۷۶۵.  
 جرجانی، سید شریف ← شریف جرجانی.  
 جریر الطیب: ۵۶، ۸۸-۸۹.  
 جزیره (عراق): ۵۸، ۲۲۱.

جستانیان: ۴۵، ۴۶، ۵۲.  
 جعفری، شیخ محمدتقی: ۷۵۳.  
 جکسن، آ. ویلیامز: ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۹.  
 جولولا (← جنگ): ۳۷.

جمشید (پیشدادی): ۲۶، ۵۲۲.  
 جندی‌شاپور ← گندی‌شاپور.  
 جوینی، امام الحرمین: ۲۶۷.  
 جهیمان: ۶۱۲.  
 جی (جیان): ۳۹.  
 جیحون: ۱۸، ۶۹، ۷۸، ۸۵.  
 جیلاباد (ری): ۶۷.  
 جیهانی، ابو عبدالله: ۷، ۵۲.  
 جیهانی، ابوعلی: ۷۸.

## ج

چاسر، جفری (شاعر): ۱۲۰.  
 چال ترخان (ری): ۸۴.  
 چغانی، ابوبکر محمد بن المظفر (امیر): ۷۵، ۶۲۵.  
 چکوسلواکی: ۲۱۱.  
 چهاربخت ← محمد دندان.

توفیل (روفیل) رهاوی: ۱۰۳، ۱۰۸.

## ث

ثابت بن قرّة حرّانی: ۴۹، ۸۷، ۱۰۴، ۲۳۰، ۲۳۲.  
 ۲۵۴، ۲۹۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۴۲۳، ۵۲۶.  
 ثامسطیوس (تمیستیوس): ۱۰۳، ۱۰۴.  
 ثمامة الاشرس: ۶۶۳.  
 ثنویان (← دوگانه‌گرایی): ۴۴۳، ۵۷۷، ۶۱۶،  
 ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۷.

## ج

جابر بن حیان صوفی: ۸۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۶، ۱۴۸،  
 ۱۶۴، ۲۰۲، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۸۰،  
 ۲۸۳-۲۸۹، ۳۲۳، ۵۲۶، ۶۵۳، ۷۴۰، ۸۰۶،  
 ۸۰۸، ۸۲۰.

جاحظ بصری: ۷۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۲۰۹-۲۱۴، ۳۱۲،  
 ۳۱۳، ۳۸۹، ۶۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴.

جالینوس: ۴۹، ۶۸، ۶۹، ۷۷، ۸۲، ۸۶، ۱۰۰،  
 ۱۰۴، ۱۱۰-۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۶،  
 ۱۳۸-۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶-۱۶۲.

۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۷-۲۰۱، ۲۴۸.

۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۷۲-۲۷۶، ۲۸۰.

۲۹۲، ۲۹۹-۲۹۹، ۳۰۴، ۳۱۴-۳۱۷، ۳۲۴.

۳۲۵، ۳۳۰، ۳۴۱-۳۴۴، ۳۵۰، ۳۵۴-۳۵۷.

۳۶۰، ۳۶۳، ۳۸۲، ۴۳۱، ۴۵۰-۴۵۵، ۴۶۲.

۴۷۱، ۴۸۲، ۴۸۴-۴۸۷، ۵۰۱، ۵۲۴-۵۲۶.

۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۶۴، ۵۸۵.

۵۸۶، ۵۹۵-۶۰۱، ۶۰۴، ۶۳۷، ۶۵۳، ۶۵۷.

۶۵۸، ۷۱۹، ۷۲۴، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷.

۷۵۰-۷۵۲، ۷۵۷، ۷۹۴، ۸۱۰، ۸۱۹، ۸۲۱.

جاماسب حکیم: ۳۸۱.

چین - چینی: ۸۶، ۳۳۲، ۳۳۳، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۵۱.  
حمیدالدین کرمانی، احمد بن عبدالله اسماعیلی: ۹۴،  
۵۴۲، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۷۰، ۶۵۲، ۶۷۷، ۶۷۹،  
۷۴۳-۷۴۶.

## ح

حافظ شیرازی: ۶۴۱.  
حام بن نوح: ۲۶۴.  
حاتری، عبدالحسین: ۱۳۰.  
حایش بن اعسم (ترجمان): ۱۴۴-۱۴۵، ۲۹۷.  
حجاز: ۶۵۱.  
حران - حرانی: ۱۱، ۱۳، ۲۴، ۲۷، ۳۳، ۷۰، ۷۲،  
۸۳، ۹۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۰۹،  
۲۱۶-۲۳۲، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۵،  
۲۶۶، ۲۷۸-۲۸۰، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۵،  
۳۸۳، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۹،  
۴۱۱، ۴۳۶، ۵۰۷، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۵۱، ۵۷۳،  
۶۱۵، ۶۳۱، ۶۷۰، ۷۱۴، ۷۹۵، ۸۲۱.

حنین بن اسحاق عبادی: ۸۸، ۱۰۲-۱۰۴، ۱۰۸،  
۱۱۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۸، ۱۹۱، ۲۰۰،  
۲۹۷، ۳۰۴، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۳۹،  
حیدرآباد دکن: ۳۲۴، ۳۸۵.

## خ

خازنی، عبدالرحمان: ۲۹۱، ۲۹۲.  
خاقانی شروانی: ۸۲۴.  
خالد برمکی: ۳۴، ۳۸، ۴۱.  
خراسان: ۷، ۱۰، ۱۸، ۲۴، ۳۶، ۳۷، ۴۰-۴۶،  
۵۱-۵۸، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۸، ۸۵، ۹۱،  
۹۲، ۹۹، ۱۱۰، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۳۱، ۳۴۱، ۳۵۱،  
۳۶۶، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۱.  
خرلیخ: ۲۹۰.  
خرمیان: ۶، ۳۷، ۴۳، ۴۷، ۶۲، ۶۳، ۶۷۸، ۷۰۷،  
خزران: ۴۰، ۶۵۱.  
خسرو انوشروان: ۲۴، ۶۱۵، ۷۱۷.  
خسرو پرویز: ۳۷.  
خسرو (از تبار) سام: ۳۵.  
خسرو فیروزان جستانی: ۴۶، ۵۲.  
خشایارشا هخامنشی: ۱۷۷، ۱۷۹.  
خضر (نبی): ۵۴۶.  
خلفاء: (فاطمی: ۶۷۰، ۶۸۳)، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۶،  
(فاطمی: ۷۱۱)، ۷۲۰.  
خلف الحلاج (داعی): ۱۰، ۵۱، ۹۱.  
خلفیه (- فرقه): ۵۱.  
حرائیت (الله مادر): ۲۲۳.  
حریری نامی: ۶۳۳.  
حسن بن اسحاق قمی: ۸۹.  
حسن بن زید علوی: ۴۳.  
حسن صباح: ۶۷۹.  
حسن محمد (طیب): ۸۸.  
الحسیح - اهلخسای.  
حسین بن علی (صعلوک) مروودی (امیر): ۱۰،  
۵۱، ۵۲، ۵۹، ۷۸، ۹۱، ۹۲.  
حکمای طبیعی (مادی): ۳۱۱، ۳۱۵، ۵۲۷، ۵۲۹،  
۵۳۱، ۵۳۶، ۵۵۵، ۵۸۱، ۵۹۵، ۶۳۲، ۶۶۲،  
۷۲۰، ۷۶۶ (نیز - فلاسفه).  
حلاج بیضاوی: ۵۰، ۶۰، ۱۲۳، ۳۲۰، ۴۴۱، ۴۶۴،  
۵۱۴، ۵۱۵، ۶۱۸، ۶۶۲، ۷۲۶، ۸۱۷، ۸۲۲.  
حلب: ۱۲، ۱۰۹، ۲۲۵.  
حلبی، علی اصغر: ۱۳۲.  
حمدانیان: ۱۲، ۱۰۹.

- خواجگان (فرقه): ۶.  
 خواجهوی کرمانی: ۵۲۳.  
 خوار (ری): ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۵، ۳۷، ۴۶.  
 خوارج: ۵۷۷.  
 خوارزم: ۶، ۱۱۰، ۲۷۹، ۲۸۷، ۴۸۴، ۷۶۵.  
 خوارزمی، ابو عبدالله: ۷۵، ۲۸۰، ۲۹۵، ۶۲۳.  
 خوارزمی، بنوموسی: ۱۷، ۲۶۱.  
 خوانساری، محمد: ۵۹۴.  
 خوزستان: ۴۸، ۶۳، ۱۹۷ (خوزی)، ۲۲۶، ۲۷۹.  
 خولسون (شرقشناس): ۲۱۸.  
 خونیرس (= ایرانشهر): ۶۲۰.  
 خیاط معتزلی: ۳۱۳، ۳۸۹، ۴۳۸، ۵۱۴.  
 خیام نیشابوری (حکیم): ۲۶۱، ۲۹۲، ۴۶۴، ۵۳۶،  
 ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۵۴، ۶۷۴، ۷۱۴،  
 ۷۱۵، ۷۳۹، ۷۵۴، ۷۶۷، ۷۷۱، ۷۹۴، ۸۱۶،  
 ۸۲۲.
- د
- دارالاسلام: ۶۸۴، ۷۰۷.  
 دارالحرب: ۶۱.  
 دارالخلافه (بغداد): ۶۳، ۷۰۷.  
 دادیشوع بطریق: ۳۹.  
 داروبین: ۲۴۹، ۳۶۵، ۷۹۴.  
 داریوش (یکم) هخامنشی: ۱۶، ۱۸، ۳۰، ۱۸۳،  
 ۶۹۶، ۶۹۷.  
 داسکیلوم: ۱۷۹.  
 داعیان ← اسماعیلیه.  
 داعی اطروش ← ناصر کبیر.  
 داعی صغیر، ابو محمد حسن بن قاسم شجری  
 (زیدی): ۵۳، ۵۵.  
 داناسرشت (صیرفی)، اکبر: ۵۰۱، ۵۰۴.  
 دانش پزوه، محمدتقی: ۱۰۰.
- دانشگاه (تهران: ۷۴۱)، همدان (بوعلی): ۷۶۴.  
 دانیال (نبی): ۳۲، ۲۲۸، ۶۸۳.  
 داوری اردکانی، رضا: ۶۴۰.  
 در / دز رشقان (ری): ۳۶.  
 دروور (انگلیسی): ۲۲۸.  
 دشتی: ۱۷، ۳۹، ۴۳.  
 دفتری، فرهاد: ۴۷، ۴۸.  
 دکارت، رنه: ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۹۵، ۲۴۵.  
 ۲۶۲، ۲۶۴، ۳۱۹، ۴۶۷، ۵۵۸، ۶۱۱، ۶۱۷،  
 ۷۲۷، ۷۵۵، ۸۱۱، ۸۱۳.  
 دلف بن عبدالعزیز عجلی: ۵۴.  
 دماوند: ۲۱-۴۲، ۴۶، ۴۸.  
 دمشق: ۳۸۴، ۷۰۳.  
 دموکریتوس (ذیمقراطیس) آبدرائی: ۳۵، ۱۰۲،  
 ۱۱۶، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۷۷-۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴،  
 ۱۸۷-۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۸۲،  
 ۲۹۸، ۳۰۱-۳۱۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲-۳۲۵،  
 ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۵-۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۶۹،  
 ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۲۰،  
 ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۶۳، ۴۸۹، ۵۰۶،  
 ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۸۶، ۶۱۷، ۷۹۵، ۸۰۳-۸۰۶،  
 ۸۲۰.  
 دورا-اوروپوس: ۲۲۵.  
 دوریس: ۱۵.  
 دومناس، ژ. پ: ۲۱۹.  
 دو موتتی ← موتتی.  
 دووآ، کارا: ۲۶۶.  
 دوویلاز: ۲۱۹.  
 دهری - دهریان: ۹۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۸۴،  
 ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۰۳، ۲۰۶-۲۰۹، ۲۳۱، ۲۳۷،  
 ۲۳۸، ۲۴۱-۲۴۵، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۳۵۹،  
 ۳۶۱، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۱۱-۴۱۴، ۴۳۰، ۴۳۸.



- رویان: ۴۲. ۷، ۱۱-۹، ۱۵-۲۹، ۳۳-۴۸، ۵۱-۵۹، ۶۳-۷۲، ۷۷، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۸-۹۶، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۶۴، ۱۷۹، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۷، ۲۷۹، ۳۶۰، ۳۸۹، ۴۲۳، ۴۵۹، ۴۸۴، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۵۹، ۶۰۳، ۶۳۹، ۶۵۵، ۶۷۲، ۶۷۸، ۷۰۸-۷۰۶، ۷۳۱-۷۳۲، ۷۴۰-۷۴۲، ۷۴۵، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۶۱، ۷۶۳، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۱۳، ۸۲۵.
- ری: ۷، ۱۱-۹، ۱۵-۲۹، ۳۳-۴۸، ۵۱-۵۹، ۶۳-۷۲، ۷۷، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۸-۹۶، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۶۴، ۱۷۹، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۷، ۲۷۹، ۳۶۰، ۳۸۹، ۴۲۳، ۴۵۹، ۴۸۴، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۵۹، ۶۰۳، ۶۳۹، ۶۵۵، ۶۷۲، ۶۷۸، ۷۰۸-۷۰۶، ۷۳۱-۷۳۲، ۷۴۰-۷۴۲، ۷۴۵، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۶۱، ۷۶۳، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۱۳، ۸۲۵.
- ز
- زاب / زابی (نیطی): ۲۹، ۳۰. زاخائو، ادوارد: ۶۷۶. زال زر: ۴۸۹. زامباور: ۵۸. زردز (-کوه): ۳۲. زردشت بهرام بزدو: ۳۸. زردشت - زردشتی: ۶، ۱۶، ۲۰-۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۶-۴۱، ۴۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۸۱، ۱۱۱، ۱۶۵، ۱۷۵-۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۰۳-۲۰۸، ۲۱۱-۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۲-۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۰۷، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۵، ۳۶۷ (کلدانی)، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۲۴-۴۲۷، ۴۳۲-۴۴۰، ۴۵۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۹۲-۴۹۵، ۵۰۵-۵۱۳، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۲۹-۵۳۲، ۵۳۵-۵۳۸، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲-۵۷۸، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۳۰-۶۳۳، ۶۳۷، ۶۴۶، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۸۱، ۶۹۰-۶۹۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹.
- زرکلی، خیرالدین: ۷۶. زروا توخمه (= زروان تیار): ۴۸۹. زروان - زروانی (ها): ۷۹، ۸۱، ۹۱، ۱۷۶، ۲۰۳-۲۰۷، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۶۷، ۳۳۱، ۳۴۴، ۳۷۳، ۳۹۲، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۲۴-۴۲۷، ۴۳۰-۴۳۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۷، ۴۸۷-۴۹۲، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۶-۵۱۶، ۵۱۹-۵۲۱، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۹-۵۳۳، ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۵۲، ۵۶۱-۵۶۳، ۵۷۶-۵۷۸، ۵۸۱، ۶۰۶، ۶۱۲-۶۱۷، ۶۳۰، ۶۳۸، ۶۴۶، ۷۳۲، ۷۸۹، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۰-۸۰۲، ۸۰۵، ۸۱۰، ۸۲۹، ۸۳۰.
- زرین کوب، عبدالحسین: ۳۵. زکریاء اصفهانی (متمهدی): ۱۱، ۹۲. زکریاء بن یحیی رازی (صیرفی): ۷۰، ۷۱. زکرویة دندانان (داعی): ۶۰. زنداقه / زندیقان: ۱۴، ۶۶، ۱۲۳، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۹، ۲۶۷-۲۶۵، ۳۱۳، ۴۴۲، ۴۷۶، ۶۳۰، ۶۴۵-۶۴۸، ۶۵۸-۶۶۰، ۶۷۳، ۶۷۸، ۶۸۳، ۷۳۶، ۷۳۷. زنجان: ۴۵، ۴۶، ۵۷. زنون الثانی: ۱۵۲، ۳۰۲، ۳۶۴. زیاریان: ۶، ۶۱. زیدی - زیدیان: ۹، ۴۳، ۴۶، ۵۲، ۷۵، ۶۲۵، ۶۲۹، ۷۱۰، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵. زیگل، رودلف: ۲۹۹. زیمری لیم (ماری): ۲۲۰. زین بندی (زینی): ۳۸. زینر، روبرت: ۲۰۷، ۲۱۹، ۳۳۲، ۴۰۶، ۴۹۸، ۵۱۹.



- ۱۴۰، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۴-۱۰۲، ۸۸، ۶۱۷، ۵۷۸، ۵۳۱
- ۲۷۹، ۲۲۱، ۲۰۳، ۲۰۰، ۱۸۴، ۱۷۵، ۱۴۴
- ۴۰۷، ۴۰۴، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۹۳، ۵۲۲
- ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۶۳، ۵۸۶، ۶۲۰، ۶۲۹، ۶۹۸، ۸۲۰
- سزگین، فواد: ۸۱۹-۸۲۱.
- سعدی شیرازی: ۸۲.
- سقدیس (هرمسی): ۲۸۰.
- سقراط - سقراطی: ۱۱۹، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۸۰.
- ۱۸۷-۱۹۲، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۶۱، ۳۰۰
- ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۴
- ۳۲۵، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۱، ۴۰۵، ۴۱۹
- ۴۲۶-۴۲۸، ۴۶۱، ۵۰۹، ۵۳۹، ۵۵۱
- ۵۶۴-۵۶۹، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۰، ۵۹۵
- ۶۰۰-۶۰۵، ۶۱۱، ۶۱۸، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۳
- ۶۹۴، ۷۱۴-۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۳۸، ۷۳۹
- ۷۴۵-۷۴۸، ۷۵۵-۷۵۷، ۷۷۵، ۷۹۵، ۸۰۳
- ۸۱۳-۸۱۵، ۸۲۸.
- سکائی: ۲۲۱، ۲۲۹.
- سلام بن ابرش (ترجمان): ۸۱۸.
- سلجوقیان: ۳۴، ۶۶، ۲۶۴، ۷۰۸.
- سلمان فارسی: ۸۰، ۱۳۶، ۶۲۵، ۶۴۵، ۶۶۳، ۷۳۵، ۶۷۴
- سلوکوس نیکاتور: ۲۳.
- سلوکیان: ۲۳، ۶۰، ۱۷۸، ۲۲۳، ۲۲۹.
- سلیمان طیب: ۸۸.
- سلیم صابئی: ۲۸۰.
- سمرقند: ۲۷۹.
- سمعانی، عبدالکریم: ۲۲۸.
- سناغوستان، فلوریال: ۷۶۵.
- سنان بن ثابت حرّانی: ۲۳۰.
- سنائی غزنوی (حکیم): ۶۵۴.
- س
- سارتون، جورج: ۳، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۹۲، ۲۶۱، ۵۹۲، ۵۶۰.
- ساسانی (+ ان): ۴، ۷، ۲۷، ۳۶-۳۸، ۴۱، ۴۹، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۰۳، ۲۰۷-۲۰۹، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۷۶، ۴۹۲، ۵۱۸، ۵۷۸، ۶۵۱، ۶۹۳، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۲، ۸۲۲.
- سالم، محمد سلیم: ۱۴۵.
- سام بن نوح: ۱۵.
- سامانی (+ ان): ۶، ۷، ۱۰، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۲، ۵۶-۵۹، ۶۲، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۷۸، ۸۵، ۹۲، ۹۹، ۲۶۴، ۲۹۱، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۴۱، ۷۶۶.
- سامره: ۷۳، ۲۲۳ (یهود).
- سامی: ۱۹، ۳۰، ۱۸۲، ۳۲۷، ۳۲۸، ۴۷۲، ۵۲۷، ۵۳۱، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۵۵، ۶۷۶، ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۱۳، ۸۱۴.
- سیلان (- کوه): ۲۲۲.
- سجستانی ← ابوسلیمان منطقی.
- سجستانی، ابویعقوب داعی (اسماعیلی): ۱۱، ۵۰، ۵۳، ۹۵، ۲۴۰، ۵۶۹، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۸۱، ۶۸۶، ۸۲۲.
- سید سکندر: ۶۱.
- سرایون اسکندرانی: ۱۳۹.
- سرت، دانیل: ۲۸۲.
- سرت (سارد) - شهر: ۵۷۵.
- سرجس (هرمسی): ۲۷۹.
- سرخسی، ابوالفرج احمد بن طیب (ابن الفرائقی): ۱۶۲، ۲۱۶، ۳۵۱، ۶۶۳.
- سرخ عَلمان: ۴۳.
- سُریانی: ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۹، ۳۳، ۳۹، ۷۲، ۷۳، ۸۷.

- سنياد نيشابوري: ۳۸، ۴۰.  
سني (اهل ← تسن): ۹، ۱۴، ۴۸، ۵۲، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۹۲، ۱۴۱، ۱۶۵، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۵۹، ۳۸۹، ۵۵۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۹، ۶۳۹، ۶۵۲، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۸، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۱۱، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۴، ۷۲۷-۷۳۰، ۷۳۷-۸۲۵.  
سواد (عراق): ۲۹، ۵۵۵.  
سوار (- بابا) حرّاني: ۲۲۲.  
سواران (دينيران): ۳۹.  
سويي: ۲۲۶، ۲۲۸.  
سورن / سوري: ۳۶.  
سوري / سوريه: ۲۹، ۳۱، ۴۸، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۶۵.  
سوريانوس: ۱۰۴.  
سوشيانس: ۵۶۲، ۶۹۰، ۶۹۲.  
سوفسطاني + ان: ۱۵۵، ۱۹۱، ۴۷۷، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۸، ۶۹۹، ۷۲۳.  
سولون (حكيم): ۱۱۶، ۷۵۸.  
سومري: ۲۱۱، ۲۲۴، ۵۲۸، ۵۸۵، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۴۶.  
سوئد: ۳۲۴، ۳۸۵.  
سويس: ۶۲.  
سهروردي، شيخ اشراق: ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۷، ۳۷۷، ۴۰۲، ۴۷۵، ۵۱۴، ۵۲۶، ۵۳۶، ۵۳۶، ۶۰۷، ۷۲۶، ۷۹۵.  
سياوخش بن مهران: ۳۹، ۴۰.  
سياووش: ۱۹.  
سياوشکرد: ۶۹۰.  
سيد مرتضي (شريف): ۶۴۷.  
سيرجان: ۸۱.  
سيروان (ري): ۲۴.  
سيرومديا: ۲۹، ۳۱.  
سيستان: ۵۱، ۵۹.  
سيسرو: ۱۷۹، ۳۰۹، ۴۲۴، ۴۳۹، ۵۰۵، ۵۷۶.  
سيسن مانوي (ثنوي): ۸۹، ۱۶۳، ۲۱۵.  
سيسيل: ۲۳۶.  
سيمپليکوس: ۱۰۳، ۱۰۸.  
سيمون مجوسي: ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۲۹، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۵۹.  
سينسيوس: ۸۲۰.
- ش**  
شاپور ساساني: ۳۳۲، ۶۶۸.  
شاد، پ. ه. (پورهرمزان): ۱۲۴.  
شام: ۹، ۵۸، ۸۹، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۴۳، ۲۵۱، ۶۵۵.  
شير (شرقشناس): ۲۱۷.  
شرويني (- خاندان): ۳۷.  
شريف (- سيد) جرجاني: ۲۱۶، ۴۰۹، ۴۱۸، ۴۷۳، ۵۵۱، ۵۹۴، ۶۱۲، ۷۴۷.  
شعوبي: ۶۷۸، ۷۰۳، ۷۰۹.  
شفيجي کدکني، محمدرضا: ۷۶.  
شکوري، ابوالفضل: ۸۲۵، ۸۲۷.  
شلما نصر آشوري: ۲۲، ۲۲۰.  
شلمبه (دماوند): ۲۵.  
شمن - شمعي: ۲۵۲، ۳۹۹.  
شوارتر، پاول: ۲۵، ۳۰، ۵۰۸.  
شوش: ۱۷۹.  
شهرزوري: ۶۲۵.  
شهرستاني، ابوالفتح: ۲۴۰، ۳۹۶، ۴۰۵، ۴۱۸، ۴۴۳، ۴۴۹، ۴۵۴، ۴۶۷، ۴۷۹، ۴۸۴، ۵۰۰، ۵۲۱، ۵۷۷، ۵۹۷، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۷۲، ۶۷۴، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۳۵، ۸۲۰.

- شهریار: ۲۵، ۲۷ (+ کوه).  
 شهید بلخی (شاعر) معتزلی: ۹۶، ۱۶۴، ۴۱۰، ۶۲۳.  
 ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۳، ۷۶۰.  
 شیبانی، حسنعلی: ۱۱۶، ۱۲۹، ۲۸۲، ۸۱۹.  
 شیت (نبی): ۶۵۹.  
 شیخ اشراق ← سهروردی.  
 شیخ بهایی: ۸۲۴.  
 شیخ صدوق ← ابن بابویه.  
 شیخ طوسی: ۳۸۸.  
 شیخ، محمدسعید لاهوری: ۱۳۱، ۱۸۸، ۲۱۷، ۶۸۸.  
 شیخ مفید: ۲۴۳، ۳۸۸، ۴۷۶.  
 شیخ یحیی (متمهدی): ۶۰.  
 شیراز: ۶۵، ۷۰۷.  
 شیردل آوندان (- تیره): ۶۳.  
 شیز (تخت سلیمان): ۲۷، ۱۷۹.  
 شیطان (- اهریمن): ۴۳۲، ۴۳۳، ۵۶۲، ۶۷۴.  
 شیعه (اهل ← تشیع) - شیعی: ۶-۱۰، ۱۴، ۲۶، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۶۱، ۶۲-۶۶، ۸۹، ۹۰، ۱۴۱، ۱۶۵، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۸۵، ۳۸۹، ۴۱۱، ۴۴۵، ۴۷۵، ۴۷۷، ۵۵۹، ۵۷۱، ۵۷۷، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۶، ۶۲۶-۶۲۹، ۶۳۳، ۶۳۹، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۲، ۶۶۱، ۶۶۹-۶۷۲، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۲، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۷-۷۱۲، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۰-۷۳۷، ۷۹۵، ۸۰۸، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۳۰.  
 ضحاک بابلی: ۲۵- (بیوراسب) - ۳۰، ۳۸، ۳۹.  
 ض  
 ط  
 طالس ملطی: ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۶، ۳۲۴، ۵۳۰، ۵۳۱، ۷۱۴.  
 طالقان: ۶۰.  
 طاهرین حسین (ذوالیمینین): ۴۱، ۴۲.  
 طاهریان: ۴۲، ۴۳.  
 طبایعیان / طبیعیان: ۲۱۳، ۲۳۷، ۲۴۱-۲۴۳، ۲۴۵، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۶۰، ۳۹۹، ۴۴۳، ۵۳۳، ۶۱۸، ۶۱۹ (- حکمای طبیعی، طبیعت‌شناسی).  
 طبرستان: ۷، ۱۰، ۱۸، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۷-۴۶، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۷۳، ۹۱-۹۳، ۹۹، ۱۱۷، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۶-۲۳۲، ۲۵۰، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۹، ۳۸۴، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۵۱، ۵۷۱، ۶۳۱، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۰، صابن - صابان: ۱۳، ۲۷، ۳۳، ۷۰-۷۲، ۸۷، ۹۰، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۶-۲۳۲، ۲۵۰، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۹، ۳۸۴، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۵۱، ۵۷۱، ۶۳۱، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۰.



- علی بن فیروزان جستانی: ۵۲.  
 علی بن وهبان: ۲۹۹.  
 علی بن وهسودان جستانی: ۴۶، ۵۴، ۵۶-۵۷، ۲۷۷.  
 عمادالدوله دیلمی: ۶۳.  
 عتار یاسر: ۶۷۴.  
 عمر الاشرف بن علی السجاد (علوی): ۵۵.  
 عمر بن خطاب: ۳۹، ۶۷۴.  
 عمرو بن لیث صفاری: ۷، ۴۴، ۴۵.  
 عیسیٰ بک، احمد: ۸۵.  
 عیسیٰ بن صهاربخت: ۴۹.  
 عیسیٰ بن علی رمانی (فیلسوف): ۱۰۹، ۱۱۱، ۸۱۸.  
 عیسیٰ بن مریم (مسیح): ۱۶۸، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۲.  
 عیسیٰ بن مریم: ۲۲۸، ۲۳۱، ۳۸۲، ۶۵۸، ۶۶۷، ۶۶۸.  
 عیلامی: ۱۶، ۲۰۸، ۶۲۰.  
 عین القضاة همدانی: ۵۱۴، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۷۳، ۷۵۱.
- غ**
- غرس النعمه هلال صابی: ۲۳۰.  
 غرناطه: ۷۲.  
 غزالی، (شیخ) احمد: ۵۱۴، ۵۳۶.  
 غزالی، امام محمد ← ابو حامد.  
 غزان: ۶۶.  
 غزنه / غزنوی: ۶۶، ۱۱۰، ۲۶۴.  
 غیاث کلینی: ۵۱، ۵۹، ۹۱-۹۳.
- ف**
- فاتک (غلام) ابن ابی الساج: ۵۷-۵۸.  
 فارابی، ابونصر: ۵، ۱۲-۱۴، ۷۲، ۷۵، ۸۳، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵-۱۰۹، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۶۵، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۰، ۲۵۷، ۳۴۳، ۳۷۰، ۳۸۳.
- ۳۸۴، ۳۸۷-۳۹۰، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۵۹، ۴۶۸، ۴۸۲، ۵۲۵، ۵۹۴، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۲۴، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۶، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۸۱، ۶۸۶، ۶۸۹، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۱۱-۷۱۵، ۷۱۹، ۷۲۶، ۷۲۹، ۷۴۸، ۷۶۲، ۷۶۶، ۷۷۱، ۸۱۶، ۸۱۷.  
 فارس (+ ی): ۴۳، ۴۸، ۶۳، ۲۲۱، ۳۱۳، ۷۰۳.  
 فاس (مغرب): ۷۲.  
 فاطمی (مصر) + ان: ۹، ۵۳، ۶۰، ۹۲، ۹۵، ۱۴۶، ۱۶۶، ۶۵۴، ۶۷۰، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۳، ۷۰۱، ۷۱۱، ۷۳۲، ۷۳۷، ۸۱۴.  
 فان اس، ژوزف: ۹، ۲۴۸، ۴۷۶.  
 فائق عراقی، فرات: ۱۳۱.  
 فخرالدوله دیلمی: ۶۷.  
 فخرالدین رازی: ۷۱، ۱۵۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۴۸، ۲۹۹، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۸-۴۳۰، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۳، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۸۴، ۵۲۵، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۰، ۶۵۵، ۷۴۰، ۷۵۴.  
 فخری، محمد: ۱۲۵.  
 فرارود / ورنارود (= ماوراءالنهر): ۷، ۵۶، ۶۹، ۵۲۸، ۵۳۱.  
 فرانسه: ۷۲۸.  
 فرانکلین: ۲۱۹.  
 فراورتس / فرورتیش مادی: ۱۶.  
 فرای، ریچارد: ۴۹۳.  
 فرج بن سلیم (یهودی): ۱۲۰.  
 فرخان اسپهبد: ۳۷.  
 فرخان رازی: ۴۰.  
 فردریک (دوم) سیسیلی: ۱۳، ۲۵۹.  
 فردوسی (حکیم): ۶، ۲۹، ۶۵، ۴۸۹، ۵۶۳، ۶۱۶.  
 قُرس (= ایران): ۶۷۸.



- قدریه: ۲۳۷-۲۳۸، ۳۱۲، ۷۲۴.
- قرطبه (اندلس): ۷۲.
- قرمطی (+ان): ۹، ۱۱، ۵۰، ۵۷، ۶۶، ۷۸، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۵۷۱، ۶۲۸، ۶۳۳، ۶۴۸، ۶۵۶.
- قریش: ۶۷۴.
- قزوین: ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۳۵، ۳۹، ۴۴-۴۶، ۴۹.
- ۵۴-۵۷، ۶۱.
- قسطابن لوقا بعلبکی: ۱۰۳، ۱۰۸، ۲۲۴.
- قسططنیه: ۷۰۸.
- قصران: ۲۳ (داخل)، ۱۳۰.
- قطب‌الدین شیرازی: ۶۶۱.
- قفطی، جمال‌الدین: ۶۹، ۸۳، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۶.
- ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۲۳۹، ۲۶۶، ۳۲۳.
- ۷۱۴، ۷۱۳، ۷۵۰.
- قفقازی (آسیانی): ۳۰، ۳۱.
- قم: ۱۰، ۳۶، ۴۴-۴۶، ۵۵، ۵۹، ۹۰، ۹۱.
- قمر (کاشان): ۲۳.
- قومش: ۲۳، ۳۷، ۴۰.
- قیروان: ۹۵.
- ک**
- کاپادوکیه: ۱۷۹، ۲۱۹.
- کاتبی قزوینی ← نجم‌الدین کاتبی.
- کاراخص (کرج): ۳۵.
- کاسرتلی، ال. سی: ۲۱۹، ۵۱۹، ۶۱۵، ۷۴۶.
- کاسی و کوتی: ۲۸-۳۰، ۲۰۵، ۲۰۸.
- کاشان: ۱۰، ۲۳، ۴۶، ۵۱، ۵۹، ۹۱.
- کاکلی اشکوری: ۴۵، ۵۵.
- کامپانیا (روم): ۷۰۰.
- کانت، امانوئل: ۱۱۵، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۸۱.
- ۱۹۶، ۲۳۵، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۲۷.
- کاووس-کی: ۲۶، ۳۴.
- کایت، آرتور: ۲۱۹.
- کراینگ (مستشرق): ۲۲۶.
- کرامتی، یونس: ۷۶۴، ۷۶۵.
- کرامرز (مستشرق): ۲۱۹.
- کزامیان: ۵۷۷، ۷۲۴.
- کراوس، پاول: ۱۳، ۹۴، ۱۲۲-۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۱.
- ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۱۶-۲۱۸.
- ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۵، ۳۴۸.
- ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۷۲، ۵۰۵، ۵۵۳.
- ۵۶۹، ۶۰۲، ۶۸۸، ۷۱۳، ۷۲۰، ۷۲۸، ۷۳۹.
- ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۶۱، ۸۱۷، ۸۲۰، ۸۲۷.
- کربن، هانری: ۷۱، ۱۲۵، ۱۳۰، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۶.
- ۲۷۴، ۲۸۴، ۵۲۰، ۵۵۳، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۵۲.
- ۶۵۳، ۶۸۷، ۸۲۶.
- کرتیر، موید (زردشتی): ۴۷۷، ۷۰۴.
- کرج: ۱۸، ۳۵، ۳۶، ۴۳ (ازاک): ۴۸ (ابودلف): ۵۰، ۵۱، ۶۱، ۶۲ (ابودلف).
- کرخ (بغداد): ۸۹، ۶۷۱.
- کُرد (+ان): ۶، ۲۶-۳۰، ۵۰، ۵۵۵، ۷۰۷، ۸۲۱.
- کُردین اسفندیاد: ۲۹.
- کردستان: ۲۹-۳۱.
- کرکس کوه (قمصر): ۲۳.
- کرماشان: ۳۶.
- کرمائیل (کرمانج): ۳۰.
- کرمر، جوئل: ۸، ۱۳، ۶۰، ۶۵، ۱۱۱، ۱۲۶، ۲۶۲.
- ۲۶۳، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۸، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۷.
- ۷۵۶.
- کروتو (ایتالیا): ۶۹۲.
- کریمان، حسین: ۲۴، ۳۵، ۴۲، ۱۳۰.
- کریموف (مستشرق): ۸۱۹.
- کسانی نحوی: ۴۰.
- کسروی، سیداحمد: ۲۵، ۲۶، ۳۹.

- کعبی، ابوالقاسم بلخی معتزلی: ۷۴، ۷۸، ۹۶، ۱۱۲،  
 ۱۶۳-۱۶۶، ۲۳۹، ۳۸۹، ۴۲۱، ۴۷۲، ۶۲۲،  
 ۷۵۰.
- کلبیان: ۷۵۵، ۷۵۶.
- کلبی، هشام: ۱۵.
- کلدانی (+ان): ۳۰، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۰،  
 ۲۷۹، ۴۳۹، ۶۱۵.
- الکک، ویکتور: ۲۱۹، ۲۳۰.
- کلمب، کریستف: ۱۴۶.
- کلمنت اسکندرانی: ۱۷۹، ۴۳۹.
- کلیما، اوتا کر: ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۳۲۶.
- کلین (ری): ۵۱، ۹۱.
- کلینی، ابوجعفر امامی: ۵۱، ۹۱.
- کمربیح: ۷۴۱.
- کموجیه (هخامنشی): ۱۷۹، ۴۳۹، ۶۹۶.
- کنت، اگوست: ۲۶۲، ۶۹۴، ۷۲۸.
- کندرسه: ۷۱۶.
- کندول (کردی): ۳۰.
- کنده: ۷۲.
- کسندی، ابویوسف ابن اسحاق (فیلسوف): ۷۲،  
 ۷۴-۷۸، ۸۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۶۲، ۱۶۳،  
 ۲۱۶، ۲۷۸، ۳۲۳، ۳۵۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۰۶،  
 ۴۲۳، ۴۲۸، ۵۹۴، ۶۱۱، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۶،  
 ۶۳۴، ۷۰۲، ۷۴۲، ۷۷۱، ۸۱۳، ۸۲۴.
- کنفوسیوسی: ۶۱۸.
- کنگ دژ: ۲۱، ۲۶، ۳۴، ۶۹۰.
- کنیدوس: ۲۱۹.
- کوپرنیک: ۶۸۶.
- کوروش (کبیر) هخامنشی: ۳۲، ۲۰۸، ۲۲۲، ۶۹۶،  
 ۶۹۷.
- کوفه / کوفی: ۸۹، ۳۱۳، ۶۷۱.
- کومون، فرانتس: ۲۱۹، ۴۴۲، ۵۰۸.
- کوه بیکنی (لاجورد): ۲۲، ۲۳.
- کوه صفا و مروه / ابوقیس وحری: ۶۴۸.
- کوهستان (زاگرس) - جبال.
- کوی مغان (ری): ۲۴.
- کیتال، احمد بن زکریا (داعی) اسماعیلی: ۵۱، ۱۶۴،  
 ۷۳۳، ۷۳۴.
- کیانی: ۳۹۹.
- کیرانوس (ایرانی): ۱۷۸.
- کیمریان / کیماریون: ۳۱، ۲۲۲، ۲۲۹.
- کیمیائیان: ۵۸۹ (- کیمیا).
- کینگو (اهریمن) بابلی: ۵۶۲.
- گ**
- گاریرس، کارل: ۸۱۹.
- گالاتیه: ۱۷۹.
- گائودفروی - دومینیس: ۱۲۴.
- گیرکان: ۲۷.
- گیری (- قلمه): ۳۹.
- گرشویج، ایلیا: ۵۰۸.
- گرگان: ۶، ۱۰، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۵۲، ۹۱، ۷۶۵.
- گرمسار: ۱۷.
- گراتوس لیدیایی: ۱۷۹.
- گزنوفانس: ۱۸۲.
- گشتاسف / ویشتاسپ: ۱۶، ۲۲۲.
- گل (- فرانسه): ۶۹۳.
- گلپایگان: ۵۰.
- گنبد مرداویج (ری): ۶۷.
- گندیشاپور (جند...): ۹۰، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۴۲،  
 ۲۷۹، ۳۱۲.
- گوتیوم: ۲۹، ۳۰.
- گودمن، ال. ای: ۱۲۶.
- گوران‌ها: ۳۰.



## م

ماتریدی، ابومنصور: ۱۶۸، ۵۵۸، ۶۵۸، ۶۷۵.  
 ماتسوخ، رودلف: ۲۱۹، ۲۲۷-۲۳۰.  
 ماتیانی / متیانی (+ان): ۲۹-۳۱، ۳۴.  
 ماد (+ان، +ستان) - مادی: ۱۵-۲۳ (رگیانا)،  
 ۲۷-۳۵ (رگیانه)، ۳۶، ۳۹ (کوست)، ۶۷، ۹۱،  
 ۱۵۲، ۱۷۶-۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۳، ۲۰۵-۲۰۸،  
 ۲۱۹-۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۴۷،  
 ۳۰۹، ۳۲۸، ۴۲۶، ۴۳۹، ۴۸۵، ۴۹۱، ۴۹۳،  
 ۴۹۵، ۵۰۶-۵۰۹، ۵۱۳، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۷۷،  
 ۷۰۵، ۷۹۵، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۳، ۸۱۰، ۸۲۹.  
 مادرید: ۳۲۳.  
 مادلونگ: ۴۷، ۴۸.  
 مارتوماس (- کلیسا): ۱۰۰، ۱۰۱.  
 مارکس، کارل: ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۴۴، ۲۴۹،  
 ۲۵۷، ۲۶۷، ۳۷۷، ۵۰۹، ۵۷۵، ۶۴۶، ۷۲۷،  
 ۷۶۸، ۷۷۰، ۸۲۹، ۸۳۰. ← مارکسیسم.  
 مارکوارت، ژوزف: ۱۶-۱۸.  
 ماریه یهودی (هرمی): ۱۷۷، ۲۷۹.  
 مازندران: ۲۲۵، ۲۲۹.  
 مازیارین قارن (اسپهد): ۷۳.  
 ماسبذان: ۳۶.  
 ماسینیون، لوتی: ۶۰، ۲۱۶، ۲۱۷، ۶۷۰.  
 ماکان کاکي: ۷، ۵۹، ۶۳.  
 ماکروبیوس: ۵۲۲.  
 مأمون (خلیفه) عباسی: ۱۳، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۷۳،  
 ۱۰۸، ۲۱۸، ۲۳۰، ۶۶۳، ۷۰۱، ۷۰۳.  
 مأمون بن محمد خوارزمشاه: ۱۱۰.  
 مأمونیان (خوارزم): ۶، ۲۶۴.  
 مانالاس: ۲۹۲.  
 مان، توماس: ۲۱۷.

گوردیان (امپراتور): ۷۰۰.

گونست، فردیناند: ۱۵۳.

گیتی گرایان: ۴۷۶ (← مادی گرایي، گیتی گرایي).

گیسودران، محمد (صوفی): ۶۴۵.

گیلان: ۶۱، ۶۳.

گیلوساک: ۳۳۸.

گیومرت: ۲۶، ۳۰۹، ۵۶۲.

## ل

لاریجان: ۳۷.

لاک، جان: ۲۴۹.

لانگه، فریدریک آلبرت: ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷.

لاوازیه فرانسوی: ۲۸۰، ۸۰۶.

لاهیجی: ۲۱۰.

لایب‌نیتس: ۱۸۸، ۲۵۱، ۲۶۲، ۲۷۴، ۳۵۳، ۷۲۷،

۸۰۷.

لائودیکیه (سلوکی): ۲۳.

لحسا: ۴۸.

لذت گرایان: ۱۹۹، ۷۴۸-۷۵۱ (← لذت گرایي).

لُران: ۶، ۷۰۷.

لندن: ۱۲۵.

لوغال، نجاتی: ۳۷۰.

لوکرتیوس: ۲۰۰، ۳۸۲.

لوکری (حکیم): ۴۵۹، ۴۸۳.

لولوبی (- قوم): ۳۰.

لویی، هیلدگارد: ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۴.

لیدزبارسکی: ۳۳، ۲۲۶، ۲۲۸.

لیدن: ۴۹.

لیدی: ۲۲۰.

لئوسیوس / کیوس: ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۳۶.

- ماندانا: ۲۰۸، ۳۲. ماندانی + ان: ۲۱۵-۲۰۷، ۲۰۳، ۷۱، ۳۴-۳۱، ۲۱۹، ۲۲۴-۲۳، ۴۹۶، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۲۴، ۵۴۶، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۸۸، ۶۹۲، ۷۴۶، ۷۴۷.
- ماننا - ماننایی: ۲۸-۳۴. مانی (+ گری) - مانوی (+ ان): ۷، ۹، ۲۴، ۳۹، ۶۵، ۷۰-۷۲، ۷۸، ۸۱، ۸۹، ۹۱، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۶۲-۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷-۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۷-۲۳۰، ۲۳۷-۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۰۹-۳۱۵، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۰-۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۶۶، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۹-۴۰۲، ۴۰۵-۴۰۸، ۴۲۷، ۴۳۰-۴۳۲، ۴۳۸-۴۴۵، ۴۴۵، ۴۶۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۳-۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۶-۵۱۶، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۶-۵۴۵، ۵۴۸-۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۱-۵۶۵، ۵۶۹، ۵۷۳، ۵۷۸، ۵۸۶-۵۸۹، ۵۹۴، ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۳۰، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۱-۶۵۲، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۷-۶۷۵، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۵، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۷، ۷۷۵، ۷۹۵، ۷۹۸-۸۰۵، ۸۱۵، ۸۱۹-۸۲۲، ۸۲۹، ۸۳۰.
- ماوراءالنهر ← فرارود. ماهانی: ۳۹۹. مایر هوف، ماکس: ۷۴، ۷۸، ۸۵، ۱۰۶، ۱۲۴، ۳۸۴. میشری، اسدالله: ۱۲۵. متصوفه ← صوفیه. متکلیمان: ۶۶، ۹۳، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۱۰-۳۱۳، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۴۰، ۳۴۲.
- ۳۶۲-۳۵۹، ۳۸۸-۳۹۵، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۷۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۱، ۵۱۱، ۵۲۲، ۵۳۲، ۵۴۰، ۵۴۲-۵۵۴، ۵۶۹، ۶۷۸، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۱، ۷۱۶، ۷۳۴، ۸۲۰.
- متوکل (خلیفه): ۷۳، ۷۰۱. مجدالدوله دیلمی: ۶۶. مجریطی (حکیم): ۲۱۶، ۲۶۵، ۲۸۳، ۵۲۵، ۷۱۵. مجلسی، علامه: ۴۴۵، ۷۳۲. مجوس (+ ان) - مجوسی (+ یت): ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۳، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۰۳-۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۹-۲۲۴ (اقدام)، ۲۲۹، ۲۳۱ (اقدام)، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۳۸۸، ۳۹۸-۴۰۳، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۵، ۵۳۶، ۵۹۳، ۶۱۰، ۶۲۱، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۵۱، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۸، ۷۱۱، ۷۳۲.
- محقق داماد، مصطفی: ۱۳۱، ۶۸۸. محقق، مهدی: ۷۴، ۷۹، ۸۲، ۸۸، ۹۴، ۹۸، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۶۸، ۲۱۸، ۲۵۴، ۲۶۷، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۶۵، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۵۳، ۴۷۱، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۱، ۵۵۸، ۵۹۵، ۶۲۶، ۶۳۶، ۶۷۹، ۶۸۳، ۷۲۰، ۷۲۴، ۷۴۱، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۶۰، ۷۶۵.
- محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق: ۱۰، ۱۱ (قائم). محمد بن حسن فقیه: ۴۱. محمد بن جریر طبری: ۷۱. محمد بن حسین دندان (چهاربخت): ۴۸-۵۱. محمد بن زید علوی (داعی): ۴۴-۴۶. محمد بن سرخ نیشابوری ← ابن سرخ. محمد صابر خان هندی: ۲۳۱.



- مشائی (+) ان: ۷۵، ۷۷، ۸۲، ۱۰۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۹۳، ۱۹۵-۱۹۷، ۲۰۱، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۸۲، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۵-۳۲۹، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۸۷، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۴۸، ۴۷۴، ۴۸۸، ۴۹۸، ۵۰۵، ۵۲۱، ۵۶۰، ۵۹۷، ۶۱۷، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۴۸، ۷۱۹، ۷۳۸، ۷۴۲، ۷۹۳، ۸۰۳، ۸۰۶.
- مشبهه (= اهل تشبیه): ۵۱.  
مشبه و مشبیه: ۳۶۵.
- مصر - مصری (+) ان: ۳۵، ۴۸، ۵۰، ۵۳، ۹۲، ۹۵، ۱۴۶، ۱۶۶، ۱۷۶-۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۶۴، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۹۰، ۳۹۱، ۴۴۹، ۴۸۷، ۵۲۲، ۶۵۴، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۹۳، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۱۱، ۷۳۲، ۷۹۵، ۸۰۶، ۸۱۴.
- مطهرین طاهر ← مقدسی.  
مطهری، مرتضی: ۱۹۵، ۶۸۸.  
المطیع خلیفه: ۶۱، ۶۳.
- معتزله - معتزلی: ۹، ۶۶، ۷۵، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۶۲-۱۶۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۷-۲۴۱، ۲۴۳، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۲، ۴۴۳، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۵۰۰، ۵۱۷، ۵۷۳، ۵۷۷، ۶۲۵، ۶۳۳، ۶۳۹، ۶۴۷، ۶۵۲، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۷۲، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۲۳، ۷۳۲، ۷۵۳، ۷۹۵، ۸۱۲، ۸۱۸، ۸۲۵.
- معتمد خلیفه: ۴۳، ۷۳.  
معتضد خلیفه: ۴۵، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۹، ۸۳، ۸۴، ۸۸.
- المعتمد خلیفه: ۷.  
معره (شام): ۶۵۵.  
معزالدوله دیلمی: ۶۳، ۶۴.
- المعزالدین الله علوی: ۶۴.  
معصومی همدانی، حسین: ۸۲۳.  
معطله ← اهل تعطیل.  
معمر معتزلی: ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۲.  
مغان (ماد) - مغانی: ۱۵، ۱۹-۳۸، ۶۰، ۶۳، ۷۱، ۸۱، ۸۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۷۵-۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳-۲۲۶، ۲۲۹-۲۳۲، ۲۴۷، ۲۶۴، ۳۰۸، ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۴۵، ۳۷۳، ۳۷۷، ۴۲۶، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۸۵، ۴۸۷-۴۹۷، ۵۰۶-۵۱۳، ۵۲۷-۵۳۱، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۷، ۵۸۷، ۵۹۳، ۵۹۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۸، ۷۰۵، ۷۹۵-۸۰۶، ۸۱۰، ۸۲۹، ۸۳۰.
- مغتسله (ماندایی): ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۲۷.  
مغرب: ۵۰، ۹۵.  
مغلیتیه (رقه): ۲۲۱.  
مغولان: ۱۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵.  
مفلح یوسفی: ۱۰، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۹۳.  
مقتدر خلیفه: ۴۶، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۶۳، ۷۸، ۸۳، ۸۸.  
مقدسی بیاری (ابن یثاء): ۴۷.  
مقدسی، مطهرین طاهر بلخی: ۷۶، ۲۵۴، ۲۵۸، ۵۲۶، ۶۵۸، ۶۶۴.  
مقدسی نامی (اخوان الصفا): ۶۳۳.  
مقدونیه (عراق): ۲۲۱.  
مقریزی (مصری): ۵۰.  
مکنفی خلیفه: ۴۵، ۵۴.  
مکه: ۱۱، ۵۷، ۶۴۳، ۶۴۸، ۶۷۴.  
مک گیل (- دانشگاه): ۱۳۱.  
ملاحده: ۹۶، ۶۰۷، ۶۳۳، ۶۴۶.  
ملاصدرا (- صدرالدین) شیرازی: ۱۲۷، ۲۶۳.

- مؤید شیرازی: ۵۵۸، ۶۴۷، ۶۷۹.  
مهاویره: ۱۸۵.  
مهدوی، (دکتر) یحیی: ۷۴۱.  
مهدی خلیفه: ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳.  
مهدی، محسن: ۱۲۷.  
مهرارس (هرمسی): ۲۸۰.  
مهران (= زاد / طهران: ۳۶- پارتی)، رازی: ۳۷، ۳۹، ۴۰.  
میافارقین: ۱۰۵.  
میاندورود (دماوند): ۳۸.  
میانرودان (= بین النهرین): ۲۱، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۶-۲۳۱، ۲۷۹، ۳۱۰، ۴۰۸، ۴۴۲، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۲۴، ۵۲۷-۵۳۱، ۵۵۲، ۵۶۲، ۷۰۴.  
میددی، ابوالفضل: ۶۷۴.  
میرداماد استرآبادی (حکیم): ۲۶۳، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۴، ۵۰۳، ۵۳۶، ۵۶۵، ۸۰۰-۸۰۳.  
میشان (= دشت): ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹.  
میکائیل: ۶۷۶.  
مینوچهر، حسین: ۹۴.  
مینورسکی، ولادیمیر: ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۶۷.  
مینوگرایان (= ایده آلیست‌ها): ۳۹۵ ← مینوگرایی.  
مسیئوی خرد: ۵۴۶، ۶۰۶، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۳۸، ۶۴۱.  
مینیوی، مجتبی: ۷۹، ۸۲۷.
- ن**
- نابونید بابلی: ۲۲۰.  
ناشی، ابوالعباس معتزلی: ۱۶۲، ۳۸۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۷۲۳.
- ۲۶۷، ۲۷۶، ۳۷۷، ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۸۰، ۵۴۲، ۵۹۴، ۷۵۴، ۸۰۰-۸۰۳.  
ملاهادی سبزواری: ۵۷۳.  
ملطی / ملطیه: ۱۵۱، ۱۸۰-۱۸۲، ۳۰۱، ۵۲۹.  
ملک ری: ۳۹، ۴۲، ۵۴.  
ملک طاووس: ۴۴۱.  
ملوک طوایف: ۵، ۷۰۷.  
مفیس (= معبد): ۱۷۸.  
منجیل: ۶۱.  
مندان (دماوند): ۲۸، ۳۰-۳۲، ۳۴، ۳۸.  
منزوی، علینقی: ۴۵۹، ۴۸۳.  
منصوربن اسحاق سامانی: ۴۵، ۴۶، ۵۴-۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۲۷۷، ۷۴۱.  
منصور خلیفه: ۳۷، ۳۸، ۴۰.  
منصوربن طلحة طاهری: ۱۶۴.  
منصوربن نوح سامانی: ۷۰.  
منوچهرین ایرج (آریایی): ۲۷-۲۹، ۳۲، ۲۲۲.  
موبدان: ۲۰، ۲۷، ۴۷۶، ۵۱۱، ۶۴۶، ۷۰۴، ۷۲۲.  
موتا / مورثا ديلمی: ۳۹.  
مور (شرقشناس): ۲۱۹.  
موزنوش: ۱۸۷، ۲۰۴، ۴۳۷.  
موزه بریتانی: ۱۶۵.  
موسی (نبی): ۱۷۷، ۲۱۵، ۳۸۲، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۷، ۶۷۲.  
موسی بن حسن نوبختی: ۴۷۵.  
موصل: ۱۱، ۲۷، ۵۸، ۲۱۹، ۲۲۲.  
موفق خلیفه: ۴۴.  
موقان (مغان): ۲۲۲.  
مولتون: ۲۱۹.  
مولوی: ۱۵۳، ۲۱۲، ۴۴۱.  
مونتنی، میشل: ۲۶۲، ۷۲۷-۷۲۸.  
مونیخ: ۴۹.

- ناصر خسرو قبادیانی: ۷۱، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۹۶، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۳۴-۳۴۵، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۴-۳۹۶، ۴۱۰-۴۱۱، ۴۱۴-۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۴۴-۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۲-۴۶۰، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱-۴۷۸، ۵۰۲، ۵۳۴، ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۳، ۵۸۴، ۵۹۸، ۶۱۰، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۶، ۶۸۰، ۷۲۵، ۷۴۴، ۷۴۹-۷۵۱، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، ۸۱۹، ۸۱۸.
- ناصر کبیر، ابو محمد حسن بن علی علوی داعی (اطروش): ۴۵، ۴۶، ۵۵، ۶۱، ۲۸۷.
- نائینی، عبدالعلی: ۵۸.
- نجم‌الدین کاتبی قزوینی: ۲۱۶، ۲۶۷، ۳۹۰، ۴۱۴، ۴۲۹، ۴۶۳، ۵۴۱، ۵۵۰.
- نخشی (نسفی) ابو عبدالله محمد بن احمد بزدای (داعی) اسماعیلی: ۱۰، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۹۴، ۲۴۰، ۶۳۰، ۶۸۶.
- نرسی (اسقف): ۳۹.
- نرگال (خدای مرگ): ۲۲۳.
- نسطوری (+ ان): ۱۲، ۳۹، ۷۲، ۸۸، ۱۰۰، ۱۹۷، ۲۷۹.
- نسفی، عزیزالدین: ۷۲۶.
- نصرانی ← مسیحی.
- نصرین احمد سامانی: ۷، ۱۰، ۵۲، ۵۷، ۵۹، ۷۴.
- نصر، (دکتر) سیدحسین: ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۵.
- نصواری (ماندائی) + ان: ۲۲۸، ۲۲۶.
- نصیبین: ۹۰، ۱۰۰، ۱۹۷، ۲۱۹.
- نصیرالدین طوسی (حکیم): ۱۲۰، ۱۸۸، ۲۱۶، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۳۶، ۵۰۱.
- نظام (- ابراهیم) محتزلی: ۹۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۷۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۲، ۴۳۸، ۵۰۰.
- نظام‌الملک طوسی: ۶.
- نظامی عروضی: ۶۹، ۷۸، ۸۵، ۱۳۸.
- نظامی گنجوی: ۶۰۷.
- نظیف رومی (فیلسوف) کشیش: ۱۰۹، ۱۱۰.
- نعیم بن مقرن مزنی: ۳۷، ۳۹، ۴۰.
- نوبختی، ابواسحاق ابراهیم: ۷۵۳، ۸۲۷.
- نویختیان (- خاندان): ۳۸۸، ۴۷۵.
- نوبهار (بلخ): ۳۸.
- نوح (نبی): ۶۵۴.
- نوح بن منصور سامانی: ۶۶.
- نوح بن نصر سامانی: ۵۲.
- نوزی (ترکیه): ۴۸۹.
- نوشجانی: ۱۴.
- نوموتو، شین (ژاپنی): ۹۴، ۶۳۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۸۲۲.
- نهادند: ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۱.
- نیرگ، ساموئل: ۲۲، ۲۰۸، ۴۰۶، ۴۸۸، ۴۹۳، ۵۱۲.
- نیقولاوس: ۱۰۴.
- نیقوماخیا: ۷۳۸.
- نینوا: ۲۲، ۲۶، ۲۱۹.
- نیوتون، اسحاق: ۱۴۷، ۲۶۱-۲۶۳، ۳۰۰، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۷، ۳۷۱، ۴۱۹، ۴۶۷، ۵۰۵، ۶۸۶، ۷۲۷، ۷۹۷، ۸۰۴، ۸۰۸.
- نیشابور: ۷۰، ۷۶، ۷۹، ۸۱، ۹۹، ۶۲۳، ۶۲۴-۶۲۸، ۸۲۵.
- نیکیتین، واسیلی: ۳۰.

- واتیکان: ۲۲۸.  
 الوائق خلیفه: ۱۳۹.  
 واجرود (= رود آوج): ۳۹، ۴۰.  
 وارطوس: ۱۸۷، ۲۰۴، ۴۳۷.  
 واسپوهران: ۵، ۶.  
 واسط: ۲۲۶، ۲۲۷.  
 واعظ (حکیم الاهی)، حسین: ۱۲۸.  
 والتز، ریچارد: ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۹۱.  
 ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۹.  
 ۷۳۹، ۷۴۳، ۸۱۷.  
 والکر، پاول: ۱۲۷.  
 والتینس مصری: ۶۳۷.  
 والیس: ۲۲۲.  
 وحشی بافقی: ۸۲۴.  
 وحید دستگردی، محمد: ۱۳۲.  
 ورامین: ۱۷، ۱۹، ۳۶.  
 ورجمکرد: ۶۹۰.  
 وصیف بکتمری: ۴۶، ۵۸.  
 ولفسن، هری: ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳.  
 ولکام (— کتابخانه) لندن: ۷۶۴.  
 ولی الدوله، ابوالحسین قاسم بن عبیدالله حارثی  
 (وزیر): ۵۴، ۸۸.  
 ولیوس اپیکوری: ۴۲۴، ۵۰۵.  
 ویدنگرن، گئو: ۳۳، ۱۵۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۱.  
 ۲۲۴، ۲۳۰، ۳۰۹، ۳۹۲، ۴۴۳، ۴۹۳، ۵۰۸.  
 ۵۵۲، ۵۶۲.  
 ویسبادن: ۸۲۷.  
 ویسپوران / ویسپوهری: ۳۶، ۳۹، ۵۰، ۷۲، ۲۲۲.  
 ویکاندر (شرق شناس): ۲۰۸، ۲۱۹.  
 ویمه (دماوند): ۲۵.  
 ویندیشمان: ۴۳۹.
- هادریان (امپراتور): ۶۹۸.  
 هاران بن ترح: ۲۲۲.  
 هاروت و ماروت: ۲۵.  
 هارون (نبی): ۶۵۸.  
 هارون الرشید: ۴۱، ۴۳.  
 هارون بن صاعد حرّانی: ۲۳۰.  
 هارون طیب: ۸۸.  
 هاشمی، علی: ۱۳۲.  
 الهاشمیه (ری): ۴۱.  
 هایدگر: ۱۱۶.  
 هایدلبرگ: ۱۲۲.  
 هاین، آنتون: ۳۱۹، ۳۲۰.  
 هبله رود: ۲۱، ۲۵.  
 هجر: ۵۷.  
 هجویری: ۸۱۷.  
 هخامنشی: ۲۰-۲۳، ۶۳، ۱۷۸، ۲۱۹، ۳۳۲، ۴۹۵.  
 ۶۹۶، ۸۰۶.  
 هراکلس: ۴۸۷.  
 هراکلیت افسوسی: ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۷۹.  
 ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۰۶، ۳۰۱، ۳۰۸.  
 ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۷۷، ۵۰۶، ۵۳۰.  
 ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۴۵، ۵۷۶، ۵۸۴، ۷۸۱، ۷۹۰.  
 ۷۹۶، ۸۰۵، ۸۲۹.  
 هراکلیه (سلوکی): ۲۳.  
 هرتسفلد، ارنست: ۳۱.  
 هرقل (شرق شناس): ۲۲.  
 هرقل (هرمسی): ۲۷۹.  
 هرمزد — اورمزد.  
 هرمزد (چهارم) ساسانی: ۳۶، ۳۷.  
 هرمس — هرمسی: ۲۴، ۱۴۸، ۱۷۸، ۱۹۷، ۲۰۱.  
 ۲۰۲، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۴۸، ۲۶۳، ۲۷۹، ۲۸۵.

- هولمیارد: ۲۶۱، ۶۰۰.  
 هومر: ۵۲۹.  
 هیبایا - هیاسوس: ۱۷۹، ۳۲۴.  
 هیولیتوس: ۲۲۶، ۲۲۷.  
 هیتی (+ ان): ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۸۷.  
 هیروکائساری: ۱۷۹.
- ی**
- یاسیرس: ۱۱۶.  
 یاقوت حموی: ۱۸، ۲۶، ۳۴، ۷۵، ۶۲۵.  
 یحیی بن بطریق: ۱۹۱.  
 یحیی رازی (صیرفی): ۷۰.  
 یحیی، عثمان: ۱۲۵.  
 یحیی بن عدی، (ابوزکریاء) تکریتی: ۱۲، ۷۸، ۹۸.  
 ۱۰۰-۱۱۰، ۱۱۸، ۳۴۳، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲.  
 ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۴۶، ۵۵۳، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۲.  
 ۶۹۸، ۸۱۸، ۸۲۲، ۸۲۳.  
 یحیی معمدان: ۲۲۶، ۲۲۸.  
 یحیی النحوی: ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۸۹، ۲۰۱.  
 ۳۴۹، ۳۶۲، ۳۸۳، ۴۲۳، ۴۵۴، ۵۶۹.  
 یزدگرد (سوم) ساسانی: ۲۴، ۳۷.  
 یعقوب لیث صفاری: ۷، ۴۳.  
 یعقوبی، ابن واضح اصفهانی: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰.  
 ۴۳۰، ۴۷۷، ۵۱۶، ۵۴۸، ۵۷۶.  
 یعقوبیان (مسیحی): ۱۰۵.  
 یوحنا بن حیلان: ۱۲، ۳۸۴.  
 یوستی، فردیناند: ۳۲.  
 یوسف بن حکیم: ۱۰۵.  
 یوسف بن یعقوب (طیب): ۹۹.  
 یونان - یونانی (+ ان): ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۸.  
 ۳۱، ۶۰، ۶۱، ۷۱-۷۳، ۸۷، ۸۸، ۱۰۲، ۱۰۸.  
 ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۳۹.
- ۲۸۷، ۳۲۵، ۳۲۶، ۵۸۹، ۶۵۹، ۸۰۶.  
 هرودوت: ۱۹، ۳۲۸، ۵۳۱.  
 هزیود: ۳۳۸، ۳۶۹، ۵۲۹.  
 هشام بن الحکم کوفی: ۳۱۲، ۶۴۷.  
 هشامیه: ۲۳۸.  
 هگل، فریدریک: ۱۵۱، ۱۵۳-۱۵۵، ۱۷۷، ۲۱۱.  
 ۲۱۲، ۲۶۲، ۳۳۳، ۳۶۳، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۲.  
 ۴۲۷، ۴۴۲-۴۴۶، ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۵.  
 ۵۳۹، ۵۷۵، ۷۵۱، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۷، ۸۲۹.  
 ۸۳۰.  
 هلال الصابی: ۲۳۰.  
 هلند: ۱۲۲.  
 همایی، جلال‌الدین: ۷۹، ۶۵۰.  
 همدان: ۱۶، ۱۷، ۲۱ (هگمتانه) - ۲۳، ۳۳.  
 ۳۵-۴۵، ۵۰، ۵۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۸۴، ۹۱.  
 ۱۵۰، ۱۷۹، ۲۱۵، ۲۷۹، ۴۳۹، ۴۹۳، ۶۴۴.  
 ۷۰۷، ۷۶۵.  
 همدانی، حسین بن فیض‌الله: ۹۳.  
 هند - هندی (+ ان): ۸، ۷۸، ۹۴، ۱۲۳، ۱۸۰.  
 ۱۸۴-۱۸۷، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۶۴، ۲۶۵.  
 ۳۰۶-۳۱۱، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۸۵، ۳۹۸.  
 ۳۹۹، ۴۰۷، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۷۲، ۴۸۵-۴۸۷.  
 ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۸، ۵۱۳، ۵۲۲، ۵۳۵، ۵۵۶.  
 ۵۶۴، ۵۶۹، ۵۷۲، ۶۰۲، ۶۱۸، ۶۴۲-۶۴۴.  
 ۶۵۱، ۶۷۶، ۶۸۸، ۷۱۵، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۷۵.  
 ۷۹۵، ۷۹۸، ۸۰۴.  
 هنینگ، والتر: ۲۱۵، ۴۰۲، ۵۸۸.  
 هوار، کلیمان: ۷۶.  
 هوروس (مصری): ۱۷۷.  
 هوری + ان: ۲۹-۳۱ (هورماتیل) ۳۳، ۳۴.  
 هوشنگ (پیشدادی): ۷۰۳.  
 هوشیدر: ۶۹۰، ۶۹۲.



۶۳۶، ۶۳۴، ۶۳۳، ۶۲۹، ۶۲۸، ۶۲۳-۶۱۶	۱۷۰، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۸، ۱۵۴، ۱۴۴، ۱۴۱
۶۸۱، ۶۷۹، ۶۷۶، ۶۵۵، ۶۵۴، ۶۴۳، ۶۴۲	۱۹۵، ۱۹۲-۱۸۷، ۱۸۴، ۱۸۲-۱۷۸، ۱۷۵
۷۰۷-۶۹۲، ۶۸۹، ۶۸۶، ۶۸۵، ۶۸۲	۲۳۰-۲۲۵، ۲۲۲-۲۱۶، ۲۱۱، ۲۰۸-۱۹۷
۷۴۱، ۷۳۹، ۷۳۴، ۷۳۱، ۷۲۹، ۷۱۸-۷۱۲	۲۴۸، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۲، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۴
۸۰۰، ۷۹۹، ۷۹۷، ۷۹۵، ۷۷۱، ۷۶۳، ۷۶۲	۲۷۱، ۲۶۵، ۲۶۱، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۱، ۲۵۰
۸۳۰، ۸۲۹، ۸۲۷، ۸۲۴-۸۱۴، ۸۱۰، ۸۰۶	۳۲۳، ۳۱۲-۳۰۰، ۲۸۲، ۲۷۹، ۲۷۷، ۲۷۳
یهود (+ان) - یهودی: ۱۱، ۱۲، ۲۲، ۳۳، ۳۸، ۴۲	۳۹۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۲، ۳۲۸
۱۹۷، ۱۸۰، ۱۷۸-۱۷۶، ۱۶۸، ۱۵۸، ۱۲۳، ۶۰	۴۲۴، ۴۱۳، ۴۱۰، ۴۰۸-۴۰۶، ۴۰۳، ۳۹۶
۲۸۲، ۳۲۷، ۲۶۴، ۲۳۵، ۲۲۸-۲۱۹، ۲۰۹	۴۵۱، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۲، ۴۳۹، ۴۲۷، ۴۲۶
۶۳۵، ۶۳۱-۶۲۷، ۵۴۵، ۴۹۴، ۴۵۵، ۴۰۸	۴۹۸، ۴۹۴، ۴۸۸-۴۸۵، ۴۷۱، ۴۶۵
۶۷۶، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۵۹-۶۵۷، ۶۵۲، ۶۵۱	۵۳۵، ۵۳۰، ۵۲۹، ۵۲۷، ۵۲۲، ۵۰۹-۵۰۵
۸۰۶، ۶۹۰، ۶۷۹	۵۸۱، ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۶۹، ۵۵۵، ۵۴۷، ۵۳۹
یهودیه (اصفهان): ۳۹	۶۱۳، ۶۰۷، ۶۰۱، ۵۹۷، ۵۹۳، ۵۸۹، ۵۸۴



اتحاد دین و دولت: ۱۰، ۵۳، ۶۵، ۸۱۶. (← دین و دولت).

اتحاد (= وحدت) دین و فلسفه (= عقل): ۱۰، ۱۱، ۵۳، ۷۵-۷۷، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۴۳۲، ۶۰۷، ۶۲۰، ۶۲۳-۶۲۷، ۶۳۳-۶۳۷، ۶۴۸، ۶۵۴، ۶۶۴، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۱۲، ۷۱۹، ۸۱۲، ۸۱۶، ۸۲۴. (← دین و فلسفه).

اتصال و انفصال (= بستگی و گشادگی): ۳۳۵-۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۶، ۴۱۱، ۴۱۹، ۵۳۰، ۵۷۷، ۵۸۳، ۷۸۲، ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۲۰. (← تخلخل و تکاتف).

اتصال و انفصال اشیاء (ابن عدی): ۱۰۷، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۵۲، ۳۷۵، ۴۵۶-۴۵۸، ۴۸۲، ۵۱۶، ۵۲۱، ۵۲۲، ۶۱۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۸۰۲، ۸۰۸، ۸۱۱. (← بخت، تصادف).

اتمیسیم ← ذره گرایی.  
اثبات استحاله (رازی): ۳۸۸.  
اثبات الصانع (دیافرطیس): ۱۰۲.  
اثبات الصنعه (رازی): ۲۹۵.  
اثبات الطب (رازی): ۱۶۲، ۷۲۳.  
اثبات النبوة (سجستانی): ۵۳، ۶۸۱.  
اثباتی گری ← علم اثباتی.

اتیر (← آذر) - فلک: ۸۱، ۳۱۷، ۳۲۹-۳۳۱، ۳۳۴، ۳۵۶، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۸۷، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۴۵، ۵۶۱، ۵۷۲، ۵۸۶-۵۹۰، ۶۸۲، ۶۹۲، ۷۸۱، ۷۹۰، ۷۹۱.

اثولوجیا (ارسطو): ۲۰۱، ۶۳۰.  
اثولوجیا (افلوپین): ۶۳۹، ۶۸۱.  
اجتماع و افتراق: ۱۵۵، ۱۸۳، ۳۰۴، ۳۲۵-۳۲۷، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۷۲، ۴۱۵ (نقیضین)، ۴۴۶.

آیین شهریاری ← ایرانشهری.  
آیین نامگ (آذرفرینغ): ۳۶۷، ۷۰۴.

## الف

اباحیگری: ۹۵، ۱۱.  
الإبانه عن علل الدیانة (ابوزید بلخی - عامری): ۶۲۷، ۶۲۵، ۷۶.

الإبانه عن کمال الدین (ابوزید بلخی): ۶۲۵.  
ابتهاج (= شادمانی): ۷۵۳.  
ایداع و صنع: ۸۱، ۸۲، ۱۳۱، ۱۹۰، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۱۰، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰-۴۶۳، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۹۳، ۶۸۳، ۷۸۹، ۷۹۶، ۸۰۲. (← خلق و صنع).

أبدال الادویه (رازی): ۲۹۴.  
آبد (← ازل) - ابدی: ۴۲۰، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۸۱، ۷۸۴.

ابسو (آب شیرین): ۵۰۷، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰.  
ایصار ← نورشناسی.

إبطال دعوی المدعیین (کندی): ۲۷۸.  
إبطال نبوت / فی النبوات (رازی) ← مخاریق الانبیاء.

ابوبکر الرازی - حیاته و آثاره (فاتح عراقی): ۱۳۱.

ابونوروز: ۵۲۲.  
ابهادرپونا (← زروان): ۴۹۳.

آباختران (= سیارات سبعة): ۵۱۵، ۵۲۳.  
ایارکر / برگر (= تقدیرساز): ۵۱۷، ۷۹۷، ۷۹۸.  
ایتومتیکون / ایتومیا (← شهوانی): ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۷.

اییدیمیا (= بیماری‌های واگیری): ۲۹۷.  
ایبسته کای لوگو (= فرمان عقلی): ۵۳۹.  
ایبنومیس (افلاطون): ۱۹۲ ← نوامیس.



- (= تسویه)، ۵۱۲، ۵۸۱، ۷۷۹، ۷۸۶.  
استویهات (= دیو مرگ): ۵۴۶.  
الاسرار (رازى): ۹۸، ۱۲۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۷.  
اسرار فرج ایرانی (رایتسنشتاین): ۲۰۸.  
اسرار النطقاء (داعی جعفر): ۶۸۲.  
اسرائیلیات: ۳۳.  
آسرتاریکیه (پهلوی): ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۱۰.  
آسرتروشنیه (پهلوی): ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۸۵، ۴۹۳.  
۵۱۰، ۵۲۹، ۵۳۵، ۵۸۶، ۷۹۶.  
اسطیقات (= عناصر): ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۷۳، ۲۷۴.  
۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۴، ۵۲۷، ۵۸۵، ۸۲۲.  
الاسطیقات و طبیعة الانسان (بقراط - جالینوس):  
۱۹۸، ۲۷۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۸.  
الأسفار الاربعه (ملاصدرا): ۷۵۴.  
اسکندرانی (= مکتب): ۱۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۹۷،  
۳۹۸، ۵۰۹، ۵۹۴، ۶۲۹، ۶۷۹.  
الاسئله و الاجوبه (بیرونی): ۳۴۱.  
الاشارات (ابن سینا): ۴۳۶، ۷۵۳.  
اشراق - اشراقی: ۲۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۰،  
۲۳۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۸، ۳۸۲، ۴۰۲، ۴۳۲،  
۴۸۳، ۴۹۰، ۵۰۹، ۵۲۶، ۵۳۵، ۵۶۱، ۶۷۶،  
۷۸۱، ۷۹۵، ۸۲۹.  
اشعار فی العلم الالهی (رازى): ۳۹۱.  
الإشفاق علی المتکلمین (رازى): ۱۴۱، ۲۳۹،  
۳۸۹، ۶۵۴، ۶۸۶.  
اشنو خرد (= عقل ذاتی): ۶۰۶.  
اشه (= حق): ۲۴۹، ۳۸۱، ۵۰۶، ۵۲۸-۵۳۰،  
۵۳۵، ۵۹۳، ۷۹۶، ۸۰۵. (= ارته).  
اشه وهیشت (آتش): ۳۳۳.  
اصالت ماهیت: ۴۸۰.  
اصالت وجود (ی): ۲۶۰، ۳۹۴، ۴۸۰، ۸۰۰.  
اصل تناقض: ۱۵۲-۱۵۴، ۳۶۴ (= تضاد، تناقض).
- اصول اولیه (= دوین): ۴۳۴، ۴۳۵.  
اضحویه (ابن سینا): ۹۱.  
أضداد: ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۳۵ (زوجی)، ۴۴۵، ۴۴۶،  
۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۳۲،  
۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۵، ۸۰۱.  
اعتبار (= استقرای تجربی): ۱۴۳، ۱۴۴.  
اعتدال: ۲۳۹، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۹۵، ۶۹۶،  
۷۲۴، ۷۲۳، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۵، ۷۵۷،  
۷۶۸، ۷۷۴، ۷۷۵، ۸۰۸ (قدر)، ۸۱۴، ۸۱۵.  
أعراض: ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۵، ۳۸۷،  
۴۶۹، ۵۴۰، ۵۴۴، ۵۴۹ (عقلی - هوایی).  
الاعلام بمناب الاسلام (عامری): ۶۲۳، ۶۲۷،  
۸۲۵.  
اعلام النبوة (ابوحاتم رازی): ۱۰، ۵۲، ۹۲، ۹۳،  
۹۴، ۱۲۸، ۱۸۹، ۶۳۰، ۶۴۹، ۶۸۰، ۶۸۱.  
اعیان ثابتة: ۴۸۰، ۵۳۵، ۵۷۰، ۷۴۶، ۷۸۱.  
أغنام الله: ۶۱۰، ۶۵۴، ۷۱۸.  
الاقتنار (سجستانی): ۵۳.  
أقانیم اربعه: ۵۹۰.  
إقبال: ۵۴ (و دولت)، ۷۳۶. ← بختاوری.  
اقتناء علوم الفلسفه (ابوزید بلخی): ۷۵.  
أقسام العلوم (ابوزید بلخی): ۷۵.  
إقطاع داری: ۵.  
الاقوال الذهبیه (کرمانی): ۹۴، ۷۴۳، ۷۴۴.  
اکسیر: ۵۹۰.  
اکوان ثلاثه: ۴۶۶، ۴۸۰.  
التقاط (ی) + گری: ۱۹۷، ۲۱۱، ۲۴۲، ۶۳۲، ۶۳۳،  
۶۸۵، ۷۶۶، ۸۱۳.  
الحداد (+): ۱۲، ۱۳، ۵۰، ۹۴، ۹۶، ۱۴۱، ۱۶۵،  
۱۸۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۵۹، ۴۷۷،  
۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۴۶، ۶۴۷،  
۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۹.

- آلم (۶۰۵) ← لذت و آلم. امارت‌ها: ۷۰۷.
- آماره - و - لوامه (- نفس): ۵۴۷، ۵۴۶، ۵۳۹.
- امام - امامت: ۶۶، ۹ (← معصوم)، ۹۰ (+ زمان)، ۹۱ (شناسی)، ۹۴، ۹۵ (+ غایب)، ۱۶۴، ۴۴۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۶۱۱، ۶۶۵-۶۷۰، ۶۷۲ (← معصوم)، ۶۷۹-۶۸۳، ۶۸۶، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۵، ۷۰۹-۷۱۲، ۷۱۹-۷۲۱، ۷۳۰-۷۳۷ (+ غایب)، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۲۵ (← معصوم).
- الامامة (ابن‌راوندی - ابو عیسی و زاق): ۶۴۶، ۶۷۰، ۶۷۱، ۷۳۰.
- الامامة (رازی): ۲۵۹، ۲۶۰، ۷۳۰، ۷۳۳.
- الامامة و السياسة (- کتب): ۷۰۲.
- امتزاج: ۲۱۲ (← تمازج).
- آمد (= نهایت): ۴۶۵-۴۶۶، ۴۹۵.
- الآمد علی الآبد (عامری): ۸۲۵.
- امشاسپندان: ۱۷۹، ۳۳۳.
- امکان: ۲۴۱-۲۴۲ (← قوت).
- اموروات (گیاهان): ۳۳۳.
- امیره ظلمت: ۵۴۷.
- انبساط و انقباض (= بستگی و گشادگی): ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۶۸، ۴۳۴.
- انتخاب اصلح: ۳۶۴.
- الانتصار لأرسطوطاليس (ابن‌رضوان): ۱۹۶.
- انتظار: ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۶۹.
- انتقاد (+ گری) - انتقادی: ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹-۱۶۴، ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۵۱، ۵۹۹، ۶۶۵.
- الانتقاد و التحذیر علی اهل الاعتزال (رازی): ۱۶۴، ۳۸۹.
- انجیل: ۱۰۵، ۱۳۱، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۸ (یوحنا).
- انحلال (← تجزیه) و ترکیب: ۱۵۵، ۱۹۴، ۳۵۸، ۳۶۳-۳۶۵ (ذبول)، ۳۷۶، ۴۱۱، ۴۵۶، ۴۸۲، ۴۸۹، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۱۱، ۵۱۵.
- ۵۶۶، ۷۸۲، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۱-۷۹۳، ۸۰۶-۸۰۹ (ذبول).
- اندرز پیشینیان (پهلوی): ۵۱۷.
- انسان... (+): ۲۶۳ (کامل)، ۵۵۶ (نخستین)، ۵۶۲، ۶۰۶ (۳)، ۶۱۶ (نوبین)، ۷۶۱ (کامل)، ۸۱۱ (۳)، ۸۱۵ (۳)، ۸۲۱ (قدیم).
- انسان‌گرایی: ۱۲، ۱۴، ۶۰، ۷۱، ۷۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۲۶، ۲۱۰، ۲۵۷-۲۶۴، ۳۹۲، ۶۱۰، ۷۰۴، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۲۳-۷۲۷، ۷۳۶، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۶۸، ۸۱۱، ۸۱۲.
- انسان‌گرایی در نوزایی اسلامی (کریم): ۱۲۶.
- الانصاف (ابن‌سینا): ۷۶۷.
- انفکاک وجودی: ۴۸۲.
- انقسام نامتناهی (ابن‌عدی): ۱۰۷.
- انقلاب عنصری: ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۷۰، ۷۹۱، ۸۰۷.
- انگرمینو: ۴۳۴، ۵۰۶، ۵۸۷.
- انلیل (- نامخدای ماه): ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۵، ۵۸۸.
- انومالیش (بابلی): ۵۶۲.
- انهوس اگتوواو (اوستایی): ۶۱۵.
- انثادها | تاسوعات (فلوطين): ۲۰۱، ۶۳۰.
- انیت (= ثبوت): ۴۸۳.
- الاهیات: ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۶۶، ۱۸۳، ۲۳۸، ۲۵۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۵ (فلسفی)، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳ (← علم‌الاهی).
- الاهیات طبیعی (موتنی): ۷۲۷.
- آوائل: ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹.
- اوپانیشاد (هندی): ۳۹۸، ۵۵۶.
- اورکیس (= میل طبیعی): ۵۳۹.
- اوستا (زردشتی) - اوستایی: ۱۶، ۲۱، ۳۶، ۱۷۶، ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۳۷، ۴۶۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۱۱، ۵۱۵.

- البحار (مجلسی): ۴۴۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۷۲، ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۴۶، ۶۹۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۹۰، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۲۹، ۸۰۴، ۷۹۹.
- ایجاب + ی (علت) و صدور: ۴۰۰، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۰۹، ۵۴۱-۵۴۳، ۷۸۹، ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۳۰.
- ایدوس (مئل، مینوگان): ۵۶۹.
- ایده آلیسم - مینوگرایی.
- ایرانشهری (- سیاست): ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۲- (آیسین شهریاری) - ۷۰۸، ۷۱۵- (شاهی آرمانی) - ۷۱۶، ۷۲۲، ۸۱۶ (شهریاری و فرمانداری)، ۸۲۷.
- ایرمگه سوته (جایتی): ۲۴۵.
- ایساغوجی (ارسطو): ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۶۳.
- ایستایی: ۴۴۸، ۴۵۰.
- ب**
- باری (تعالی): ۲۷۴، ۳۱۷، ۳۶۲، ۳۸۸، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۵-۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۴-۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۷۹، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۰۶، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۶، ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۱، ۵۵۰-۵۵۲، ۵۵۶، ۵۶۶، ۵۷۳، ۵۹۴، ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۱۷، ۷۷۹، ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۳، ۸۰۲-۸۲۹.
- باری ارمنیاس (ارسطو): ۱۴۲.
- باطنی + گری: ۱۳، ۳۴، ۴۳، ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۹۲، ۱۱۰، ۱۴۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۳۷-۲۴۱، ۲۵۷، ۲۸۴-۲۸۶، ۲۸۹، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۴۶، ۴۵۴، ۴۶۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۷۱۰، ۸۰۶، ۸۲۶.
- بت پرستی: ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۷۶.
- البحار (مجلسی): ۴۴۵.
- البحوث الاربعه (ابن عدی): ۱۰۴.
- بخت (تقدیر) - بختاوری (اقبال): ۴۹۳، ۵۴، ۵۱۶-۵۲۲، ۵۴۶، ۶۱۴-۶۱۷، ۷۲۷-۷۲۹، ۷۳۶، ۷۹۳، ۷۹۷، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۲۲.
- بخت (اتفاق) و تصادف: ۳۱۳، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۵، ۳۹۳، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۹۶، ۷۸۹، ۷۹۲، ۸۰۰.
- البدء و التاريخ (بلخی): ۲۹۰، ۳۳۳.
- بذر (ذره) ها - تخمه ها.
- برابرنهاد (= آنتی تز): ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۹۲، ۴۲۵، ۴۴۲، ۴۴۳، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۵، ۷۹۶، ۷۹۹، ۸۲۱، ۸۲۹.
- برخی بردسی ها درباره جهان بینی ها (احسان طبری): ۱۲۹.
- بردسی نوشته های پزشکی رازی (اسکندر): ۱۲۵.
- برنهاد (= تز): ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۹۲، ۴۲۵، ۴۴۳، ۵۰۳، ۵۰۷، ۷۹۹، ۸۲۱، ۸۲۹.
- بروج (فلکی): ۵۰۹.
- برهان... (+): ۴۶۳ (تعطل)، ۵۰۱ (تطبیق)، ۵۰۴ (س)، ۵۷۵ (استواء).
- البرهان و منافع الاعضاء (جالینوس): ۱۴۵، ۲۹۹، ۴۵۲، ۴۸۶، ۶۰۴.
- البرهان - کتاب (رازی): ۱۴۰، ۱۴۱، ۶۰۴.
- برهما (هندی): ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۰.
- برء الساعه (رازی): ۵۴، ۸۸.
- برهسپتی سوتره (هندی): ۱۸۵.
- بسایط (= عناصر): ۳۵۳، ۷۹۰.
- بستان العقول (ناصر خسرو): ۱۶۶، ۶۷۲.
- بستگی و گشادگی: ۳۳۵-۳۳۸، ۳۴۵، ۳۵۶، ۴۳۴.
- (اتصال و انفصال / انبساط و انقباض).
- بشقشماهی (رازی): ۲۹۴.

- بعث الحکمة (ابن راوندی): ۶۴۷.  
 بغانسک (اوستایی): ۷۵۸.  
 بغانی - بغان پرستی (= جاهلیت): ۱۴، ۱۰۵، ۲۰۱.  
 ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۲، ۳۸۳، ۶۴۲.  
 بغویخت (= تقدیر): ۵۱۷، ۵۱۹، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵.  
 (= بخت).  
 بورژوازی: ۵، ۲۴۴.  
 بو طیفقا (ارسطو): ۱۰۳.  
 بولسیس (= خواست عقلی): ۵۳۹، ۵۴۵.  
 بولطیقوس فی المدبّر (جالینوس): ۷۱۹.  
 بوم (= خاک / زمین): ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۷.  
 بومیک زره (= دریای خاکی): ۳۶۸، ۸۰۴.  
 بوندیشن (فرننغ دادگی): ۳۲، ۳۵، ۱۷۷، ۳۰۸.  
 ۳۰۹، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۴، ۳۴۵.  
 ۳۷۳، ۳۹۲، ۴۲۶، ۴۹۱، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۹.  
 ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۸۴.  
 ۵۸۶، ۶۲۰، ۶۹۰، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۴.  
 بهرام (= مریخ): ۲۲۵، ۵۱۸.  
 بهشت (= نیکوشهر): ۶۴۵، ۶۹۰، ۶۹۲.  
 بهشت نور (مانوی): ۴۰۱.  
 البیان (کلینی): ۵۱.  
 بیست و پنج مقدمه (ابن میمون): ۳۵۴.  
 بیمارستان‌ها (ابوسعید): ۶۸.  
 بی نهایت (ها): ۱۵۶، ۱۸۹، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۱.  
 ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۰، ۴۱۹، ۴۶۶.  
 ۴۹۸-۵۰۲، ۵۱۰، ۵۳۰، ۵۷۴، ۵۸۳-۵۸۱.  
 ۵۸۶، ۶۱۸، ۷۸۰، ۷۹۷. (= تناهی و نامتناهی).  
 پارامانو: ۸۰۵.  
 پارسی (فارسی): ۱۶، ۲۲۹، ۵۹۳، ۶۲۵، ۶۶۳، ۷۰۱.  
 پازندی (پهلوی): ۱۱۶، ۲۰۳.  
 پتیاره (= وبال / ضد وند) - پتیارگی: ۳۵۲، ۳۹۲، ۴۲۵-۴۲۷، ۴۳۰، ۴۴۵، ۴۵۵، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۵۰، ۵۶۳، ۵۸۴، ۷۸۴-۷۸۶، ۷۸۹، ۷۹۸-۸۰۱، ۸۱۵.  
 پراجاپتی (هندی): ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۲.  
 پردیس: ۲۸.  
 پرگ (= بخت) - اپارکر.  
 پُرگان: ۴۱۴، - ملاء.  
 پروتاغوراس (افلاطون): ۸۲۷.  
 پروتون (proton): ۳۶۶، ۴۱۱، ۵۳۶، ۷۸۰.  
 پرومته در زنجیر (آشیل): ۲۶۴، ۷۲۸.  
 پرونی: ۲۲۵، - فروهران.  
 پرستاران آتش (ویکاندر): ۲۰۸.  
 پزشکی: ۶۰۹، - طبّ...  
 پلاسما: ۵۳۵، ۷۸۱، ۷۹۰.  
 پنجگانه (ها): ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۶۵، ۳۰۶، ۳۳۱-۳۳۳، ۳۹۴، ۳۹۶-۴۰۷، ۴۵۵، ۴۸۱، ۴۹۶، ۵۱۷، ۵۳۴، ۵۷۳، ۷۷۹-۷۸۶، ۷۹۵-۷۹۹، ۸۰۲، ۸۰۵، ۸۲۹.  
 پندنامه (زردشت): ۴۳۷.  
 پندهای (= المواعظ) یونانی (رازی): ۱۱۶.  
 پنتوما: ۸۰۴.  
 پولیتا (= سیاست) افلاطون: ۶۹۸.  
 پهلوی (= زبان، - متون): ۱۱۶، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۴۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۷، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۴۴-۳۴۵، ۳۶۷، ۳۸۱، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۶۴-۴۶۷، ۴۷۷، ۴۷۷، ۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۵، ۵۱۶-۵۱۹، ۵۲۳، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۶۱، ۵۸۴، ۶۰۶، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۳۸، ۷۰۴، ۷۴۵-۷۴۷، ۷۹۵، ۷۹۷، ۸۱۸، ۸۱۹.  
 پیامبرستیزی: ۱۳۱، ۱۶۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۶۱۱.



- ۶۴۶-۶۴۹، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۷-۶۸۸، ۷۲۰، ۷۳۲-۸۱۲، ۸۱۴.
- پیدایش و تاریخ (مقدسی): ۷۶.
- پیدروزرگیت / بدر بزرگی (مانوی): ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۹۳، ۴۹۵.
- بیموگ سه (= عناصر): ۵۸۶.
- ت**
- التاج (ابن راوندی): ۶۴۷.
- التاج و الآیین (ابن مقفع): ۷۰۳.
- تأخر و تقدّم: ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۷۹-۴۸۲، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۷۹، ۷۸۳، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۱، ۸۰۲.
- تاریخ الاطباء و الفلاسفه (اسحاق بن حنین): ۸۸، ۵۹۵.
- تاریخ انتقادی فلسفه (بروکر): ۱۸۰.
- تاریخ الحكماء (قفطی): ۱۱۹.
- تاریخ الری (ابوسعبد): ۴۵.
- تاریخ طبّ در ایران (نجم آبادی): ۱۲۸.
- تاریخ طبیعی (پلینی): ۱۴۶، ۴۳۹.
- تاریخ علم (سارتون): ۵۶۰.
- تاریخ علوم عقلی (صفا): ۱۲۹.
- تاریخ فلسفه (تیلی): ۱۹۱.
- تاریخ فلسفه (دیوجن لائرتی): ۱۷۹.
- تاریخ فلسفه اسلامی (کربن): ۱۲۵.
- تاریخ فلسفه در اسلام (دی بور): ۱۲۲، ۷۴۱.
- تاریخ فلسفه در اسلام (شریف): ۱۲۵.
- تاریخ ماده گرای (لانگه): ۲۳۴.
- تاریخ نوشتار عربی (بروکلمان): ۱۰۲.
- تاریخی (= جبر اجتماعی): ۶۱۴، ۶۱۸، ۴۹۶.
- تاریخی (= نامخدا): ۴۹۶.
- تأویل (= تفسیر باطنی): ۲۸۴-۲۸۶، ۴۷۶ (=).  
هرمنوتیک، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۸۲، ۷۱۳، ۷۹۳، ۸۰۸، ۸۲۶.
- تأیید (الاهی - روح): ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۶ (= قرّة ایزدی).  
تبدّل کمّ به کیف: ۳۷۶.  
التیبان (برقی): ۹۰.
- تیشی و جهشی (= حرکت): ۴۸۲، ۴۸۳، ۵۰۲، ۵۰۳ (= گذار)، ۵۰۹، ۵۷۶.
- تیسس (Tethys): ۵۲۹.
- تثلیث: ۱۰۵ (مسیحی)، ۱۰۸، ۱۵۳ (فلسفی)، ۳۹۸ (مسیحی)، ۴۹۶.
- تجربه (تجارب) گرای - تجربی (= روش): ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۳ (= عینی)، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۶۹-۱۷۱، ۱۹۵، ۲۰۰ (طبی)، ۲۰۲، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۶۱ (= علم)، ۲۶۲، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۲۵، ۴۰۴، ۴۶۲ (طبی)، ۷۲۷ (= علم)، ۷۲۸، ۷۹۴، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۱۱.
- التجربة الطیبه (جالینوس): ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۴۶۲.
- تجزیه (= انحلال) و ترکیب: ۱۵۴، ۱۵۵، ۳۰۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۷۶، ۴۲۵، ۷۸۰، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۰۷.
- تجسد (حلول): ۱۰۵.
- تحصّلی (= اثباتی): ۶۰۹، ۷۲۸، ۸۰۸.
- تحصیل السعاده (فارابی): ۷۱۵.
- التحقیق فی نقض العلم الالهی (ابن حزم): ۱۶۶.
- تحقیق ماللهند (بیرونی): ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۵، ۶۴۲.
- تحلیلات (ارسطو): ۳۷۱، ۵۰۵ = آنالوطیقا.
- تحوّل و تکامل: ۴۹۵، ۷۷۰، ۷۸۲، ۸۰۶ (= تطوّر).
- تخلخل و تکائف (ماده): ۱۸۹، ۳۳۵، ۳۶۸-۳۷۰.

- ۵۳۱، ۵۸۴، ۷۸۲، ۷۹۷، ۸۰۹. (← اتصال و انفعال، بستگی و گشادگی).
- تخمه / تئوما (= بذر): ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۷-۳۰۸، ۳۱۱، ۳۲۳، ۴۰۲، ۵۲۴، ۵۲۶ (حیات)، ۷۹۰، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۲۹.
- تدبیر / تدابیر: ۱۴۷ (کیمیایی)، ۱۶۴، ۲۸۱ (تجربی)، ۲۸۲، ۵۱۷ (= کنش).
- التدبیر و الترتیب (رازی): ۱۴۸، ۲۹۱.
- ترجمه‌های عربی از یونانی (اشتاتینشاید): ۱۰۲.
- ترکیب (← هم نهاد): ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۹۴، ۲۵۲، ۳۳۰، ۳۵۴-۳۵۵، ۳۶۳-۳۶۵، ۳۷۶-۳۷۸، ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۹۵، ۵۰۲، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۵۵، ۷۸۰، ۷۸۲- (جدلی)، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۹۱، ۷۹۳، ۸۰۹، ۸۲۹.
- الثریاق (جالینوس): ۱۰۴.
- تریت: ۵۲۸.
- تری و سردی: ۵۲۷.
- تسنن: ۱۴، ۶۵ (← سنی‌گری).
- تسویه ← استواء.
- تشبیه (گرایی): ۱۵، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۵۰، ۷۹۳. (← مشبهی).
- تشریح: ۲۹۲، ۴۵۷.
- تشکیک ← شکاکیت.
- تشیع: ۹، ۱۴، ۴۸، ۵۰، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۳۰- (فلسفی) - ۶۳۱، ۶۴۷، ۶۸۱، ۷۰۹، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۷ (← شیعه‌گری).
- تصادف: ۱۵۳، ۳۲۶، ۵۲۱، ۷۹۳، ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۰۷ (← بخت، اتفاق).
- تضاد: ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۰، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۸۴، ۸۲۹.
- تضمن مقصود: ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۷۹۳، ۸۲۱.
- تطور (← تحول): ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۸۰۹.
- تعادل و تراجم: ۱۶۹.
- تعلیم امام / تعلیمیه: ۹۴، ۱۶۵، ۳۸۵، ۵۵۸، ۶۱۱، ۶۷۰، ۶۷۹، ۶۸۱، ۷۱۰، ۷۳۲، ۸۱۴.
- تعلّی (← خردگرایی): ۵۵۹، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۰. (← فلسفه تعلّلی).
- تغذی و رشد: ۳۵۵، ۳۶۰.
- تغییر / تغییر: ۱۴۹، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸-۳۴۹، ۳۷۳-۳۷۴، ۴۰۴، ۴۸۸، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۸۲، ۵۸۵، ۷۵۱، ۷۵۴، ۷۷۰، ۷۹۱-۷۹۳، ۸۰۱، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹.
- تفسیر طبری: ۱۰۱.
- تفسیر قرآن (ابوزید بلخی): ۶۲۵.
- تفسیر کتاب طیماس (فلوخرخس): ۳۲۴.
- تفسیر مابعدالطبیعه (اسکندر افرودیسی): ۳۹۰.
- تفاسیم العلل / تقسیم و تشجیر (رازی): ۱۴۸.
- تقدّمه المعرفة: ۸۵، ۷۴۰.
- تقدیر (+) گزایی: ۳۹۶، ۵۱۶-۵۲۰، ۶۱۲-۶۱۸، ۶۵۰، ۷۰۱، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۱۱. (← بخت / بغویخت).
- تقسیم اجتماعی کار: ۱۴۹، ۶۶۵، ۶۹۵، ۷۲۴، ۷۶۷، ۸۱۴، ۸۱۵.
- تقلید (ی): ۱۳۷، ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۴۹، ۵۹۸، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴ (تعبد)، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۶۷، ۶۷۵، ۷۲۱، ۷۲۹، ۷۴۳، ۷۶۳، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۹۴.
- تقیه (← تقلید): ۶۵۶.
- تکائف (و تخلخل) ← تخلخل و تکائف.
- تکافوی ادله: ۹، ۱۳۶، ۱۴۹، ۲۳۸، ۴۷۱.
- تکامل: ۸۱ (طبیعی)، ۱۵۵، ۱۸۱ (عقل)، ۲۸۸ (طبیعی)، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۵۳ (= استكمال)، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۶۳-۳۶۵، ۷۹۳، ۷۹۴.

- ۸۰۸، ۸۰۹. (← تحوّل - تطوّر).  
 تک عنصری / تک نهاد: ۷۹۴.  
 تکوین عالم: ۳۰۲. (← حدوث).  
 تلبیس ابلیس (ابن جوزی): ۲۶۶.  
 تلخیص النوامیس (فارابی): ۶۹۸.  
 تلخیصه للکتاب فلوطرخس (رازی): ۳۲۴.  
 تلنگر نخستین (big-bang): ۳۹۲، ۳۹۳، ۸۰۰.  
 تمازج (← ترکیب): ۱۵۵، ۱۹۴، ۲۱۲، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۶، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۱، ۵۰۳ (جدلی)، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۲۶، ۵۳۳، ۵۴۵، ۵۸۴، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۶، ۷۸۸-۷۹۳، ۷۹۹-۸۰۱، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۳۰.  
 تمثیل: ۱۴۸.  
 تناسخ (← حلول): ۱۸۶، ۲۱۶، ۳۸۴، ۴۲۸، ۴۳۲، ۵۶۵-۵۷۲، ۵۷۷، ۵۸۸، ۷۴۰، ۷۹۴.  
 تناقض (← تضاد): ۳۷۷، ۴۱۶، ۴۱۸، ← عدم تناقض.  
 تناهی و نامتناهی (← بی‌نهایت): ۱۵۶، ۲۰۷، ۳۳۵، ۳۴۴، ۳۵۰، ۴۱۶-۴۲۱، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۹-۴۸۳، ۴۹۳-۵۰۵، ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۷۶، ۵۸۱-۵۸۵، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۰.  
 تنبّهات بابای حرّانی (روزنتال): ۲۲۴.  
 تن پزشکی: ۲۹۲.  
 تنزیه (گرای): ۹۱.  
 تنکارشناسی: ۲۸۸، ۲۹۲، ۴۵۷.  
 تــــو حید (+) ی: ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۵۸ (مستفادی)، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۲۲، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۸۳، ۴۸۷، ۴۹۰ (عددی)، ۵۰۶، ۵۷۳، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۷۵، ۶۷۶، ۷۳۲، ۸۰۵، ۸۱۸.  
 التوحید (افلاطون): ۱۰۲.  
 التوحید (ماتریدی): ۶۵۸.  
 التوحید والتثلیث (ابن عدی): ۱۰۵.  
 توخس (= سرنوشت): ۵۱۸.  
 تورات: ۲۲، ۳۲۷، ۳۲۷، ۶۲۷، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۸۳.  
 التوسط بین ارسطوطالیس و جالینوس (ابوسهل مسیحی): ۴۵۲.  
 توقّف (در تحقیق): ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۴۲۲، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۷۱، ۵۹۶.  
 توم / توما ← تخمه.  
 توهیکیه (= خلاء) ← تهیگی.  
 تهافت الفلاسفه (غزالی): ۴۵۳، ۵۶۰، ۶۳۶، ۸۱۲.  
 تهذیب الاخلاق (ابن عدی): ۱۰۴، ۱۰۸.  
 تهذیب الاخلاق (ابن مسکویه): ۵۴۳، ۷۴۲، ۷۵۳.  
 تیر (عطارد): ۲۳۱، تیرگان: ۲۲۵.  
 تهیگی (= خلاء) - تهیگان: ۳۳۱، ۳۳۸-۳۴۶، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۱۰، ۵۱۴-۵۲۲، ۵۶۳، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۷، ۷۸۲، ۷۹۷ (← خلاء).  
 تیمائوس / طیمائوس (افلاطون): ۱۰۳، ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۹۰-۱۹۳، ۲۰۰، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۷۶، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۸۲، ۴۲۷، ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۷۲، ۵۴۵، ۵۶۶، ۵۷۵، ۵۸۷، ۵۹۴، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۳۹، ۷۵۰، ۸۱۹، ۸۲۰.  
 تیئوس (افلاطون): ۵۹۴، ۵۹۵، ۸۲۸.  
 ث  
 ثابت و متحرک: ۸۰۳.  
 ثبوت (= اثبوت): ۵۰۲.

- الثبوت في الحكمة (رازی): ۲۸۷.
- ثقل و خفت (= گرانی و سبکی): ۳۴۱-۳۴۳، ۴۳۵.
- ثنویت (= دوگانگی گرایي): ۷۸، ۹۱، ۱۶۳، ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳.
- ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۸، ۳۸۴، ۴۳۰.
- ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۷۶، ۵۳۶، ۶۳۳، ۶۷۴، ۷۹۸، ۸۳۰، ۸۲۱.
- ثوابت (= روشنان): ۵۲۳.
- ثواشه (= جو): ۴۹۳، ۵۱۸.
- ج**
- جادو: ۲۹۰.
- جاذبه (= قوه): ۳۴۱-۳۴۳، ۳۶۰، ۷۸۲.
- جامع الحكمتين (ناصر خسرو): ۱۶۶، ۶۲۸، ۶۳۱.
- الجامع في الفقه (ابوحاتم): ۹۳.
- جامع كبير (رازی) ← الحاوی.
- جان و روان (= روح - نفس): ۵۱۸، ۵۴۸، ۵۵۶، ۵۸۴، ۵۸۹، ۶۰۶، ۸۲۱.
- جانورشناسی: ۲۸۸، ۲۹۳.
- جاودان خرد (ابن مسكويه): ۵۵۹، ۶۱۵، ۶۱۶.
- جای (پهلوی): ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸ (= مکان).
- جاینی (هندی): ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۶۴، ۲۶۵.
- جبر (+ گرایي): ۵۱۶ (علمی)، ۵۱۹، ۵۲۱ (علمی)، ۶۱۲ (طبیعی) - ۶۱۳ (و اختیار) - ۶۱۵ (سیاسی) - ۶۱۸ (مذهبی) - ۶۱۹، ۶۲۴ - (اجتماعی) - ۶۳۶، ۶۴۳، ۶۵۰، ۷۵۷ (طبیعی)، ۸۰۸، ۸۲۲.
- جبر و قدر (عامری): ۶۳۴.
- الجدري... (رازی) ← آبله...
- جدل / جدلی (= دیالکتیک): ۱۵۱-۱۵۷، ۱۶۴، ۱۷۷، ۲۱۰-۲۱۲، ۲۶۸، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۷۷.
- (عقلی)، ۳۹۲، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۳۵ (طبیعی)، ۴۳۶، ۴۴۳-۴۴۶، ۴۶۲، ۴۹۱، ۵۰۳، ۵۰۷-۵۰۹، ۵۹۸، ۷۵۱، ۷۸۰، ۷۸۹، ۷۹۱، ۷۹۴، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۲۹، ۸۳۰.
- جراحی: ۲۹۲، ۲۹۳.
- جرح و تعديل: ۱۶۹.
- جزوها (= ذرات): ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۵، ۵۳۴، ۷۸۰، ۷۹۷ (= ذره).
- جزء / أجزاء لا يتجزى ← ذره گرایي.
- جزء و كل: ۴۲۰، ۴۸۸، ۴۹۹.
- جسمانی: ۷۴۴-۷۴۶.
- الجماهر في الجواهر (بيروني): ۲۹۵، ۳۹۰.
- جمع فيه الاعمال بالحديد (رازی): ۲۹۳.
- جمل معاني انالوطيقا (رازی): ۱۴۱.
- جمهوری (افلاطون): ۱۹۰، ۳۹۶، ۵۹۳، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۱۹، ۷۳۱، ۷۳۹، ۸۲۸.
- جنة النور (= بهشت نور مانوی): ۴۰۱.
- جوابات (ابن عدی): ۱۰۵.
- جوّ الأسراب (ابن التمار): ۹۷.
- جوامع العلوم (ابن فریفون): ۷۵.
- جوامع قاطيغورياس (رازی): ۱۴۱.
- جوامع كتاب افلاطون في سياسة المدن (جالينوس): ۷۱۹.
- جوامع كتاب طيماوس (جالينوس): ۱۹۱، ۲۷۶، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۲۴، ۷۵۰، ۷۵۱.
- جوامع كتاب النواميس (جالينوس): ۷۱۹.
- الجواهر الخمسه (كندی): ۴۰۶.
- جواهر عقلی: ۲۲۱.
- جود (سنی) ← لطف (شيعی).
- جوهر / جواهر (= گوهر): ۲۴۱، ۲۴۲ (و عرض)، ۳۰۵، ۳۳۹-۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۸-۳۷۵، ۳۸۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۷.

- الحجر الاصفی (رازی): ۲۹۵.  
 حجر المطر (= سنگ باران): ۲۹۰.  
 حج و عمره: ۶۴۳.  
 حدّ طبیعی: ۳۴۷-۳۴۹، ۴۱۶.  
 حدود دهری: ۴۴۸، ۴۴۹ (ذاتی)، ۴۵۵،  
 ۴۵۷-۴۵۹ (ذاتی)، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۷۴،  
 ۴۷۸-۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۲،  
 ۵۰۳، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۷۰، ۵۷۴،  
 ۵۷۷، ۷۷۹-۷۹۷، ۸۰۳، ۸۰۵، ۸۲۰.  
 جهان بینی: ۶۲۲، ۷۷۸.  
 جهان شناسی: ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۲۱۷، ۲۹۱، ۳۸۱،  
 ۵۱۱، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۲، ۶۲۱، ۸۱۴.  
 جهان فروری: ۵۶۱، ۵۸۶، ۶۹۲ (= فوهران).  
 جهان وطنی: ۷۰۸، ۸.  
 جهان مهین و جهان کهن (= عالمین اکبر و اصغر).  
 جهشی (= حرکت): ۵۰۳. ← تیشی.
- ج**  
 جارواکه (هندی): ۱۸۵.  
 جتر جوک (هندی): ۴۸۶.  
 چرخ (سپهر): ۳۶۸، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۱۸، ۵۲۳،  
 ۶۱۴.  
 چگال سنجی: ۲۹۲، ۲۹۶.  
 چهاررخه / چهارگانه: ۴۸۶، ۴۹۳.  
 چهار مقاله (نظامی): ۶۹، ۸۵.  
 جیتا (= علم و دانش): ۶۲۱، ۶۲۲.  
 جیهر (= طبع / طبیعت): ۲۷۱، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۱۶،  
 ۵۱۷، ۵۴۶، ۶۱۲، ۶۱۳.  
 جیهر شناسیک (= طبیعی دانی): ۲۴۱، ۲۷۸.
- ح**  
 الحاوی فی الطبّ / الجامع الحاصر (رازی): ۷۴،  
 ۸۵، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۸،  
 ۱۷۰، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۷۴-۲۷۷، ۲۸۸، ۲۹۲،  
 ۲۹۶، ۲۹۹، ۷۵۹، ۷۶۴، ۸۱۰.
- حدود العالم (ابن خیلان): ۶۳۷.  
 حدود مدام: ۴۶۲، ۴۸۲، ۶۱۷.  
 حدود و قدم: ۲۷۵، ۳۴۳، ۳۷۲، ۳۸۳، ۳۹۲،  
 ۳۹۳، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۹-۴۲۳، ۴۳۷،  
 ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۸-۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۱،  
 ۴۷۶-۴۸۵، ۴۹۶-۴۹۸، ۵۰۱-۵۰۳، ۵۱۴،  
 ۵۲۴، ۵۴۰، ۵۷۳-۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۹۶،  
 ۶۵۳، ۷۷۹، ۷۸۳، ۷۸۶-۷۸۹، ۷۹۸، ۸۰۱،  
 ۸۲۱.  
 حدود الفلّسفه (ابوزید بلخی): ۷۵، ۶۲۵.  
 حرکت: ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۸۴، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۵۳،  
 (فلک)، ۲۶۱، ۲۶۲، ۳۰۰، ۳۲۶ (استحاله)،  
 ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۰-۳۴۳، ۳۵۰ (مستدیر) - ۳۵۱،  
 (وضعی) - ۳۵۲ (فلتیه)، ۳۵۴ (انتقالی)، ۳۵۹،  
 ۳۶۴، ۳۶۸-۳۷۵، ۳۹۵، ۴۱۹-۴۲۶، ۴۵۲،  
 ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۹-۴۸۵، ۴۸۸،  
 ۴۹۴، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۹ (اولیه)،  
 ۵۳۸، ۵۴۳، ۵۷۴، ۵۸۰ (انتقالی) - ۵۸۷، ۷۷۹.

- ۷۸۲-۷۹۳، ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۳۰.  
 حرکت ابدی / ازلی (ارسطو): ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۷۲، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۸-۴۵۱، ۴۷۰، ۴۸۹، ۴۸۹، ۵۷۵، ۵۷۹، ۵۸۲، ۷۹۹.  
 حرکت جوهری-دهری: ۱۹۴، ۲۴۲، ۲۶۳، ۳۴۶، ۳۷۲، ۴۸۲، ۴۹۷، ۵۸۰، ۶۸۰، ۷۸۸-۷۸۶، ۷۹۲-۸۰۰، ۸۰۳-۸۰۷.  
 حرکت طبیعی-قسری: ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۵۴، ۴۵۸، ۵۵۰.  
 حركة العضل (جالینوس): ۲۹۲.  
 حرکت گداری: ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۸۰-۵۸۳، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۰۷ (گردبادی)، ۸۰۷ (گردبادی).  
 حرکت ملکولی: ۲۵۷، ۷۹۱، ۷۹۷، ۸۰۶.  
 حرکت و سکون: ۲۵۰، ۲۵۲ (زمین)، ۲۷۴، ۳۲۲، ۳۴۶-۳۵۳، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۷، ۴۳۴، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۲۳، ۵۷۶-۵۸۰، ۸۰۷.  
 الحروف (ارسطو): ۱۰۴.  
 حُسن و قُبُح: ۵۷۷.  
 الحسن و اللذّة (افلاطون): ۱۰۳.  
 حفظ الصحّة (ابن ربّین): ۷۳.  
 حقّ و باطل: ۴۲۷، ۴۳۸، ۵۰۶، ۶۵۱.  
 حکایات الاطباء (ابن ابی اصیبعه): ۸۵.  
 حکمت: ۲۸۷ (= کیمیا)، ۴۳۴ (متعالیه)، ۵۹۳، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۴۷ (عقلی)، ۶۵۷ (پژوهی)، ۶۸۲ (کیمیا)، ۷۴۶، ۷۴۷ (عملی)، ۸۲۴ (یونانی). ← فلسفه.  
 حکمت اشراق (فهلوی)-نوری: ۲۵۷، ۳۰۴، ۴۰۲، ۴۳۳، ۵۱۴، ۵۲۶، ۷۹۵ (← اشراق).  
 حکمت الاهی: ۳۲۵، ۳۸۱، ۴۶۶، ۸۲۶ (← علم الاهی).  
 حکمت دهری (= زروانی): ۱۲۹، ۱۳۰، ۵۲۰، ۵۷۷، ۵۸۱، ۶۳۶، ۶۵۴، ۸۱۲ (← زروان‌گرایی).  
 حکمت طبیعی: ۱۵۹، ۱۹۳، ۲۸۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۷۷، ۳۸۹، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۶۶، ۵۳۳، ۶۳۶، ۶۵۴، ۸۰۵، ۸۱۰-۸۱۲ (← طبیعیات).  
 حکمة المشرقین (ابن سینا): ۷۶۷.  
 حکمت مغانی: ۱۵۴، ۱۷۵-۱۷۹، ۲۴۷، ۴۳۹.  
 حکومت حکیم: ۶۹۱، ۶۹۳-۶۹۶، ۶۹۹، ۷۰۰ (← الهی)، ۷۱۵، ۷۱۸ (← ها)، ۷۱۹، ۷۲۹، ۸۱۵، ۸۱۶.  
 حلّ شکوک الرازی علی کتب جالینوس: ۱۶۷.  
 الحلول، کتاب (ابن عدی): ۱۰۵.  
 حلول و تناسخ: ۱۰۵ (← تجسد)، ۵۶۵-۵۷۲، ۷۹۴.  
 حیات: ۲۱۲، ۸۲۹ (مکرّر آمده).  
 حیّز طبیعی: ۴۹۹ (← مکان طبیعی).  
 حین: ۵۸۰، ← آن / آنات.  
 الحيوان (ارسطو): ۱۰۴، ۷۱۴.  
 الحيوان (جاحظ): ۴۷۸.
- خ**  
 خاصّه و عامّه (← شیعی، سنی): ۶۳۹.  
 خساک (← عنصر): ۳۲۸، ۴۰۷، ۴۱۱، ۵۲۷، ۵۲۹-۵۳۱، ۵۳۳ (زمین)، ۵۳۴، ۵۸۵، ۷۸۱.  
 خبر (← تعریف و اقسام): ۱۶۸، ۱۶۹، ۶۶۱.  
 خدا- (+): ۲۵۸ (شناسی)، ۳۵۸ (پنداری)، ۳۶۰، ۶۸۳ (سازی، ← تشبیه)، ۷۱۱ (سازی)، ۷۹۳ (پنداری).  
 خدای برین در ایران باستان (ویدنگرن): ۴۹۳.  
 خداینامه (پهلوی): ۲۷.  
 خدمات متقابل اسلام و ایران (مطهری): ۶۸۸.

- خِرَد (← عقل): ۲۱۳، ۵۲۴ (مینوی)، ۵۴۵-۵۴۹، ۵۵۶-۵۵۹، ۵۶۶، ۵۷۱، ۵۷۸ (جاویدان)، ۵۸۷، ۶۰۶ (جـاودان)، ۶۰۶-۶۱۱، ۶۱۴-۶۱۷، ۶۲۲ (ودانایی)، ۶۳۹، ۶۷۶، ۶۸۶ (+ ستیزی)، ۷۱۹، ۷۴۲، ۷۴۶، ۷۹۸، ۷۹۹.
- خِرَدشهر (رازی): ۶۸۹، ۶۹۲، ۷۲۹ (= مدینه عاقله)، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۳۶، ۸۱۵، ۸۱۶.
- خِرَدگرایی (← عقلیت): ۱۳، ۱۳۷، ۱۶۹، ۲۵۷-۲۶۰، ۲۶۳، ۵۵۹، ۵۶۰، ۶۱۱-۶۰۶، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۴۷، ۶۵۵، ۶۵۷، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۲۲، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۵۴، ۷۶۱، ۷۶۲، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۶.
- خردنامه (رازی): ۶۰۸.
- خرده اوستا (آذرباد): ۳۰۹.
- خسروانی (← حکمت اشراق): ۴۰۲.
- خشتور (= فلزات): ۳۳۳.
- خشتریته (= شهریاری): ۴۹۳، ۶۹۷ (+ وئیره: آرمانی)، ۷۰۵ ← ایرانشهری.
- خط اعتدال - و زوال: ۲۱.
- خلاء (← تهیگی): ۱۶۱، ۱۸۹، ۲۰۷، ۳۰۰-۳۰۴، ۳۱۳، ۳۱۷-۳۲۰، ۳۲۰ (جوهر)، ۳۳۵-۳۴۶، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۶-۳۷۱، ۳۹۸، ۴۰۵-۴۱۹، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۴۵ (و ملاء)، ۴۴۷، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۳ (و ملاء)، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۱۰، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۶-۵۲۹، ۵۳۲-۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۷، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۴، ۷۸۰-۷۹۳، ۷۹۶-۷۹۹، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۲۰.
- خلافت: ۶۰، ۶۲-۶۴، ۹۲، ۶۱۱، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۵۰، ۶۵۴، ۶۷۱، ۶۷۸، ۶۸۶، ۷۰۰-۷۰۸، ۷۱۱، ۷۱۹-۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۵، ۸۱۰.
- ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۲۵.
- خلق / صنع (← ابداع): ۱۵، ۱۹۵، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۴۷، ۴۵۴-۴۵۶، ۴۶۰-۴۶۲، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۷۵، ۶۱۳، ۶۵۸، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۸۶، ۷۸۹، ۷۹۳، ۷۹۶، ۸۰۲، ۸۱۲، ۸۱۳.
- خمسۀ متحیره (← اباختران): ۳۳۱.
- خمیر (← ماتک / مایه / ماده): ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۸.
- خون (= خلاء): ۳۳۸.
- خواست (= مشیت) ← اختیار / اراده.
- خواستوانیفت (= اعترافات) مانوی: ۴۹۶.
- خواص اشیاء: ۶۷۲، ۷۲۷.
- خواص الاشیاء (رازی): ۲۸۸-۲۹۰، ۲۹۵، ۸۲۰.
- خواص التلامیذ (رازی): ۹۸.
- خواص و عوام: ۶۳۷-۶۵۶، ۶۵۸، ۷۳۶، ۷۷۱، ۸۱۱.
- خوان الاخوان (ناصر خسرو): ۶۳۱.
- خود آگاهی (= اخویک داناکیه): ۵۱۷، ۷۴۵.
- خودانگیزش: ۴۵۸، ۵۲۱، ۶۱۳، ۶۱۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۸۰۸، ۸۱۱.
- خودجنبایی: ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۷۱.
- خورا (= خلاء): ۳۳۸.
- خورشیدسواران (= مجموعه): ۱۳۱.
- خورشید مرکزی: ۳۲۸.
- خَوْرَنَه (خرّه) ← قَرَّة ایزدی.
- خوشباشی (هدونیزم) ← لذت گرایی.
- خیر محض: ۲۶۰، ۴۱۲، ۴۳۶، ۴۴۰، ۵۱۰، ۵۱۷، ۵۹۶ (اول).
- خیر و شر: ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۲۳، ۴۰۰، ۴۱۲، ۴۳۱-۴۳۳، ۴۳۶، ۴۳۸-۴۴۰.

- دروخش (= أمّ الخبائث): ۵۴۷.  
 دکتر طبّ (چاسر): ۱۲۰.  
 دگرسانی / گشتار (روانی): ۵۷۰.  
 دلالة الحائرين (ابن میمون): ۱۶۶، ۴۴۵.  
 دمی اورگوس (= ملانک): ۶۳۸.  
 دوئین (همستار): ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۶۵، ۴۳۲.  
 ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۸۲، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۱۵.  
 ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۲۸، ۸۲۹. (← دو گوهر، دو همزاد).  
 دورانکی (= همیوسته) بابلی: ۵۸۵.  
 دوگانه‌گرایی (= ← ننویت): ۱۷۶، ۲۰۴، ۲۰۹-۲۱۱، ۲۲۳، ۲۶۰، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۲۵، ۴۳۱-۴۴۶، ۴۹۱، ۴۹۵، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۲۸، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۸۴، ۷۹۹، ۸۲۸.  
 دو گوهر (← دوئین): ۴۹۰، ۵۰۶، ۵۱۲-۵۰۹، ۵۳۲. (← دو همزاد).  
 دولت: ۶۱، ۶۳ (دولة العجم - دولة العرب).  
 دو همزاد: ۴۴۳، ۵۰۶-۵۱۶، ۵۱۹، ۵۳۸، ۵۵۱، ۵۵۶، ۷۹۸، ۸۰۲. (← دوئین، دو گوهر).  
 دهر: ۲۰۵، ۳۴۰، ۳۵۲، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۳-۴۱۶، ۴۱۹-۴۲۲، ۴۲۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۶-۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶-۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۱-۵۰۵، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۳، ۵۵۳، ۵۷۳، ۵۷۹، ۶۱۷، ۷۸۲-۷۸۸، ۷۹۷-۸۰۳.  
 دیادوخی: ۷۰۷.  
 دیالکتیک + ی (← جدل - جدلی): ۳۳۴، ۳۶۰ (طبیعت)، ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۱۱ (طبیعی)، ۴۴۲-۴۴۵ (طبیعی)، ۴۵۶، ۴۶۲ (طبیعی)، ۴۸۳، ۵۷۸ (طبیعت)، ۷۹۳ (طبیعی) - ۷۹۴، ۷۹۶ (طبیعت)، ۸۰۷، ۸۲۹.  
 ۴۴۳-۴۴۴، ۴۹۰، ۴۹۳، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۵۱-۵۵۳، ۵۷۶، ۵۶۲-۵۶۴، ۶۰۵، ۶۱۶، ۶۴۴، ۶۵۱، ۶۶۷، ۶۸۷، ۷۳۸، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۸۵، ۸۱۴، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸۲۹.  
 داتستان (= قانون): ۴۹۷.  
 داروشناسی: ۲۹۳، ۲۹۴.  
 دامدات نسک (اوستایی): ۱۷۷، ۱۹۸، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۴۵ (مغانی)، ۴۲۶، ۵۳۱، ۷۹۷، ۷۹۸، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۲۹.  
 الدامغ (ابن راوندی): ۶۴۷.  
 دایدای اهورا (اوستایی): ۳۸۱.  
 دائرة البروج: ۲۶، ۵۲۴-۵۲۶.  
 الدراسة التحليليه (محقق): ۱۳۱.  
 درایت (← علم): ۱۶۹.  
 درباره آسمان (ارسطو): ۳۶۷، ۵۷۴.  
 در باب اخلاق نفس (جالینوس): ۷۳۹.  
 درباره زمان (اسکندر افرویدی): ۴۷۲.  
 درباره شناخت آدمی عیبهای خود / فیما... (جالینوس): ۵۶۴.  
 درباره طبیعت (آناکسیمس / ملطیان): ۱۸۲، ۵۲۹.  
 درباره فلسفه (ارسطو): ۱۷۷، ۵۰۸.  
 درمان هوئی و خطای نفس (جالینوس): ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۶۴، ۷۴۴، ۷۵۷.  
 درگو (درنگ) خوداته (خدای) ← زروان کرانک: ۴۸۸، ۴۹۴-۴۹۶، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲-۵۲۶، ۵۸۴، ۷۹۸-۸۰۱.  
 درنگی / دیرنگ / درنگش: ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۵۰۳، ۷۸۷. (← درگو).



- دیالک تیک (ارسطو): ۴۳۶.  
 دیالک تیک طبیعت (انگلس): ۳۷۷.  
 دیالک تیک طبیعت (رازی): ۱۵۵.  
 دیر / Dēr (نامخدا): ۵۵۳.  
 دیرنگ (پهلوی) = درگو / درنگ.  
 دیرینگی = قدم / قدمت.  
 دیکه (= ارتد / عدل) یونانی: ۵۳۰، ۵۸۴.  
 دینا / دین / دیانت: ۱۱، ۱۲، ۱۴ (باوری)، ۶۵.  
 (خواص و عوام)، ۲۰۶ (فلاسفه)، ۲۳۱ (حنیف)،  
 ۲۳۵، ۲۳۹ (الله)، ۳۸۷ (گرای)، ۳۸۸، ۴۰۶،  
 ۴۰۷ (فلسفی)، ۵۲۰، ۵۷۷ (فلاسفه)،  
 ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۲۰-۶۲۷، ۶۴۲ (شناسی سنجشی)،  
 ۷۴۶.  
 دین ستیزی / گریزی (سکولاریزم): ۸، ۱۳، ۱۴،  
 ۶۰، ۹۳، ۱۳۱، ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۵۹، ۶۴۶-۶۴۹،  
 ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۰-۶۶۵،  
 ۶۶۹-۶۷۱، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۸۵، ۶۸۷، ۷۰۸،  
 ۷۱۶، ۸۱۲، ۸۱۳.  
 دین العجائر (= دین بیرزمان): ۶۴۵، ۶۵۴.  
 دینکرد (پهلوی): ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۶۷، ۳۰۹، ۳۳۲،  
 ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۳، ۳۹۲، ۴۳۷، ۴۹۱،  
 ۴۹۴-۴۹۷، ۵۱۲، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۶،  
 ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۸۴، ۶۱۲، ۶۱۳،  
 ۷۹۷-۸۰۱، ۸۰۴.  
 دین ملی ایران: ۲۰۸.  
 دین و دولت: ۷۰۰، ۷۰۴-۷۰۸، ۷۱۲، ۷۲۲ (←  
 اتحاد دین و دولت).  
 الدین و الدولة (ابن ربین): ۷۳.  
 دین و فلسفه: ۸۲، ۱۰۹، ۱۷۵، ۱۹۷، ۲۱۲، ۲۳۸،  
 ۲۴۰، ۲۵۸، ۴۱۳، ۴۳۲، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۸۹،  
 ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۲۰-۶۵۶، ۶۶۴، ۶۸۵،  
 ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۶، ۷۱۰، ۷۱۶، ۷۶۲.
- ۸۱۲-۸۱۴، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۶ (← اتحاد دین  
 و فلسفه).  
 دین نیش (← چیتا): ۶۲۲.  
 دیوان الاصول (ابورشید): ۸۱۸.  
 دیوان (ان) و فرشته: ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۳۹، ۵۴۵-۵۴۸،  
 ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۸۸، ۶۰۶، ۶۳۸، ۶۵۸،  
 ۶۶۸، ۶۷۲ (پریان)-۶۷۷، ۷۶۷، ۷۸۶.  
 دیوان رسائل (ابن الجراح): ۵۴.  
 دیویستا (= شیطان پرستی): ۴۷۷، ۵۱۲.
- ذ**  
 ذات و صفات: ۴۵۵.  
 ذرات (← جزوها / اجزاء لایتجزی، تخمه‌ها):  
 ۱۸۴، ۴۰۹، ۴۳۶، ۴۶۲، ۴۸۲، ۵۸۶، ۶۱۷،  
 ۷۸۰، ۷۸۵، ۷۸۸-۷۹۴، ۷۹۸ (هیولی)، ۸۰۲،  
 ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹.  
 ذره‌گرایی (= اتمیسم): ۱۲۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۷،  
 ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲-۱۹۴، ۱۹۸،  
 ۲۰۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۸،  
 ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۰۰-۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۹،  
 ۳۳۴-۳۴۲، ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۴، ۳۶۶،  
 ۳۶۹، ۳۷۶، ۳۸۸، ۴۰۳، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۵۸،  
 ۴۶۳، ۴۷۱، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۶، ۵۷۴، ۶۱۷،  
 ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲-۷۹۴، ۷۹۷،  
 ۸۰۳-۸۰۶، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۹.  
 ذره‌گرایی در نزد مسلمانان (بینس): ۱۲۳.  
 ذمّ الهوی (ابن جوزی): ۷۴۳.
- ر**  
 رابطه عقلی و نقلی (اذکائی): ۵۵۹.  
 راز (= سرّ): ۵۸۸ (مانوی)، ۶۵۰ (خدا).  
 رازی فیلسوف (گائودفروی دموبینس): ۱۲۴.

- راهنمای پزشکی (ببر الساعه، منافع الاغذیه)  
رازی: ۷۶۱.
- رتبه الحكيم (مجريطی): ۲۸۳.
- رجال شيعي (برقی): ۹۰.
- رجعت: ۹۴- (قائم) ۹۵، ۲۱۱، ۶۱۷، ۷۹۴.
- الرجعة في الرد... (ابوحاتم رازی): ۹۴، ۹۵.
- رحمان و شيطان: ۴۳۲، ۴۳۳.
- ردّ بر احكام نجوم (رازی: ۸۱۸).
- ردّ بر تحريم مكاسب (رازی): ۷۲۴، ۸۱۸.
- الردّ على ابي القاسم البلخي (رازی): ۱۶۳، ۳۸۹.
- الردّ على اصناف النصارى (ابن رین): ۷۳.
- الردّ على الجاحظ في مناقضة الطبّ (رازی):  
۱۶۲، ۷۲۳.
- الردّ على جالينوس... (اسكندر افروديسی): ۴۵۱.
- الردّ على حسين التمار (رازی): ۲۹۷، ۷۴۲.
- الردّ على الرازي (ابن رضوان): ۱۶۶.
- الردّ على الرازي في العلم الالهی (فارابی): ۱۶۵، ۳۸۷.
- الردّ على السرخسی (رازی): ۱۶۲.
- الردّ على سيسن الثنوی (رازی): ۱۶۳، ۲۱۵.
- الردّ على شهيد البلخي (رازی): ۱۶۴.
- الردّ على الكندی (رازی): ۱۶۳.
- الردّ على محمد بن الليث (رازی): ۱۶۳.
- الردّ على المسمعی (رازی): ۱۶۳، ۴۱۲.
- الردّ على من اشتغل... (رازی): ۲۱۸.
- الردّ على المنطقيين (ابن تيمیه): ۶۳۴.
- الردّ على الناشئ في نقضه الطبّ (رازی): ۱۶۲، ۷۲۳.
- رسالة الى فاتك (رازی): ۵۷.
- الرسالة الجامعة (مجريطی): ۷۱۵.
- رسالة علمای اسلام (زروانی): ۴۹۲، ۵۱۳.
- رسالة في الأبنه (رازی): ۶۹، ۱۳۰.
- رسالة في أنّ طلوع الكواكب... (رازی): ۲۵۳.
- رسالة في أنّ قطر المريع... (رازی): ۲۵۵.
- رسالة في الخلاء (فارابی): ۹۷، ۳۴۳، ۳۷۰.
- رسالة كلداني (دموکريت): ۱۸۳.
- الرسالة الهادية الى الفهرست (رازی): ۱۱۲، ۱۱۹.
- رسائل (اخوان الصفا): ۷۵۳، ۸۲۳.
- رسائل (جابر بن حيان): ۸۲۰.
- رسائل فلسفيه (رازی): ۱۲۳، ۱۲۸، ۴۰۳، ۶۰۲، ۷۴۱، ۷۴۹.
- رشد و ذبول: ۳۵۵.
- رشف النصائح الايمانيه (سهروردي): ۲۰۵.
- رنج و شادی (= آلم و لذت): ۷۴۸-۷۵۵، ← لذت و الم.
- رنسانس (نوزایی): ۸ (اسلامي)، ۱۲ (مسيحي)، ۶۲ (اروپا)، ۶۵ (اسلامي)، ۲۳۶، ۲۵۷، ۲۷۷، ۸۲۶.
- الروابع (دندان): ۴۹.
- روان: (۷۴۶) ← روح.
- روانشناسی: ۵۷۰، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۴۸، ۸۱۴.
- روح (+): ۱۰۵ (القدس)، ۱۰۸-۱ (عقلي) - ۱۰۹، ۱۵۰، ۱۸۵ (گرایسی)، ۲۱۳ (حيات)، ۲۲۳ (حيات)، ۲۳۵ (علمی)، ۳۳۳ (حيات)، ۴۰۱ (زنده)، ۴۰۴، ۴۱۳، ۴۲۷ (عالم-كل)، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۷، ۵۱۴، ۵۲۵، ۵۳۸ (كـل)، ۵۳۹-۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۶، ۵۶۲-۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۶ (حيات)، ۵۸۷ (جهان)، ۵۸۸- (ها) - ۵۹۰، ۶۷۳ (الامين)، ۶۸۶، ۶۹۲، ۷۴۵، ۷۴۶ (الاهی)، ۷۴۷ (القدس)، ۷۸۴، ۷۹۸ (حيات)، ۷۹۹، ۸۰۴.

- روحا (ماندایی): ۵۴۶، -روحا حیا (= روح زنده): ۵۴۵
- روحانی: ۷۴۷-۷۴۴، ۷۲۲، ۷۰۶، ۷۰۵، ۲۶۶، ۷۶۱، ۷۶۰، ۷۵۳
- روح و ماده: ۷۸۵، ۶۰۵، ۵۴۷، ۴۹۵، ۴۴۵، ۴۳۹، ۸۱۴، ۷۹۴
- روش شناسی: ۱۳۳-۱۷۱، ۲۵۶، ۴۷۱
- روش کاربرد خرد (دکارت): ۵۵۸، ۲۶۲
- روشن (= نور): ۴۰۷، ۴۰۶
- روشنان (= ثوابت): ۵۵۲
- رؤیت ماه در آسمان (پورجوادی): ۵۸۸
- رهائشی (= حرکت): ۷۸۹
- رهبانیت: ۶۰۲
- ریداد ازلی: ۴۸۴
- ریاضی: ۲۵۱-۲۵۵، ۲۶۳، ۳۲۵، ۳۶۵، ۸۰۷
- ری باستان (کریمان): ۱۳۰، ۸۴، ۲۴
- ریگ ودا (هندی): ۵۱۸، ۴۹۴، ۴۸۶
- ز
- زات اسپرم (= گزیده‌ها - پهلوی): ۳۹۲، ۳۴۵
- ۵۴۶، ۵۲۳، ۸۰۰
- زاخار / زگار (= زحل): ۵۲۲
- زاد المسافرین (ناصرخسرو): ۶۸۰، ۶۳۱، ۱۶۶
- ۷۴۹
- زایش دوم (= تولدی دیگر): ۶۱۶
- زحل (= کیوان): ۵۸۵، ۵۲۶-۵۲۲، ۴۹۳، ۴۸۶، ۷۹۹، ۷۰۸
- زراتشت نامه (بهرام پزدو): ۳۸
- زروان (اکران - کرانک) + گرای: ۲۰۸، ۱۶۵، ۲۲
- ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۱ (داناکیه)، ۲۴۳، ۳۴۰، ۳۴۵
- ۳۸۸، ۳۹۳، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۴
- ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۳-۴۲۵، ۴۴۱، ۴۵۶
- ۴۶۴-۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۶، ۵۵۶، ۵۷۶، ۵۷۸
- ۵۸۴، ۶۱۳، ۶۱۶، ۶۱۷، ۷۸۷-۷۸۳
- ۷۹۷-۷۹۹، ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۲
- زمان: ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰ (و مکان) -
- ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۹۰ (و مکان)، ۱۹۵ (و مکان)،
- ۲۰۵ (بی کران)، ۲۰۷ (و فضا)، ۲۴۶، ۲۶۱
- (مطلق)، ۳۰۰ (مطلق)، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰
- ۳۴۳-۳۵۲، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۴
- (اتمی)، ۳۸۷-۳۸۹، ۳۹۳، ۳۹۴ (مطلق)، ۳۹۷
- ۳۹۸، ۴۰۰-۴۰۷، ۴۱۳-۴۲۴، ۴۴۱
- ۴۵۰-۴۵۲، ۴۵۶ (مطلق)، ۴۵۸-۴۶۱
- ۴۶۴-۴۷۱ (اتمی)، ۴۷۲-۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۲
- ۵۱۳، ۵۱۶-۵۲۳، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۴
- ۵۳۷، ۵۷۴-۵۸۴، ۶۱۴، ۶۱۶، ۷۷۹
- ۷۸۳-۷۸۹، ۷۹۶-۸۰۳ (← زروان)
- الزمرد (ابن راوندی): ۵۵۸، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۳، ۶۷۰
- زمینداری (= فتودالیم): ۴-۶، ۲۳۴، ۲۴۴
- زمین شناسی: ۲۸۸، ۲۹۶، ۷۹۴
- زمین مرکزی: ۲۵۳، ۴۹۹، ۷۹۱
- زندها (= تفسیرها): ۶۲۱
- زندقه: ۱۸۵، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۹، ۳۸۲، ۳۹۲، ۴۴۷
- ۴۶۴، ۴۷۶ (= تأویل)، ۴۷۷، ۶۱۰، ۶۳۳
- ۶۳۵، ۶۴۶، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۷۴، ۷۳۳
- ۷۳۴
- زندگی آگاهی (و) روحی: ۹
- زو / zu (نامخدای بابلی): ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۸
- الزینة، کتاب (ابوحاتم رازی): ۹۳، ۶۸۱
- زنوس: ۴۸۶

- سلطان / سلطنت: ۷۰۱-۷۰۵، ۷۰۸.
- سلیطه (= امیره شریه): ۵۴۷.
- السماء و العالم (ارسطو): ۷۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۹۱، ۲۵۲.
- سماع طبیعی (۲۸۸) ← سمع الکیان.
- سمع الکیان (ارسطو): ۲۰۰، ۲۷۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۶۲، ۴۵۱، ۴۵۲.
- سمع الکیان (رازی): ۱۰۳، ۱۵۹، ۱۹۶، ۳۲۲، ۳۴۸، ۳۶۰، ۶۰۴.
- سَنَدی (- مشاهده): ۱۶۸.
- سوداگری (= مرکاتلیسم): ۵۰۴.
- سوفسطیقا (ارسطو): ۱۰۳.
- سوفیسطس (المیدوروس): ۱۰۳.
- سوفیا / صوفیا (= حکمت): ۵۹۳.
- سوما / هوما: ۵۲۸.
- سیارات سبعة (- اپاختران): ۵۱۵، ۵۲۳-۵۲۵، ۷۷۱.
- السیاسة / سِرّ الاسرار (ارسطو): ۵۸۷، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۴۰، ۷۷۰.
- سیاست (افلاطون) ← قوانین / نوامیس.
- سیاست - سیاسی: ۱۶۵، ۱۸۳، ۶۵۶، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۱، ۶۸۳-۶۸۵، ۷۰۲-۷۰۵، ۷۰۸-۷۱۳، ۷۱۹-۷۲۵، ۷۲۸، ۷۳۰-۷۳۳، ۷۳۶، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۹، ۸۲۵، ۸۲۷.
- سیاست مدنی: ۲۶۰، ۳۹۶، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۴۴، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۶۵، ۶۸۹-۷۳۷، ۷۳۹، ۷۶۷، ۸۱۰-۸۱۶.
- سیاسة المملكة (ابن الجراح): ۵۴.
- سیاستنامه / سیر الملوک (ها): ۷۰۴، ۷۰۶.
- السیاسة و الامامة (ابن قتیبه): ۷۳۳.
- سیرنتیک: ۲۶۸.
- سیرت فلسفی (رازی): ۸۶، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۲.
- س**
- ساتورن (- زحل): ۵۲۲.
- ساختار گیتی: ۸۰۳-۸۰۹.
- سامخیه / سانکویه (هندی): ۳۹۹، ۵۶۴، ۵۶۹.
- سانسکریت: ۶۲۰.
- ساوتراتیکه (هندی): ۱۸۶.
- سبخت - چاریخت: ۴۹.
- سبکی و روشنی: ۵۲۷.
- سپنتمینو: ۴۳۴، ۵۰۶، ۵۸۷.
- سپهری (- فلک).
- سحریات: ۲۱۰، ۲۱۵.
- سِرّ الاسرار (ارسطو) ← السياسة.
- سِرّ الاسرار (رازی): ۹۸، ۱۲۲، ۲۸۷.
- سِرّ الطبّ (رازی): ۸۵.
- سمرمد (+) ی: ۳۵۲، ۴۲۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۴-۴۷۰، ۴۷۲-۴۷۸، ۴۷۹-۴۸۴، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۹، ۵۲۳، ۵۷۹، ۵۸۲-۵۸۴، ۷۸۲-۷۸۷، ۷۹۸، ۸۰۲.
- سِرّ مکتوم: ۵۸۸-۵۹۰.
- سروش (- فرشته): ۵۴۷.
- السعادة و الاسعاد (عامری): ۶۲۷، ۷۱۷، ۸۲۷.
- سغدی: ۱۷، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۹۵.
- سِفْر الاسرار (مانی): ۲۱۳، ۳۹۱، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۳۰، ۶۵۸، ۶۶۸، ۶۷۲.
- سفر الجابره (مانی): ۲۱۳، ۴۰۲، ۴۴۰، ۵۱۵. (- کوان).
- سفسطه (گری) ← سوفسطائیان.
- سفینه النجاة: ۵۸۸.
- سکون: ۱۵۶، ۲۵۳ (زمین)، ۳۴۶، ۳۴۹-۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۲۰، ۴۳۵ (و حرکت)، ۴۸۱، ۷۸۷، ۷۹۱، ۷۹۲، ۸۰۱ (- حرکت و سکون).
- سکینات (- ملاتکه): ۱۹۱.

- ۶۵۱-۶۵۴، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۵،  
۷۰۲، ۷۰۶، ۷۱۶-۷۲۲، ۷۲۵، ۷۶۸-۷۷۲،  
۸۱۲-۸۱۴، ۸۱۶، ۸۲۲-۸۲۶،  
شرایع الادیان (ابوزید بلخی): ۶۲۵، ۷۶.  
شطرنج و نرد: ۸۶.  
شعوبی (+ گری): ۵۰، ۶۳، ۶۴، ۶۲۳، ۶۵۷،  
۶۶۳، ۶۹۸، ۷۱۱، ۷۱۶، ۷۳۲.  
الشفاء (ابن سینا): ۲۶۵، ۴۵۰، ۵۲۰، ۵۶۰، ۷۶۵.  
شک / شکاکیت - شکوک: ۹، ۱۳، ۶۶، ۱۳۶-  
(اسلوی)، ۱۳۷، ۱۴۵ (رازی)، ۱۴۹-  
(دستوری)، ۱۵۶- (نقائض) ۱۵۷- (دستوری)-  
۱۵۸ (فلسفی)، ۱۶۵، ۲۴۵ (اسلوی)، ۲۶۲-  
(دستوری)، ۲۹۹ (رازی)، ۴۴۱، ۵۹۹، ۷۲۷،  
۸۱۴، ۷۲۸.  
شکسته بندی: ۲۹۳.  
شکند گمانیک و یزار (پهلوی): ۲۰۷، ۲۳۷، ۲۴۲،  
۲۶۷، ۳۴۴، ۴۳۸، ۴۷۷، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۶۱،  
۸۱۹.  
الشکوک علی ابرقلس (رازی): ۱۵۹، ۱۶۳،  
۳۵۰، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۵۰۲.  
الشکوک علی جالینوس (رازی): ۸۳، ۱۳۱،  
۱۵۶، ۱۵۹-۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۸، ۲۵۰،  
۲۵۴، ۲۷۵، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۶۲، ۵۹۷، ۷۴۹،  
۸۱۹.  
شکوک محمد زکریا (ابن سرخ): ۱۶۷.  
شاطو / شلیط (سلطان): ۴۴۲.  
الشمس: ۵۰۸؛ شمس الحکیم: ۷۴۶.  
شناخت شناسی ← معرفت شناسی.  
الشواهد (رازی): ۲۷۹، ۷۲۳.  
شهر زیبای افلاطون (مجتبائی): ۶۹۷.  
شهرستانهای ایران (پهلوی): ۲۰، ۳۹.  
شهریاری و فرمانداری ← ایرانشهری.
- ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۶۴، ۱۹۰، ۲۱۳، ۲۵۴،  
۳۸۵، ۴۱۲، ۴۱۴، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۹۴،  
۶۰۱-۶۰۵، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۴۹،  
۷۵۵، ۷۵۸، ۷۵۵.  
سیر الخلفاء (رازی): ۷۰۶، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۳۲.  
سیر سهمی السعادة (بیرونی): ۷۶۰.  
سیمرغ: ۲۶، ۴۴۱.  
سن (= شاهین) اوستایی: ۴۴۱.  
سین (ایزد ماه) آشوری: ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳.  
سینائی (- مکتب): ۴۴۲.
- ش**
- شاپورگان (مانی): ۴۳۰، ۵۴۸، ۶۶۸.  
شاهنامه (فردوسی): ۶۵، ۴۸۹.  
شاهی آرمانی ← ایرانشهری.  
شرح الاشارات (طوسی): ۴۰۳، ۴۳۶.  
شرح حال و مقام طبّی رازی (نجم آبادی): ۱۲۸.  
شرح القیسات (علوی): ۴۵۹.  
الشرح لما فی کتاب طیماوس (جالینوس): ۱۹۱،  
۲۷۲.  
شرح منظومه (سزواری): ۵۷۳.  
شرح المواقف (جرجانی): ۵۵۱.  
شرح النهج (ابن ابی الحدید): ۵۵۱.  
شرف الصناعة (رازی): ۷۲۳، ۷۶۸.  
شَرّ / شرور: ۲۱۰، ۴۲۹-۴۳۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۰،  
۴۴۱، ۵۱۷ (محض)، ۵۲۰، ۵۶۱- (نفسانی)-  
۵۶۵، ۷۹۹، ۸۰۰. (← خیر و شرّ).  
شروط النظر (رازی): ۱۴۹.  
شریعت / شرایع: ۱۱، ۱۳، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۷۵، ۷۶،  
۸۰، ۹۵، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۲۳۴، ۲۳۷، ۳۶۲،  
۳۹۶، ۳۹۶، ۴۴۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۳،  
۶۲۵-۶۲۸، ۶۳۳-۶۳۷، ۶۴۰-۶۴۲، ۶۴۹.

شہوت (= ← آرزوگ، آرز) - شہوات - شہوانی:  
 ۵۱۶، ۵۲۹-۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۹، ۵۶۷، ۵۶۸،  
 ۵۷۰، ۶۷۷، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۷۳،  
 ۷۷۴.  
 شہود: ۸۵ (- وحی)، ۶۰۹ (- علم)، ۸۱۱ (-  
 وحی)، ۸۲۵.  
 شیطان پرستی ← دیویسنا.  
 شیمی (- علم) - شیمیایی: ۸۲، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۰،  
 ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۵، ۲۰۲، ۲۵۷، ۲۶۱،  
 ۲۷۸-۲۸۷، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۴۲، ۳۵۸، ۷۹۱،  
 ۷۹۳، ۷۸۱-۸۰۴، ۸۰۸-۸۱۰.  
 شیوا (ہندی): ۱۸۵.

ض  
 ضدین (= همستاران): ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۷،  
 ۱۹۴، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۷۳،  
 ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۸ (ثنوی)، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۱۱،  
 ۴۱۶، ۴۲۳-۴۳۵، ۴۴۲-۴۴۶، ۴۷۵، ۴۷۶،  
 ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۰۶-۵۰۹، ۵۱۵، ۵۳۲،  
 ۵۳۳، ۵۳۸، ۵۴۵-۵۴۸، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۴،  
 ۷۸۰، ۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۸، ۷۹۲، ۸۰۷، ۸۲۸،  
 ۸۲۹.  
 ضرورت (و تصادف): ۱۵۳، ۳۷۵، ۵۲۱، ۵۴۰،  
 ۷۶۸، ۷۷۹، ۸۲۲.  
 ضیافت (افلاطون): ۷۵۵.

ط  
 طاسین الازل: ۴۴۱.  
 طبابت مارستانی: ۸۴، ۸۵.  
 طباع تام: ۱۸۴، ۲۳۱، ۵۳۵، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۲،  
 ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۹۲، ۷۴۶، ۷۸۱، ۷۸۵.  
 طبایع اربع: ۱۳۹، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۶۶، ۲۷۴،  
 ۲۸۰، ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۶۷، ۳۹۶،  
 ۴۳۹، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۷۴۶.

ص  
 صابیان و صایگری (خولسون): ۲۱۸.  
 صانع ← صنع و ابداع.  
 صدور و فیض: ۲۶۵، ۳۹۸، ۴۴۸، ۴۵۸، ۴۶۳،  
 ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۰۹، ۵۱۹،  
 ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۷۹، ۷۸۴ (ایجابی)، ۷۸۹، ۸۰۰،  
 ۸۰۲، ۸۳۰.  
 صراط (- پل چینود): ۲۶، ۵۱۹.  
 الصفوة و النور (برقی): ۹۱.  
 صناعات: ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۶۸، ۸۱۵.  
 صناعت (کیمیا): ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۷.  
 الصناعة الطیبة (جالینوس): ۴۵۲.  
 صنع (- ابداع، ← خلق): ۱۳۱، ۱۶۵، ۱۸۳، ۱۹۱،  
 (الاهی)، ۱۹۴، ۲۰۹، ۲۴۳ (صانع)، ۳۸۸، ۳۹۸،  
 ۴۰۸، ۴۵۵ (= صورت)، ۴۵۶، ۴۶۲ (مدام)،  
 ۵۲۲، ۸۲۱.  
 الصواعق المرسله (ابن قیم الجوزیه): ۶۵۸.  
 صوان الحکمه (ابوسلیمان): ۷۱۷.  
 صورت (و ماده): ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۷۱، ۳۱۲، ۴۰۹.

- ۸۰۴، ۷۴۸  
 طبّ اسلامی (براون): ۱۲۱.  
 طبّ بقراطی: ۳۲۷.  
 طبّ جسمانی (= تن پزشکی): ۲۹۲.  
 طبّ روحانی (= روان پزشکی): ۱۰۸، ۹۷، ۶۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۶۴، ۱۶۶، ۲۱۳، ۲۳۹، ۲۸۴، ۲۹۷، ۳۸۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۷، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۲۸، ۷۴۰-۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۵، ۸۱۴.  
 الطبّ الروحانی (ابن جوزی): ۷۴۳.  
 الطبّ الروحانی (رازی): ۹۴، ۵۶، ۴۵، ۱۲۲، ۱۳۱، ۳۸۴، ۴۲۸، ۴۲۲، ۵۴۲، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۰، ۶۰۲، ۶۶۳، ۶۷۷، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۷۲، ۸۱۵، ۸۲۵.  
 الطبّ الروحانی (کندی): ۷۴۲.  
 طبع (= چهره): ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۸۲، ۵۰۳، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۴۶، ۵۷۵، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۷، ۷۸۰، ۷۸۹-۷۸۶، ۸۰۲.  
 طبقات الاطباء (ابن ابی اصیبعه): ۱۱۹.  
 طبقات الامم (قاضی صاعد): ۱۶۶، ۲۳۱.  
 الطبّ الملوكی (رازی): ۵۷، ۱۲۰، ۲۷۷، ۷۶۱-  
 طبّ الفقراء).  
 الطبّ المنصوری (رازی): ۴۵، ۵۶، ۶۹، ۷۱، ۱۲۰، ۱۶۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۳، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۴۱.  
 طبّ و طبیعت: ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۴۷، ۲۷۱-۲۷۷، ۲۸۸، ۷۲۳، ۷۹۴، ۸۱۰.  
 طبّ و فلسفه: ۱۰۰، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰ (- منطق)، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۲۵۱ (- نجوم)، ۵۹۵-۵۹۷.  
 طبیب الاهی: ۷۴۶-۷۴۷.  
 طبیعت - طبیعی: ۱۷۸ (غالب)، ۱۹۸، ۲۰۰ (انسان)، ۲۷۲، ۲۷۴-۲۷۷، ۲۸۴-۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۸ (انسان)، ۳۵۷، ۳۵۹-۳۶۸ (- قانون)، ۳۷۵ (- ثانی)، ۳۷۷، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۴۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۹۹، ۵۱۶، ۵۲۱، ۵۴۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۹۹، ۶۱۳، ۶۱۸، ۶۲۷، ۷۵۰-۷۵۲، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۸۰، ۷۹۲-۷۹۴، ۸۰۰، ۸۰۳-۸۰۸، ۸۲۲، ۸۳۰.  
 طبیعت (+) پژوهی - شناسی - گرای: ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۲، ۱۹۳، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۲، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۱۴، ۳۲۱ (- آراء)، ۳۳۴، ۳۴۶ (- مسائل)، ۳۵۲، ۳۷۱، ۵۳۱، ۵۸۶، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۷، ۷۵۵، ۷۸۹.  
 طبیعیات: ۱۰۳، ۱۴۵ (ارسطو)، ۱۴۷ (رازی)، ۱۵۹، ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۷۱، ۲۸۸، ۳۵۵، ۳۵۸، ۵۳۱، ۷۱۴، ۸۰۳.  
 الطبیعه (- فیزیک) ارسطو: ۸۸، ۱۰۷، ۲۶۷، ۸۱۸.  
 ظفره و مرّه: ۳۵۵، ۳۶۴، ۳۷۶.  
 طفّ طف (= تپش): ۴۸۳، ۵۰۲، ۵۰۳.  
 طلسمات: ۲۶۶.  
 طواسین: (حلاج): ۵۱۵.  
 طویبت (یهودی): ۲۲.  
 طویبقا (ارسطو): ۱۰۳.  
 طیف عنصری: ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۵۸، ۷۸۲، ۷۹۱، ۸۰۶.  
 طیماووس (افلاطون) - تیمائوس.  
 طینت (= گل / خاک): ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۴۵ (= هیولی)، ۴۵۵، ۵۷۸، ۷۹۶.  
 الطین المتنقل (رازی): ۸۹، ۲۹۶.  
**ظ**  
 ظلمت ازلی: ۴۶۵، - نور و ظلمت.  
 ظهور: ۴۸ (قائم)، ۵۳ (مهدی)، ۶۰ (موعود)، ۶۱

۶۷۷، ۷۴۲، ۷۷۲، ۷۷۳.  
 عصمت: ۶۶۱، ۷۰۵، ۷۰۹- (الاهی)- ۷۱۰.  
 ۷۳۴-۷۳۶.  
 عصمة الانبياء (ابوزید بلخی): ۷۶، ۶۲۵.  
 عطارد (دبیر فلک): ۲۳۱، ۵۲۴.  
 عقاقیر (= مواد شیمیایی): ۱۴۷، ۱۷۸، ۲۸۱، ۲۹۳،  
 ۲۹۴.  
 عقل (+ گرای) - عقلیت: ۱۳، ۱۴، ۹۴ (اول)،  
 ۱۲۴، ۱۳۷ (عملی)، ۱۴۹- (استدلالی)- ۱۵۰،  
 ۱۶۵، ۱۸۱ (کلی)، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۳۶،  
 ۲۳۸ (کلی)، ۲۵۸-۲۶۳، ۳۰۲، ۳۳۴ (- گوهر)،  
 ۳۸۸، ۳۹۵ (اول)، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۰۵ (تام)، ۴۰۷،  
 ۴۲۵ (و نفس)، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۶ (و  
 نفس)، ۴۷۳، ۴۸۱، ۴۸۲، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۲۴،  
 ۵۳۸-۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۶، ۵۸۷،  
 ۶۰۰، ۶۰۴-۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳،  
 ۶۲۶-۶۲۸، ۶۳۲-۶۳۵، ۶۴۷-۶۵۵،  
 ۶۵۸-۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۵-۶۹۱، ۶۹۵،  
 ۷۰۱-۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۲،  
 ۷۲۵-۷۳۲، ۷۴۲، ۷۴۶ (و نفس)، ۷۴۷ (کلی)،  
 ۷۵۲، ۷۶۳، ۷۶۹-۷۷۱، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۹،  
 ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۹۴-۸۰۰، ۸۱۱-۸۱۶،  
 ۸۲۳-۸۲۸.  
 عقول (+): ۱۴۵ (مجرده)، ۴۴۸ (عشره)، ۴۵۹،  
 ۵۶۰- (و نفوس فلکی)- ۵۶۱، ۶۰۷ (عشره)،  
 ۶۱۱ (عشره)، ۶۷۸- (عشره)- ۶۷۹، ۷۱۱  
 (عشره)، ۷۳۵ (عشره).  
 عقل و وحی در اسلام (آزبری): ۶۱۱، ۸۱۳.  
 عقلی (-): ۵- (علوم)- ۶، ۹۵، ۱۳۵ (= تعقلی)،  
 ۱۴۶ (اسلوب)، ۱۶۶ (= تعقلی)، ۲۳۵،  
 ۶۳۶-۶۴۲، ۶۴۵، ۶۴۷، ۷۳۵-۷۳۷.  
 علائم ظهور: ۶۰، ۹۲ (- ظهور).

(مهدی)، ۹۲، ۹۵ (- مهدی).  
 ظهور و کمون (۲۴۱) - کمون و ظهور.

## ع

عادت (عامه) - اعتیاد: ۶۴، ۶۴۹-۶۵۱، ۶۶۵،  
 ۶۸۷، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۶۸-۷۷۰.  
 عالم (...): ۴۰۷، ۶۵۶ (غیب).  
 عالمین اکبر و اصغر (= جهان مهین و کهن): ۱۷۷،  
 ۱۸۳، ۲۴۹، ۲۷۳، ۲۸۰، ۳۲۶، ۳۲۸، ۴۳۸،  
 ۴۹۷، ۵۱۳، ۵۱۵-۵۱۸، ۵۲۷، ۵۶۱، ۵۶۲،  
 ۶۸۱، ۷۱۱، ۸۰۱، ۸۰۵.  
 العبارة (ارسطو): ۴۴۰.  
 عجایب (mirabilia) نامه‌ها: ۲۹۰، ۲۹۱.  
 العجائب الطبيعية (بیرونی): ۲۹۰.  
 عدل / عدالت: ۵۲۹، ۵۴۶، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۸۴،  
 ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۹۰، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۹، ۷۰۱،  
 ۷۲۹، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۸، ۷۷۵، ۷۹۶.  
 عدم: ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۳۴-۴۴۰، ۴۴۴،  
 ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۷،  
 ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۳-۴۸۵، ۵۰۰، ۵۲۰،  
 ۵۷۳ (و وجود)، ۵۷۶ (\*)، ۵۷۷، ۷۸۱، ۷۸۲،  
 ۷۸۶، ۷۸۹، ۸۰۲.  
 عدم تناقض: ۴۱۵، ۴۳۵ (- تناقض).  
 عدم تناهی و جزء لایتجزی (ابن عدی): ۱۰۷.  
 عراض - أعراض.  
 عرفان (+ گرای) - عرفانی: ۲۰۵، ۲۰۶-۲۱۱ (-  
 نظام)، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۶۷، ۲۹۲، ۳۹۴،  
 ۴۹۶، ۵۱۲ (سیاه)، ۵۱۴ (نظری)، ۵۳۶، ۵۴۶  
 (سیاه)، ۵۵۳، ۵۷۲، ۵۷۷- (سیاه و سفید)-  
 ۵۷۸، ۵۸۸، ۵۹۳، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۳۰،  
 ۶۵۳، ۶۹۱ (سیاه)، ۷۴۶، ۸۲۲ (نظری).  
 عشق: ۵۴۸، ۵۵۰-۵۵۵، ۵۸۸، ۶۴۵، ۶۵۴.



- علت (...) - علل: ۲۸۹، ۲۹۰، ۴۵۰ - (اربعه)،  
۵۲۰ - (#) - ۵۲۱، ۷۶۹.
- اتفاقی: ۶۱۷، ۶۱۳، ۴۵۸.
- اولی: ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۱، ۳۹۵، ۴۸۷، ۶۴۳.
- ایجابی: ۴۲۹، ۴۸۵، ۵۰۹، ۵۴۱.
- صدور: ۴۸۵، ۴۹۰.
- غائی: ۱۴۵، ۱۹۶، ۲۶۳، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۲۶،  
۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۵، ۴۵۷، ۵۲۱، ۵۲۲.
- ۵۷۷، ۶۱۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۳، ۸۰۸، ۸۱۱،  
۸۲۱، ۸۳۰.
- محدثه: ۴۵۷، ۴۵۸، ۷۸۸.
- علیت: ۳۴۷، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۴۲۹، ۴۸۱.
- علت جذب حجر المغنیطیس (رازی): ۳۴۴.
- علل المعادن (رازی): ۲۹۵.
- علم (+ی) و: ۱۸۱، ۲۳۵ (و جهل)، ۲۴۰ (میزان)،  
۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۸۸ (اشیاء)، ۵۱۷ (بالاراده)،  
۵۷۷، ۵۷۸، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۶ (و معرفت)،  
۶۱۶ (#)، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۳۷ (و حکمت)، ۶۴۴  
(و فلسفه)، ۶۵۲، ۷۱۹ (مدنی)، ۷۳۵ (و عقل)،  
۷۳۸ - (اخلاق) - ۷۳۹، ۸۲۳ (و دین).
- علم اثباتی: ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۲۸۴، ۴۵۶،  
۷۹۹.
- علم الاهی: ۸۱، ۱۰۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۹، ۲۰۴،  
۲۳۹، ۲۵۶، ۳۸۱، ۳۸۵ - ۳۸۸، ۴۰۳، ۴۲۸،  
۵۱۰، ۵۳۶ - (الاهیات).
- العلم الالهی (رازی): ۹۶، ۹۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۸۴،  
۱۸۸ - ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۸۲،  
۳۳۰، ۳۳۹، ۳۴۴، ۳۸۴ - ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۰،  
۴۰۲، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۰،  
۴۳۱، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۷۰،  
۵۲۵، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱،  
۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۵۲.
- ۶۶۳، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۸۹، ۷۲۷، ۸۰۰،  
۸۲۵، ۸۱۵.
- علم تجربی: ۱۳۵، ۱۴۶، ۲۶۱ - ۲۶۲، ۲۸۶ - (←  
تجربه - تجربی).
- علم جدید: ۱۴۶، ۲۶۳، ۲۸۰.
- علم حصولی: ۸۵ - (شهودی)، ۲۵۶ - (دستوری)،  
علم الروح (ارانی): ۵۴۴.
- علم طبیعی: ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۴۱، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۸۰،  
۳۱۴، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۸۵،  
۳۹۲، ۵۸۶، ۷۸۹ - (طبیعیات).
- علمیت (علم‌گرایی): ۱۱۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۶۲.
- علم و تمدن در اسلام (دکتر نصر): ۱۳۰.
- علوم (...): ۶۵۲.
- حکمی: ۶۲۶، ۶۲۷.
- خفیه / غریبه: ۱۴۷، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۱۰، ۲۷۸،  
۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷.
- طبیعی (← علم طبیعی): ۲۷۹، ۲۸۸ - ۲۹۹.
- عقلی / فلسفی: ۳۸۱، ۶۳۳.
- عمر حیات (ذکاوتی): ۶۱۷.
- عناصر (اربعه - خمسه): ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۱۳،  
۲۶۵، ۲۷۲ - ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۳۰۱، ۳۰۷،  
۳۰۹، ۳۱۴ - ۳۱۸، ۳۲۶ - ۳۳۵، ۳۵۳، ۳۵۶،  
۳۵۸، ۳۶۶ - ۳۶۸، ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۱،  
۴۰۴ - ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۲۹، ۴۳۵، ۴۹۳، ۴۹۹،  
۵۲۳ - ۵۲۷، ۵۳۰ - ۵۳۵، ۵۵۲، ۵۶۶،  
۵۸۴ - ۵۹۰، ۶۱۷، ۶۸۲، ۷۴۶، ۷۸۲ - ۷۸۰،  
۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۵، ۸۰۰، ۸۰۴ - ۸۰۶،  
۸۰۹، ۸۲۲.
- عناصر میان‌رودانی (ویدنگرن): ۵۰۸، ۵۵۲.
- عنایت الاهی: ۵۵۱، ۵۶۷، ۷۱۰ - (← لطف الاهی).
- عوام (مردم) ← خواص و عوام.
- عهد عتیق (تورات): ۲۲۰.

- العهد اليونانيه (ابن يوسف): ۶۹۸.  
عید قربان: ۲۲۴.  
عینی (+): ۱۶۸ (مشاهده)، ۱۷۰ (مشاهده / تجربه) - ۱۷۱، ۱۸۶، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۵۶، ۲۸۹.  
عیون المسائل (کعبی): ۹۶.
- غ**  
غایة الحکیم (مجرطی): ۵۲۵، ۲۶۵.  
غائیت: ۳۰۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۷۵، ۵۲۱، ۵۷۷، ۷۸۹، ۷۹۳. (تضمن مقصود، علّت غائی).  
غلط طبیعت: ۸۰۸، ۳۶۳، ۳۶۲.  
غنوصی + گری (= گنوستیسیم): ۲۴، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۹-۲۳۱، ۲۸۷، ۳۱۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۵۰۸، ۵۹۳، ۶۱۶، ۶۲۹، ۷۳۴.  
غیبت (غایب): ۴۴ (صغری)، ۴۸ (قائم)، ۶۶ (امام)، ۶۹۰، ۷۳۵-۷۳۷.  
غیب (و) غیبی: ۲۳۵، ۲۳۷، ۳۹۵.
- ف**  
الفاخر فی الطب (رازی): ۸۸، ۷۴.  
فادن | فیدون (افلاطون): ۱۷۷، ۴۱۶، ۴۲۷، ۵۶۶، ۵۶۹، ۷۴۸، ۸۲۸.  
فارقلیط: ۶۹۲.  
فانس (- نامخدا): ۴۸۷.  
الفجر: ۵۰۸.  
فراست (- علم): ۷۴۰.  
الفراصة (فخر رازی): ۷۴۰.  
الفرائض (ابوحازم): ۸۹.  
فرخ‌نامه یونان دستور (عامری): ۷۱۷.  
فردگرایی: ۸.  
فردوس الحکمة (ابن رین): ۷۳، ۷۴، ۱۶۲، ۲۷۹.
- فرشکرداری (= نوشدگی): ۴۴۸، ۴۶۲، ۴۸۶، ۴۹۲، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۸۹، ۸۰۰.  
الفرق بین ابتداء المدة... (رازی): ۳۵۲، ۴۲۱.  
فرقة فلسفیه (بغداد) - مکتب فلسفی (ابن عدی).  
فرمانروایان گمنام (اذکائی): ۴۷، ۵۴.  
فرمداری: ۸۱۶ (حکومت، شهریاری).  
الفرند (ابن راوندی): ۶۴۷.  
فروردین یشت (اوستا): ۳۲.  
فَرَوهر (+ ی) + ان: ۸۱، ۲۲۵، ۳۳۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۵۳۵، ۵۴۸-۵۵۲، ۵۸۶، ۵۸۹، ۶۹۲، ۷۴۶، ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۹۰.  
فَرّة ایزدی: ۸۱، ۵۱۸، ۵۲۸، ۵۴۶، ۵۶۱، ۶۰۶، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۳۰، ۷۳۶.  
فرهنگ قدیم: ۱۲، ۱۳.  
فساد - کون و فساد.  
فساد الدار و تحریم المکاسب (ابن راوندی): ۷۲۴.  
الفصل فی الملل (ابن حزم): ۱۶۶.  
فصول - کتاب (ابن میمون): ۶۵۷.  
الفصول الاثني عشر... (استانس): ۱۷۸.  
الفصول فی المعالم الالهية (عامری): ۶۲۷.  
فضا (+) نی: ۲۰۷، ۳۹۷ (مکان)، ۳۹۸-۴۰۰ (زمان)، ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۴، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۱-۴۸۳، ۴۸۸-۵۰۵، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۷، ۵۸۴، ۷۸۱-۷۸۳، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۱-۸۰۴.  
فضیلت عقل: ۱۳۷.  
فطری و کسبی: ۵۱۷، ۶۱۳.  
فعل (= طبیعت): ۲۴۱ (فعلیت) - ۲۴۲ - قوت و فعل.  
الفلاحة (بلیناس): ۸۲۰.  
فلاحت (= گنوبونیکا) دموکریتوس: ۱۰۲، ۱۰۷.



- فی أنّ مرکز الارض (رازی): ۲۹۶، ۲۹۷.  
 فی أنّ المناقضة بین اهل الدهر (رازی): ۴۵۶.  
 فی أنّ النفس لیس بجسم (رازی): ۴۲۸.  
 فی أنّه (توجد) جواهر لا اجسام (کندی): ۳۲۳.  
 فی أنّه لا يتصور لمن... (رازی): ۲۵۳، ۲۹۶.  
 فی أنّه يمكن ان يكون سکون... (رازی): ۳۵۱.  
 فی أنّه لا يمكن ان يكون العالم (رازی): ۴۵۶.  
 فی ايضاح غلط المنتقد (رازی): ۳۸۹.  
 فی البحث عمّا قيل فی کتاب الاسطقات (رازی): ۱۹۸، ۲۷۲، ۳۱۴، ۳۳۴.  
 فی البحث عن الارض (رازی): ۲۹۶، ۳۶۶.  
 فی تشييت الاستحاله... (رازی): ۳۶۰.  
 فی التجارب (رازی): ۱۴۸.  
 فی التركيب (رازی): ۳۶۵.  
 فی التشريح (رازی): ۲۹۲.  
 فی تصحيح لفظ الزنديق (ابن کمال باشا): ۲۰۹، ۶۵۹.  
 فی تعرّف الرجل عيوب نفسه (جالينوس): ۷۴۳.  
 فی الجبر (= شکسته‌بندی) و كيف... (رازی): ۲۹۳.  
 فی جوّ الأسراب (رازی): ۲۹۷.  
 فی الحكمة (رازی): ۵۵، ۵۷، ۲۸۷.  
 فی حيل الکتاب (رازی): ۸۶.  
 فی حيل المتنبئين (رازی): ← مخاريق الانبياء.  
 فی الخبر كيف يسكن... (رازی): ۱۶۸.  
 فی الخلاء (فارابی) رسالة فی...  
 فيدون (افلاطون) ← فادن.  
 فی الرياضة (کندی): ۷۰۲.  
 فی الرياضة (رازی): ۸۶.  
 فی الزمان والمكان (رازی): ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۱.  
 فيزيك (+) ي: ۱۳۶ (تجربي)، ۱۴۶، ۱۴۷.
- (رازی)، ۱۸۴، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۸۲) -  
 شيمي)، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۹۲ (← مکانیک)، ۲۹۶،  
 ۲۹۸ (نور) - ۲۹۹، ۳۲۱ (نظري) - ۳۲۷،  
 ۳۲۸ (\* ۳۶۶ (\* ۴۶۶ (\* ۵۲۶ (عالم)،  
 ۷۸۰، ۷۸۱، ۸۰۰ (← شيمي)، ۸۰۳، ۸۰۴،  
 ۸۲۱.  
 فيزيك (ارسطو): ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۵۹، ۱۹۴، ۱۹۶،  
 ۲۴۴، ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۵، ۳۰۳، ۳۳۵،  
 ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۱،  
 ۴۵۰، ۴۸۸، ۴۹۱، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۱، ۷۹۹،  
 ۸۰۷ (← سمع الكيان، الطبيعه).  
 فيزيكاي (دموكرتوس): ۱۷۸، ۳۰۷، ۸۰۴.  
 في سياسة العامة (کندی): ۷۰۲.  
 في سيرة اهل المدينة الفاضله (رازی): ۷۱۳.  
 في سيرة الفيلسوف (ابوالخير خمار): ۶۰۱، ۷۵۶.  
 في شرف العين (رازی): ۲۹۳.  
 في شرف الفصد (رازی): ۵۶.  
 في الشّعر (= دربارۀ موی) رازی: ۲۹۳.  
 في صفات الیمارستان (رازی): ۸۳، ۸۵.  
 فيصل التفرقة بين الاسلام و الزندقة (غزالي):  
 ۶۶۰.  
 فيض و صدور ← صدور.  
 في طبيعة الانسان (بقراط): ۱۹۸.  
 في طبيعتي الالم واللذة (ابن هيثم): ۷۵۳.  
 في العادة و أنّها تحوّل... (رازی): ۳۷۶.  
 في عدل من اشتغل بفضول الهندسه (رازی):  
 ۶۰۴، ۲۵۴.  
 في علاج العين (رازی): ۲۹۳.  
 في العلة التي تحدث... (رازی): ۳۹۸.  
 في العلة التي صار الخريف... (رازی): ۲۹۳،  
 ۲۹۷.  
 في العلة التي لها يدفع... (رازی): ۲۹۸.

- فی العلة التي لها يضيّق... (رازی): ٢٩٩.
- فی علة تحرك الفلك (رازی): ٣٥٠.
- فی علة خلق السباع (رازی): ٢٩٣، ٥٧٠.
- فی علة قيام الارض... (رازی): ٢٥٢.
- فی فرق الطب للمتعلّمين (جالينوس): ١٤٥.
- فی الفلسفة القديمة (رازی) - فلسفة باستان.
- فی الكلّ والجزء (ابن عدی): ١٠٤، ١٠٧.
- فی الكمال الخاص بنوع الانسان (سجستاني): ٦٥.
- فی كيفية الابصار (رازی): ٢٩٩.
- فی كيفية الاختداء (رازی): ١٦١.
- فی كيفية النمو (رازی): ٣٦٥.
- فی اللذات والآلام (ابن مسكويه): ٧٥٣.
- فیلسوف ری (محقّق): ١٣١، ١٤٥، ٤٠٣، ٤٥٣.
- ٧٤٩، ٧٤١.
- فیليسا (توبيموس): ٤٩٠.
- فی ما استدرکه من الفضل... (رازی): ٤٥٦.
- فی ما اغفلته الفلاسفة (رازی): ٦٠١.
- فی ما بعد الطبیعه (رازی): ١٥٩، ١٨٩، ١٩٥.
- ٣٢٢، ٣٤٨، ٣٦٠، ٣٧٠، ٣٩١، ٤٠٥، ٤٢٢.
- ٤٥٠، ٤٥٤، ٤٦٩، ٥٠١، ٥٣٩.
- فی ما جرى بينه... (رازی): ٥٦، ٨٨، ٨٩، ١٦٣.
- ٧٤٩ (و بين شهيد البلخي في اللذة).
- فی ما جرى بين سقراط... (كندي): ٢١٦.
- فی ما سئل عنه (رازی): ٥٨.
- فی ما وقع للجاحظ... (رازی): ١٦٣.
- فی ما يعتقده رأياً (جالينوس): ٤٥٢، ٦٠١.
- فی ما يعتقده رأياً (رازی): ٦٠١.
- فی مائة اللذة (رازی): ٢٧٥، ٣٦٣، ٧٤٨-٧٥١.
- ٧٥٤.
- فی محنة الطبيب (رازی): ١٤٨، ٢٩٣.
- فی المدة و هي الزمان... (رازی): ٣٤٤، ٤١٤.
- فی المعالم الالهيه (عامري): ٨٢٥.
- فی معرفة تطريف الاجفان (رازی): ٢٩٣.
- فی مقدار ما يمكن ان يستدرک... (رازی): ٨٧، ٢٥٤، ٥٢٦.
- فی منافع الاعضاء (رازی): ٢٩٢.
- فی المنطق بالفاظ مستکلمی الاسلام (رازی): ٩٣، ١٤١.
- فی المنفعة اطراف الاجفان (رازی): ٢٩٣.
- فی الموجودات (ابن عدی): ١٠٤.
- فی النبوات (رازی) - مخاريق الانبياء.
- فی النزلة التي كانت... (رازی): ٧٧، ٢٩٨.
- فی النفس (رازی): ٤٢٥، ٤٢٨، ٥٤٤، ٥٦٥.
- فی نقض حجج الرفي (ابن عدی): ١٠٤.
- فی نقض الطبّ الروحاني... (رازی): ٧٤٢.
- فی نقض كتاب البلخي (رازی): ٣٨٩.
- فی وجوب دعوة النبي (رازی): ٦٧١.
- فی الهيولى المطلقة و الجزئية (رازی): ٤١٢، ٥٣٤.
- فی الهيئة (رازی): ١١٢، ٢٥٢، ٢٥٣.
- فی هيئة الاثنيين (رازی): ٢٩٣.
- فی هيئة الصماخ (رازی): ٢٩٢.
- فی هيئة العين (رازی): ٢٩٢.
- فی هيئة القلب (رازی): ٢٩٢.
- فی هيئة الكبد (رازی): ٢٩٢.
- فی هيئة المفاصل (رازی): ٢٩٢.

## ق

- قاطيغورياس (ارسطو): ١٠٣، ١٠٨، ١٤١، ١٤٢.
- ٣٧٢، ٤١٨.
- القانون في الطب (ابن سينا): ١٢٥، ١٧٠، ٧٦٤.
- قانون مدني: ٦٢٨، - سياست مدني.
- القانون المسعودي (بيروني): ٢٥٢، ٥٩٩.

- قضاء و قدر (+) ی: ۴۹۳، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۶۱۲، ۷۲۴، ۸۲۲.  
قنطورس: ۴۴۰.  
قوانین / نوامیس (افلاطون): ۵۷۵، ۵۸۷، ۶۱۹ (-).  
سیاست، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۴۸.  
القوانین الطبيعية فی الحكمة الفلسفیه (رازی):  
۳۲۴، ۳۸۵، ۸۲۱.  
قوت و فعل: ۳۴۶-۳۴۸، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴،  
۳۸۸، ۳۹۵، ۴۱۶، ۴۳۶، ۴۹۹، ۵۰۰، ۶۸۲.  
۷۳۱، ۷۹۲، ۷۹۳.  
القول فی الابصار (عامری): ۶۳۴، ۸۲۵.  
القول فی القدماء الخمسه (رازی): ۳۹۴، ۳۹۸،  
۴۰۴.  
القول فی مبادئ الكل (اسکندر افرویدیسی):  
۵۷۴.  
قیاس (ات): ۱۳۵- (منطقی) ۱۴۲، ۱۴۳-۱۴۵،  
۱۶۹ (عقلی)، ۵۵۹ (عقلی)، ۶۰۴ (منطقی).  
القیاس (ارسطو): ۱۰۷.  
القیاس (فارابی): ۱۴۰.
- ک**
- کا (= هو) هندی: ۴۸۶.  
کارد پزشکی (= جراحی): ۲۹۲، ۲۹۳.  
کارمان شناسی: ۱۸۱، ۷۷۸، ۸۱۰-۸۱۶.  
کارنامگ اردشیر (بابکان): ۷۰۴.  
کاست اجتماعی: ۶۹۳.  
کالا-کرونوس: ۴۸۵-۴۸۹، ۵۱۳، ۵۲۲.  
کالبدشناسی: ۲۹۲.  
کام (+): ۴۹۵، ۵۱۷، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۲، ۶۱۲-  
(خدایی) ۶۱۵.  
کامشهر (ها) + ی: ۶۸۹-۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۱۸،  
۷۳۱.
- قائم (مهدی): ۲۰۸، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۹۰،  
۷۰۹-۷۱۱، ۷۳۴- (بسه سیف) ۷۳۵ (-).  
مهدی).  
القنسات (میرداماد): ۴۵۸.  
قیة الارض: ۲۱، ۲۷، ۳۴.  
قدم (= دیرینگی) - قدیم (= دیرینه) ← حدوث و  
قدم.  
قدم / تقدّم ← تأخر و تقدم.  
قدم (+):  
\_\_\_\_\_ عالم: ۱۶۳، ۱۹۴. (← حدوث و قدم).  
\_\_\_\_\_ وجود: ۵۱۲. (← وجود).  
\_\_\_\_\_ هیولی: ۱۶۳. (← هیولی).  
قدماء خمسہ: ۷۹، ۸۰، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۸۴، ۱۸۸،  
۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۶-۲۱۸، ۲۳۱، ۳۱۵، ۳۲۱،  
۳۲۶، ۳۳۱، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۹۴-۳۹۶، ۴۳۶،  
۴۴۴-۴۴۸، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰،  
۴۷۵، ۴۷۸-۴۸۱، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۲۵، ۵۳۴،  
۵۳۸-۵۴۱، ۵۵۰، ۵۷۳، ۵۷۶، ۷۷۹-۷۸۶،  
۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۵، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۲۵، ۸۲۶.  
قدیم الزمان: (۴۰۱) ← زروان.  
قرآن الفلاسہ (فارابی): ۷۱۱.  
قرآن مجید: ۳۸۷، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۹۰،  
۵۰۸، ۵۲۹، ۵۴۹، ۵۷۱، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۲،  
۶۳۷، ۶۴۷، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۴،  
۶۷۲-۶۷۴، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۱۳، ۷۲۱، ۷۷۰.  
قربادین (= دارونامه): ۲۹۳، ۲۹۴.  
قربادین (رازی) الصغیر-الكبیر: ۲۹۴.  
قرآن مشتری: ۹۲، ۱۱.  
القسطاس المستقیم (غزالی): ۱۴۲.  
قصص و حکایات للمرضی (رازی): ۸۵.  
القصيدة (رازی): ۱۴۱ (خی المنطقیات)، ۳۹۱  
(الالهیه)، ۷۱۷ (فی العظة اليونانیة).

- کافی شناسی: ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۸۸.  
 کاون (= کیوان): ۵۲۲.  
 کائنات جو: ۳۵۳، ۷۹۰.  
 الکتاب (ابن الجراح): ۵۴.  
 کتاب اثیر (ایران شهری): ۸۰، ۸۱، ۵۶۱، ۶۲۴.  
 کتاب الاصلاح (ابوحاتم رازی): ۱۱، ۹۴، ۹۵، ۲۴۰، ۶۳۱، ۶۸۱، ۶۸۲.  
 کتاب الی علی بن وهبان (رازی): ۲۹۹.  
 کتاب الانتصار (خیاط): ۳۱۳.  
 کتاب بابا (حرانی): ۲۲۵.  
 کتاب جلیل (ایران شهری): ۸۰، ۸۱، ۵۶۱، ۶۲۴.  
 کتاب الحاصل (رازی): ۳۸۶.  
 کتاب الحجر / الاحجار (رازی): ۲۹۵.  
 کتاب الحنفا (صابی): ۲۳۲.  
 کتاب فی اللغة الفارسیه (رمانی): ۸۱۸.  
 کتاب النقص (عبدالجلیل قزوینی): ۴۷، ۶۳۳.  
 کتابهای دوازده گانه (کیمیایی) رازی: ۲۸۷، ۸۱۹-۸۲۰.  
 کتاب الهند (بیرونی) ← تحقیق ماللهند.  
 کثرت و وحدت: ۳۹۹، ۴۳۲-۴۳۶، ۴۴۴، ۵۳۲، ۵۷۴، ۵۴۲.  
 کرانک زروان: (۴۷۲) ← زروان.  
 کرونوس: ۴۲۱، ۴۶۵، ۴۸۵-۴۸۷، ۴۹۴، ۵۲۲.  
 کشف المحجوب (سجستانی): ۵۳، ۵۶۹.  
 کفالا یا (مانی): ۲۱۰، ۳۲۶، ۳۳۲، ۴۳۰، ۴۳۸.  
 کفر-کافر-کفار: ۱۲، ۶۱.  
 کلام (-علم) + ی: ۸، ۹، ۱۱، ۹۳، ۱۲۹، ۱۶۲-۱۶۵، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۳۶، ۲۵۱، ۲۵۸، ۳۱۰-۳۱۳، ۳۵۵، ۳۸۷، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۷، ۴۶۳، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۶، ۵۱۹، ۶۲۵، ۶۳۶، ۶۴۰، ۶۵۱، ۷۱۱، ۷۴۹، ۸۰۸، ۸۱۷.  
 کلام / ماجری بینہ و بین ابی القاسم الکیعی (رازی): ۴۲۱، ۴۷۲.  
 کلام جری بینہ و بین المسعودی (رازی): ۹۰، ۴۵۷.  
 کلیا (هندی): ۴۹۸.  
 کلمه (= لوگوس): ۶۶۸.  
 کلمات قصار (باباطاهر): ۶۴۲.  
 الکلم الروحانیہ (ابن هندو): ۷۱۷.  
 کمال: (۵۶۳) ← تکامل.  
 کم (+ ی) و کیف (+ ی): ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۴، ۳۶۳، ۳۷۲، ۳۷۴-۳۷۶، ۳۷۵، ۷۸۲، ۷۹۲-۷۹۴، ۸۰۸، ۸۰۹.  
 کمون و ظهور: ۲۴۱، ۲۴۲، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۵۵، ۳۵۹-۳۶۱، ۳۷۶، ۳۸۸، ۴۹۵، ۷۹۳.  
 کناش الخوز: ۱۷۰.  
 کنز الاحیاء (مانی): ۵۶۵، ۵۸۸.  
 کوان / غولان (مانی): ۴۰۲، ۴۴۰، ۴۴۱، ۵۱۵، ۵۱۶-۵۱۷) ← سفر الجبارہ.  
 کون و فساد: ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۷۳، ۲۸۸، ۳۰۴، ۳۳۶، ۳۵۳-۳۶۵، ۳۷۳-۳۷۶، ۴۳۵، ۴۵۳، ۴۸۸، ۵۰۸، ۵۸۰، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۳۱، ۷۸۰، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۳، ۸۰۷، ۸۰۹.  
 الکون و الفساد (ارسطو): ۱۰۳.  
 کون و مکان: ۲۰۵، ۲۱۵.  
 کیان (= فیزیس / طبیعت): ۳۲۳، ۵۷۵ (= وجود)، ۶۱۳.  
 کیش مغان: ۲۰.  
 کیفیة الاستدلال (رازی): ۱۴۱.  
 کیمیا (شیمی) + یسی: ۷۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۶ (گری) - ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۴۰، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۷۸-۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۵، ۵۸۸-۵۹۰، ۶۵۳.

گه‌ری داناک (= طبیعی دان): ۲۷۸، ۲۷۱.  
گیاک (= فضا): ۴۹۳، ۴۹۲، ۵۱۰.  
گیاه‌شناسی: ۲۹۳، ۲۸۸.  
گیتی-گیتیک (= هستی‌مادی): ۴۳۷، ۴۹۵،  
۷۹۸، ۷۹۶، ۷۹۴-۷۸۹، ۷۴۶، ۵۱۵.  
۸۰۳-۸۰۹، ۸۲۱.

گیتی‌شناسی: ۱۷۷، ۱۸۱، ۲۴۸، ۲۹۱، ۳۸۱-  
(۴۲۵، ۴۳۰، ۴۸۳، ۵۰۶، ۵۷۳) - ۵۹۰.  
۷۸۹-۷۹۴، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۵.  
گیتی‌گرایی (= ماتریالیسم / مادی‌گرایی): ۸، ۷۹،  
۸۱، ۸۲، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۸۵،  
۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۵-۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۲،  
۲۳۴-۲۴۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۴، ۳۹۵، ۴۰۸،  
۴۴۲، ۴۵۶، ۵۳۶، ۵۷۵، ۵۸۹، ۶۳۷، ۷۴۵،  
۷۹۶، ۸۲۹.

گیتزا (ماندائی): ۲۰۹، ۳۳، ۲۲۶، ۵۱۵، ۵۶۲.  
گئوپونیکا (دموکریتوس) = فلاح.  
گیهان بختار (= زروان): ۵۱۷.

## ج

لخمو / لخامو (= نامخدا): ۵۰۷.  
لذت (ها) + گرایسی: ۹۷، ۱۹۸، ۵۵۰، ۵۵۱، ۷۴۲،  
۷۵۰-۷۷۲-۷۷۵، ۸۲۵ (و شهوت).  
لذت علمی: ۱۹۹، ۲۱۰، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱.  
لذت و آلم: ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۶۴،  
۲۷۶، ۲۷۶، ۵۴۹، ۵۵۴، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵.  
۷۴۸-۷۵۵، ۷۵۸، ۷۹۴، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۸.  
لطف (= جود): ۲۶۰، ۳۹۵، ۴۱۲، ۴۳۶، ۵۷۷-  
صلاح (= عنایت)، ۶۱۶، ۶۱۶، ۶۶۱، ۷۰۵ (قاعدہ)،  
۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۶ (= عنایت)، ۸۰۸، ۸۲۷-  
نظریه، ۸۳۰.  
لوگوس (= کلمه): ۱۸۳ (هراکلیت)، ۵۳۵، ۵۴۵.

۷۴۶، ۷۵۹، ۷۹۱، ۸۰۴-۸۰۸، ۸۱۹، ۸۲۰.  
کیمیا / شیمی رازی (روسکا): ۱۲۲.  
کین و مهر ← مهر و کین.  
کیوان (= زحل): ۴۸۶، ۴۹۳، ۵۲۲-۵۲۶، ۷۹۹.

## گ

گاتاها (زردشت): ۱۷۷ (یسنا)، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۸۱،  
۴۲۷، ۵۰۶، ۵۳۸، ۵۴۵، ۵۵۶، ۷۹۸.  
گاه (= زمان): ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۸۵، ۴۹۳،  
۵۱۰ (= فضا)، ۵۸۱.  
گاداری (= حرکت): ۴۹۴، ۴۹۷، ۴۹۸،  
۵۰۲-۵۰۵، ۵۵۰، ۵۷۶، ۵۸۰-۵۸۳، ۷۸۷،  
۷۸۸، ۸۰۱، ۸۰۳.  
گذشته‌گرایی: ۶۹۰.  
گرانی و تیرگی: ۵۲۷.  
گردبادی (= حرکت): ۸۰۷، ۵۷۷.  
گرگیاس (افلاطون): ۶۹۴.  
گرمی و خشکی: ۵۲۷.  
گریو (= روح): ۵۴۵، ۵۶۴ (زیوندک ← روح  
حیات).  
گشادگی / و شادکی (= خلاء): ۳۳۸، ۳۴۵، ۴۱۹،  
۴۶۹، ۴۹۶، ۵۱۴، ۷۹۷، ۸۰۷. (= انبساط،  
انفصال).  
گل نیشابوری / خراسانی: ۲۹۶.  
گنوسیسی ← عرفان (و) غنوصی.  
گوچهر (= جوزهر): ۲۲۳.  
گوشورون (= روح حیات): ۱۷۷، ۲۲۳ (= روح  
کیهان)، ۳۳۳ (\*)، ۴۲۷ (= نفس ناطقه)، ۵۳۸  
(\*)، ۵۴۵ (= روح جهانی)، ۵۶۷، ۵۷۵، ۵۸۷،  
۷۹۸.  
گوهر (= جوهر): ۴۹۲، ۴۹۴ (ازلی)، ۶۰۶ (خرد)،  
۸۰۴.



المباحث المشرقیه (فخر رازی): ۳۴۳.  
 مبدأ و ← معاد: ۵۱۵، ۵۵۳، ۸۱۱.  
 متافیزیس (متافیزیک ← مابعدالطبیعه): ۱۶۵،  
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۶۷، ۵۳۶.  
 ۸۲۱، ۸۱۱، ۸۰۸، ۸۰۷، ۷۹۹، ۵۳۷.  
 متافیزیک (= مابعدطبیعی) ارسطو: ۱۰۴، ۱۵۹،  
 ۱۶۶، ۳۰۳، ۳۸۱، ۳۹۱، ۴۲۲، ۴۵۰، ۴۸۹،  
 ۴۹۱، ۵۹۴، ۷۶۶.  
 مثبت و منفی: ۵۰۶، ۵۵۲.  
 مُثُل (افلاطونی): ۱۹۲ (= ایدِه) - ۱۹۳، ۳۰۳،  
 ۳۱۲، ۳۳۱، ۴۴۰، ۴۸۰، ۴۹۸، ۵۳۵، ۵۶۱ (-)  
 عالم، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۸۶، ۶۹۲، ۷۴۶، ۷۸۱،  
 ۷۹۰.  
 مثلثات: ۷۷۱.  
 مثنوی (مولوی): ۷۴۷.  
 المجالس (مؤید شیرازی): ۶۴۷.  
 المجسطی (بطلمیوس): ۷۳.  
 مجلّة فلسفی (فرهنگستان شوروی): ۱۲۹.  
 مجمع البحرین: ۲۱۱.  
 المحاسن (برقی): ۹۰.  
 المحاضر و السجلات (ابوحازم): ۸۹.  
 محرک اول: ۱۴۵، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۳، ۳۶۴،  
 ۳۷۲، ۳۹۵، ۴۲۶، ۴۴۹-۴۵۲، ۴۸۴، ۴۸۹،  
 ۵۸۰، ۷۹۳، ۸۰۲، ۸۰۷، ۸۰۸.  
 محسوس و معقول: ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۸،  
 ۶۴۰، ۶۴۳.  
 المحصّل (فخر رازی): ۳۹۷، ۴۲۳، ۴۵۵، ۷۵۴.  
 المحصول (نخشی): ۱۱، ۹۴، ۹۵، ۶۳۰، ۶۸۱.  
 محک النظر (غزالی): ۱۴۲.  
 محن الذهب و الفضة (رازی): ۲۹۱، ۲۹۶.  
 محنة الطیب (جالینوس): ۱۴۸.  
 محور عالم: ۲۶، ۶۱ (= کوه جهانی).

۸۰۵، ۸۲۱.

لوگستیکون (= جزء عقلی): ۵۳۹.  
 لییدو (= انگیزه جنسی): ۵۴۷.

## م

مابعد طبیعی (= متافیزیک): ۱۰۷، ۱۳۶، ۱۵۲،  
 ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱،  
 ۱۹۴، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۶، ۳۲۳، ۳۲۶،  
 ۳۸۱، ۳۹۱، ۴۸۱، ۴۸۴، ۷۸۹، ۸۰۶، ۸۰۸.  
 مابعد الطبیعه (ارسطو) ← متافیزیک.  
 ماتریالیسم ← گیتی‌گرایی ← مادی‌گری.  
 ماده (= ماتک ← هیولی) - مادی: ۳۱۷، ۳۱۸،  
 ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۴۴،  
 ۵۴۷، ۶۱۳، ۷۴۵، ۷۹۳، ۷۹۴.  
 — اولیه: ۴۰۸، ۴۴۱، ۵۲۶-۵۲۹، ۸۰۶.  
 — صدوری (ازلی): ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲.  
 — و صورت: ۳۲۲، ۴۷۴، ۴۹۸، ۵۰۸، ۷۹۷.  
 — و معنا: ۳۲۶، ۴۰۰، ۴۱۱، ۵۵۳، ۷۸۹.  
 مادی‌گری (ماده‌گسرایسی = ماتریالیسم ←  
 گیتی‌گرایی): ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۶، ۳۸۱ (فلسفی)،  
 ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳،  
 ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۱، ۴۷۴-۴۷۸، ۵۰۹، ۵۱۶،  
 ۵۳۶، ۵۷۸، ۵۷۹، ۶۵۷، ۷۰۱، ۷۵۱، ۷۶۳،  
 ۷۹۶، ۸۰۲.  
 ماراسمیا (مارس / مریخ): ۲۲۵.  
 مارکسیستی / مارکسیسم: ۱۵۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۴۷۵،  
 ۵۷۸، ۷۵۱ (= مارکس، کارل).  
 ما قالت القدماء... (رازی): ۱۹۸، ۳۱۴، ۳۳۴.  
 مائتره / و خش (= کلمه): ۱۸۳، ۵۳۵.  
 مانی‌گری / مانویت ← مانی - مانوی.  
 ماهپرستی: ۲۲۳، ۲۲۴.  
 ماهیت: ۴۸۰.

- مخاریق (= تر فندها): ۶۷۲.  
مخاریق (ثمارة الاشرس): ۶۶۳.  
مخاریق الانبیاء (رازی) فی حیث المتنبین (-)  
اطال النبوات - نقض الادیان: ۵۳، ۹۳، ۱۶۴، ۶۴۸، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۷۱، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۳، ۷۶۶.  
مخاریق الحکماء: ۷۶۶.  
مخاریق المشائین (رازی): ۱۶۳.  
مختار الحکم (ابن فاتک): ۷۱۷.  
مختصر کتاب الاخلاق (جالینوس): ۷۳۹.  
المخترسات (ابن عدی): ۱۰۷.  
مدّت (= زمان): ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۹۴، ۴۱۳ -  
(aion) - ۴۲۳، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۰-۵۰۴، ۷۸۳، ۷۸۸، ۷۹۸، ۸۰۳.  
المدخل الی المنطق (رازی): ۱۴۰.  
المدخل التعلیمی (رازی): ۱۲۹، ۲۹۵.  
مدرسی (+) گرابی: ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۱، ۲۴۵، ۴۱۳، ۴۵۲، ۷۲۷، ۷۷۰، ۸۲۵.  
مدنی: ۱۶۵ (= آراء)، ۱۸۰، ۱۸۷، ۷۱۴ (-)  
سیاست، ۸۱۰ (= سیاست) - ۸۱۶.  
مدینه جاهله: ۶۳۸.  
مدینه فاضله: ۶۸۹-۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۰-۷۰۳، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۴-۷۲۶، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۵۲، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۲۸. (= کامشهر).  
مدینه فاضله (رازی) - فی سیره اهل...  
مذاهب سرّی یونانی ماب (رایتسنشتاین): ۲۰۸.  
مذهب الذره عند المسلمین (پینس): ۱۲۳.  
مرجعیت: ۱۵۷، ۱۶۷.  
مردم (+): ۲۶۰ (سالاری)، ۶۴۲ (شناسی).  
مزاج (= آمیغ): ۱۵۵، ۳۵۸، ۵۴۰-۵۴۳، ۷۴۰، ۷۸۵، ۷۹۱.
- مزداک (= دانا و حکیم / عرفان): ۴۳۸، ۵۹۳، ۵۹۵، ۶۲۲. (= مزدا).  
مساوات طلبی: ۴.  
مسأله اصلی غنوصیه (بوسه): ۲۰۸.  
مسائل طبیعت (ایران شهری): ۸۱، ۷۹۴، ۸۰۹.  
المسائل العکبریه (شیخ مفید): ۴۷۶.  
المستصفی (غزالی): ۱۴۲.  
مسیح (= مهدی): ۲۳۰، ۲۳۱، ۵۱۵، ۵۶۲، ۶۷۳، ۶۹۲، ۷۴۶، ۸۲۱.  
مسیحی گری / مسیحیت - مسیحی.  
المشاطه (غضنفر): ۱۳۱.  
مشاهده: ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶-۱۴۹، ۱۶۸-۱۷۰.  
مشاهدات بالینی رازی (مایرهوف): ۱۲۴.  
مشائی (= حکمت): ۲۶. - مشائی.  
مشتري (= هرمزد): ۴۸۶، ۵۲۳-۵۲۶، ۷۰۸، ۷۹۹.  
مشروطه (= انقلاب): ۷۰۵، ۷۰۶.  
مشکها (= عناصر) سریانی: ۵۸۶.  
مشیت (= خواست): ۵۱۶، ۷۲۷.  
مصباح الهدی (سفینه النجاه): ۵۸۸.  
المطالب العالیه (فخر رازی): ۳۳۷، ۳۴۳، ۴۲۳.  
مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی (شیخ لاهوری): ۱۳۱.  
معاد (+): ۹۷، ۱۶۴ (جسمانی)، ۱۷۷ (شناسی)، ۲۴۶، ۲۵۹، ۴۴۳ (و - مبدأ)، ۴۴۸، ۴۶۱ (شناسی)، ۴۷۸، ۴۸۲، ۵۳۵ (شناسی)، ۵۸۹، ۶۱۷، ۶۵۸، ۶۸۶ (روحانی)، ۶۹۰ (شناسی)، ۷۵۰، ۷۸۸، ۷۹۴.  
معارف اسلامی در جهان معاصر (دکتر نصر): ۱۳۰.  
المعالجات البقراطیه (طبری): ۹۹، ۵۹۹.  
المعتبر (ابوالبرکات): ۲۷۳، ۴۲۳.

- معجزات: ۶۷۲.
- معرفة (+) شناسی: ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۶۲، ۶۲۸، ۶۵۷، ۷۷۸، ۷۹۵-۸۰۹.
- معصوم (-) امام، ← عصمت: ۶۶، ۶۷۲، ۶۷۷، ۷۳۰، ۷۳۷-۸۲۵.
- معقول: (۵۰۸) ← محسوس و معاشناسی: ۴۶۵.
- معیار العلم (غزالی): ۱۴۲.
- معیت زمانی: ۲۶۳، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۴، ۵۰۵، ۵۸۳، ۸۰۳.
- مغنامه / ماگیکوس (ارسطو): ۵۰۸، ۴۹۰.
- مغنامه (دموکریت): ۱۸۳.
- مفاتیح العلوم (خوارزمی): ۷۵.
- المقالات (ابن اخی زرقان): ۴۱۲.
- مقالات (ابن عدی): ۱۰۵.
- مقالات اقبال (آشتیانی): ۱۲۸.
- المقالات (کعبی معتزلی): ۳۸۹، ۹۶.
- مقولات عشر ← قاطیغوریاس.
- مکان: ۱۴۹، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۴۶، ۳۳۶-۳۴۶ (طبیعی)، ۳۵۱، ۳۶۹-۳۷۱، ۳۹۴ (مطلق)، ۳۹۷، ۴۰۱ (مطلق)، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۱۳-۴۲۴، ۴۵۰، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۷، ۴۶۹-۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۹-۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۷۴، ۵۸۰-۵۸۴، ۷۷۹-۷۸۳، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۷-۸۰۲.
- مکانیستی - مکانیکی: ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۲۶، ۴۶۶ (سماوی)، ۵۸۶، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۸.
- مکتب ایرانی: ۹۴، ۹۵، ۶۳۰، ۶۸۱.
- مکتب رازی: ۲۴۷-۲۶۸، ۲۸۰.
- مکتب سوری: ۶۳۳.
- مکتب فلسفی (ابن عدی) بغداد: ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۶-۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۶.
- مَلَاء (= پُرگان): ۳۰۳ (تام)، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۶۹، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۳۴، ۴۴۵، ۴۶۳، ۵۱۴ (شیاطین)، ۵۱۸، ۷۸۲، ۷۹۰.
- ملاحم: ۴۸، ۶۰، ۲۲۵، ۷۰۸.
- مَلامو (= تأیید الاهی): ۷۰۵.
- مَلی گرای: ۹۶، ۷۳۲.
- منازل پارتی (ایزیدور): ۳۵.
- المناسبات (افلاطون): ۱۰۲.
- مناظرات (مجادله ← جدل): ۱۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۴-۱۶۶، ۲۴۰.
- مناظر و مرایا (= ← نورشناسی): ۲۹۸، ۲۹۹، ۷۹۴.
- مناظر (اقلیدس): ۲۹۹.
- منافع اعضاء ← تنکارشناسی.
- منافع الأعضاء (جالینوس): ۱۶۰، ۲۹۲، ۵۲۵، ۵۴۰.
- منافع الاغذیه (رازی): ۵۸.
- مناقضة الطب (جاحظ): ۱۶۲.
- مندا / ماندا (= علم و عرفان): ۳۱، ۳۲، ۲۲۸.
- المنصوری فی الطب (رازی) ← الطب المنصوری.
- منطق (+) (ی): ۱۰۵-۱۰۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۶۸، ۶۰۰، ۶۰۵، ۷۴۱، ۸۲۳.
- جدلی: ۱۳۷، ۱۵۱-۱۵۶، ۳۹۲، ۴۳۶، ۵۰۹، ۵۳۳، ۷۹۱، ۷۹۹، ۸۲۹.
- صوری: ۱۵۲.
- علمی - عملی: ۱۳۵، ۲۵۶.
- منطقة الارض: ۲۶.
- منطقیات (رازی): ۱۴۰، ۱۴۱.
- منفی (← مثبت): ۷۸۶، ۷۸۹، ۷۹۶، ۸۰۱.

- من لا يحضره الطبيب (رازی): ۷۶۱.  
 من لا يحضره الفقيه (شیخ صدوق): ۷۶۲.  
 منهید (= عقل کلی / ذهن نورانی): ۵۵۶، ۵۴۷، ۵۵۶، ۶۰۶.  
 موالید (= مرکبات) کیمیایی: ۳۵۶، ۳۵۳، ۲۸۱، ۳۵۶، ۳۶۴، ۴۷۷، ۵۳۰، ۷۹۰.  
 الموالید (زردشت): ۲۲۲.  
 مؤلفات و مصنفات رازی (نجم آبادی): ۱۲۸.  
 مولکول (ها) + ی: ۳۳۸ (- نظریه)، ۳۴۲ (- حرکت)، ۳۵۸، ۵۳۶ (- فرضیه)، ۷۹۱ (- حرکت)، ۷۹۷، ۸۰۶ (- حرکت).  
 موفیزیت: ۱۰۸.  
 مونیسم (= یگانه‌گرایی): ۲۶۷.  
 موهوم پرستی: ۶۱۰، ۶۴۳، ۶۴۴.  
 مهدی (+) گری / مهدویت: ۱۰، ۱۱، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۶۰، ۹۲ (منتظر)، ۹۴، ۹۵، ۱۶۴، ۶۹۰، ۶۹۲، ۷۰۱، ۷۰۸ (- قائم).  
 مهر / میثره / میترس: ۲۶، ۱۵۲، ۴۰۶، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴ (- کیش)، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۴۶، ۸۲۹.  
 — پرستی: ۳۱، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۳، ۴۷۵.  
 — و کین: ۱۵۴، ۳۵۸، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۹۱، ۵۶۶، ۵۸۰، ۵۸۴، ۶۱۷، ۸۳۰.  
 میانجی (ضدین): ۴۷۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۸۵، ۸۳۰.  
 میاه (= مایعات): ۷۸۱.  
 میناق الست: ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۵۲.  
 میراث قدیم در اسلام (روزنتال): ۱۲۶.  
 میزان (حکمت) جابری: ۲۸۶، ۲۹۲.  
 میزان الحکمه (خازنی): ۲۹۱.  
 میزان طبیعی (رازی): ۲۹۱.  
 میزان العقل (رازی): ۱۳۷، ۲۶۲، ۶۱۱، ۶۴۵، ۸۱۱.  
 مینوگ (ان) - مینویک: ۳۲، ۳۴، ۲۱۰، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۳۵، ۵۶۹، ۵۷۰، ۶۰۶، ۶۱۳، ۷۴۶، ۷۹۷، ۸۲۹.  
 مینوی خرد (پهلوی): ۵۱۸، ۵۴۶.  
 مینوگرایی (= ایده آلیسم): ۱۲۹، ۱۵۲، ۱۶۵، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۹۵، ۴۱۳، ۴۳۷، ۵۱۴، ۵۷۵، ۵۸۹، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲، ۸۲۹.  
 ن  
 ناخودآگاه: ۶۱۲، ۶۱۳.  
 نار و نور: ۲۴۸، ۴۱۲، ۷۸۱، ۸۰۵ (- نور).  
 النافع (ابن رضوان): ۱۶۶.  
 ناکجاآباد: ۲۶، ۶۹۵.  
 نامه‌های ایزیس به هوروس (مصری): ۱۷۷.  
 نبوت: ۹۴، ۹۵، ۱۴۸، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۱۶ (- ابطال)، ۲۵۸، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۳۲، ۴۴۷، ۴۴۸، ۵۵۸-۵۶۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۸، ۶۰۹-۶۱۱، ۶۲۴، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۵، ۶۴۵-۶۸۸، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۱۹-۷۲۱، ۷۳۰-۷۳۵، ۷۴۴، ۷۶۸، ۸۰۸، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۲۵، ۸۲۶.  
 نجوم و ریاضی: ۲۵۱-۲۵۵، ۲۹۶، ۵۲۶.  
 نسبت (زمانی): ۲۴۲، ۲۶۳ (همزمانی)، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۸۳، ۴۹۵-۵۰۵، ۵۳۷، ۵۸۱، ۵۸۲، ۷۸۳، ۷۸۹، ۸۰۲، ۸۰۳.  
 النسک العقلي (عامری): ۸۲۵، ۶۸۰.  
 النصره (سجستانی): ۱۱، ۵۳، ۹۵.  
 نصّ گرای: ۱۵۸، ۷۳۵.  
 نطقاء (= پیامبران): ۶۸۲.  
 نظام: ۱۴۷ (نیوتونی)، ۳۵۵ (طبیعی)، ۳۵۸ (\*)، ۳۷۷ (\*)، ۵۲۰ (عالم)، ۶۸۲ (الاهیات)، ۷۰۳.

- (سیاسی)، ۸۰۶ (طبیعی).  
 نظام فکری - فلسفی: ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۷۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۴۱، ۲۴۷، ۴۶۶، ۵۰۶، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۹۹، ۵۶۰.
- نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت (دکتر نصر): ۱۳۰.
- نفس: ۱-۸، ۱۷۷ (کلی)، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۱۳ ( - دیو)، ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۶۵، ۲۸۶ (کلی)، ۲۷۵، ۲۸۴، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۵۲ (= اهریمن)، ۳۵۷، ۳۸۸، ۳۹۴ (کلی)، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۱ (کلی)، ۴۰۲ (= اهریمن)، ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۴-۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۴-۴۴۶، ۴۵۵-۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۸، ۴۸۲، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۲۶، ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۳۸-۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۶-۵۹۰، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۱۹، ۶۳۹ (هیولانی)، ۶۷۶، ۶۷۹، ۷۳۹-۷۵۰، ۷۵۲، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۷۵-۷۷۲، ۷۷۹، ۷۸۱، ۷۸۴-۷۸۹، ۷۹۴، ۷۹۶-۸۰۴، ۸۰۸، ۸۱۱، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۲۹، ۸۳۰.
- النفس (ارسطو): ۱۰۴.  
 نفوس ثلاثه: ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۹، ۵۷۰، ۵۸۹، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۸۴.  
 النفس و العقل... (افلاطون): ۱۰۲.  
 نفوس فلکی: ۴۴۸، ۵۱۵، ۶۸۱-۶۸۳.  
 نفی (= سلب) و... ( - منفی): ۴۴۲-۴۴۵، ۴۵۶، ۴۸۲، ۵۱۳، ۵۱۵.  
 نقائض: ۱۶۲- (کلامی) - ۱۶۴-۱۶۷ ( - شکوک).  
 نقد ( - انتقادگری): ۸۱۴.  
 — ادیان: ۲۵۹.  
 — شعوبی: ۱۶۱.
- موضوعی: ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۷-۱۶۷، ۱۶۹.  
 نقض الادیان (رازی) فی ابطال النبوت ( - مخاریق الأنبياء): ۴۳، ۹۳، ۱۶۴، ۴۱۵، ۶۷۱، ۸۱۰.  
 نقض العلم الالهی (کمی): ۱۶۵.  
 النقض علی ابی بکر الرازی (ابن هیثم): ۱۶۶.  
 النقض علی شهید البلخی (رازی): ۱۶۴.  
 النقض علی الکیال (رازی): ۱۶۴.  
 نقض کتاب التدبیر (رازی): ۱۶۴.  
 نقض کتاب فروریوس الی انابو المصری (رازی): ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۹۴، ۴۵۴.  
 نقض کتاب الوجود (رازی): ۱۶۴.  
 نقل - نقلی: ۵- (علوم) - ۶، ۱۳۷، ۱۶۸-۱۷۱، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۲، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۷، ۶۵۵، ۶۵۸، ۷۳۲، ۷۶۳.  
 نقیضین: (۴۸۲) - ضدین.  
 نمادهای سهری: ۵۲۲-۵۲۶.  
 نمایانگری: ۱۸۶.  
 نوافلاطونی ( - مکتب): ۱۱، ۵۰، ۶۶، ۹۴، ۹۵، ۱۰۶-۱۰۹، ۱۲۵، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۷-۲۰۲، ۲۲۱، ۲۴۰، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۶، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۰، ۴۱۳، ۴۴۰، ۴۴۸، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۵، ۵۰۹، ۵۳۹، ۵۶۰، ۵۸۹، ۵۹۵، ۶۲۲، ۶۲۹-۶۳۱، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۶، ۷۲۶، ۷۹۵، ۸۰۲، ۸۱۷.  
 النوامیس ( - قوانین) افلاطون: ۱۰۲، ۱۹۰، ۱۹۱، ۴۸۶، ۴۹۸، ۶۲۲، ۶۴۳، ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۳۱، ۷۳۹، ۸۲۸.  
 نوامیس (تمامه الاشرس): ۶۶۳.  
 نوامیس (هرمس): ۲۳۱.  
 نوای دیرین عرفانی (رایتسنشتاین): ۵۴۵.

- نویدیدی ← حدوث. نور... (← نار...): ۲۴۹، ۴۰۴ (روحانی)، ۴۰۶ (= روشن) - ۴۰۷، ۴۶۵ (ازلی)، ۴۹۶ (الانوار) - (سیاه)، ۵۰۹ (ازلی)، ۵۱۴ - (سیاه) - ۵۱۵، ۵۲۹، ۵۳۵ (ونسار)، ۵۳۶ (الانوار)، ۵۳۸ (اثیری)، ۵۸۶، ۶۶۰ (محمّدی)، ۷۸۱ (الانوار) - (سیاه)، ۷۹۰، ۷۹۶ (ازلی)، ۷۹۹ (سیاه)، ۸۰۴. نوروز: ۲۲۵. نوریّه (← حکمت ← اشراق): ۲۱۰، ۲۴۸، ۳۷۷. نورشناسی (= ایصار): ۲۸۸، ۲۹۸، ۲۹۹، ۸۲۵ (← مناظر و مریایا). نور و ظلمت: ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۰ - ۲۱۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۶۵، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۷۱، ۳۹۹ - ۴۰۱، ۴۳۱ - ۴۳۳، ۴۳۶ - ۴۳۸، ۴۴۲ - ۴۴۴، ۴۶۵، ۴۷۶، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۶ - ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۳ - ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۱ - ۵۶۵، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۱۶، ۶۵۵، ۶۷۳، ۶۹۲، ۷۴۷، ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۲۱، ۸۲۹، ۸۳۰. نوزایی فرهنگی: ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۶۰، ۶۴، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۶، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۸، ۲۶۴، ۶۰۹، ۷۰۶ - ۷۰۸، ۷۲۸، ۷۶۲، ۸۱۰، ۸۱۶. نوشتارهای مقدّس بابلی (دموکریّت): ۱۸۳. نوفیناغوری (← مکتب): ۲۵۰، ۲۵۵، ۳۸۵، ۳۹۸، ۴۰۷، ۵۸۹، ۷۹۵. نیروانا (هنّدی): ۵۲۰. تیرین (= خوروماه): ۴۰۰. نیست یزدان‌گویی (Atheism): ۴۷۷، ۵۲۱. نیستی ← عدم. نیشامی (= خلاء): ۳۴۵.
- نیمروزان (= نصف‌النهار): ۲۶.
- و
- واد: (۴۰۶، ۴۰۷) ← وای. واد ژیوندک (= روح زنده): ۵۴۵. واسپور (ی) گانیه: ۵، ۶. واقع‌گرایی (= رآلیسم): ۱۸۶، ۷۲۲. وای / وایو (= هوا / باد، فضا): ۲۲۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۶۸، ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۹، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۱۰، ۵۱۷ - ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۸۴، ۶۱۷، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۴، ۷۹۹. وای ششیکه (هنّدی): ۱۸۵، ۱۸۶، ۳۰۶، ۴۳۶، ۷۹۸، ۸۰۴. واییک آتخش (= آتش فضائی): ۳۶۸، ۸۰۴. وبال: (۴۲۶) ← پتیاره. وجدان فلسفی: ۵۸۹. وجوب دعوة النّبی (رازی): ۷۳۰، ۷۳۳. وجود (+ ی): ۱۶۴، ۳۵۹، ۳۷۳، ۳۸۱، ۴۰۵، ۴۳۴ (مطلق)، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۴، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۸، ۴۷۳، ۴۷۹ - ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳ (اعظم)، ۴۹۷، ۵۰۳ (عالم)، ۵۰۶، ۵۲۰ (مطلق)، ۵۴۵، ۵۶۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۷۶۸، ۷۷۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۷، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱۱. وجودشناسی ← هستی‌شناسی. وجه دین (ناصرخسرو): ۳۸۷، ۶۳۱. وحدت... (← اتحاد...): وحدت‌گرایی: ۵۷۴. وحدت وجود: ۲۱۰، ۲۳۷، ۲۶۷، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۴۲، ۴۹۹، ۵۳۶، ۵۷۲، ۵۷۸، ۷۶۸. وحی: ۱۴، ۸۰، ۱۲۴، ۲۸۴، ۲۸۵، ۵۵۸، ۵۵۹، ۶۰۷، ۶۰۹ - ۶۱۱، ۶۲۳ - ۶۲۸، ۶۴۸ - ۶۵۱.

- هرمی (مکتب) ← هرمس. ۷۲۶، ۶۸۶-۶۸۰، ۶۷۴-۶۷۲، ۶۶۳-۶۵۸
- هستی (← وجود): ۸۰، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۵، ۷۲۷، ۷۳۰، ۷۳۳، ۸۱۳، ۸۲۳، ۸۲۴.
- ۶۰۸، ۶۲۵ (فرشته)، ۶۶۳ (\*)، ۷۹۷، ۸۰۰.
- هستی‌شناسی: ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۸۱، ۳۰۹، ۳۹۲-۳۹۳، ۴۸۱، ۷۶۸، ۷۷۸-۷۹۴.
- هستی‌نامه (ایرانشهری): ۸۱.
- هفتگان (= هیدومادون) بقراط: ۱۷۷، ۳۰۹، ۳۲۸.
- هلیت (= بود و نبود): ۲۸۹.
- همزاد / همستار ← ضدین.
- همزمانی (← معیت، نیت): ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۸۱-۵۸۳ (ناهمزمانی).
- همستاران: (۱۵۴، ۲۰۵) ← ضدین.
- همنهاد (= ستز، ← ترکیب، تمازج): ۱۵۳-۱۵۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۲، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۸۳، ۴۹۱، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۰۸.
- ۵۲۳، ۵۴۵، ۷۸۰، ۸۰۷، ۸۲۱، ۸۲۹، ۸۳۰.
- هندسه (← ریاضی): ۲۵۴، ۲۵۵، ۵۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵، ۷۴۱.
- هندوایرانی: ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۳۱ (هندواروپایی): ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۴، ۵۴۶، ۵۷۲، ۷۹۵-۷۹۸، ۸۰۵.
- هوا (= باد، فضا، وای): ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۶۸، ۳۷۰، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۱، ۵۲۷-۵۲۵، ۵۸۴-۵۸۶، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۰.
- هواشناسی: ۲۸۸، ۲۹۶-۲۹۸.
- هوی (= آز): ۵۳۸-۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۷-۵۵۹، ۵۶۲-۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۲، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۶-۶۰۹، ۶۳۹، ۶۷۶-۶۷۸، ۷۳۹، ۷۴۲-۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۶۵، ۷۶۷، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۸۵، ۷۹۸، ۷۹۹.
- (نفس)، ۸۱۱، ۸۱۴، ۸۱۵.
- هیدروژن اتمی: ۵۳۶.
- هنورتات (آب): ۳۳۳.
- وحي و عقل در اسلام (آبري): ۱۲۴.
- وخش ← لوگوس.
- وخشور / مانتهرن: ۶۹۲.
- وداها- ودایی: ۱۸۵، ۱۸۶، ۳۲۷، ۳۴۵، ۴۸۶، ۵۲۸، ۵۷۲.
- وراثت: ۷۳۵، ۷۳۶.
- وردگویان: ۱۹.
- ورشت مانسرنسک (اوستا): ۶۹۱.
- وزنا (= اختیار / اراده): ۶۱۲.
- وزونه (نامخدا): ۴۸۶، ۴۹۴.
- وشادگی (= خلاء) ← گشادگی.
- وضع مرکب (← ترکیب، تمازج، هم نهاد): ۴۱۵، ۴۳۵-۴۳۳، ۴۴۳، ۴۹۱.
- وفیات الاعیان (ابن خلکان): ۱۱۹.
- وقت (= ← گاه): ۴۶۷، ۴۷۰.
- ولایت (← حکومت): ۳۹۵، ۶۶۰، ۶۸۶، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۳۵، ۷۳۶، ۸۱۳.
- وندیداد (اوستا): ۱۶، ۲۴.
- وهوخشتر (= نیکوشهر): ۶۹۰.
- وهمن / وهومنه (← منوهمید): ۳۳۳، ۳۸۱ (= نفس مطمئنه)، ۵۴۷ (= عقل کلی)، ۵۵۶ (\*).
- ۶۰۶ (\*)، ۶۹۱، ۶۹۷.
- ویشنو (هندی): ۴۸۶.
- هباء (chaos): ۱۸۲، ۳۳۸، ۳۶۹، ۴۸۷، ۵۰۷، ۵۲۷ (اولیه)، ۵۲۹، ۵۳۰.
- هبوط: ۱۲۶ (نفس)، ۲۱۱ (آدم).
- هدایة المتعلمین (اخوینی): ۹۸.
- هرمزد (= ← مشتری): ۵۲۳-۵۲۵.

- هیولنی (= ماده): ۷۹-۸۱، ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۷  
 (اولی): ۲۴۱-۲۴۳، ۲۵۶، ۲۶۵، ۳۱۱- (و  
 صورت)- ۳۱۲، ۳۱۵-۳۱۸، ۳۲۷، ۳۳۰  
 (مطلق)، ۳۳۴، ۳۳۹-۳۴۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۸۸،  
 ۳۹۳، ۳۹۴ (اولی)- (مطلق)- ۴۱۶،  
 ۴۲۴-۴۳۱، ۴۳۶- (اولی)- ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۶،  
 ۴۶۰-۴۶۳، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۴ (طبیعی)، ۴۷۸،  
 ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۳ (اولی)، ۴۹۶، ۵۰۷، ۵۱۲-  
 (اولی)- ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۶-۵۳۷، ۵۴۱-۵۴۶،  
 ۵۵۰- (هیولانی)- ۵۵۷، ۵۶۶، ۵۶۷،  
 ۵۷۳-۵۷۵، ۵۷۸، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۸۸  
 (هیولانی)، ۶۰۰، ۶۱۳، ۶۳۹ (هیولانی)، ۷۷۲،  
 ۷۷۹-۷۸۵، ۷۸۹-۷۹۱، ۷۹۴، ۷۹۹-۸۰۱،  
 ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۲۰ (و صورت)، ۸۳۰.  
 هیئت (= تشریح): ۲۹۲.
- ی**
- یادگار بزرگمهر (پهلوی): ۶۱۵.  
 الیاقوت (نویختی): ۷۵۳، ۸۲۷.  
 الینایع (سجستانی): ۵۳.  
 یودیت (یهودی): ۲۲.  
 یوسف و برادرش (توماس مان): ۲۱۷.  
 یوگا (هندی): ۳۹۹، ۴۸۶ (دوره)، ۵۶۴.  
 یونانی در عربی (والترز): ۱۲۵.



rejected Metaphysics from their own philosophical opinions and beliefs too.

The Rāzi's philosophical school specially in Baghdād, mainly an Iranian Philosophic League, whose members were mostly natural philosophers and physicists, was followed by his christian disciple Yahya b. 'Adī, in opposition to the Ismāeīlte Sect (Ikhwān-al Ṣafā). A group of great philosophers, more or less with different relations, linked with the Rāzi's School, are as following: Abu-Sulaymān Manteqī, Ibn-Miskūye Rāzi, Abu-Ḥayyān Tawḥīdī, Abu-al Khayr Khammār, Abu-Sahl Masīḥī, Abu-Rayḥān Bīrūnī, Abu-al Faraj Jāthliq, Abu-al Barakat Baghdādī, and finally Imām Fakhr-e Rāzi.

The present work, as it appears, is to be considered as «a History of Iranian philosophy», in which Rāzi's wisdom is the main axis around which all topics and discussions revolve. However, this history is not «Assertoric», but «Analytic-Comparative» in nature, as has always been the author's way.

**P. Spitman (Azkāei)**  
Hamadān / 2003 August.

Rāzi's practical logic or «Methodology» applied in his scientific philosophy, is acquired from the affirmative knowledge or positivism too; but his speculative philosophy is based on «Intellect», and is radically rationalist, and similarly his Natural wisdom is based upon both «Empiricism» & Experiment. As he applied inductive methods in studying the nature, he exerted logical deduction in the case of conclusions and inferences as well. His stylistic «doubt» which is connected with subject «critique», goes beyond Medicine and Philosophy, and covers the theology and beliefs too, in so much that one can say he is truly an eminent criticist philosopher of all ages, whose Exertion (ijtihād) does not obey any Imitation (taqlīd) and subjection.

Hence, the scholars have unanimously agreed that Rāzi's polyvalent thoughts are reminiscent of specifically the Modern Science of 16 to 17th centuries (A.D.), so that he is known as a pioneer and leader of the great epoch-making scientists, such as F. Bacon, I. Newton, R. Descartes, and so on. However, a highly eminent contemporary and yet unknown aspect of Rāzi, in view of his cosmological theories and philosophical opinions, is just the «Dialectics» which is the knowledge of the most general laws ruling over the evolution of natural, social and mental processes. Rāzi the sage, himself, recieved such a methology directly from the Philosophy of the Magi in the Ancient Iran, just as many opinions and other scientific-philosophic principia of the ideas are taken from this Mazdāean–Manichaeae source.

□

The present book is compiled in seven chapters (as it is seems in the table of contents) and the subject is merely Natural wisdom and philosophical system. The aim is to elucidate that «Philosophy», in general and in more restricted sense of the word, is the same as Materialistic physical knowledge; As perceiveing Rāzi's «Physics» obviates «Meta-physics» in Iranian Philosophy. An evidence to this point is that great philosophers such as Abu-Rayḥān Bīrūnī and 'Omar Khayyām Nishābūrī –both followers of Rāzi's Atomism–

with translation of his book «al-Hāvi» into Latin. For many centuries his medical works (Rasis) were taught in the Western schools and are still under investigations from the viewpoint of history of science and medicine. Studies on Rāzi's doctrines and physical works, specially his «Chemistry» (which he, along with few other figures, pioneered) started from the second decade of the last century, and at the same time, the significance of his philosophical contribution was recognized, giving rise to translation and commentary of his «*The Spiritual Physick*» and «*The Philosophic Conduct*».

□

The sources of Rāzi's rational and natural wisdom (see: ch. 3<Epistemology>) are purely Iranian recognized since long ago.

The fundamental difference and conflict between Rāzi and his Ismācīlite opponents, is indeed the reflection of very old contending and quarreling that has continuously occurred between the two great worldly (mental-philosophical) realms of Idealism and Materialism.

And yet, the deep-rooted school of Iranian Materialism (= Natural-Eternal time) which has in detail been shown in this book, with its very old and right background, is truly crystallized in the Natural wisdom and Philosophic system of Rhazes the sage. For, in view of his fundamental opinion on «Eternal time Motion», as it is in his Materialistic world-outlook, the opinions and assertions on «Eternal time Philosophy» are considerable too, which is itself the substance of Rāzi's Materialistic philosophy (The base of Materialistic view principle is Natural Philosophy). It can also be said of the epistemologic subject-matter, Rhazes the sage is not only influenced by the Natural and Eternal time schools before his epoch –whether they would be continuation of the Iranian pre-Islamic physical sciences and Zurvanic (= Eternal time) knowledges, or the post-Islamic ones–, but he is a unique philosopher who cohesively systematized these two philosophical views in his Materialistic doctrine; and this, namely, Rāzi' philosophical system has been the main purpose of the present study.

His most famous students, either attending his circle or inspired by his school, each being among the most distinguished physicians and philosophers of the golden age of rationalism and the cultural-scientific renaissance, are: 1) Abu-al Qāsem Moqāne'i Bokhāri, 2) Ibn-e Qāren Rāzi, the physician, 3) Abu-Ghānem Ṭabīb Rāzi, 4) Abu-al Hassan Tabari, the physician and the author of the well-known «al-Mo'ālejāt al-Boqrāṭiyya» (the Hippocratic treatments, 5) Abu Zakariyā «Bozorgmehr» Yahya Ibn-e 'Adie Baghdādi (281–364 H./ 894–974 A.D.) who was among the most celebrated «Humanist» sages of the time, and the elder of the philosophers of his day in Baghdād. These students produced a great deal of invaluable philosophical-scientific translations, compilations, and commentaries. However, the greatest follower of Rāzi, the student inspired by his «Natural» and theoretical philosophy, is verily Abu-Rayḥān Biruni (362–440 H./ 973–1048 A.D.), the supreme master and the famous Iranian genius, who was a firm and influential defender of Rāzi's natural-philosophical (materialistic) Iranian doctrine in opposition to Aristotelian peripatetic philosophy.

The writings of Rāzi the sage, as Abu-Rayḥān Bīrūnī mentions (in *The list of Rāzi's Books*) amounts to 184 works, categorized under ten titles, i.e. Physic, Physics, Logics, Mathematics and Astronomy, Commentaries and Summaries, Philosophy, Metaphysics, Theology, Alchemy, and miscellaneous works; however, late in his lifetime, Rāzi wrote in his «*Philosophic Conduct*» that he had written about 200 books, articles, and treatises on various sciences and philosophy. On the other hand, Ibn-e Abi Oṣayba'a (7th cent. / 13th A.D.) descriptively enumerates Rāzi's works as 235 (books, articles, treatises).

It has long been an interesting activity to know Rāzi's brilliant figure, half physician, half philosopher. The scientific studies on Rāzi was founded by Bīrūnī a century after his master had passed away; however, the medical profile of the sage of «Ray» or the studies on Rāzi the physician began from the middle of the fourth Hijri century (10th A.D.) in the East, and in the thirteenth century A.D. (the 7th H.) in Europe,

---

---

## Preface

The Second half of the third Hijri century (9th cent. A.D), called «the age of Rāzi», can be considered as the first period of Iranian cultural renaissance in the framework of the Islamic civilization.

Abu-Bakr Mohammad Ibn-e Zakaryā Ibn-e Yahyā «Şayrafī» Rāzi (born in 251 H./865 A.D, died in 313 H./925 A.D.) was the sage physician, master of alchemy, physicist and chemist, a man of the science of first principles, the philosopher and dialectician logician, the Galen of the East, described as the greatest clinical and hospital physician and the great Iranian humanist and rationalist sage in the Mediaeval Ages.

Among professors of Rāzi are three figures who enjoy the highest reputation, as far as their schools are concerned: 1) Ibn Rabben Tabari/ Abu-al Hassan Ali Ibn-e Sahl-e Marvi (192 H./ 807 A.D.–282 H./895 A.D.) in physic, 2) Abu-Zayd-e Balkhi/ Ahmad Ibn-e Sahl-e Mo'tazeli (236 H./850 A.D.–322 H./934 A.D.) in philosophy, 3) Hakim Iranshahri, Abu-al Abbas Mohammad Nishāburi (the third cent./ the ninth A.D.) in cosmology.

Rāzi had different journies for inquiry and medical purposes, among which are a journey to «Rome» (Byzantium) and «Ḥarrān», at the north of Mesopotmia. He then stayed in «Baghdad», the capital of the Abbāsids, for about ten years (282–292 H. / 895–904 A.D.) where he was the head of «Mo'tazedi» (later «'Azodi») Hospital, and then returned to his hometown, «Ray», and became the head of the hospital there too. Rāzi had other journies to Khorasān and Transoxiana including «Bokhāra», the capital of Samanids, to treat the illnesses of the Amirs and kings there.

<b>VI. Philosophic conduct</b> .....	<b>591–775</b>
1). To be a philosopher, 2). Rationalism, 3). Fatalism & Choice,	
4). Religion & Philosophy, 5). Anti-prophecy, 6). Civic politics,	
7). Ethics.	
<b>VII. World–outlook</b> .....	<b>777–816</b>
1). Ontology, 2). Gnosiology, 3). Pracsiology.	
○ . Appendices .....	817–830
○○ . Indices .....	831–927
1). Bibliography, 2). Names index, 3). Subject Index.	
○○○ . Preface .....	928–932

## Contents

Chapter	Page
○ . Author's preface .....	-
<b>I. Historical background .....</b>	<b>1-132</b>
1). Rāzi' epoch, 2). Biography, 3) Study of Rāzi.	
<b>II. Methodology .....</b>	<b>133-171</b>
1). Logical deduction, 2). Empirical induction, 3). Dialectics, 4). Subject critique, 5). Documentary method.	
<b>III. Epistemology .....</b>	<b>173-268</b>
1). Philosophy of the Magi, 2). Ancient philosophers, 3). After Socrates, 4). Neo-Platonian epoch, 5). Iranian religions, 6) Islamic knowledges, 7). Rāzi's school.	
<b>IV. Natural philosophy .....</b>	<b>269-378</b>
1). Medicine & Nature, 2). Chemistry, 3). Natural sciences, 4). Atomism, 5). Natural opinions.	
<b>V. Cosmology .....</b>	<b>379-590</b>
1). Rāzi' theology, 2). Five eternal, 3). Dualism, 4). Creation in time, 5). Zurvanism, 6). Intellect & Soul, 7). Addition & Reparation.	

**In memory of  
The Martyr Sage  
Dr. Taqī Arānī**

**[Author]**



# **RHAZES the SAGE**

**(Natural Wisdom and Philosophical System)**

of

Muhammad b. Zakariyā Şayrafī

by

**Parviz Azkāei  
(Spitman)**



Tarh-e No  
Tehran, 2006